تفسیر قرآن مهر

نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ویژه جوانان





جلد ۲۰

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

تفسیر قرآن مهر جلد بیستم ----- ۱۰

مشخصات کتاب ----- ۱۰

یادآوری ----- ۱۰

درآمد ----- ۱۱

بخش اول: سوره‌ی طور ----- ۱۱

اشاره ----- ۱۱

اول: سیمای سوره‌ی طور ----- ۱۱

اشاره ----- ۱۲

کلیات ----- ۱۲

فضیلت ----- ۱۲

اهداف ----- ۱۲

مطالب ----- ۱۲

دوم: محتوای سوره‌ی طور ----- ۱۲

حوادث آستانه‌ی رستاخیز ----- ۱۲

پارسیان و نعمت های بهشتی ----- ۱۴

هر کس می‌تواند مثل قرآن بیاورد ----- ۱۶

بخش دوم: سوره‌ی نجم ----- ۲۰

اشاره ----- ۲۰

اول: سیمای سوره‌ی نجم ----- ۲۰

اشاره ----- ۲۰

کلیات ----- ۲۰

فضیلت ----- ۲۰

ویژگی ---------- ۲۰

اهداف ---------- ۲۰

مطالب ---------- ۲۰

دوم: محتوای سوره‌ی نجم ---------- ۲۱

حالات جالب پیامبر (ص) ---------- ۲۱

خرافه زدایی ---------- ۲۳

گناهان کبیره و صغیره ---------- ۲۶

قوانین موجود در کتاب های موسی و ابراهیم (ع) ---------- ۲۷

نشانه های خدا در آفرینش و تدبیر امور انسان و جهان ---------- ۲۸

بخش سوم: سوره‌ی قمر ---------- ۳۱

اشاره ---------- ۳۱

اول: سیمای سوره‌ی قمر ---------- ۳۱

اشاره ---------- ۳۱

کلیات ---------- ۳۱

فضیلت ---------- ۳۱

اهداف ---------- ۳۲

مطالب ---------- ۳۲

دوم: محتوای سوره‌ی قمر ---------- ۳۲

اشاره ---------- ۳۲

داستانهای عبرت آموز ---------- ۳۳

قرآن آسان و بیدادگر است ---------- ۳۴

بخش چهارم: سوره‌ی الرحمن ---------- ۳۴

اشاره ---------- ۳۴

اول: سیمای سوره‌ی الرحمن ---------- ۳۵

اشاره ----- ۳۵
کلیات ----- ۳۵
فضیلت ----- ۳۵
ویژگی ----- ۳۵
اهداف ----- ۳۵
مطالب ----- ۳۵
دوم: محتوای سوره‌ی الرحمن ----- ۳۶
اشاره ----- ۳۶
لزوم معیار پذیری ----- ۳۷
مشرق ها و مغرب ها ----- ۳۸
بخش پنجم:سوره ی واقعه ----- ۴۵
اشاره ----- ۴۵
اول: سیمای سوره‌ی واقعه ----- ۴۵
اشاره ----- ۴۵
کلیات ----- ۴۵
فضیلت ----- ۴۶
اهداف ----- ۴۶
مطالب ----- ۴۶
دوم: محتوای سوره‌ی واقعه ----- ۴۶
اشاره ----- ۴۶
سه گروه در رستاخیز ----- ۴۷
معاد ----- ۵۱
ویژگی های قرآن ----- ۵۳
بخش ششم: سوره‌ی حدید ----- ۵۶

اشاره ----- ۵۶
اول: سیمای سوره‌ی حدید ----- ۵۶
اشاره ----- ۵۶
کلیات ----- ۵۶
فضیلت ----- ۵۶
اهداف ----- ۵۶
مطالب ----- ۵۶
دوم: محتوای سوره‌ی حدید ----- ۵۷
بخش هفتم: سوره‌ی مجادله ----- ۷۲
اشاره ----- ۷۲
اول: سیمای سوره‌ی مجادله ----- ۷۲
اشاره ----- ۷۲
کلیات ----- ۷۲
ویژگی ----- ۷۳
اهداف ----- ۷۳
مطالب ----- ۷۳
دوم: محتوای سوره‌ی مجادله ----- ۷۳
بخش هشتم: سوره‌ی حشر ----- ۸۳
اشاره ----- ۸۳
اول: سیمای سوره‌ی حشر ----- ۸۳
اشاره ----- ۸۳
کلیات ----- ۸۳
اهداف ----- ۸۴
مطالب ----- ۸۴

دوم: محتوای سوره‌ی حشر ----- ۸۴
اشاره ----- ۸۴
بخش نهم: سوره‌ی ممتحنه ----- ۹۴
اشاره ----- ۹۴
اول: سیمای سوره‌ی ممتحنه ----- ۹۴
اشاره ----- ۹۴
کلیات ----- ۹۴
اهداف ----- ۹۴
مطالب ----- ۹۴
دوم: محتوای سوره‌ی ممتحنه ----- ۹۵
بخش دهم: سوره‌ی صفّ ----- ۱۰۲
اشاره ----- ۱۰۲
اول: سیمای سوره‌ی صف ----- ۱۰۲
اشاره ----- ۱۰۲
کلیات ----- ۱۰۲
فضلیت ----- ۱۰۳
ویژگی ----- ۱۰۳
اهداف ----- ۱۰۳
مطالب ----- ۱۰۳
دوم: محتوای سوره‌ی صف ----- ۱۰۳
منابع ----- ۱۰۹
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۱۵

تفسیر قرآن مهر جلد بیستم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ – عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳– مشخصات ظاهری : ج. شابک : ریال ج ۲۰ یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم ۱۳۸۸. یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴ ،۱۷ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج ۲۰ شامل سوره های طور، نجم، قمر، الرحمن ،واقعه، حدید، مجادله، حشر، ممتحنه عنوان روی جلد : تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری

از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیهٔاللَّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حجج‌اسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۸ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیهٔ اللَّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹ بسم اللَّه الرحمن الرحیم وصلی اللَّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰ قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۱» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۲» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۳» نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱ این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیهٔ اللَّه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی، نصرت اللَّه نیکزاد و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲ قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی، اکبر جعفری و یداللَّه رضانژاد سپاس‌گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۳/ ۱۲/ ۱۳۸۷ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳

بخش اول: سوره‌ی طور

اشاره

یادآوری توحید و دلایل آن یادآوری رستاخیز و ویژگی‌های آن طرح رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و تهمت‌های مخالفان هماوردطلبی قرآن تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۵

اول: سیمای سوره‌ی طور

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی «طور» در مکه بر پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله نـازل شـده و دارای ۴۹ آیه، ۳۱۲ کلمه و ۱۵۰۰ حرف است. این سـوره هفتـاد و پنجمین سـوره‌ی قرآن در ترتیب نزول (بعـد از سـوره‌ی فصّـِلت و قبـل از سوره‌ی مُلـک) و پنجاه و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «طُور» است که نام کوهی در صحرای سیناست. سبب نام گذاری آن آیه‌ی اول این سوره است که خدا در آن به کوه طور قسم خورده است. این کوه محل مناجات موسی علیه السلام با خدای متعال بود.

فضیلت

در مورد فضیلت قرائت این سوره از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی طور را تلاوت کند، خدا خیر دنیا و آخرت را برای او جمع می‌کنـد. «۱» تـذکر: روشن است که خوانـدن سوره‌ی طور و تدبّر در آیات آن و پذیرش محتوا و عمل بدان سبب می‌شود که خیرات دنیا و آخرت برای انسان جمع شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶

اهداف

مهم‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید؛ ۲. یادآوری رستاخیز؛ ۳. طرح رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله.

مطالب

مهم‌ترین مطـالب مطرح شـده در این سـوره عبارت‌انـد از: الف) عقایـد؛ ۱. بیـان دلایـل روشن توحیـد (در آیات ۴۳- ۳۵)؛ ۲. بیان نشانه‌هـای قیـامت و کیفر کافران (در آیات ۱- ۱۶)؛ ۳. طرح اتهامـات دشـمنان در مورد نبوت پیـامبر صـلی الله علیه و آله (در آیات ۲۹ - ۳۴). ب) اخلاـق: دسـتوراتی در زمینـه‌ی صـبر واسـتقامت و تسبیـح و حمـد (در آیـات ۴۸- ۴۹)؛ ج) مطـالب فرعی: ۱. بیان نعمت‌هـای بهشتی در رسـتاخیز برای پارسایـان (در آیـات ۱۷- ۲۸)؛ ۲. برخی از ویژگی‌هـای روز قیـامت (در آیـات ۴۴- ۴۷)؛ ۳. حمـایت الهی از پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله (در آیـات ۴۸- ۴۹)؛ ۴. نقـد تفکّرات الحادی مشـرکان (در آیات ۲۹- ۳۴)؛ ۵. فرزندان مؤمنان در قیامت به آنان ملحق می‌شوند (در آیه‌ی ۲۱)؛ ۶. مبارزه‌طلبی قرآن به آوردن مثل آن (در آیه‌ی ۳۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۷

دوم: محتوای سوره‌ی طور

حوادث آستانه‌ی رستاخیز

قرآن کریم در آیات اول تا دهم سوره‌ی طور با شـش سوگند به حقّانیت عذاب رسـتاخیز و وضع آسـمان و کوه‌ها در آن روز اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱- ۱۰. وَالطُّورِ* وَکِتَابٍ مَسْطُورٍ* فِی رَقٍّ مَنشُورٍ* وَالْبَیْتِ الْمَعْمُورِ* وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ* وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ* إِنَّ عَذَابَ رَبِّکَ لَوَاقِعٌ* مَا لَهُ مِن دَافِعٍ* یَوْمَ تَمُورُ السَّماءُ مَوْراً* وَتَسِیرُ الْجِبَالُ سَیْراً سوگند به (کوهِ) طور،* و به کتاب نوشـته شده،* در

صفحه‌ای گشوده،* و به خانه آباد،* و به سقف برافراشته،* و به دریای (پُر و) بر افروخته،* قطعاً عذاب پروردگارت واقع شدنی است!* هیچ دفع کننده برای آن نیست!* در روزی که آسمان به طور کامل بچرخد،* و کوه‌ها به طور کامل روان می‌شوند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال راست‌گوست ونیاز به سوگند ندارد، اما در موارد متعددی بر مخلوقات خویش سوگند می‌خورد تا: اولًا، بر مطلب تأکید کند، که در این جا بر وقوع عذاب در رستاخیز تأکید می‌کند. ثانیاً، اهمیت آن مخلوقات را به ما نشان دهد. البته برخی نیز احتمال داده‌اند که درهنگام سوگند به مخلوقات، واژه‌ی «ربّ» در تقدیر باشد، یعنی می‌فرماید: «سوگند به پروردگار طور و کتاب.» ۲. واژه‌ی «طُور» (کوه) ده مورد در قرآن کریم به کار رفته است که نُه مورد آن به معنای کوه طوری است که در آن جا بر موسی علیه السلام وحی فرود آمد؛ بنابراین می‌توان گفت که در این مورد نیز مقصود همان است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸ ۳. مقصود از کتابی که در صفحه‌ای گسترده نوشته شده چیست؟ مفسران پاسخ داده‌اند که مقصود همه‌ی کتاب‌های آسمانی یا تورات و یا قرآن و یا نامه‌ی اعمال انسان است. البته در این جا تورات مناسب‌تر است، چون با واژه‌ی طور سازگاتر است. ۴. مقصود از «بیتُ المَعمُور» که بدان سوگند یاد شده چیست؟ در این مورد مفسران چند احتمال داده‌اند: الف) همان خانه‌ی کعبه است که به سبب زیارت مستمر حاجیان آباد است و آن نخستین خانه‌ای است که در زمین برای عبادت ساخته و آباد شده است. ب) اشاره به خانه‌ای است در برابر خانه‌ی کعبه در آسمان معنویت که با عبادت فرشتگان آباد است. «۱» ج) مراد خانه‌ی آباد قلب مؤمن است که با ایمان و ذکر آباد است. «۲» ۵. مقصود از سقف برافراشته که بدان سوگند یاده شد است، یا همان آسمانی است که ستارگان آن همانند سقفی بالای سرما را پوشانده‌اند و یا جو اطراف زمین است که قشر فشرده‌ای از هواست و هم‌چون سقف محکمی اطراف آن را فراگرفته و از نفوذ شهاب‌سنگ‌ها و اشعه‌های زیانبار جلوگیری می‌کند. «۳» ۶. مقصود از دریای برافروخته یا دریای پُر» که بدان سوگند یاد شده، چیست؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹ مفسران در این مورد دو پاسخ داده‌اند: الف) منظور همین دریاهای کره‌ی زمین است که در آستانه‌ی قیامت برافروخته و سپس منفجر می‌شوند، که در آیات قرآن بدان اشاره شده است. «۱» منظور دریای مواد مذاب درون زمین است که در برخی احادیث بدان اشاره شده است. «۲» البته مانعی ندارد که «دریای برافروخته» اشاره به هر دومعنا باشد. ۷. در این آیات به قدرت خدا در جهان تکوین و تشریع اشاره شده است؛ یعنی از طرفی به مکان وحی الهی و کتاب وحی و قانون‌گذاری و از طرف دیگر به قدرت خدا در برافراشتن آسمان و برافروختن دریاها اشاره شده است. و همه‌ی این‌ها نشانه‌ی قدرت خدا برای برپایی رستاخیز و عذاب خلافکاران است؛ قدرت خدا برای عذاب چنان قوی و شکست‌ناپذیر است که هیچ چیز نمی‌تواند مانع آن شود. ۸. در این آیات به دو حادثه‌ی بزرگ رستاخیز اشاره شده است: الف) حرکت سریع و دورانی و دگرگونی آسمان‌ها؛ ب) از جاکنده شدن کوه‌ها و حرکت آنها. آری؛ در آستانه‌ی رستاخیز نظام حاکم بر کرات آسمانی درهم می‌ریزد و ستارگان و سیارات از مدار خود خارج می‌شوند و آسمان هم‌چون طوماری درهم پیچیده می‌شود و کوه‌ها همانند پشم زده شده متلاشی می‌شوند و زمین زمین دیگری می‌شود. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در کتاب وحی، محل نزول وحی و خانه‌ی آباد (کعبه) و آسمان و دریا دقت کنید که این‌ها مهم وقابل سوگندند. ۲. در وقوع عذاب الهی (در رستاخیز) تردیدی نیست (پس برای آن روز آماده شوید). ۳. هیچ قدرت و مانعی در برابر اراده‌ی خدا در تحقّق رستاخیز وجود ندارد (پس به غیر خدا دل خوش نکنید). ۴. روز رستاخیز روز جنبش آسمان و کوه‌ها (و در هم ریختن نظام موجود) است (پس برای حوادث آن روز آماده شوید). *** قرآن کریم در آیات یازدهم تا شانزدهم سوره‌ی طور به فرجام عذاب‌آلود تکذیب‌گران و مجازات آنان با تجسّم اعمالشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱- ۱۶. فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ* الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ* يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعّاً* هذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ* أَفَسِحْرٌ هذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ* اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!* (همان) کسانی که آنان در (باطل) فرو رفته، بازی می‌کنند.* روزی که به سوی آتش جهنّم به سختی کاملًا رانده می‌شوند.* (به آنان گفته می‌شود:) این آتشی است که

همواره آن را دروغ می‌انگاشتید!* و آیا این سحر است یا شما نمی‌بینید؟!* بدان (دوزخ) وارد شوید (و بسوزید)! و شکیبا باشید یا شکیبا نباشید، برای شما یکسان است؛ که فقط به آنچه همواره انجام می‌دادید مجازات خواهید شد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عوامل عذاب دوزخیان عبارت‌اند از: تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۱ الف) آنان معاد و پیامبران و آیات الهی را دروغ می‌انگاشتند. ب) در سخنان باطل فرو می‌رفتند و حقایق را به بازی می‌گرفتند و در این راه دست به تهمت و دروغ می‌زدند و پیامبران را ساحر می‌خواندند. ۲. دوزخیان دو گونه عذاب می‌شوند: الف) عذاب به وسیله‌ی آتش جهنّم؛ ب) عذاب روحی و روانی و تحقیر و سرزنش؛ یعنی دوزخیان را با زور به طرف آتش می‌برند و به طور سرزنش‌آمیزی به آنان می‌گویند: آیا این آتش سحر است؟ اما با بهشتیان محترمانه برخورد می‌کنند. ۳. صبر یا بی‌صبری دوزخیان در عذاب آنان تأثیری ندارد؛ چون به ناله‌های آنها گوش داده نمی‌شود و در هر صورت باید در جهنّم بسوزند و بمانند. ۴. در این آیات به «تجسّم اعمال» اشاره شده است؛ یعنی روز رستاخیز روزی است که اعمال بد انسان به صورت عذاب ظاهر می‌شود و او را گرفتار می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گروهی (به خاطر منافع خود) در برابر حق می‌ایستند و آن را تکذیب می‌کنند (م). ۲. تکذیب معاد و باطل‌گرایی و بازی کردن با حقایق، زمینه‌ساز عذاب الهی است. ۳. در رستاخیز دوزخیان علاوه بر عذاب دوزخ، گرفتار عذاب‌های روانی نیز می‌شوند. ۴. دوزخیان مورد تحقیر و سرزنش قرار می‌گیرند و تهمت‌هایی که به رهبران الهی می‌زدند به رخ آنان کشیده می‌شود. ۵. در دوزخ صبر و یا فریاد سودی به حال دوزخیان ندارد. ۶. عذاب دوزخ نتیجه و تجسّم اعمال خود انسان است (پس مراقب اعمال خویش باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲

پارسیان و نعمت های بهشتی

قرآن کریم در آیات هفدهم تا بیستم سوره‌ی طور به فرجام نیک پارسایان بهشتی اشاره می‌کند و با بیان نعمت‌های آنان در بهشت می‌فرماید: ۱۷- ۲۰. إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَنَعِیمٍ* فَاکِهِینَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِیمِ* کُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِیئاً بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ* مُتَّکِئِینَ عَلَی سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِینٍ در حقیقت پارسایانِ (خود نگه‌دار) در بوستان‌ها (ی بهشتی) و نعمت‌های فراوان هستند؛* در حالی که به آنچه پروردگارشان به آنان داده، شادمانند؛ و پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است.* (به آنها گفته می‌شود:) بخورید و بیاشامید گوارا؛ به خاطر آنچه همواره انجام می‌دادید.* در حالی که بر تخت‌های صف کشیده تکیه کرده‌اند، و حوریانی فراخ چشم (و همسرانی سپید چشم) را به ازدواج آنان در آورده‌ایم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله است؛ یعنی سرنوشت انسان‌های بدکار و نیکوکار را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا انسان‌ها بهتر بتوانند راه خویش را برگزینند. در آیات قبل سرنوشت دوزخیان و عذاب‌های آنان بیان شد و در این آیات سرنوشت بهشتیان و نعمت‌های آنان بیان می‌شود. ۲. پارسایی و تقوای بهشتیان زمینه‌ساز ورود آنان به بهشت واستفاده از نعمت‌های آن است. ۳. در این آیات به چند نعمت بهشتی اشاره شده که عبارت‌اند از: الف) ورود به بوستان‌های بهشتی باعظمت؛ «۱» ب) ورود به نعمت‌های فراوان و باعظمت؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳ ج) شادمانی از عطایای پروردگار و سخنان شیرین گفتن در مورد آنها؛ «۱» د) امنیت از عذاب، که یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های بهشتیان است؛ ه) خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های گوارای بهشت، که هیچ گونه عوارض ناگواری ندارند؛ و) استراحت با تکیه زدن برتخت‌های صف کشیده، یعنی نعمت انس و الفت با دوستان با آرامش کامل؛ ز) ازدواج با همسرانی زیبا، درشت‌چشم و سفیدچشم از حور العین. «۲» ۴. در این آیات از خدا با عنوان «ربُّهم» یاد شده که اشاره به لطف خدا و پرورش‌گری او نسبت به بهشتیان است. ۵. نعمت‌های بهشت به خاطر اعمالی است که بهشتیان انجام می‌دادند؛ یعنی نتیجه‌ی اعمال آنهاست که البته با فضل وبخشش پروردگار افزون گشته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پارسایی زمینه‌ساز ورود به بهشت است. ۲. سرور و امنیت از نعمت‌های الهی بهشتیان است. ۳. بهشت نتیجه‌ی اعمال شماست و آن را به بها

می‌دهند (نه بهانه). ۴. خدا به بهشتیان همسرانی زیبا و خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های گوارا عطا می‌کند. ۵. نعمت‌های بهشتی فراوان و متنوع است، اگر آنها را می‌خواهید پارسا شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۴ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی طور به همراهی فرزندان بهشتیان با آنان و کاسته نشدن اعمالشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. وَالَّذِینَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُم بِإِیمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِم مِن شَیْءٍ کُلُّ امْرِئٍ بِمَا کَسَبَ رَهِینٌ و کسانی که ایمان آوردند و نسل آنان در ایمان از آنان پیروی کردند، نسلشان را به آنان ملحق سازیم؛ و از (پاداش) کارشان هیچ چیز نمی‌کاهیم؛ و هر انسانی در گرو دستاورد (خویش) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از فرزندانی که به پدرانشان در بهشت ملحق می‌شوند چه کسانی هستند؟ مفسران در این مورد دو پاسخ داده‌اند: الف) مقصود فرزندان بالغی هستند که ایمان آورده ولی تقصیراتی داشته‌اند، که به خاطر پدران پارسا از آنان درمی‌گذرند و وارد بهشت می‌شوند. «۱» ب) مقصود فرزندان نابالغ و خردسال‌اند که به پدرانشان در بهشت ملحق می‌شوند؛ البته ظاهر آیه با تفسیر اول سازگارتر است ولی طبق تفسیر دوم نیز روایاتی وجود دارد. «۲» ۲. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که خدا در رستاخیز زمینه‌ای برای آزمایش فرزندان نابالغ فراهم می‌سازد و پس از موفقیت در آزمایش آنها را نیز ملحق به پدرانشان می‌کند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵ ۳. این یکی از الطاف الهی و نعمت‌های بهشتی است که مؤمنان از نعمت انس با فرزندان بی بهره نمی‌شوند و عیش آنان کامل می‌شود. ۴. در این آیه بیان شده که هرکس در گرو اعمال بد خویش و یا در گرو همه‌ی اعمال نیک و بد خویش و یا همراه و ملازم اعمال خویش است؛ «۱» از این رو پارسایان در بهشت پاداش همه‌ی اعمال خویش را درمی‌یابند و ملازم اعمال خود هستند و چیزی از آنان کاسته نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان پدران بلندمرتبه درسرنوشت فرزندان آنان اثر دارد (و موجب سعادتمندی آنان می‌شود). ۲. به نسل با ایمان مؤمنان احترام بگذارید. ۳. اگر خدا چیزی به مؤمنان بهشتی می‌دهد، چیز دیگری از آنان کم نمی‌کند و این نهایت لطف اوست. ۴. هرکس همراه اعمال خویش است (پس در مورد کردار خود دقت کنید). *** قرآن کریم در آیات بیست و دوم تا بیست و هشتم سوره‌ی طور به نعمت‌های بهشتی و سخنان بهشتیان در مورد مشکلات دنیا و دعاهای ایشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲- ۲۸. وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاکِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا یَشْتَهُونَ* یَتَنَازَعُونَ فِیهَا کَأْساً لَا لَغْوٌ فِیهَا وَلَا تَأْثِیمٌ* وَیَطُوفُ عَلَیْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ کَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَکْنُونٌ* وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ یَتَسَاءَلُونَ* قَالُوا إِنَّا کُنَّا قَبْلُ فِی أَهْلِنَا مُشْفِقِینَ* فَمَنَّ اللَّهُ عَلَیْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ* إِنَّا کُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُإِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِیمُ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶ و با میوه و گوشت از آنچه میل دارند آنان را مدد می‌رسانیم.* در آن (بهشت) در مورد جام [پر از شراب که نه در آن بیهودگی است و نه گناه، کشمکش می‌کنند.* و جوان پسرانی که برای آنان است، بر (گرد) ایشان می‌چرخند، چنان که گویی آنان مروارید پنهان (در صدف) ند.* و برخی آنان به برخی [دیگر] روکرده درحالی که از یکدیگر می‌پرسند؛* گویند: «در واقع ما پیش (از این) در خانواده‌ی‌مان بیمناك بودیم!* و خدا بر ما منّت نهاد و ما را از عذاب سوزان حفظ کرد.* در حقیقت ما پیش از (این)، او را می‌خواندیم (و می‌پرستیدیم، چرا) که فقط او نیکوکار [و] مهرورز است» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چند نعمت بهشتی اشاره شده است که عبارت‌انداز: الف) میوه‌ها و گوشت‌های بهشتی، از هر نوعی که بهشتیان میل داشته باشند. البته بهشت مثل دنیا نیست که برخی از میوه‌ها در بعضی از فصل‌ها یافت نمی‌شوند بلکه همه‌ی میوه‌ها به طور جاودانی در اختیار بهشتیان‌اند. ب) شراب طهور بهشتی که با نوشیدن آن مستی و گناه پیدا نمی‌شود، بلکه سراسر هوشیاری و لذت روحانی می‌آورد. ج) خدمتکارانی از نوجوانان زیبا که هم‌چون مروارید در صدف‌اند، به خدمت بهشتیان همت می‌گمارند و مرتب گردآنان می‌چرخند تا خواسته هایشان را برآورده کنند. د) گفتمان بهشتیان در مورد مشکلات دنیا و نجات از آنها، یکی از لذت‌بخش‌ترین نعمت‌های بهشتی است. ه) امنیت بهشتیان از عذاب کشنده و یاد آن نیزیکی از نعمت‌های بهشتیان است. ۲. در این آیات به تفاوت شراب‌های بهشتی با شراب‌های دنیوی اشاره شده و آن این که شراب دنیوی مست کننده است و عقل انسان را زایل می‌کند و نوشیدن آن گناهی بزرگ است، اما شراب بهشتی نه مستی و نتایج سوء در پی دارد و نه گناه، و اعمال

نامناسب. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۷ ۳. در بهشت هر مؤمنی خدمت‌گزارانی زیبا مخصوص خود دارد. «۱» و در حدیثی آمده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد خدمتکاران هم‌چون مروارید بهشت پرسیدند که با این حال مؤمنان بهشتی چگونه‌اند: حضرت پاسخ دادند: برتری مؤمنان بهشتی که مورد خدمت قرار می‌گیرند بر خدمت‌گزاران (بهشت) هم‌چون برتری ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است. «۲» ۴. مقصود از ترس مؤمنان بهشتی در میان خانواده‌ی خود در دنیا چیست؟ مفسران این پرسش را سه گونه پاسخ داده‌اند: الف) مؤمنان نگران انحراف خانواده‌ی خویش بودند و از این رو به تربیت آنها توجه می‌کردند. ب) مؤمنان از دشمنان سنگدل ترس داشتند و به حفظ خویش در برابر آنان توجه می‌کردند. ج) مؤمنان از عذاب خدا می‌ترسیدند و از این رو به نجات خویش توجه داشتند. «۳» البته با توجه به آیات قبل و بعد معنای سوم مناسب‌تر است. «۴» ۵. مقصود از خانواده در این آیات، یا همه‌ی دوستان و خویشان‌اند که مؤمنان در آن جا نیز احساس امنیت نمی‌کردند و از آینده‌ی آنان و عذاب الهی بیمناک بودند. و یا منظور خانواده‌ی غیرمؤمن است که شخص مؤمنی در میان آنان زندگی می‌کند و احساس امنیت نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۸ ۶. «سَمُوم» به معنای حرارتی است که در سوراخ‌های ریز بدن داخل می‌شود و کشنده است و در این جا اشاره به عذاب کشنده‌ی الهی است. ۷. در این آیات میوه‌های بهشتی بر گوشت‌ها مقدم شده‌اند و این شاید بیانگر برتری میوه‌ها بر گوشت‌هاست «۱» و یا اشاره به این که خوردن غذا را با میوه آغاز کنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غذای خوب آن است که به دل خواه انتخاب شود. ۲. نوشیدنی خوب آن است که مست‌آور و گناه‌آلود نباشد. ۳. خدمت‌گزار خوب آن است که جوان، زیبا و پرتحرّک باشد. ۴. در هنگام خوشی به یاد دوران ناراحتی باشید (تا قدر لذت‌ها را بدانید). ۵. به دنبال نگرانی مؤمنان در دنیا، آرامش و لذت بهشت است. ۶. نجات از عذاب، نعمت بزرگ الهی است (پس به یاد آن باشید و شکر کنید). ۷. نتیجه‌ی ارتباط با خدا در دنیا، نیکی و مهر الهی در آخرت است (پس با خدا رابطه برقرار کنید). ***

هر کس می‌تواند مثل قرآن بیاورد

قرآن کریم در آیات بیست و نهم تا سی و چهارم سوره‌ی طور به تهمت‌های مخالفان به پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن اشاره می‌کند و با مبارزه طلبی برای آوردن مثل قرآن می‌فرماید: ۲۹- ۳۴. فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ* أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ* قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُم مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ* أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ* أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ* فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۹ پس تذکر ده، که تو به نعمت (و لطف) پروردگارت، پیشگو و دیوانه نیستی،* بلکه می‌گویند: «شاعری است که (حادثه) مرگ مشکوکی را برای او انتظار می‌کشیم!»* بگو: «انتظار بکشید که من (نیز) با شما از منتظرانم!»* یا عقل‌هایشان آنان را به این فرمان می‌دهد، یا آنان گروهی طغیانگرند؟!* یا می‌گویند: «آن (قرآن) را فرا بافته است؟!» بلکه ایمان نمی‌آورند.* پس اگر راست گویند، سخنی همانند آن (قرآن) بیاورند! شأن نزول: حکایت شده که قریش در محل مشاوره‌ی خود درکنار کعبه جمع شدند تا در برابر دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله چاره‌اندیشی کنند. یکی از آنان گفت: ما باید منتظر مرگ او باشیم، زیرا او شاعر است و به زودی از دنیا می‌رود، همان طور که شاعران دیگر مردند (و بساطشان برچیده شد). آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و به تهمت آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «کاهِن» به کسی گفته می‌شود که به وسیله‌ی ارتباط با جنیان از اسرار غیبی خبر می‌دهد، ولی این کار در اسلام حرام و ممنوع است و معمولًا کسانی که چنین ادعاهایی دارند افراد هوشیار و فریبکاری هستند که از هوش خود سوء استفاده می‌کنند. ۲. به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند که کاهن و دیوانه است در حالی که کاهنان افرادی هوشیار و دیوانگان برخلاف آن‌اند و این دو صفت متضاد در یک نفر جمع نمی‌شود. ۳. «رَیْب مَنُون» به معنای مرگ مشکوک و نامعلوم است و برخی مفسران آن را به معنای حوادث روزگار و بعضی نیز به معنای حالت اضطراب قبل از مرگ می‌دانند. ولی این معانی لازم و ملزوم یک‌دیگرند، چون

حوادث پیش‌بینی نشده تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۰ موجب اضطراب و تردید و گاهی منتهی به نقصان و مرگ می‌شوند. «۱» ۴. این آیات مشرکان و مخالفان اسلام را تهدید می‌کنند که اگر شما منتظر مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و شکست اسلام هستید، ما هم منتظر شکست شما و نزول عذاب برشما هستیم؛ و سرانجام انتظار پیامبر صلی الله علیه و آله برآورده و اسلام پیروز شد و مشرکان شکست خوردند. ۵. «احلام» در اصل به معنای عقل یا خواب است و مشرکان به سران خود «صاحبان عقل» می‌گفتند. این آیه از مشرکان می‌پرسد که آیا سران صاحب‌عقل شما گفتند که تهمت بزنید و توهین کنید! یا عقل آنان دستور داده و یا سخنان آنها نتیجه‌ی خواب‌های پریشان آنهاست! آری؛ این تهمت‌ها و توهین‌ها دستور عقل و عقلا نیست، پس مطالبی غیرعقلانی است. ۶. مشرکان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را شاعر می‌خواندند چرا که می‌دیدند سخنان آن حضرت مردم را به سوی خود جذب می‌کند، درحالی که محتوای عالی و قوانین بلند قرآن کریم خیالی و شعری نیست، هر چند آهنگی دلنشین دارد. ۷. مشرکان قرآن را نیز کلامی دروغین می‌پنداشتند که پیامبر آن را به خدا بر بسته و از طرف خدا نیست! ولی خدای متعال با لحنی قاطع به آنان پاسخ می‌دهد که اگر راست می‌گویید، سخنی مثل آن بیاورید، تا معلوم شود که بشر نیز می‌تواند این‌گونه کتابی بیاورد. ۸. مبارزه‌طلبی قرآن در اصطلاح «تَحدّی» نامیده می‌شود. قرآن کریم در آیات متعدد مخالفان خود را به مبارزه می‌طلبد. گاهی می‌فرماید: اگر می‌توانید سخنی مانند آن بیاورید. و در جای دیگر می‌فرماید: اگر می‌توانید ده سوره مانند آن بیاورید. «۲» و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: اگر می‌توانید یک سوره مانند قرآن بیاورید. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۱ ولی مخالفان و مشرکان در برابر قرآن عاجز شدند و هیچ گاه نتوانستند مانند آن را بیاورند، و بدین ترتیب اثبات می‌شود که این کتاب بشری نیست، بلکه معجزه‌ای الهی و وحیانی است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وظیفه‌ی رهبران و مبلغان دینی، یادآوری است. ۲. رهبران الهی منتظر تهمت‌های مخالفان باشند (و مقاومت کنند). ۳. در برابر دشمن نادان، شکیبا و با او با ملایمت رفتار کنید (م). ۴. گذشت زمان و انتظار به نفع مخالفان اسلام نخواهد بود. ۵. سرکشی ریشه‌ی مخالفت با رهبران الهی است. ۶. مخالفان لجوج بنای بی‌ایمانی دارند و از این روست که به پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن تهمت می‌زنند. ۷. هرکس قرآن راغیر الهی می‌داند، مِثل آن را بیاورد. *** قرآن کریم در آیات سی و پنجم تا چهل و سوم سوره‌ی طور به بازپرسی از مشرکان پرداخته و در ضمن آن به بطلان عقاید و توطئه‌های آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵- ۴۳. أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ* أَمْ خَلَقُوا السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ بَل لَا يُوقِنُونَ* أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ* أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ* أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ* أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْراً فَهُم مِن مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ* أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ* أَمْ يُرِيدُونَ كَيْداً فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ* أَمْ لَهُمْ إِلهٌ غَيْرُ اللَّهِ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۲ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ یا از هیچ چیز آفریده شده‌اند، یا آنان آفریننده‌اند؟!* یا آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟! بلکه یقین ندارند.* یا منابع پروردگارت نزد آنهاست، یا آنان سیطره دارند؟!* یا برای آنان نردبانی است که با آن (اسرار را) می‌شنوند؟! پس باید شنونده‌ی آنان دلیلی آشکار آورد!* یا فقط برای او دختران است. و پسران فقط برای شماست؟!* یا از آنان پاداشی می‌طلبی پس آنان از زیان (آن) گرانبارند؟!* یا (اسرار) نهان فقط نزد آنان است، پس آنان (از آن جا) می‌نویسند؟!* یا نیرنگی (درباره تو) می‌خواهند؟! و [لی فقط کسانی که کفر ورزیدند نیرنگ زده شده‌اند!* یا برای آنان معبودی غیر از خداست؟! منزّه است خدا از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های بحث و استدلال آن است که با طرح پرسش‌های مناسب، طرف مقابل را بیدار سازند و متوجه بطلان عقایدش بکنند. قرآن کریم درآیات فوق از همین روش در برابر مشرکان استفاده کرده و در ضمن یازده پرسش، فکر آنان را به کار انداخته است تا متوجه اشتباهات عقیدتی خود و بطلان شرک بشوند. ۲. دو پرسش اول درحقیقت اشاره به برهان علیت است که خلاصه‌ی آن چنین است: وجود شما یا بدون علت به وجود آمده است (که این فرض باطل است، چون همه چیز علت دارد) و یا وجود شما علتی دارد، که در این صورت یا علت آن خود شما یا مخلوقات شما یا دیگر مخلوقات هستند (که در این صورت دور یا تسلسل پیش می‌آید و این مطلب باطل

است) و یا این که علت وجود شما شخص دیگری است که همان خدای بزرگ است که علت و خالق همه چیز است. ۳. این آیات از مشرکان می‌پرسد که خالق جهان کیست، آیا شما آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اید؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۳ اگر جواب منفی است، پس مسلماً جهان آفریدگاری توانا دارد؛ پس چرا ایمان نمی‌آورید و لجاجت می‌کنید و با اهل یقین همراه نمی‌شوید. ۴. در این آیات به ناتوانی مشرکان در دست‌رسی به خزاین و معادن پروردگار و تسلّط بر جهان اشاره شده است. به راستی اگر انسان آن‌قدر ناتوان است که در همه‌ی زندگی خود نیازمند خداست، پس چرا شرک می‌ورزد و در برابر حق لجاجت می‌کند. ۵. در این آیات بیان شده که مشرکان نه از اسرار غیب خبر ندارند و نه وسیله‌ای برای اطلاع از آن دارند؛ آنان گیرنده‌ای مجهّز ندارند تا امواج و اخبار غیبی جهان را بشنوند، پس نه باید با ادعاهای بی‌دلیل در برابر وحی و نبوت لجاجت کنند و خبرهای نادرست در مورد مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و شاعر و ساحر بودن او بدهند. ۶. در این آیات به یک عقیده‌ی خرافی مشرکان اشاره شده است. آنان می‌پنداشتند که دختران پست‌تر از پسران‌اند و از این رو اگر همسرانشان دختر می‌آوردند ناراحت می‌شدند؛ ولی در همان حال فرشتگان را دختران خدا می‌خواندند! در این آیات با استفاده از عقاید باطِلِ طرفِ مقابل، بر ضد خود او استدلال شده است؛ بدین صورت که اگر دختران در نظر شما پست‌ترند، پس چرا آنان را به خدا نسبت می‌دهید و پسران را برای خود می‌خواهید! البته روشن است که این ارزش‌گذاری مشرکان خرافی و باطل است و حقیقت روحی زن ومرد همسان است و هر دو برای رسیدن به کمال آزادند؛ افزون بر آن که خدا فرزندی ندارد تا پسر باشد یا دختر و این سخنان مشرکان جز تهمت و دروغ نیست. ۷. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مردم مزد رسالت نخواست تا بار گرانی بر دوش آنان باشد، بلکه مزد تبلیغات و هدایتگری و راه‌نمایی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خداست. ولی با این حال مشرکان سخنان هدایتگرانه‌ی ایشان را نمی‌پذیرفتند. ۸. مشرکان برای قتل پیامبر صلی الله علیه و آله توطئه کردند و به او تهمت‌ها زدند ولی تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۴ خدا توطئه‌های مشرکان را خنثی کرد و نیرنگ آنان دامانشان را گرفت و مقدمه‌ی شکست نهایی خودشان شد. «۱» ۹. این آیات مشرکان را در مورد عقیده‌شان به وجود معبود غیر خدا مورد بازپرسی قرار می‌دهد ولی پاسخ آنان را نمی‌دهد و فقط خدا را پاک و منزّه از شریک معرفی می‌کند؛ چرا که بطلان معبودهای چوبی و سنگی روشن است و نیاز به استدلال ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با طرح پرسش‌های حساب شده از مشرکان بازپرسی کنید (تابیدار شوند و به بطلان عقاید خود پی ببرند). ۲. اگر شما توانایی خلق خود و جهان را ندارید، پس خالق آنها را بشناسید و بپرستید. ۳. اگر شما بر خزاین الهی و جهان و اخبار غیبی تسلط ندارید، پس چرا بدون دلیل سخن می‌گویید (و در برابر وحی و پیامبر صلی الله علیه و آله موضع می‌گیرید)؟ ۴. چندی را که خود نمی‌پسندید به خدا نسبت ندهید. ۵. قدر رهبران دل‌سوز و بدون چشم‌داشت را بدانید. ۶. نیرنگ بازی مشرکان به خودشان ضرر می‌زند. ۷. به دنبال شرک نروید که خدا از این امور منزّه است. *** قرآن کریم در آیات چهل و چهارم تا چهل و هفتم سوره‌ی طور به انکار حقایق حسّی توسط مشرکان اشاره کرده، با تهدید آنان می‌فرماید: ۴۴- ۴۷. وَإِن يَرَوْا كِسْفاً مِنَ السَّماءِ سَاقِطاً يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ* فَذَرْهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِى فِيهِ يُصْعَقُونَ* يَوْمَ لَا يُغْنِى عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ* وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَاباً دُونَ ذلِكَ وَلكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۵ و اگر ببینند پاره از آسمان را فرود افتاده، گویند این ابری است بر هم نشسته!* پس بگذار ایشان را، تا روزشان را که در آن (روز) مدهوش می‌شوند (و می‌میرند) دریابند!* روزی که نیرنگشان هیچ چیز را از آنان دفع نمی‌کند، و آنان یاری نمی‌شوند.* و درحقیقت برای کسانی که ستم کردند، عذابی غیر از آن (عذاب، در دنیا) است، و لیکن بیش‌ترشان نمی‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان آن‌قدر لجوج ومتعصب‌اند که حتی حقایق حسّی، مثل ساقط شدن قطعه‌ی سنگی از آسمان را انکار وتوجیه می‌کنند و می‌گویند ابری متراکم است. آری؛ گاهی هواپرستی و گناه و تعصب هم‌چون پرده‌ای برچشم انسان می‌افتد و مانع دیدن حقایق می‌شود. ۲. مقصود از ملاقات روزی که مشرکان در آن مدهوش می‌شوند، همان روز مرگ آنها ست که پس از آن عذاب‌های برزخ و قیامت قرار دارد و برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که

مقصود روز رستاخیز باشد. «۱» البته مانعی ندارد که هر دو مقصود باشد. ۳. مقصود از رهاکردن مشرکان تا روز مرگ و عذاب، آن است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد تبلیغ و هدایت آنان پافشاری نکند؛ چون آنان افرادی لجوج و متعصب هستند که حتی حقایق حسّی را منکر می‌شوند، پس ایمان نخواهند آورد و باید آنان را تا روز عذاب رها کرد. چندین چراغ دارد و بی‌راهه می‌رود بگذار تا بیفتد و بیند سزای خویش (سعدی) ۴. مقصود از عذابی که قبل از روزمرگ و رستاخیز به مشرکان می‌رسد چیست؟ مفسران در این مورد دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود انواع عذاب‌های الهی، هم‌چون زلزله و صاعقه است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۶ ب) منظور حوادثی هم‌چون جنگ بدر است که نوعی عذاب برای مشرکان بود، ولی آنان از این عذاب‌هایی که در انتظارشان بود خبر نداشتند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام افرادی متعصب و جاهل‌اند که حقایق حسّی را نیز انکار می‌کنند. آری؛ انسان گرفتار جهل و ظلمت، به تحریف واقعیات روی می‌آورد. ۲. مخالفان حتی پس از دیدن عذاب، آن را باور نمی‌کنند و توجیه می‌کنند. ۳. رهبران و مبلغان الهی به دنبال هدایت افراد لجوج نباشند (که هدایت الهی، حد و مرزی دارد و هادیان رسالتی معین دارند). ۴. در انتظا روز بی‌یاوری باشید که هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید. ۵. مشرکان علاوه برعذاب اخروی، گرفتار عذاب دنیوی نیز می‌شوند. ۶. عذاب نتیجه‌ی ظلم (بر خود و دیگران) است (م). ۷. اکثر مخالفان اسلام نا آگاه‌اند (و اکثریت همواره با حق دمساز نیستند). *** قرآن کریم در آیات چهل و هشتم و چهل و نهم سوره‌ی طور پیامبر صلی الله علیه و آله را به شکیبایی و تسبیح گویی فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۴۸ و ۴۹. وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ* وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ و برای (ابلاغ) حکم پروردگارت شکیبا باش، چرا که تو زیرنظر مایی، و هنگامی که برمی‌خیزی، با ستایش پروردگارت تسبیح گوی.* و بخشی از شب (را بپاخیز)، و او را تسبیح گوی، و از پی ستارگان (نیز تسبیح گوی). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان اسلام به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت سحر و جنون می‌زدند و گاه او را شاعر و کاهن می‌خواندند، ولی خدا به پیامبرش دستور می‌دهد که شکیبا باش و استقامت کن که تو تحت نظر ما هستی و ما از تو حمایت می‌کنیم. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۷ ۲. مقصود از حکم پروردگار، در این آیات، همان تبلیغ احکام الهی و یا دستور خدا در مورد شکیبایی و یا انتظار در مورد عذاب خداست، که باید اجرا شود، البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. ۳. خدا جسم نیست و چشم ندارد و تعبیر «تو در برابر چشمان ما هستی» کنایه از احاطه‌ی علمی خدا و حمایت و لطف او نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله است که آگاهی از آن به ایشان نیرو و استقامت می‌بخشد. ۴. مقصود از تسبیح گویی در هنگام برخاستن، همان تسبیح گفتن زمان سحرگاه است که افراد برای نماز شب برمی‌خیزند و یا هنگامی است که برای انجام هر نماز واجب بر می‌خیزند و یا هنگام برخاستن از هر مجلس است که انسان می‌تواند با تسبیح پروردگار جان خود را صفا ببخشد و از او مدد بگیرد. ۵. در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام برخاستن از مجلس، تسبیح و حمد پروردگار را به جا می‌آورد و می‌فرمود: «این کفاره‌ی مجلس است.» «۱» ۶. در مورد آیه‌ی آخر سوره‌ی طور بسیاری از مفسران برآن‌اند که مقصود از تسبیح در شب، همان نماز شب است که مجموعاً در یازده رکعت انجام می‌شود؛ یعنی هشت رکعت نافله‌ی شب و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وَتر. «۲» ۷. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که دو رکعت نماز نافله‌ی صبح بهتر است از دنیا و آنچه در آن است. «۳» ۸. مقصود از تسبیح بعد از پشت کردن ستارگان، همان دو رکعت نماز نافله‌ی صبح است که قبل از نماز صبح به جا آورده می‌شود. همان طور که در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده است. «۴» ۹. در این آیات به صبر درکنار تسبیح و ستایش پروردگار دستور داده تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۸ شده است؛ یعنی‌عبادت و صبر در کنارهم مطلوب‌اند، چون عبادت به انسان نیرو می‌دهد و صبر و استقامت او را زیاد می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبلغان و رهبران الهی در راه انجام دستورات الهی شکیبا باشند (تا مورد تأیید پروردگار قرار گیرید). ۲. رهبران و مبلغان الهی تحت نظر خدا هستند (پس از مخالفت دشمنان نهراسند ودر انجام وظیفه کوتاهی نکنند). ۳. با تسبیح و ستایش حق به پاخیزید (که تسبیح و حمد الهی در همه‌ی اوقات نیکوست). ۴. بخشی از شب و بامداد را به

عبادت اختصاص دهید (که عبارت خدا نیاز به برنامه‌ریزی دارد) «۱». تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۴۹

بخش دوم: سوره‌ی نجم

اشاره

مبـارزه بـا شـرک و خرافـات یادآوری نبوت و برخی کتب و اقوام پیامبرن پیشـین یادآوری معاد و دلایل آن اشاره‌ای به معراج پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۵۱

اول: سیمای سوره‌ی نجم

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی «نجم» در مکه بر پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله نازل شده است، و دارای ۶۲ آیه، ۳۰۸ کلمه و ۱۴۰۵ حرف است. سوره‌ی نجم بیست و دومین سـوره در ترتیب نزول (بعـد از سـوره‌ی «اخلاـص» (توحیـد) وقبـل از سوره‌ی «عبس») پنجـاه و سومین سوره در چینش کنـونی قرآن است. تنهـا نـام این سـوره «نجم» است که از آیه‌ی اول آن گرفته شـده است و برای آن معـانی مختلفی از جمله «ستاره» را ذکر کرده‌اند، که خدا بدان قسم یاد کرده است.

فضیلت

در مورد فضـیلت قرائت این سوره از امـام صـادق علیه السـلام روایت شـده که هر کس سوره‌ی نجم را پیوسـته در روزهـا یـا شب‌ها تلاوت کنـد، در میان مردم فردی شایسـته شـناخته می‌شود و محبوب مردم می‌گردد و خدا او را می‌آمرزد. «۱» تذکر: این آثار برای سوره‌ی نجم هنگامی پدیـد می‌آیـد که انسان سوره‌ی نجم را بخواند و به محتوای آن عمل نماید، که در این صورت، عامل به قرآن و شخصی شایسته شناخته می‌شود و اعمال نیک او سبب بخشش او از طرف خدا خواهد شد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۵۲

ویژگی

این سوره دارای یک سجده‌ی واجب است؛ یعنی هنگامی که آیه‌ی آخر آن خوانده می‌شود، سجده واجب می‌گردد.

اهداف

مهم‌ترین هـدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. مبارزه با شـرک و خرافات؛ ۲. مسـأله‌ی وحی و نبوت پیامبر صـلی الله علیه و آله؛ ۳. یادآوری معاد.

مطالب

در این سوره مطالب مهم زیر به چشم می‌خورد: الف) عقاید: ۱. مباره با شرک و بت‌پرستی (در آیات ۱- ۲۶)؛ ۲. بیان نشانه‌های خدا و نعمت‌های او (در آیات ۴۱- ۵۵)؛ ۳. ذکر معاد و برخی نشانه‌ها و دلایل آن (در آیات ۴۷ و ۵۷)؛ ۴. اشاره به معراج پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیات ۱۲- ۱۸). ب) اخلاق: باز بودن راه بخشش خدا برای گناهکارانی که از گناهان کبیره احتراز می‌کنند (در آیه‌ی ۳۲). ج) احکام: دستور سجده‌ی واجب (در آیه‌ی ۶۲). د) داستان‌ها: ۱. گزارشی از قوم عاد (در آیه‌ی ۵۰)؛ ۲. گزارشی از قوم ثمود (در آیه‌ی ۵۱)؛ ۳. گزارشی از قوم نوح (در آیه‌ی ۵۲)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۵۳ ۴. گزارشی از قوم مؤتکفه (در آیه‌ی ۵۳)؛ ۵. اشاره‌ای به صحف موسی و ابراهیم علیهما السلام (در آیات ۳۵- ۳۶). ه) مطالب فرعی: ۱. سوگند به نجم (ستاره) (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. نکوهش خرافات مشرکان در زمینه‌ی بت‌ها و عبادت فرشتگان (در آیات ۲۷- ۲۸). ۳. هر کس مسئول اعمال خویش است و کسی بار گناه دیگران را به دوش نمی‌کشد؛ ۴. انتقاد از روی گردانی از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیات ۳۳- ۳۵)؛ ۵. اشاره‌ای به خلقت زن و مرد (در آیات ۴۵- ۴۶). ***** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۵۵

دوم: محتوای سوره‌ی نجم

حالات جالب پیامبر (ص)

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی «نجم» با سوگند به ستارگان، به هدایت یافتگی و عصمت گفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۴. وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى سوگند به ستاره، هنگامی که فرود آید!* که همراه شما (: پیامبر) گمراه نشده و بیراهه نرفته (و زیانکار و محروم نگشته) است؛* و از روی هوی و [هوس سخن نمی‌گوید.* آن (سخن) نیست جز وحی‌ای که (به او) وحی می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال برای تأکید بر مطلب و نشان دادن اهمیت ستارگان و جلب توجه انسان به آنها، به ستاره سوگند یاد می‌کند. ۲. مقصود از ستاره‌ای که در این آیات بدان سوگند یاد شده، هر ستاره‌ی درخشنده و غروب‌کننده‌ی آسمان است که نشانه‌ی عظمت پروردگار است. البته برخی مفسران نیز این ستاره را اشاره به ثریا یا شَعری یا شهاب سنگ‌ها دانسته‌اند و نیز برخی آن را اشاره به قرآن می‌دانند که به صورت نجومی و تدریجی نازل شده است. «۱» ۳. «نجم» به معنای ستاره‌ی طلوع کننده است و در آیه بر غروب آن تأکید شده که پدیده بودن و اسیر قوانین طبیعت بودن آن را نشان می‌دهد، تا به نوعی، نفی عقیده‌ی ستاره پرستی باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۵۶ ۴. در این آیات به هدایت یافتگی پیامبر صلی الله علیه و آله و به نفی گمراهی، جهل و بی‌خبری «۱» و نیز نفی انحراف عقیدتی ایشان «۲» اشاره کرده، وتهمت‌های مشرکان را در این زمینه نفی می‌کنند. ۵. این آیات به عصمت گفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره و بیان کرده که پیامبر چیزی از خودش نمی‌گوید و پیرو هوای نفس خویش نیست، پس گرفتار گمراهی نمی‌شود. در این آیه عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در زمینه‌ی قرآن و ابلاغ وحی تضمین شده است. ۶. برخی مفسران از این آیه عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در زمینه‌ی سخنان دیگر، یعنی عصمت سنت ایشان را استفاده کرده‌اند» و برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره دارد. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد ستارگان و غروب آنها مطالعه کنید. ۲. پیامبر باید از عصمت گفتاری برخوردار باشد. ۳. رهبران و مبلغان الهی سخنان الهی را برای مردم بگویند نه سخنان دل خواه خود را. ***** قرآن کریم در آیات پنجم تا دوازدهم سوره‌ی نجم به اولین شهود ربانی پیامبر صلی الله علیه و آله و ملاقات نزدیک و راستین او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵- ۱۲. عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى أَفَتُمَارُونَهُ‌عَلَى مَا يَرَى تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۵۷ او را (شخصی) بسیار نیرومند آموزش داده است؛* (او) توانمند است و (بر همه چیز) تسلّط دارد،* در حالی که او در افق والاتر قرار داشت.* سپس نزدیک شد و فرود آمد،* و به اندازه دو کمان یا

نزدیک‌تر شد،* پس وحی کرد به سوی بنده‌اش، آنچه را که وحی کرد.* دل سوزان (پیامبر) آنچه را دید دروغ نگفت.* و آیا با او درباره آنچه دیده مجادله می‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد آیات فوق نوشته‌اند: معلم پیامبر صلی الله علیه و آله همان جبرئیل بود که قدرت فوق العاده‌ای داشت. او که پیک وحی بود معمولًا به صورت بشری خوش‌چهره بر پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهر می‌شد ولی درتمام عمر پیامبر صلی الله علیه و آله دوبار به صورت اصلی خویش بر ایشان ظاهر گشت؛ مرتبه‌ی نخست همان است که در آیات فوق بدان اشاره شده است که در کنار غار حرا در جبل النور در افق بالا ظاهر و نزدیک پیامبر گشت تا آن که فاصله میان آنان به اندازه‌ی دو کمان یا نزدیک‌تر شد و خدا به واسطه‌ی جبرئیل به بنده‌اش (پیامبر صلی الله علیه و آله) وحی فرستاد. و مرتبه‌ی دوم در جریان معراج بود که در آیات بعد می‌خوانیم. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۵۸ ۲. برای پیامبر صلی الله علیه و آله نوعی شهود قلبی و نزدیکی خاص معنوی حاصل شد؛ هر چند دیدن مجرد با چشم عادی ممکن نیست، ولی ملاقات شهودی و با چشم دل ممکن است، همان طور که در مورد امام علی علیه السلام روایت شده که از ایشان پرسیدند: آیا پروردگارت را می‌بینی؟ حضرت فرمود: «من او را با چشم دل می‌بینم.» «۱» یا فرمود «آیا کسی را که نمی‌بینم پرستش کنم؟» «۲» ۳. مقصود از فاصله در امور معنوی، فاصله‌ی مکانی نیست، بلکه مراتب نزدیکی معنوی و وجودی است و اگر تعبیر به «دو کمان» و مانند آن می‌شود، به خاطر کمبود الفاظ برای شرح مسائل ماورای طبیعی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله معلّمی نیرومند و مسلّط (هم‌چون جبرئیل) داشت که وحی را از او می‌گرفت. ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله شهود ربّانی راستین داشت. ۳. با پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اخبار ملاقات شهودی‌اش مجادله نکنید (که خدا نیز آن را تایید می‌کند). *** قرآن کریم در آیات سیزدهم تا هیجدهم سوره‌ی نجم به دومین شهود ربّانی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳- ۱۸. وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۵۹ و بیقین در فرود دیگری او را دید،* نزد درخت پر برکت پایانی (سدرة المنتهی ،* که بوستان (بهشتی) منزلگاه نزد آن است.* هنگامی که می‌پوشاند درخت پر برکت را، آنچه می‌پوشاند،* چشم (او) مایل نشد و طغیان نکرد.* بیقین (نشانه‌ای) بزرگ‌تر از نشانه‌های پروردگارش را دید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات مربوط به ملاقات دوم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با صورت واقعی جبرئیل است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در معراج در کنار سدرة المنتهی جبرئیل را به صورت اصلی دید و در این صحنه گرفتار اشتباه نشد، بلکه برخی از نشانه‌های بزرگ خدا (هم‌چون صورت واقعی جبرئیل یا عظمت آسمان‌ها را) مشاهده کرد. «۱» ۲. مقصود از سدرة المنتهی درخت پربرکتی است که در اوج است؛ یعنی در انتهای عروج فرشتگان و ارواح شهدا و علوم پیامبران و اعمال انسان‌ها قرار دارد. در جایی که فرشتگان از آن فراتر نمی‌روند و جبرئیل نیز در سفر معراج به آن جا که رسید متوقف شد و در احادیث آمده است که بر هر تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۰ برگ این درخت فرشته‌ای تسبیح گوی جای دارد و یا هر برگ آن بر امتی سایه افکنده است. «۱» البته تعبیر درخت پربرکت نوعی تشبیه است که به خاطر کمبود الفاظ و کوتاهی لغات از بیان یک واقعیت بزرگ، به کار رفته است. پس مقصود درخت معمولی نیست بلکه سایبان عظیمی از رحمت الهی است که امت‌های نیک زیر سایه‌ی آن قرار دارند. ۳. «جنة المأوی به معنای بهشت مسکونی یا همان بهشت جاویدان الهی و یا جایگاه ویژه‌ای از بهشت در کنار سدرة المنتهی است که محل افراد خالص و خاص است و یا بهشتی برزخی است که محل موقت ارواح شهدا و مؤمنان است. برخی مفسران معنای اخیر را برگزیده‌اند، چون این بهشت برزخی با روایات معراج در مورد دیدن بهشتیان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله سازگارتر است. «۲» ۴. مفسران این آیات را اشاره به ماجرای معراج پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند، که در آیات نخست سوره‌ی اسراء بیان شده است. این سفر الهی از مسجد الحرام شروع شد تا به مسجد الاقصی رسید و سپس در آسمان‌ها ادامه یافت تا به سدرة المنتهی رسید. در این آیات به هدف معراج اشاره شده است، یعنی شهود باطنی پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدن نشانه‌های بزرگ خدا که الهام‌بخش او در تعلیم و

تربیت مردم بود. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر با شهود الهی از بعد انسانی به بعد الهی رسید (م). ۲. از دو شهود ربّانی پیامبر صلی الله علیه و آله به عظمت او پی ببرید. ۳. پیامبر در شهود ربانی خود خطا نکرده و نشانه‌های بزرگ الهی را دیده است. ۴. (نوعی از) بهشت مسکونی خلق شده است (و در عصر پیامبر نیز وجود داشته است). ***

خرافه زدایی

قرآن کریم در آیات نوزدهم تا بیست و سوم سوره‌ی نجم به بت‌های سه گانه‌ی مشرکان و پوچی آنها و عقاید خرافی در مورد دختران خدا اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۹- ۲۳. أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى* وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى* أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى* تِلْكَ إِذاً قِسْمَةٌ ضِيزَى* إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْماءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُم مِن رَبِّهِمُ الْهُدَى و آیا اطلاع یافتید از (بت‌های) لات و عزّی،* و منات (بت) دیگری که سومین است.* آیا فقط پسر برای شماست و فقط دختر برای اوست؟!* در این صورت آن تقسیمی ناعادلانه است.* آنها جز نام‌هایی که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده‌اید، نیستند، خدا هیچ دلیلی برای آنها فرو نفرستاده است؛ جز از گمان و آنچه که خوشایند (هوای) نفس (شان) بود، پیروی نمی‌نمایند. و بیقین از جانب پروردگارشان رهنمودی به سراغشان آمده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عرب جاهلی بت‌های زیادی داشت که در این جا نام سه بت مشهور آنان برده شده است: تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۲ الف) بت «لات» که از نام خدا (اللاه) گرفته شده است که بتی سنگی در سرزمین طائف بود. ب) بت «عزّی» که از نام خدا (اعز) گرفته شده و در مسیر مکه به طرف عراق قرار داشت. ج) بت «منات» که به معنای تقدیر الهی، یا ستاره‌ی باران و یا ریخته شدن خون به منظور قربانی است و آن بت در کنار دریای احمر در مسیر مدینه به مکه بود و نزد آن قربانی‌ها می کردند. مشرکان برای این سه بت اهمیت زیادی قائل بودند و حتی در طواف کعبه نام آنها را می‌بردند و از آنها امید شفاعت داشتند. البته پیامبر صلی الله علیه و آله پس از پیروزی و گسترش اسلام دستور دادند این بت‌ها را شکستند و در همین آیات نیز از آنها با عنوان نام‌های بی محتوا یاد شده است. ۲. در برخی نوشته‌ها افسانه‌ی غرانیق آمده است که می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خواندن آیات فوق، افزود که «امید شفاعت از این بت‌های سه گانه می‌رود»، از این رو مشرکان خوشحال شدند و در پایان این سوره با مسلمانان سجده کردند و شایعه‌ی مسلمان شدن آنها پخش شد. «۱» ولی این افسانه‌ی غرانیق حکایتی ضعیف و بی‌اعتبار است که با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و مبارزات او با شرک و حتی با متن سوره‌ی فوق که بت‌ها را نام‌های بی‌محتوا می‌خواند، ناسازگار است. «۲» ۳. در این آیات بر اساس عقاید خرافی مشرکان با آنان مجادله شده و عقاید آنان در مورد دختران ریشخند شده و مورد سرزنش قرار گرفته است. مشرکان پسران را برتر از دختران می‌دانستند و از خبر دختردار شدن ناراحت می‌شدند ولی در همان حال بت‌ها را مجسمه‌های فرشتگان می‌دانستند، فرشتگانی که آنان را دختران خدا می‌پنداشتند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۳ قرآن کریم مشرکان را سرزنش می کند که الف) این عقاید با هم ناسازگار است، چون اگر چیزی پست است، چرا به خدا نسبت می‌دهند. ب) خدا فرزند ندارد، چون فرزند داشتن مستلزم نقص و نیاز است. ج) دختر و پسر در ارزش انسانی خود تفاوتی ندارند و عقیده‌ی برتری پسران یک عقیده‌ی خرافی مشرکان است که قرآن آن را برنمی‌تابد. ۴. در این آیات به بی‌دلیل بودن شرک اشاره و بیان شده که بت‌ها نام‌هایی توخالی‌اند که دلیلی نقلی از طرف وحی الهی برای پرستیدن آنها نیامده است، همان طور که دلیل عقلی نیز وجود ندارد و همین دلیل نداشتن، دلیل بطلان شرک و بت‌پرستی است. ۵. در این آیات به سرچشمه‌ی بت‌پرستی اشاره شده که همان پیروی از گمان‌های بی‌اساس و هوای نفس است؛ یعنی پندارها و خیال‌های پدران نادان در مورد ربّ النوع موجودات و بت‌ها، که نسل‌های بعدی از آنها تقلید کرده‌اند، چون با هوای نفس آنان سازگار بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان گرفتار تضاد در عقاید هستند. ۲. اگر با مشرکان بر اساس عقاید خرافی خودشان سخن بگویید محکوم می‌شوند. ۳. معبودان دروغین جز نام‌های پوچ، چیز

دیگری نیستند. ۴. دلیل بطلان شرک، دلیل نداشتن آن است. ۵. سرچشمه‌ی شرک، گمانه‌زنی و هواپرستی است. ۶. اگر کسی هدایت را نپذیرد و به دنبال هوای نفس و گمانه‌زنی برود به دام مطالب بی‌دلیل و شرک گرفتار می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۴ قرآن کریم در آیات بیست و چهارم تا بیست و ششم سوره‌ی نجم به آرزوهای برآورده نشده‌ی انسان‌ها و شفاعتگری مشروط فرشتگان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴ – ۲۶. أَم لِلْانسَانِ مَا تَمَنَّى* فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى* وَكَم مِن مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِن بَعْدِ أَن يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَى یا برای انسان آنچه را آرزو دارد (فراهم) است؟!* پس (سرای) بازپسین و نخستین فقط برای خداست.* و چه بسیار فرشته‌ای در آسمان‌ها که شفاعت آنان چیزی (از عذاب) را دفع نمی‌کند، جز بعد از این که خدا برای کسی که (شایسته بداند و) بخواهد و خشنود باشد، رخصتِ (شفاعت) می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان آرزو داشتند که بت‌ها و فرشتگان در قیامت شفاعتگر آنان باشند «۱»، ولی این آیات مشرکان را از این آرزو ناامید می‌کند و اعلام می‌دارد که همه‌ی اسباب به دست خداست و فرشتگان بدون اجازه‌ی او شفاعت نمی‌کنند؛ بنابراین دشمنان خدا امیدی به شفاعت نداشته باشند. البته شفاعت نکردن بت‌های چوبی و سنگی آن‌قدر واضح بود که نیاز به تذکر نداشت. ۲. برخی مفسران احتمال داده‌اند که مقصود آیات فوق آن است که به انسان گوش‌زد کند تونمی‌توانی به همه‌ی آرزوهایت دست‌یابی، پس متوجه باش که تدبیر جهان به دست کسی است که دنیا و آخرت از آن اوست و باید از او امداد جویی و به او پناه ببری. «۲» و این تفسیر مشابه سخن امام علی علیه السلام است که می‌فرماید: «خدا را از ناکامی تصمیم‌ها و به هم خوردن پیمان‌ها و درهم شکسته شدن اراده‌ها شناختم.» «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۵ ۳. آرزوهای انسان از محدودیت قدرت و امکانات و علاقه‌ی او سرچشمه می‌گیرد و این آرزوها دو گونه است: الف) آرزوهایی که از روح بلند و همت والا سرچشمه می‌گیرند و عامل حرکت‌اند، مثل آرزوی دانش و کار نیک. ب) آرزوهای کاذب و خیال‌انگیز که سرچشمه‌ی غفلت‌اند، هم‌چون آرزوی حکومت و جاودانگی در زمین و مانند آن. ۴. در احادیث اسلامی تشویق شده که مردم آرزوهای نیک داشته باشند و اگر کسی آرزوی نیک کند که موجب رضای خدا باشد، از دنیا نمی‌رود مگر آن که بدان می‌رسد و اگر از دنیا برود، به ثواب آن می‌رسد. «۱» ۵. فرشتگان نمی‌توانند بدون رخصت الهی شفاعت کنند، و فقط در صورتی حقّ شفاعت دارند که خدا از آن راضی باشد و رخصت دهد. این آیه: اولًا، اصل وجود شفاعت را تأیید می‌کند؛ ثانیاً، شفاعت فرشتگان را با شرایطی تأیید می‌کند؛ ثالثاً، شرایط شفاعت را بیان می‌کند که مشروط به رضایت الهی و رخصت اوست. ۶. «اذن» به معنای رخصت قبل از انجام کار است و این در موردی است که شخص خشنودی خود را از کاری آشکار سازد، به خلاف «رضایت» که می‌تواند درونی و بدون ابراز باشد. البته از آن جا که رضایت خدا با اعمال انسان ارتباط دارد، کسانی که می‌خواهند مشمول شفاعت قرار گیرند باید کاری کنند که رضایت الهی را کسب نمایند و از این جاست که شفاعت مکتبی تربیتی می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از این که به همه‌ی آرزوها نمی‌رسید، بفهمید که کارهای آخرت و دنیا فقط به دست خداست. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۶ ۲. اصل شفاعت مورد قبول قرآن است. ۳. شفاعت افراد در نهایت به دست خداست. ۴. اگر شفاعت فرشتگان را می‌خواهید، رضایت الهی را به دست آورید. *** قرآن کریم در آیات بیست و هفتم و بیست و هشتم سوره‌ی نجم به گمانه‌زنی کافران در مورد فرشتگان و قانون عدم کفایت گمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷ و ۲۸. إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى* وَمَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً قطعاً، کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را به نام دختر نام‌گذاری می‌کنند؛* و برای آنان بدان (مطلب) هیچ دانشی نیست؛ جز از گمان پیروی نمی‌کنند؛ و به‌راستی که گمان چیزی را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران در مورد فرشتگان عقاید خرافی دارند و آنان را از جنس زن می‌دانند. در حالی که اولًا فرشتگان مجردند و زن و مرد ندارند. ۲. در این آیه به نام‌گذاری زنانه برای فرشتگان اشاره شده است. این تعبیر اشاره به آن دارد که این مطالب از حد نام‌گذاری تجاوز نمی‌کند و واقعیتی ندارد. ۳. در این آیات به دو عامل انحراف عقیدتی اشاره شده است: الف) نا آگاهی و بدون

دانش سخن گفتن؛ ب) بی‌ایمانی به آخرت؛ اگر کسی به آخرت ایمان داشته باشد این گونه جسورانه و بدون علم سخن نمی گوید. ۴. معیار در مسائل عقیدتی علم است و گمان کفایت نمی کند؛ یعنی اگر کسی بخواهد در مورد اصول دین و مسائل عقیدتی هم‌چون فرشتگان، سخن بگوید، نمی‌تواند گمانه‌زنی کند بلکه در صورت علم و اطلاع می‌تواند سخن بگوید. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۷ ۵. واژه‌ی «ظن» به معنای گمان است اما دو کاربرد دارد: الف) گمان‌های بی پایه که شامل مراتب گمان و وهم می‌شود و هم‌ردیف اوهام و خرافات است؛ ب) گمان‌های معقول، هم‌چون خبر واحد، گواهی شاهدان و ظاهر عبارات افراد که در حقیقت نوعی علم عرفی و اطمینان آور است و زندگی معمولی انسان‌ها با همین گمان‌ها می‌چرخد. مقصود از گمان در آیه‌ی فوق همان معنای اول است که معتبر نیست و گمان مشرکان از همین نوع بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انکار معاد و ناآگاهی، سرچشمه‌ی انحرافات عقیدتی و سخنان بی‌اساس است. ۲. فرشتگان را به صورت زن معرفی نکنید که آنان مجردند. ۳. بدون علم در مورد ماورای طبیعت سخن نگویید. ۴. گمان در مسائل عقیدتی کارساز نیست. ۵. با گمانه‌زنی به حق نمی‌رسید. *** قرآن کریم در آیات بیست و نهم و سی‌ام سوره‌ی نجم با سرزنش دنیاپرستان دور از یاد حق، به لزوم روی گردانی از آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۹ و ۳۰. فَأَعْرِضْ عَن مَن تَوَلَّى عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا* ذلِكَ مَبْلَغُهُم مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى پس، از کسی که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را نخواسته است، روی بگردان.* این نهایت رسیدن آنان به دانش است. به راستی که پروردگارت، خود، به کسی که از راهش گمراه گشته، داناتر است و (هم‌چنین) او به (حال) کسی که ره‌یافته، داناتر است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از یاد خدا در این آیه، هر گونه توجه به خدا از طریق قرآن کریم یا دلایل منطقی و عقلی وسنت و یاد قیامت است که انسان را به خدا می‌رساند و از غفلت دور می‌سازد. یعنی اگر کسی از یاد خدا دور شد و غافل گشت و به دنیا پرستی روی آورد، تبلیغ و هشدار به او بی‌فایده است، پس باید به او اتمام حجت کرد و از او روی گرداند و نیروها را در موردش به هدر نداد. ۲. انسان می‌تواند در مورد دنیا دو نوع برخورد داشته باشد: الف) دنیا را مزرعه‌ی آخرت و وسیله‌ای برای انجام کارهای نیک و رسیدن به خدا قرار دهد که این گونه به امور دنیوی پرداختن مطلوب است و در حقیقت دنیاخواهی نیست، بلکه دنیاخواهی در راستای خداخواهی است. ب) دنیاپرست شود، یعنی تنها دنیا را بخواهد و خدا و کارهای نیک و رستاخیز را فراموش کند، که البته این گونه به امور دنیوی پرداختن غفلت‌زاست و مورد سرزنش قرآن قرار گرفته است. ۳. در این آیه به نهایت دانش کافران اشاره شده که همان دنیاپرستی و سخنان و عقاید خرافی و دوری از یاد خداست؛ اوج پرواز آنان همین است که تمام فکر و شرف خود را با سرمایه‌های دنیوی معاوضه کنند. ۴. در دعایی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در اعمال ماه شعبان آمده است که: « (خدایا) دنیا را بزرگ‌ترین همّت ما و نهایت آگاهی ما قرار نده». «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان الهی نیروی خود را صرف دنیاپرستان دور از یاد خدا نکنند (که سودی نخواهد داشت). تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۶۹ ۲. توجه به خدا و پرهیز از دنیاپرستی، زمینه‌ساز برخورداری ازهدایت رهبران الهی است. ۳. نهایت علم دنیاپرستان دنیا خواهی نیست. ۴. کژروان و ره‌یافتگان همه تحت نظر الهی هستند (و به حساب و پاداش آنها رسیدگی می‌شود). ۵. علم را جهت دار کنید (و به آن جهتی بالاتر از مادیات بدهید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی نجم به مالکیت مطلق الهی و هدف پاداش دادن به نیکوکاران و کیفر دادن به بدکاران اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۱. وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط از آنِ خداست؛ تا کسانی را که (کارهای) بد انجام دادند، به خاطر اعمالشان، کیفر دهد و کسانی را که نیکی کردند، به خاطر نیکی (اعمالشان)، پاداش دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مالکیت خدا بر جهان، مالکیتی اعتباری نیست، بلکه مالکیت حقیقی است؛ یعنی وجود همه‌ی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست و از این رو تدبیر هستی نیز به دست اوست، پس جز او کسی شایسته‌ی پرستش و ستایش نیست. ۲. در این آیه به یکی از اهداف آفرینش جهان اشاره شده است، خدا این جهان را برای

انسان آفرید تا او در پرتو تعالیم پیامبران به کمال مطلوب برسد. در این مسیر گروهی راه نیک را انتخاب می‌کنند که به پاداش اعمال خود می‌رسند و گروهی بدکار می‌شوند که کیفر کارهای خویش را می‌بینند و عدالت اجرا می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مالک حقیقی همه‌ی جهان خداست. ۲. جهان صحنه‌ی آزمایش شماست (پس آماده باشید). ۳. یکی از اهداف آفرینش آن است که بدکاران و نیکوکاران نتیجه‌ی اعمال خویش را می‌بینند. ۴. اگر می‌خواهید بد نبینید بد نکنید و اگر می‌خواهید، خوب ببینید، کار خوب انجام دهید (م). ***

گناهان کبیره و صغیره

قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی نجم به ویژگی نیکوکاران در پرهیز از گناهان کبیره و علم بی‌کران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲. الَّذِینَ یَجْتَنِبُونَ کَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّکَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِکُمْ إِذْ أَنشَأَکُم مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّةٌ فِی بُطُونِ أُمَّهَاتِکُمْ فَلَا تُزَکُّوا أَنفُسَکُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَی (همان) کسانی که از گناهان بزرگ و [کارهای زشت پرهیز می‌کنند، مگر گناه کوچک، که پروردگارت گسترده آمرزش است. او به شما داناتر است، آن‌گاه که شما را از زمین پدید آورد و آن‌گاه که شما در شکم‌های مادرانتان، جنین [: پنهان بودید؛ پس خودتان را [پاک و] رشد یافته نشمرید (و خودستایی نکنید)؛ که او به کسی که خودنگه‌داری کند داناتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه ویژگی نیکوکاران را دوری از گناهان کبیره معرفی می‌کند و در همان حال لغزش‌های آنان و آگاهی خدا از آنها و آمرزش الهی را یادآور می‌شود تا کسی مغرور و خودستا نشود. ۲. «اثم» به کارهایی گفته می‌شود که انسان را از نیکی و ثواب دور می‌سازد، از این رو به گناهان نیز «اثم» گفته می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۱ ۳. مقصود از گناهان کبیره چیست؟ هر گناهی در برابر خدا، بزرگ و کبیره است و تقسیم گناهان به دو قسم کبیره و صغیره نسبی است؛ یعنی برخی گناهان هم‌چون قتل نسبت به گناهان دیگر بزرگ‌تر و کبیره‌اند. گناهان بزرگ را از چند طریق می‌توان شناخت: الف) گناهانی که خدا برای انجام آنها وعده‌ی عذاب داده باشد، مثل شرک. ب) گناهانی که در نظر مؤمنان، بزرگ شمرده شده باشند، مثل هتک حرمت کعبه. ج) گناهانی که در منابع شرعی از گناهان کبیره‌ی مسلّم شمرده شده باشند، مثل فتنه. د) گناهانی که در روایات معتبر به عنوان گناه کبیره به آن تصریح شده باشد، «۱» مثل عاق والدین. ۴. «لمم» در اصل به معنای نزدیک شدن به گناهان است و به گناهان صغیره گفته می‌شود «۲» و یا گناهی که به صورت عادت در نیامده باشد و انسان بعد از آن متوجه گردد و توبه کند. «۳» ۵. در این آیه به آفرینش انسان از خاک اشاره شده است که یا مقصود آفرینش انسان به واسطه‌ی آدم علیه السلام از خاک و یا آفرینش بدن انسان از عناصر خاکی است که خدا از همه‌ی مراحل آن آگاهی دارد، همان طور که از مراحل رشد جنین در رحم مادر اطلاع دارد؛ پس چگونه از اعمال و لغزش‌های شما آگاهی نداشته باشد؟! ۶. این آیات به مردم دستور می‌دهد که خودستایی نکنند، چون خدا از تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۲ افراد پارسا اطلاع دارد و نیازی به توضیح اعمال نیک آنان نیست. برخی مفسران گفته‌اند که این آیه در مورد گروهی نازل شده که بعد از انجام نماز و روزه به ستایش خویش می‌پرداختند «۱». ۷. در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده: هیچ کس از شما نباید به فزونی نماز و روزه و زکات و مراسم (حج) خود افتخار کند؛ زیرا خدا پارسایان شما را بهتر می‌شناسد. «۲» اولیای خدا همیشه به تقصیرات و کمبودهای خود اعتراف و از خودستایی دوری می‌کنند؛ چون خودستایی ریشه در عدم شناخت خود و غرور و غفلت و خود برتربینی دارد و انسان را از شناخت عیوب و برطرف کردن آنها و پیشرفت و تکامل باز می‌دارد و اگر انسان عمل نیک یا عبادتی هم انجام داده باشد، نمی‌داند که کامل بوده و مورد قبول واقع شده یا نه، تا مورد ستایش واقع شود. همه عیب خلق دیدن نه مروت است و مردی نگهی به خویشتن کن که تو هم گناه داری (سعدی) ۸. البته خودستایی غیر از معرفی توانایی‌های خود در موارد ضروری برای پذیرش مسئولیت یا کمک به دیگران است، که بدون آن معرفی، اهداف مقدسی پای‌مال می‌شود. همان طور که حضرت یوسف علیه

السلام خود را فردی نگهبان و دانا معرفی می‌کند که برای خزانه‌داری مصر مناسب است و یا حضرت هود علیه السلام در برابر مردم خود را خیرخواه و امین معرفی می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید نیکوکار باشید از گناهان کبیره دوری کنید. ۲. خدا لغزش‌های کوچک و زودگذر نیکوکاران را می‌آمرزد. ۳. خدا به مراحل خلقت و توانمندی و کارهای شما آگاه است (پس خود را به گونه‌ای دیگر معرفی نکنید). ۴. خود را مبرای از عیوب و گناهان ندانید و خودستایی نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۴ «بزرگترین گناهان» تعداد گناهان مهم (کبیره) ۷۰ عدد شمرده شده که عبارت‌اند از: ۶. شرک ۷. نا امیدی از رحمت خدا ۸. بد گمانی به خدا ۹. نترسیدن از خشم خدا ۱۰. آدم کشی ۱۱. عاق پدر و مادر ۱۲. قطع پیوند خویشاوندی ۱۳. خوردن مال یتیم ۱۴. رباخواری ۱۵. زنا ۱۶. تهمت عمل زشت زدن ۱۷. لواط ۱۸. شراب‌خواری ۱۹. قمار ۲۰. لهو ۲۱. غنا ۲۲. دروغ ۲۳. سوگند دروغ ۲۴. گواهی دروغ ۲۵. گواهی ندادن ۲۶. پیمان شکنی ۲۷. خیانت به امانت ۲۸. دزدی ۲۹. کم فروشی ۳۰. حرام خواری ۳۱. جلوگیری از حقوق مردم ۳۲. فرار از جهاد ۳۳. بازگشت به دارالکفر پس از هجرت ۳۴. کمک به ستمکاران ۳۵. یاری نکردن ستم دیدگان ۳۶. سحر ۳۷. اسراف ۳۸. تکبّرورزیدن ۳۹. جنگ با مسلمانان ۴۰. خوردن مردار و گوشت خوک ۴۱. ترک عمدی نماز ۴۲. زکات ندادن ۴۳. سبک شمردن حج ۴۴. ترک یکی از واجبات (مانندروزه) ۴۵. اصرار برگناه صغیره ۴۶. غیبت کردن ۴۷. سخن چینی ۴۸. ریشخند کردن مؤمن ۴۹. فحش دادن و طعن زدن ۵۰. خوار کردن مؤمن ۵۱. سرزنش و رسوا کردن مؤمن ۵۲. ریختن آبروی مؤمن با شعر یا نثر ۵۳. آزار رساندن به مؤمنان ۵۴. همسایه آزاری ۵۵. مکر و نیرنگ ۵۶. همجنس گرایی زنان ۵۷. دورویی ۵۸. احتکار ۵۹. حسد ۶۰. دشمنی با مؤمن ۶۱. واسطه شدن در فاحشه‌گری ۶۲. خود ارضایی ۶۳. بدعت ۶۴. حکم ناحق ۶۵. جنگ در ماه حرام ۶۶. منع از راه خدا ۶۷. ناسپاسی نعمت ۶۸. فتنه انگیزی ۶۹. فروختن اسلحه به کافران ۷۰. بهتان و سؤظن ۷۱. هتک قرآن ۷۲. هتک کعبه ۷۳. هتک مساجد ۷۴. هتک مرقدهای مقدس و تربت حسینی علیه السلام ۷۵. ستم کردن در وصیت به برخی وارثان. «۱» یادآوری: قبلًا بیان کردیم که همه‌ی گناهان در برابر خدا بزرگ‌اند و گناهان کبیره نسبی هستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۵

قوانین موجود در کتاب های موسی و ابراهیم (ع)

قرآن کریم در آیات سی و سوم تا چهل و یکم سوره‌ی نجم با اشاره به انسان اعراض کننده و بخیل، به آموزه‌های کتاب‌های ابراهیم و موسی علیه السلام و سه قانون در مورد اعمال انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳- ۴۱. أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى أَعِندَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى و آیا دیدی کسی را که روی برتافت؟!* و اندکی عطا کرد و (بخشش را) قطع کرد؟* آیا دانش نهان فقط نزد اوست و او می‌بیند؟!* یا از آنچه در کتاب‌های موسی است با خبر نشده است؟!* و (نیز از کتاب‌های) ابراهیمی که (به پیمانش) وفا کرد،* که هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را برنمی‌دارد؛* و این‌که برای انسان جز کوشش او نیست؛* و این‌که کوشش او در آینده دیده می‌شود؛* سپس با جزای کامل‌تر به او پاداش داده می‌شود شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق را در مورد عثمان یا ولید بن مغیره گفته‌اند که شخصی به او گفت مقداری از اموالت را به من ببخش تا گناهان تو را به عهده بگیرم، ولی پس از پیمان، مقدار کمی از اموال را داد و ادامه نداد و آیه‌ی فوق فرود آمد و با اشاره به کار آنها، قانون مسئولیت هر کس در برابر اعمال خویش را بیان کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات افرادی که دارای ویژگی‌های زیر هستند سرزنش شده‌اند: از اسلام یا انفاق روی برگردانده‌اند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۶ مقدار اندکی بخشش دارند و بخل می‌ورزند؛ به طور مستقیم اطلاعی از ماورای طبیعت ندارند؛ به طور غیر مستقیم نیز از ماورای طبیعت اطلاع ندارند، چون از محتوای کتاب‌های آسمانی آگاه نیستند. این‌گونه افراد به خاطر جهل و بخل، اهل نیکوکاری و ایمان نیستند. ۲. در

این آیات از کتاب‌های ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام یاد شده است که کتاب موسی همان تورات است و صحف ابراهیم نیز مجموعه‌ای از کتاب و نوشته‌هایی بود که به ابراهیم علیه السلام وحی شده بود. «۱» ۳. ابراهیم علیه السلام به پیمان الهی وفادار بود؛ او حق رسالت را ادا کرد و از امتحان‌های مختلف سربلند بیرون آمد تا آن جا که فرزندش را به فرمان خدا به قربانگاه برد و از آتش نمرودیان نهراسید. آری؛ فداکاری و وفاداری ابراهیم علیه السلام الگویی برای همه‌ی مؤمنان است. ۴. این یک قانون الهی است که هیچ کسی بار مسئولیت کارهای دیگران را به دوش نمی‌کشد. قرآن بارها بر این حقیقت تأکید کرده که هر کس مسئول اعمال خود است و بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ «۲» پس بهشت و جهنّم قابل خرید و فروش نیست. ۵. آنچه برای انسان می‌ماند همان تلاش اوست؛ «۳» چه این تلاش به نتیجه برسد یا نرسد و این یک قانون الهی است. چنانچه انسان با نیت خیر تلاش کند، به نتیجه برسد یا نرسد، خدا پاداش او را می‌دهد. البته این آیه ناظر به تلاش انسان برای آخرت است ولی ملاک آیه دنیا را تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۷ نیز در برمی‌گیرد؛ یعنی انسان منتظر تلاش دیگران نباشد بلکه به همت و تلاش خود امیدوار باشد. دهقان سال‌خورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من، به جز از کشته نَدروی (حافظ) ۶. تجسّم اعمال انسان در قیامت، یک قانون الهی است؛ یعنی انسان نتیجه و باطن اعمال نیک و بد خود را در رستاخیز می‌بیند، و پاداش آنها را کامل دریافت می‌دارد؛ به عبارت دیگر، تجسّم اعمال، اثرِ طبیعی هر گناه است که در رستاخیز ظاهر می‌شود. ۷. از این آیات یک اصل حقوقی به دست می‌آید که همیشه کیفر دامن گناهکار واقعی را می‌گیرد و کسی نمی‌تواند کیفر دیگری را به عهده بگیرد. ۸. در آیات فوق به سه اصل و قانون در مورد اعمال انسان اشاره شده است، ولی این قوانین موارد استثنا نیز دارند که در برخی آیات و روایات تذکر داده شده است: الف) قانون آن است که کسی مسئول گناهان دیگران نیست، ولی اگر کسی سنت بدی راپایه‌گذاری کند، در گناه عمل‌کنندگان شریک است. ب) قانون آن است که به هیچ کس غیر از تلاش او نمی‌رسد، ولی مواردی هم‌چون ارث، اجاره و مضاربه در اسلام وجود دارد. ج) و نیز قانون آن است که خدا پاداش کامل عمل هر کس را می‌دهد، ولی گاهی از راه لطف یا شفاعت پاداش اضافی به افراد می‌دهد. ۹. در آیات فوق اشاره شده که سه قانون مذکور، در کتاب موسی علیه السلام و ابراهیم علیه السلام بوده، همان طور که در قرآن نیز آمده است. در کتاب مقدس یهودیان در تورات و کتاب حزقیل نیز عباراتی وجود دارد که به اصل مسئولیت ناپذیری در برابر گناهان دیگران اشاره دارد؛ برای مثال می‌گوید: پسر بار گناه پدر را نخواهد کشید و پدر بار گناه پسر را نخواهد کشید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۸ و نیز می‌گوید: پدران به عوض اولاد کشته نشوند و هم اولاد به عوض پدران کشته نشوند، هر کس به سبب گناه خود کشته شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افراد روی‌گردان و بخیل از ماورای طبیعت ناآگاه‌اند. ۲. اگر از کتاب‌های آسمانی گذشتگان باخبر شوید، برخی قوانین عالی الهی و قرآنی را در آن جا می‌یابید. ۳. هر کس مسئول اعمال خویش است، نه دیگران. ۴. تلاش هر کس برای خودش می‌ماند. ۵. پاداش اعمالتان را به طور کامل در قیامت می‌بینید. ۶. اگر پاداش کامل در رستاخیز می‌خواهید در دنیا بیش‌تر تلاش کنید. ***

نشانه های خدا در آفرینش و تدبیر امور انسان و جهان

قرآن کریم در آیات چهل و دوم تا چهل و نهم سوره‌ی نجم به بخش دیگری از آموزه‌های کتاب‌های ابراهیم و موسی علیه السلام در مورد آفرینش و تدبیر امور انسان و طبیعت و معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲- ۴۹. وَأَنَّ إِلَی رَبِّکَ الْمُنتَهَی* وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَکَ وَأَبْکَی* وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا* وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّکَرَ وَالْأُنثَی* مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَی* وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَی* وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَی وَأَقْنَی* وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرَی و این‌که پایان (کار) فقط به سوی پروردگار توست؛* و این‌که او خود خنداند و گریاند؛* و این‌که فقط او میراند و زنده کرد.* و این‌که او دو جفت نر و ماده آفرید؛* از آب اندک سیّال هنگامی که ریخته می‌شود؛* و این‌که پدیده‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۷۹ آخرت فقط بر اوست؛* و این‌که او خود توانگر کرد و سرمایه‌ی پایدار داد؛* و این‌که فقط او

پروردگار (ستاره‌ی) شِعری است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات چند صفت و ویژگی و افعال خدا را از کتاب‌های آسمانی ابراهیم و موسی علیه السلام حکایت کرده است تا به مشرکان نشان دهد که آفریدگار و پروردگار و مدبّر هستی خداست، تا غیر او را نپرستند. ۲. در این آیات از روش عقلی و نقلی برای بیان عقاید استفاده شده است؛ یعنی مطالبی بر اساس عقل و دلیل در مورد مبدأ و معاد بیان می‌کند که انسان با تفکر می‌تواند آنها را دریابد، ولی این مطالب را از کتاب‌های آسمانی ابراهیم و موسی علیهما السلام نقل می‌کند تا اگر افرادی خود را تابع آنها می‌دانند ملزم به پذیرش این مطالب باشند. ۳. مقصود از «منتها بودن پروردگار» یا آن است که خدا تکیه گاه هستی است و همه‌ی علل و اسباب به ذات پاک او بازمی‌گردد. و یا آن که پایان سخن و اندیشه، ذات نامحدود خداست؛ یعنی هنگامی که قلم بدین جا رسید سر بشکست؛ چون انسان محدود می‌تواند جلوه‌ای از نام‌ها و صفات الهی را درک کند ولی قادر نیست به ذات نامحدود او احاطه یابد؛ زیرا او در اندیشه نمی‌گنجد. البته مانعی ندارد که هر دو معنا و تفسیر مورد نظر آیه باشد. در حدیثی نیز از امام صادق صلی الله علیه و آله روایت شده که هنگامی که سخن به ذات خدا رسید، سکوت کنید. «۱» ۴. مقصود از خنده و گریه در آیات فوق چیست؟ خنده و گریه، یا کنایه از خوشی و ناخوشی و یا به معنای همین خنده و گریه‌ی معمولی است؛ یعنی انسان با آن همه دگرگونی‌های روحی، یکی از نشانه‌های تدبیر خداست. و یا مقصود گریه‌ی آسمان به وسیله‌ی باران و خنده‌ی زمین به وسیله‌ی رویش گیاهان است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۸۰ البته معنای سوم در برخی احادیث نیز آمده «۱» و نوعی توسعه در مفهوم خنده و گریه است. ۵. در این آیات به ربوبیت خدا و تدبیر او در مورد انسان اشاره شده است. از هنگامی که انسان نطفه‌ای ناتوان است تا هنگامی که کودکی خندان و گریان می‌شود و تا هنگامی که می‌میرد، تمام حوادث زندگی انسان با تدبیر الهی است و همه‌ی امور به خدا بازمی‌گردد. اما این‌ها مانع آزادی و اختیار انسان نمی‌شود؛ چون اختیار انسان نیز با اراده‌ی خدا به وجود آمده است. ۶. در این آیات بیان شده که پدید آوردن مرحله‌ی دیگری از آفرینش، یعنی معاد، بر خدا لازم است؛ زیرا: اولًا، انسان‌ها را آزاد آفریده و برخی ظالم و برخی مظلوم‌اند و پاداش و کیفر همه‌ی آنها در دنیا تحقق نمی‌یابد؛ بنابراین عدالت او اقتضا می‌کند که روز رستاخیز برای رسیدگی به اعمال آنها برپا شود. ثانیاً، خدا حکیم و فرزانه است و جهانی را بدون هدف و فرجام و بیهوده نمی‌آفریند. و ثالثاً، خدا وعده‌ی برپایی رستاخیز را داده است، پس حتماً آن وعده تحقق می‌یابد. ۷. مقصود از توانگری و سرمایه‌ی پایدار که خدا می‌بخشد آن است که خدا انسان را در جنبه‌های مادی زودگذر بی‌نیاز می‌کند و سرمایه‌های مستمر مادی هم‌چون باغ و املاک و سرمایه‌های مستمر معنوی هم‌چون خشنودی خدا را در اختیار او می‌گذارد. ۸. ستاره «شعری» یکی از درخشان‌ترین ستارگان آسمان است که معمولًا به هنگام سحر در کنار صورت فلکی «جوزا» ظاهر می‌شود. این ستاره به شعرای یمانی و پادشاه ستارگان مشهور است و بر اساس تحقیقات کیهان‌شناسان دارای حرارتی زیاد و جرمی سنگین است و در عصر ما در زمستان دیده می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۸۱ برخی از قبایل عرب هم‌چون «خزاعه» ستاره‌ی شعری را تقدیس و پرستش می‌کردند و آن را مبدأ موجوداتی در زمین می‌دانستند؛ از این رو قرآن کریم به مردم تذکر می‌دهد که خدا پروردگار ستاره‌ی شعری است، پس به جای خدا او را نپرستید که مخلوق شایسته‌ی پرستش نیست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبدأ آفرینش انسان و منتهای امور او خداست (پس او را بشناسید و بپرستید). ۲. تدبیرگر آفرینش و زندگی انسان خداست (پس به دنبال مدبّر دیگری نباشید). ۳. برپایی مرحله‌ی دیگر زندگی (در رستاخیز) بر خدا لازم است (تا هدف آفرینش و عدالت تحقق یابد). ۴. فرجام کار به دست خداست (پس به سراغ غیر او نروید). ۵. پرورش دهنده‌ی ستارگان خداست (پس به دنبال ستاره‌پرستی نروید و خالق آنها را بپرستید). ۶. منشأ خیرات و برکات خداست (پس از او کمک بخواهید) (م). *** قرآن کریم در آیات پنجاهم تا پنجاه و پنجم سوره‌ی نجم بخش دیگری از آموزه‌های کتاب‌های ابراهیم و موسی علیه السلام را در مورد هلاکت عبرت آموز اقوام پیشین بیان می‌کند و می‌فرماید: ۵۰- ۵۵. وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَاداً الْأُولَى* وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَى* وَقَوْمَ نُوحٍ مِن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى* وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى* فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى* فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكَ تَتَمارَى تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۸۲

و این‌که او (قوم) عـاد نخسـتین را هلاـک کرد؛* و (نیز قوم) ثمود را (هلاـک کرد) و بـاقی نگـذاشت؛* و (نیز) قوم نوح را از پیش (هلاک کرد؛ چرا) که فقط آنان سـتمکارتر و طغیان‌گرتر بودند؛* و (نیز) شـهر زیر و رو شده (ی قوم لوط) را ساقط کرد؛* و بر آن (شـهر) پوشانید آنچه را پوشانید؛* پس در کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارت مجادله می‌کنی؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سـرنوشت عـذاب‌آلود و عبرت‌آموز چهار ملت از اقوام پیشـین اشاره شـده است؛ یعنی قوم عاد، قوم ثمود، قوم نوح و قوم لوط که در اثر شـرک و گنـاه و لجـاجت و مخـالفت بـا پیـامبران الهی نـابود شدنـد. در قرآن کریـم مکرر از ایـن اقـوام یـاد شـده است؛ زیرا سرگـذشت آنـان درس عبرتی برای مخالفان پیامبر اسلام است. ۲. مقصود از «قوم عـاد نخسـتین» چیست؟ مفسـران در این مورد دو گونه پاسخ داده‌اند: الف) در تاریخ بشـر دو قوم به نام «عاد» وجود داشـتند و آن ملتی که پیامبرشان هود علیه السلام بود، همان عاد نخستین بودنـد که هلاـک گردیدنـد. ب) در میـان عرب معمول است که هر چیز قـدیمی را «عادی» می‌نامنـد و قوم عاد نخستین نیز کنـایه از باسـتانی بودن آنهـاست. «۱» ۳. قـوم نـوح سـتمکارتر و طغیـان گرتر از ملت‌هـای دیگر بودنـد؛ چرا که پیـامبر آنـان مـدتی طولانی‌تر به هدایت آنان پرداخت، ولی آنان بر شرک و تکذیب خود اصرار ورزیدند. ۴. مقصود از شهرهای زیر و رو شده و ساقط شده، همه‌ی شـهرهایی است که در طول تاریخ بشـر در اثر گناهکاری مردم آن جا، گرفتار چنین تفسـیر قرآن مهر جلد بیسـتم، ص: ۸۳ عـذابی شدند، و یا شـهرهای قوم لوط است، که زلزله‌ای شدید آنها را زیر و رو کرد و به آسـمان پرتاب کرد و بر زمین کوبید و سپس بارانی از سنگ‌های آسمانی بر آنان فرو ریخت و همگی مدفون شدند. «۱» البته مانعی ندارد که آیات فوق به همه‌ی شهرهای زیر و رو شده اشاره داشـته باشد که یکی از مصادیق مهم آن شـهرهای قوم لوط است. ۵. با این که پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله در نعمت‌های الهی مجادله نمی‌کنـد، ولی خطاب به ایشان گفته شـده که: آیا در نعمت‌های الهی تردید داری و بحث می‌کنی؟! «۲» مخاطب این‌گونه خطاب‌ها در حقیقت همه‌ی مردم هستند؛ یعنی به مردم می‌گوید: آیا در تدبیر خدا و نعمت‌ها تردید دارید؟ آیا در نعمت نزول قرآن و ایمـان و هـدایت تردیـد داریـد؟ آیـا در این نعمت که از عـذاب الهی مصون مانـده‌ایـد شـک داریـد و مجـادله می‌کنید؟ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سـرگذشت هلاکت بار اقوام عاد، ثمود، نوح و لوط عبرت بگیرید. ۲. در میان ملت‌های سرکش، قوم نوح ستمکارتر و سرکش‌تر بودند (ولی نابود شدند، پس عبرت بگیرید و راه آنان را نپیمایید). ۳. عذاب‌های الهی برای هلاکت ملت‌ها متنوع‌انـد، به طوری که گاهی شـهرها زیر و رو می‌شونـد و دفن می‌گردنـد (پس مراقب باشـید که راه آنان را نپویید). ۴. در نعمت‌های الهی تردید و مجادله روا مدارید. *** تفسـیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۸۴ قرآن کریم در آیات پنجاه و ششم تا شصت و دوم سوره‌ی نجم به نزدیکی رستاخیز و لزوم پرستش خدا و خنده‌های غفلت‌آمیز مخالفان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶- ۶۲. هذَا نَذِیرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَی* أَزِفَتِ الْآزِفَهُ* لَیْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ کَاشِفَهٌ* أَفَمِنْ هذَا الْحَدِیثِ تَعْجَبُونَ* وَتَضْحَکُونَ وَلَا تَبْکُونَ* وَأَنتُمْ سَامِدُونَ* فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا این (اخبار عذاب)، هشداردهنده‌ای از هشدار دهندگان نخستین است.* (رسـتاخیز) نزدیک شونده، نزدیک شد* برای (مشکلات) آن، جز خدا برطرف کننده‌ای نیست* و آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟* و می‌خندید و نمی‌گریید* در حالی که شـما غافل و سـرگرمید؟!* پس برای خدا سجده کنید و (او را) بپرستید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «هشدارگر» در آیه‌ی پنجاه و شـشم، یا همان اخباری است که در مورد عذاب ملت‌های سـرکش داده شد، که نوعی هشدار به مخالفان اسلام است، یـا منظور پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و یـا قرآن است که هشـدارهای آنها بی سابقه نیست و مشابه آن در گذشـته بسیار بوده است. «۱» البته تفسـیر اول با سیاق آیات سازگارتر است. ۲. یکی از نام‌های رسـتاخیز «آزفه» به معنای نزدیک شونده است که وقت آن تنـگ است. این نـام تعبیری گویا و بیـدارگر است. «۲» ۳. مقصود از کاشف رسـتاخیز خـداست که برطرف کننده‌ی سـختی‌ها و عـذاب‌های آن روز، یا کشف کننده‌ی تاریخ وقوع آن و یا عامل تأخیر آن است. ۴. مشـرکان از قرآن یا آیات آن در مورد هلاکت اقوام پیشـین و رسـتاخیز تعجب می‌کردند و حتی می‌خندیدند، ولی قرآن به آنان یادآور می‌شود که بهتر است از خواب غفلت بیدار شوند و به حال خود گریه کنند؛ گریه برای تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۸۵ فرصت‌های از دست رفته و گریه برای عذاب‌هایی

که در انتظار آنان است. ۵. در این آیات از منکران معاد و قرآن به سبب کبر و غرورشان، با عنوان «سامدون» یاد شده است که به حالت شتر در هنگامی که راه می‌رود و از روی بی‌اعتنایی سر به هوا بلند می‌کند، گفته می‌شود. این تعبیر به نوعی تشبیه مخالفان لجوج به حیوانات سرکش و مغرور است که در مورد هشدارهای پیامبر و قرآن فکر نمی‌کنند، بلکه از روی غفلت به آنها می‌خندند. ۶. آخرین آیه‌ی سوره‌ی نجم، دستور سجده و پرستش می‌دهد و از آن جا که این مطلب به صورت امر است، واجب است که هر کس این آیه را شنید یا خواند سجده کند. سوره‌های نجم، علق، سجده و فصلت سوره‌های سجده‌دار قرآن هستند. ۷. سجده و پرستش خدا، انسان را از کرنش در برابر غیر خدا بازمی‌دارد و او را به راه راست ره‌نمون می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیات قرآن و سرگذشت هلاکت بار اقوام پیشین (نخستین) هشداری برای شماست. ۲. رستاخیز حتمی و نزدیک و وقت شما تنگ است. ۳. تنها راه نجات از مشکلات فراگیر رستاخیز، لطف الهی است (م). ۴. مانعی در برابر رستاخیز جز خدا وجود ندارد (و کاری از دست شما ساخته نیست). ۴. مخالفان اسلام به حال خود بگریند و خنده‌ی غفلت‌آمیز نکنند (که سرنوشت دردناکی در انتظار آنان است). ۶. به سجده و پرستش خدا روی آورید (تا سعادتمند شوید). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۸۷

بخش سوم: سوره‌ی قمر

اشاره

یادآوری نزدیک بودن رستاخیز عبرت آموزی از سرگذشت اقوام سرکش پیشین تأکید بر آسان بودن قرآن تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۸۹

اول: سیمای سوره‌ی قمر

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی قمر در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده، و دارای ۵۵ آیه، ۳۴۲ کلمه و ۱۴۲۰ حرف است. این سوره سی و ششمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «طارق» و قبل از سوره‌ی «ص») و پنجاه و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌انداز: «قَمَر» و «اقتَرَبت الساعَۀ». سبب نام‌گذاری این سوره به «قمر» (ماه) و «اقتَرَبتِ الساعۀ» (نزدیک شدن قیامت) آیه‌ی اول این سوره است که این کلمات در آن به کار رفته است.

فضیلت

در مورد فضیلت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که هر کس سوره‌ی قمر را یک روز در میان بخواند، روز قیامت در حالی برانگیخته می‌شود که صورتش هم‌چون ماه شب بدر می‌درخشد. «۱» تذکر: همان طور که گذشت، آثار سوره‌های قرآن بستگی به قرائت، تدبّر و عمل بدانها دارد، البته در این مورد ممکن است نور معنوی مؤمنان یا نورانیت ظاهری چهره مراد باشد که از آثار انس با قرآن و عمل به مضامین آن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۹۰

اهداف

هـدف‌های اساسـی سوره‌ی قمر عبارت‌اند از: ۱. یـادآوری قیامت؛ ۲. یادآوری سـرگذشت اقوام سـرکش پیشـین و عبرت‌آموزی از عذاب آنان؛ ۳. تثبیت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله با بیان معجزات.

مطالب

مهم‌ترین مطـالبی که در سـوره‌ی قمر مطرح شـده است عبارت‌انـد از: الـف) عقایـد: ۱. نزدیـک شـدن قیـامت (در آیات ۴- ۸)؛ ۲. اشـاره‌ای به معجزه‌ی ناقه‌ی صالـح (در آیات ۱، ۲ و ۲۷). ب) داسـتان‌ها: ۱. گزارشـی از داسـتان قوم نوح وسرکشـی آنها و داستان طوفـان (در آیات ۹- ۱۵)؛ ۲. گزارشـی از داسـتان قوم عاد و عـذاب دردناک آنان (در آیات ۱۸- ۲۱)؛ ۳. گزارشـی از داستان قوم ثمود و مخالفت آنان با صالح پیامبر و معجزه‌ی ناقه و عذاب آنان (در آیات ۲۳- ۳۱)؛ ۴. گزارشی از قوم لوط و انحرافات اخلاقی و سپس عـذاب دردناک آنان (در آیات ۳۳- ۳۹)؛ ۵. گزارشـی از قوم فرعون و مجازات آنان (در آیات ۴۱- ۴۲). ج) مطالب فرعی: ۱. هشـدار به تکذیب‌کنندگان مشـرک و بهانه‌جو؛ ۲. مقایسه‌ی مشـرکان مکه با اقوام سـرکش پیشـین (در آیه‌ی ۴۳)؛ ۳. بیان برخی مجازات‌هـای مجرمان در قیامت و پاداش‌های عظیم پارسایان (در آیات ۴۴- ۵۵)؛ ۴. تأکید برآسان بودن قرآن کریم (در آیات ۱۷، ۲۲ و ۳۲- ۴۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۹۱

دوم: محتوای سوره‌ی قمر

اشاره

قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی قمر به معجزه‌ی شق القمر و واکنش منفی مشـرکان و عوامل آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۳. اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ* وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ* وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ ساعت (: رسـتاخیز) نزدیک شـد و ماه بشـکافت!* و اگر نشانه‌ی (معجزه‌آسایی) ببیننـد روی می‌گرداننـد و می‌گویند: «(این) سـحری مستمر است.»* و دروغ انگاشـتند و از هوس‌هایشان پیروی کردنـد؛ و هرکاری قرارگاه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به نزدیکی ساعت رسـتاخیز اشاره شده است، که یکی از نشانه‌های آن ظهور پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله است. «۱» همان طورکه یکی از نشانه‌هـای آن، شـق القمر، یعنی پـاره شـدن مـاه است که نمونه‌ی کوچکی از حوادث عظیم در آسـتانه‌ی رسـتاخیز است، که در آن زمان نظام سـتارگان و سیارات درهم می‌ریزد و جهانی نو پدید می‌آید. ۲. ریشه‌ی تکذیب‌گری و مخالفت مشـرکان با پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی آنـان از هوای نفس بود؛ لجاجت‌هـا، خود خواهی‌هـا، تعصب‌هـا، کام‌جویی‌هـا، منافع زودگـذر و آلودگی‌ها به آنان اجازه نمی‌داد که تسلیم حق شوند. ۳. مقصود از «محل استقرار هرچیز» آن است که هر نیکوکار و بدکاری در تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۹۲ جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرد و به سـزای اعمالش می‌رسـد. یا آن که سـخنان تکذیب‌گران آرام می‌گیرد و پایان می‌پـذیرد و چهره‌ی حق آشـکار می‌شود. و یا آن که کارهای نیک و بـد ثابت می‌ماند تا انسان به سـزای اعمال خویش برسد، چون نظم و قـانون بر جهـان حـاکم است. البته مانعی نـدارد که این آیه به همه‌ی این معانی اشاره داشـته باشـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسـتاخیز حتمی در حال نزدیک شـدن است (برای آن روز آماده شوید). ۲. مخالفان لجوج در برابر معجزات پیامبر صـلی الله علیه و آله، برخـوردی منفی و تهمت‌آمیز دارنـد. ۳. تکـذیب معجزات الهی ریشه در هواپرسـتی مخالفـان دارد. ۴. در نهـایت هر چیزی در جایگـاه خود قرار می‌گیرد (و مخالفـان به سـزای اعمال و گفتار خود می‌رسـند). *** قرآن کریـم در آیات چهارم تا هشـتم سوره‌ی قمر به بی‌ثمر بودن هشـدارها و لزوم روی برتـافتن از مخالفـان لجوج و حالات آنان در رسـتاخیز اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۴- ۸.

وَلَقَدْ جَاءَهُم مِنَ الْأَنبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ* حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ* فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُكُرٍ* خُشَّعاً أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنتَشِرٌ* مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هذَا يَوْمٌ عَسِرٌ و به یقین، از خبرهای بزرگ، آنچه در آن (مایه‌ی) بازداشتن (از بدی‌ها) است، به سراغ آنان آمده است.* که (آن) حکمتِ رساست؛ و [لی هشدارها فایده‌ای ندارد.* پس در روزی که فراخواننده به سوی چیزی ناپسند فرا می‌خواند، از آنان روی برتاب.* (آنان) در حالی که دیدگانشان (از ترس) فروتن گشته، از قبرها بیرون می‌آیند، چنان‌که گویی آنان ملخ‌های پراکنده‌اند.* در حالی که به سوی آن فراخواننده شتابان‌اند، کافران می‌گویند: «این روزی دشوار است.» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۹۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بیان شده که خبرهای هشدارآمیز به اندازه‌ی کافی به کافران رسیده است؛ خبرهایی در مورد سرنوشت عذاب‌آلود ملت‌های پیشین و نیز اخبار قیامت و مجازات‌هایی که در انتظار آنهاست، ولی آنان گوش شنوا و روح حق‌طلب ندارند تا پند بگیرند و در راه راست قدم بگذارند؛ از این رو باید پیامبر از آنان روی برتابد و به سراغ دل‌های آماده برود و آنها را هدایت کند. ۲. «حکمت بالغه» به معنای سخن حقّی است که سود می‌دهد و اثر می‌کند و در نهایت کامل است. «۱» ۳. برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از روی‌گردانی پیامبر صلی الله علیه و آله از کافران، «۲» روی گردانی پیامبر صلی الله علیه و آله در روز رستاخیز است «۳» که دعوتگر الهی مردم را به سوی حساب وعذاب فرا می‌خواند و کافران دست به دامن پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شوند تا از آنان شفاعت کند ولی آن حضرت از آنان روی برمی‌تابد (همان طور که آنان در دنیا از او روی برتافتند). ۴. مقصود از دعوتگری که به سوی چیز وحشتناك فرا می‌خواند چیست؟ دعوتگر یا خداست و یا فرشتگان الهی‌اند که با نفخ صور مردم را به سوی رستاخیز و حساب‌رسی و عذاب‌های ناشناخته‌ی آن فرا می‌خوانند. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۵. کافران در صحنه‌ی رستاخیز هم‌چون ملخ‌های پراکنده و موجودات ضعیفی هستند که بی هدف و بی نظم حرکت می‌کنند و به هم‌دیگر تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۹۴ برمی‌خورند و آن‌قدر هراسناك‌اند که به اطراف نگاه نمی‌کنند، ولی به سوی دعوتگر الهی گردن می‌کشند و به او خیره می‌شوند، و به طوری وحشت زده می‌شوند که می‌گویند: این روز سخت و دردناکی است. ۶. سختی رستاخیز به خاطر آن است که نامه‌ی اعمال افراد را به دستشان می‌دهند که همه چیز در آن ثبت است و با دقت به حساب مردم رسیدگی می‌شود و راه جبران وجود ندارد و عذر کسی نیز پذیرفته نمی‌شود و آن روز وحشتناکی است که مردم عذاب را با چشم خود می‌بینند و سختی آن روز را لمس می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبلغان و رهبران الهی به اندازه‌ی کافی به افراد هشدار بدهند، و اگر سودی نبخشید از آنان روی برتابند. ۲. در تبلیغ، حکمت و خبرهای هشدارآمیز را همراه کنید. ۳. رستاخیز روزی وحشتناك و سخت است که مردم پراکنده و خیره می‌شوند (پس برای آن روز آماده شوید). ***

داستانهای عبرت آموز

قرآن کریم درآیات نهم تا شانزدهم سوره‌ی قمر به جریان عبرت‌آموز عذاب قوم نوح و نجات او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹- ۱۶. كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ* فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ* فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّماءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ* وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ* وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ* تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَن كَانَ كُفِرَ* وَلَقَد تَرَكْنَاهَا آيَةًفَهَلْ مِن مُدَّكِرٍ* فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۹۵ پیش از آنان، قوم نوح (نیز نشانه‌های ما را) دروغ انگاشتند و بنده‌ی ما (: نوح) را تکذیب کردند و گفتند: « (او) دیوانه است.» و (او از انجام رسالتش) بازداشته شد.* و پروردگارش را خواند: «که من شکست خورده‌ام؛ پس [مرا] یاری کن (و پیروز گردان).»* و درهای آسمان را با آبی ریزان گشودیم؛* و زمین را با چشمه‌ساران شکافتیم؛ و آب (ها) روبه‌رو شدند (و به هم پیوستند) برکاری که معین شده بود!* و او را بر (کشتی) دارای صفحه‌های (چوبی) و میخ‌ها سوار کردیم؛* که زیر نظر ما روان می‌شد، تا پاداشی باشد برای کسی که مورد (انکار و) ناسپاسی

قرارگرفته بود.* و به یقین، آن را برجای نهادیم، در حالی که نشانه‌ای (عبرت‌آموز) بود؛ پس آیا یادآورنده (وپندگیرنده) ای هست؟* پس (بنگر که) عذاب من و هشدارها [یم چگونه بود! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در سوره‌های متعددی ماجرای قوم نوح علیه السلام را بیان کرده است «۱» و این به خاطر اهمیت این ماجرا و عبرت آموز بودن آن برای ملت‌های بعدی است. ۲. نوح علیه السلام سالیان زیادی در میان مردم به تبلیغ توحید و مبارزه با شرک پرداخت ولی کافران در برابر او لجاجت کردند، تکذیبش نمودند و دیوانه‌اش خواندند و حتی با آزارها و تهدیدها مانع کار او شدند. سپس نوح علیه السلام از ایمان آوردن آنها نا امید شد و از خدا یاری خواست. ۳. خدا براساس امدادخواهی نوح، سیلابی عظیم از زمین و آسمان فرستاد و کافران را غرق ساخت، و سرگذشت آنان را نشانه‌ی عبرت‌آموزی برای همه‌ی سرکشان تاریخ گرداند ولی نوح و مؤمنان قومش را به وسیله‌ی کشتی نجات داد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۹۶ ۴. در این آیات از «نوح» با عنوان «بنده‌ی ما» یاد شده است. این تعبیر اشاره به آن دارد که مخالفان با شخص نوح کاری نداشتند، بلکه با خدا مخالفت کردند و بنده‌ی او را آزار دادند و تکذیب نمودند. ۵. در این آیات بیان شده که نوح مغلوب کافران شد؛ یعنی فشارها و شکنجه‌ها و تکذیب‌های کافران لجوج مانع ادامه‌ی دعوت نوح می‌شد؛ البته از نظر منطق و استدلال آنان بر نوح پیروز نشدند. ۶. تعبیر گشوده شدن درهای آسمان، کنایه از آن است که باران شدیدی بر قوم نوح بارید؛ البته بارانی مرگ‌آفرین که با چشمه‌ساران زمین همراه شد و سیلابی عظیم فراهم ساخت و کافران را درکام مرگ فرو برد. ۷. مقصود از مقدّر بودن آبی که از آسمان و زمین جمع شد، یا آن است که آن آب‌ها اندازه‌ای خاص و مقدّر داشت و یا آن که هر دو به یک اندازه بود. «۱» ۸. در این آیات به چوب‌ها و میخ‌های کشتی نوح اشاره شده است. روشن است که کشتی‌سازی در آن زمان صنعتی پیش‌رفته نبود، و این تعبیرات به سادگی کشتی نوح اشاره دارد که از مشتی میخ و تخته ساخته شده بود، «۲» ولی با این حال در برابر سیلابی عظیم مقاومت کرد و مؤمنان را نجات داد. ۹. مقصود از «اعیُن» آن است که حرکت کشتی نوح تحت نظر الهی بود، و یا آن که انسان‌های با شخصیت و مخلصی در آن کشتی سوار بودند و یا اشاره به فرشتگانی است که در هدایت کشتی دخالت داشتند؛ البته تفسیر اول مناسب‌تر است؟ ۱۰. مقصود از باقی ماندن نشانه‌ها در ماجرای قوم نوح آن است که خود این ماجرا نشانه‌ی عبرت‌آموزی برای ملت‌های بعدی بود و یا آن که کشتی تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۹۷ نوح تا مدت‌ها در برابر دیدگان مردم بود و با دیدن آن پند می‌گرفتند و حتی برخی ادعا می‌کنند باقی مانده‌ی آن کشتی در کوه‌های آرارات قفقاز مشاهده شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان الهی آماده‌ی تکذیب‌ها و تهمت‌ها و آزارهای مخالفان باشند (و مقاومت کنند). ۲. وقتی پیامبران، از رشد و تعالی مردم مأیوس شوند، هنگام نزول عذاب الهی فرا می‌رسد (م). ۳. اگر رهبران الهی نفرین کنند، خدا عذاب را بر کافران فرو می‌فرستد. ۴. زمین و چشمه‌ها طبق نظم الهی حرکت می‌کنند (م). ۵. آب که مایه‌ی حیات است، می‌تواند به فرمان الهی مایه‌ی عذاب شود. ۶. اگر خدا بخواهد، با وسایلی ساده شما را نجات می‌دهد و حفظ می‌کند. ۷. حتی اگر کسی قدر مؤمنان را نشناسد، خدا آنان را تحت نظر دارد (و از آنها حمایت می‌کند). ۸. با مطالعه‌ی ماجرای قوم نوح بیدار شوید و عبرت بگیرید. ۹. در ماجرای نوح بنگرید و واقعیت عذاب و هشدار الهی را ببینید. ***

قرآن آسان و بیدادگر است

بخش چهارم: سوره‌ی الرحمن

اشاره

فنای همه‌ی موجودات، مگر خدا یادآوری رستاخیز و نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های دوزخ یادآوری نعمت‌های بزرگ، هم‌چون علم تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۱۹

اول: سیمای سوره‌ی الرحمن

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی الرحمن دارای ۷۸ آیه، ۳۵۱ کلمه و ۱۶۳۶ حرف است. گفته شده که این سوره نود و ششمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «رعد» و قبل از سوره‌ی «انسان») و پنجاه و پنجمین سوره به شمار می‌آید. در چینش کنونی قرآن است. برخی مفسران این سوره را مکی و برخی مدنی می‌دانند. «۱» نام‌های این سوره عبارت‌انداز: «الرحمن»، «آلاء» (نعمت‌ها) و «عَروس القرآن». سبب نام‌گذاری آن به «الرحمن»، آیه‌ی نخست این سوره است که واژه‌ی «الرحمن» در آن به کار رفته است.

فضیلت

در مورد فضیلت قرائت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هرکس سوره‌ی الرحمن را بخواند، خدا به ناتوانی او (در ادای شکر نعمت‌ها) رحم می‌کند و حقّ شکرنعمت‌هایی را که به او ارزانی داشته است، خودش ادامه می‌دهد.» «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۲۰ تذکر: از آن جا که در ذیل سوره بارها از نعمت‌های الهی یاد شده است، هرکس این سوره را بخواند در حقیقت به ناتوانی خود در شکرگزاری اعتراف می‌کند و از این روخدا به اولطف می‌کند. پس باید این سوره را با تدبّر در مفاهیم آن قرائت کرد و طبق مفاهیم آن سپاس‌گزار نعمت خدا بود.

ویژگی

آیه‌ی «فبایّ آلاء ربّکما تکذّبان» سی و یک بار در این سوره تکرار شده است. این آیه می‌پرسد: «کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟» و در احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که در هنگام قرائت سوره‌ی الرحمن، در نزد آن ۳۱ بند بگویید: «لا بِشَیءٍ من آلائِک ربِّ اکَذِّبُ» یعنی: «پروردگارا هیچ کدام از نعمت‌هایت را تکذیب نمی‌کنم».

اهداف

اساسی‌ترین اهداف این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید و مبدأ هستی؛ ۲. یادآوری رستاخیز و نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنم.

مطالب

مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان نشانه‌ها و آیات خدا در زمین و آسمان (در آیات ۳- ۷)؛ ۲. فنای همه‌ی موجودات مگر خدای ذو الجلال (در آیات ۲۶- ۲۷)؛ ۳. بیان نعمت‌های بهشت، مثل: باغ‌ها، چشمه‌ها، میوه‌ها، همسران زیبا و باوفا و انواع لباس‌ها (در آیات ۴۶- ۷۶)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۲۱ ۴. بیان سرنوشت مجرمان و عذاب‌های دردناک آنان (در آیات ۳۷- ۴۴). ب) مطالب فرعی: ۱. اشاره به آفرینش انسان و جن (در آیات ۱۴- ۵۹)؛ ۲. یادآوری نعمت‌های بزرگ،

مثـل: آفرینش، تعلیم و تربیت، حساب و میزان، وسایل رفاه انسان و غـذاهای جسـمی و روحی (در آیات ۲- ۱۲)؛ ۳. دعوت انسان‌ها به خروج از اطراف آسمان‌ها و زمین با قدرت (در آیه‌ی ۳۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۲۳

دوم: محتوای سوره‌ی الرحمن

اشاره

قرآن کریم در آیات اول تا ششم سوره‌ی الرحمن به افعال خدا و نشانه‌های او در صحنه‌ی آسمان و زمین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۶. الرَّحْمنُ* عَلَّمَ الْقُرْآنَ* خَلَقَ الْإِنسَانَ* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ* الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ* وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (خـدای) گسترده‌مهر،* قرآن را آموزش داد؛* انسان را آفریـد؛* «بیـان» را به او آموزش داد.* خورشید و مـاه، حسـاب شـده (در حرکت) انـد؛* و گیاه و درخـت (برای او) سـجده می‌کننـد. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. ایـن آیـات بـه چنـد نعمـت بزرگ خـدای رحمـان اشـاره کرده است که عبارت‌اند از: آفرینش انسان، آموزش سـخن گفتن به او، آموزش قرآن به وی، نعمت حرکت حساب شده‌ی خورشید و ماه و نعمت گیاهان و درختان. همه‌ی این نعمت‌ها جلوه‌ی رحمت و مهر خدا و نشانه‌های او هستند. ۲. «الرحمن» اشاره به رحمت عام الهی است که شامـل همه‌ی موجودات می‌شود. این واژه نام خاص خـداست که غیر او به آن نام‌گـذاری نمی‌شود مگر آن که کلمه‌ی «عبـد» و مانند آن اضافه شود؛ مثل «عبد الرحمن» «۱». ۳. نعمت آفرینش انسـان، به صورت طبیعی قبـل از نعمت آموزش قرآن است، امـا در این آیـات به سـبب عظمت قرآن، آموزش قرآن قبـل از آفرینش بیان شـده است. تفسـیر قرآن مهر جلـد بیسـتم، ص: ۱۲۴ ۴. خدای متعال قرآن را به جبرئیل، پیامبر صـلی الله علیه و آله بلکه به انسان‌ها و جنیان آموزش داده است. «۱» و این نعمت بزرگ الهی از دو جهـت قابـل تـوجه اسـت: یکی از جهـت اصـل آمـوزش و تعلیـم و تربیت و دوم از جهت محتـوای آمـوزش که قرآن است. ۵. خدا حضـرت آدم و همه‌ی انسان‌ها را آفرید. این یکی از نعمت‌های شگرف الهی است که چنین موجودی را با تمام شگفتی‌های جسمی و روحی او آفریده است. ۶. «بیان» مفهوم گسترده‌ای دارد که شامل سخن گفتن، نوشتن و انواع استدلال‌های عقلی و منطقی می‌شود ولی مصـداق شـاخص آن سـخن گفتـن است. ۷. بیـان و سـخن یکی از پیچیـده‌ترین و مهم‌تریـن نعمت‌هـای الهی اسـت کـه از نظر دسـتگاه‌های صوتی وقـدرت گسترش لغـات بسـیار عجیب است و بـدون بیان، زنـدگی انسان فلـج می‌شود و از پیش‌رفت و تفاهم و تکامل باز می‌مانـد. زبان‌های موجود در دنیا را بیش از سه هزار گفته‌اند «۲» که هر کدام علوم و تجربیات و تمدن و فرهنگ بخشـی از بشـر را به دیگران منتقل می‌کند. ۸. اصـل وجود خورشـید و مـاه از نعمت‌های الهی است که انسان از نور، گرما و نیروی جاذبه‌ی آنهـا اسـتفاده می‌کنـد، ولی نظم و حسـاب دقیق حاکم بر آنها نیز نعمت دیگری است که اساس زمان‌بنـدی و ساعت است و موجب نظم زندگی انسان می‌شود. ۹. «نَجم» در اصل به معنای طلوع است و چون ستاره طلوع می‌کند به آن نجم می‌گویند و به گیاه که سر از خاک برمی‌آورد نیز نجم می‌گویند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۲۵ البته «نجم» به گیاهان بدون ساقه، هم‌چون کدو و خیار و «شـجر» به گیاهان ساقه‌دار مثل درختان میوه گفته می‌شود، که همه‌ی این گیاهان تسلیم قوانین آفرینش هستند و در برابر خدا کرنش دارند. «۱» ۱۰. در برخی احـادیث تعلیم قرآن را برای پیـامبر صـلی الله علیه و آله و تعلیم بیـان را برای امـام علی علیه السـلام برشمرده‌اند. «۲» البته این‌گونه احادیث مفاهیم آیات را محدود نمی‌کند، بلکه مصادیق روشن آن را بیان می‌کند. ۱۱. برخی مفسران حکایت کرده‌اند که بخش نخستین سوره‌ی الرحمن، اولین آیاتی است که به صورت آشـکار و توسط عبداللّه بن مسـعود برای مردم مکه خوانـده شد، که پس از این تلاوت عبداللّه بن مسـعود مورد ضـرب و شـتم مشـرکان قرار گرفت، ولی گفت: حاضـرم روزهای دیگر نیز ایـن کـار را تکرار کنم. «۳» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. آفرینش انسـان و تعلیـم قرآن و بیـان، از مظـاهر رحمت الهی است. ۲. با مطالعه در آفرینش خود، آموزش قرآن و سـخن‌گویی‌تان خداشـناس شوید. ۳. بـا مطالعه در حساب دقیق خورشـید و ماه و کرنش و

تسلیم گیاهان، خداشناس شوید. ۴. اولین معلم قرآن خداست. ۵. اولین معلم آموزش زبان خداست. ***** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۲۶

لزوم معیار پذیری

قرآن کریم در آیات هفتم تا سیزدهم سوره‌ی الرحمن به نشانه‌ها و نعمت‌های الهی در صحنه‌ی آسمان و زمین و لزوم معیارپذیری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷- ۱۳. وَالسَّماءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِیزَانَ* أَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِیزَانِ* وَأَقِیمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِیزَانَ* وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ* فِیهَا فَاکِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَکْمَامِ* وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّیْحَانُ* فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ و آسمان را برافراشت و ترازو (و معیار) را نهاد،* تا این‌که در مورد ترازو (و معیار) طغیان نکنید؛* و وزن را بر (اساس) دادگری برپا دارید و ترازو را (نکاهید و به مردم) خسارت نزنید.* و زمین را برای آفریدگان نهاد،* در حالی که در آن میوه و درخت خرمای دارای شکوفه است؛* و دانه (های) دارای برگ و گیاه خوش‌بوست؛* پس (ای انسان‌ها و جنیان)، کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «سَماء» به معنای جهت بالا و آسمان است که گاهی به معنای محل ستارگان، جوّ زمین و نیز آسمان معنوی می‌آید، «۱» که هر کدام از این‌ها مخلوق خدا و نعمتی از نعمت‌های الهی و نشانه‌ای از قدرت اویند. ۲. «میزان» به معنای وسیله‌ی سنجش است که گاهی به صورت ترازوی معمولی و گاهی به صورت معیار سنجش حقوق انسان‌ها، معیار سنجش حق از باطل و معیار ارزش‌هاست. از این رو میزان مصادیق زیادی دارد که شامل هر قانون الهی می‌شود؛ همان طور که پیشوایان معصوم علیهم السلام و قرآن نیز میزان هستند که اعمال و عقاید انسان‌ها را با آنها می‌سنجند. از این روست که در برخی احادیث، میزان را امام علی علیه السلام و امامان معصوم دیگر معرفی می‌کنند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۲۷ ۳. واژه‌ی میزان سه بار در این آیات آمده است و این که به جای ضمیر از لفظ میزان استفاده کرده است نشان دهنده اهمیت این واژه است، و این که هر بار مقصود از میزان مطلب تازه‌ای است: میزان اول به معنای معیارها و قوانین هستی است. میزان دوم به معنای عدم طغیان در موازین زندگی فردی و اجتماعی است. و میزان سوم به معنای وزن کردن خاص است که در سنجش معاملات به کار می‌رود. و هر بار معنای میزان محدودتر از معنای قبل است. ۴. مقصود از «انام» انسان‌ها یا انسان و جن و یا همه‌ی موجودات هستند که خدا زمین را برای آنان آفریده است؛ البته سیاق آیات نشان می‌دهد که مقصود انسان و جن هستند، که زمین با سرعت سرسام آورش، محل سکونت و زندگی آرام آنهاست. ۵. در این آیات میوه‌ها را یکی از نعمت‌های الهی بر شمرده و از بین میوه‌ها به خرما اشاره کرده است که از نظر مواد غذایی ویژگی‌های برجسته‌ای دارد؛ سپس به حالتی از خرما اشاره شده که در آغاز در غلافی پنهان است و سپس غلاف را می‌شکافد و از آن بیرون می‌آید و زیبایی خیره کننده‌ای را به نمایش می‌گذارد. این غلاف خرما علاوه بر خواص غذایی و دارویی، هم‌چون محافظی است که خرما را در خود پرورش داده، از آفات حفظ می‌کند. ۶. در این آیات به نعمت دانه‌ها و غلات اشاره شده است که خود آنها غذای انسان‌اند و از برگ و پوست آنها حیوانات تغذیه می‌کنند و انسان به صورت غیر مستقیم از آنها استفاده می‌کند. ۷. در این آیات پس از برشمردن هشت نعمت الهی، به صورت استفهام تقریری از انسان‌ها و جنیان «۱» می‌پرسد که کدام‌یک از نعمت‌های الهی را تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۲۸ دروغ می‌شمرید و انکار می‌کنید؟ در احادیث آمده است که هنگام تلاوت این آیه بگویید: «پروردگارا هیچ کدام از نعمت‌های تو را انکار نمی‌کنیم». «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آفرینش زمین و آسمان مطالعه کنید تا خداشناس شوید. ۲. «میزان و معیار سنجش» یکی از نعمت‌های الهی است (پس بدان توجه خاص کنید و) از آن تعدّی ننمایید. ۳. یکی از لغزشگاه‌های انسان، طغیان و سرکشی در معاملات و حق الناس است (م). ۴. معاملات خود را بر معیار عدالت پایه‌گذاری کنید و کم فروشی نکنید. ۵. زمین خدا برای شماست (پس از آن استفاده کنید و نعمت‌های او را انکار و ناسپاسی نکنید). ۶. میوه‌ها، حبوبات و گل‌ها نعمت‌های الهی هستند (از آنها استفاده کنید و) نعمت‌آفرین را

یاد کنید. ۷. نعمت‌های الهی زمین و آسمان را فرا گرفته‌اند پس آنها را انکار نکنید (و راه کفر و ناسپاسی در پیش نگیرید). ***

مشرق ها و مغرب ها

قرآن کریم در آیات چهاردهم تا هیجدهم سوره‌ی الرحمن به نعمت‌های الهی در آفرینش انسان و جن و نیز به تعدد مغرب و مشرق اشاره می کنـد و می‌فرماید: ۱۴– ۱۸. خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ* وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَارِجٍ مِن نَارٍ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ انسان را از گِل خشـکیده‌ای، هم‌چون سـفال آفریـد؛* و جن را از زبانه (ی رنگارنگِ بی‌دودِ) آتش آفریـد.* پس کـدام‌یک از نعمت‌هـای پروردگارتـان را دروغ می‌انگاریـد؟!* (او) پروردگـار دو خـاور و پروردگار دو باختر است؛* پس کـدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۲۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان از گل خشـکیده‌ای «۱» هم‌چون سـفال پر سر و صدا «۲» آفریـده شده است. البته در آیات قرآن تعبیرات مختلفی در مورد مبـدأ آفرینش انسـان به کار برده شـده است که هر یک بیانگر مرحله‌ای از خلقت اوست: خاک، گل، گل بـد بو و گل چسبنده و در نهایت گل خشکیده‌ی سفال مانند. «۳» البته در قرآن فاصـله‌ی زمانی این مراحل و عوامل مؤثر در آنها بیان نشـده است. ۲. این تعبیرات در مورد منشـأ آفرینش انسان نشان می‌دهـد که ماده‌ی اولیه‌ی انسان بی‌ارزش و بی مقـدار بوده است و خـدای متعـال در این مـاده‌ی بی‌ارزش از روح خـود دمیـد و موجودی پرارزش آفریـد. «۴» ۳. جنیـان از شـعله‌های مخلوط و متحرک آتش آفریده شده‌اند، البته حقیقت این آفرینش برای ما روشن نیست و اطلاعات ما در مورد جنیان ناچیز و از طریق وحی است، ولی به هر حـال نتیجه می گیریم که مـاده‌ی اولیه‌ی انسـان و جن متفـاوت بوده و این تفاوت سرچشـمه‌ی اختلافات زیادی بین این دو موجود با شعور شـده است. «۵» ۴. در آیـات فوق از دو مشـرق و دو مغرب سـخن به میـان آمـده است. به نظر می‌رسـد این تعبیر اشـاره به ۲۳ درجه‌ی میل شـمالی و جنوبی خورشـید در تابسـتان و زمستان است. البته خورشید در طول سال هر روز طلوع و غروب تازه‌ای دارد، چون تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۳۰ میـل شـمالی و جنوبی آن همواره در حـال تغییر است و از این رو در برخی آیات تعبیر مشـارق و مغارب آمـده است. «۱» ولی دو طلـوع و غروب در آغـاز تابســتان در ۲۳ درجه‌ی میـل شـمالی و در آغاز زمسـتان در ۲۳ درجه‌ی میـل جنوبی وجود دارد که همه‌ی طلوع‌ها و غروب‌های دیگر بین آن دو هسـتند و منشأ پیـدایش فصول سال است. برخی از مفسـران نیز دو طلوع و دو غروب را اشـاره به طلوع و غروب خورشـید و مـاه دانسته‌اند که در آیـات قبـل از آنها یاد شـده است. در برخی احـادیث اهل بیت علیهم السـلام به تفسـیر اول اشاره شـده است. «۲» ۵. وجود مشـرق‌ها و مغرب‌هـای متعـدد و منظم، یکی از نعمت‌هـای الهی است که نشـان دهنـده‌ی حرکت دقیق خورشـید و مـاه و زمین و عامـل ایجـاد فصول سـال و برکـات زیادی است و ممکن است این تعبیرات اشـاره به کرویت و حرکت زمین باشـد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. انسان باارزش جسـمش از خاک بی‌ارزشی آفریـده شده است (پس سپاس این نعمت را به جا آورید و گرفتار غرور نشوید (م). ۲. آفرینش جن از آتش نیز یکی از نعمت‌های انکارناپذیر الهی است (که باید قدرشناسی شود). ۳. طلوع و غروب‌های متعدد از نعمت‌های انکارناپذیر الهی است (که باید قدر آن دانسته شود). ۴. با مطالعه در آفرینش انسان و جن و تغییرات طلوع و غروب، خداشـناس شویـد. *** تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـتم، ص: ۱۳۱ قرآن کریم در آیات نوزدهم تا بیست و پنجم سوره‌ی الرحمن به نعمت‌های الهی در صحنه‌ی دریاها و حرکت کشتی‌های غول پیکر اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۹– ۲۵. مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ دو دریا را درآمیخت، در حـالی کـه روبـه‌روی همدیگرنـد،* (و) بیـن آن دو مـانعی اسـت تـا به یـک‌دیگر تجاوز نکننـد؛* پس کـدام‌یک از نعمت‌هـای پروردگارتان را دروغ می‌انگاریـد؟!* از آن دو (دریا) مرواریـد و مرجان بیرون می‌آید؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگاریـد؟!* و (کشتی‌های) روان گشـته در دریا که پدیـد آمده هم‌چون کوه‌هاست، فقط از آنِ اوست؛* پس کدام‌یک

از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دریاهای در کنارهم و پیدایش مروارید و مرجان و حرکت کشتی‌های غول پیکر از نعمت‌های انکارپذیر الهی و هر کدام نشانه‌ای از قدرت و علم و حکمت الهی هستند. ۲. مقصود از دو دریای کنار هم که مانعی بین آنهاست، چیست؟ مفسران در این مورد احتمالات متعددی داده‌اند: از جمله این که مقصود دو دریای شور و شیرین است که در اثر ریزش رودخانه‌های آب‌شیرین به دریاها پدید می‌آید و دریایی از آب شیرین در کنار ساحل تشکیل می‌دهد و تفاوت درجه‌ی غلظت آب آنها مانع آمیخته شدن آن دو دریا می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۳۲ و یا این که مقصود از دو دریا جریان «گلف استریم» است؛ یعنی در اقیانوس‌های بزرگ دنیا در اثر اختلاف درجه‌ی حرارت مناطق مختلف، رودخانه‌های عظیمی از طرف مناطق استوایی به طرف مناطق سرد در حرکت‌اند که یکی از آنها از سواحل آمریکای مرکزی شروع می‌شود و پس از پیمودن اقیانوس اطلس به اروپای شمالی می‌رسد. این رودهای عظیم گاهی با عرض ۱۵۰ کیلومتر و سرعت ۱۶۰ کیلومتر در ساعت حرکت می‌کنند و اختلاف درجه‌ی حرارت آنها با آب‌های مجاور مانع مخلوط شدن آنها با آب دریا می‌شود. «۱» البته مانعی ندارد که این موارد از مصادیق آیه‌ی فوق باشند. ۲. «لُؤلُؤ» (مروارید) دانه‌ی شفاف و با ارزشی است و در درون صدف در اعماق دریاها پرورش می‌یابد و برخی خواص درمانی برای آن برشمرده‌اند و به عنوان زینت نیز از آن استفاده می‌شود. ۳. «مرجان» موجود زنده‌ی دریایی کوچکی شبیه شاخه‌ی درخت است که در اعماق دریا می‌روید و گاهی جزایر مرجانی به وجود می‌آورد و رنگ قرمز آن با ارزش‌تر است. مرجان خواص درمانی دارد و به عنوان زینت نیز استفاده می‌شود. ۴. در این آیات از کشتی‌های غول پیکری یاد شده که هم‌چون کوهی در وسط دریا حرکت می‌کنند. «۲» این کشتی‌ها از طرفی پدیده و ساخته‌ی دست بشر و از طرف دیگر از آن خدایند، چون سازندگان کشتی از مصالحی که خدا خلق کرده و قوانین حاکم تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۳۳ بر اختلاف وزن حجمی اجسام استفاده می‌کنند و آنها را پدید می‌آورند از این رو کشتی‌ها نیز نعمتی الهی و نشانه‌ای از قدرت خدا هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در مورد دریاهای متفاوت و مواد زینتی آنها و حرکت کشتی‌های غول پیکر، خداشناس‌تر شوید. ۲. نعمت‌های الهی در دریا انکارناپذیرند. ۳. کشتی‌های غول‌پیکر و حرکت آنها پدیده و نعمتی الهی‌اند. *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا سی‌ام سوره‌ی الرحمن به نیاز و فنای موجودات زنده و بقای ذات خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶- ۳۰. كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ* وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ همه‌ی کسانی که روی آن (زمین) هستند فناپذیرند،* و ذات پروردگارت، که شکوهمند و ارجمند است، باقی می‌ماند؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* هر کس در آسمان و زمین است از او درخواست می‌کند و او هر روز در کاری (و حالی) است؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از فنای موجودات زنده سخن گفته شده است، البته فنا در این جا به معنای فنای مطلق و نابودی موجودات زنده نیست؛ زیرا بارها قرآن یادآور شده است که انسان‌ها با مرگ نابود نمی‌شوند بلکه به سرای دیگر منتقل می‌شوند و مسیر تکاملی خود را تا منزلگاه جاویدان ادامه می‌دهند. ۲. تذکر مسأله‌ی فنای انسان و بقای خدا، یکی از نعمت‌های الهی است؛ از طرفی این دنیا زندان مؤمن است که خروج از آن نوعی آزادی و راحتی است و از طرف دیگر تذکرمرگ و فنا موجب بیداری انسان و زدودن غفلت‌ها و توجه به خدا می‌شود. عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده به جز از عشق تو باقی، همه فانی دانست (حافظ) ۳. مقصود از کسانی که بر زمین زندگی می‌کنند، انسان‌ها و جنیان هستند. البته برخی مفسران احتمال داده‌اند که این تعبیر شامل حیوانات و موجودات زنده‌ی دیگر نیز می‌شود که همگی می‌میرند و فنا می‌شوند. «۱» ۴. «وَجْه» به معنای صورت است که به هنگام مقابله با کسی با آن مواجه می‌شویم و در مورد خدا به معنای ذات پاک اوست. «۲» ۵. «ذُو الجَلال» به معنای صفات سلبیه است، یعنی صفاتی که از خدا نفی می‌شود؛ هم‌چون جسم بودن که خدا منزّه از آن است. ۶. «اکرام» به معنای الطاف و نعمت‌هایی است که خدا به وسیله‌ی آنها دوستان خود را گرامی می‌دارد و یا به معنای صفاتی است که ارزش چیزی را

ظاهر می‌سازند، یعنی صفات ثبوتیه‌ی خدا، مثل علم و قدرت. البته ممکن است هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۷. در این آیات به نیازمندی دایمی موجودات به خدا اشاره شده است؛ «۳» نیاز در وجود و نیاز در بقا که هر لحظه انسان‌ها و موجودات دیگر نیازمند آن‌اند. البته این نیاز نتیجه‌ی فناپذیری موجودات و بقای ذات الهی است. ۸. در این آیات بیان شده که خدا در هر روزی در کاری است؛ یعنی آفرینش گری او مستمر است و هر روز طرحی نو می‌افکند «۴» و هر روز بر تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۳۵ اساس مصلحت و حکمت به نیاز موجودات پاسخ می‌دهد و هر روز گناهکاران را می‌بخشد و گروهی را بالا می‌برد و گروهی را پایین می‌آورد «۱» و غرور و غفلت آنان را در هم می‌شکند. ۹. برخی مفسران برآن‌اند که این آیه پاسخی به یهودیان است که معتقد بودند خدا شنبه‌ها کار را تعطیل می‌کند و هیچ فرمانی نمی‌دهد. ولی در این آیه بیان شد که کار و برنامه و تدبیر الهی تعطیل‌بردار نیست. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جز خدا چیزی استقلال ندارد و باقی نمی‌ماند (پس به غیر او دل نبندید). ۲. نیازهای خود را از او بخواهید (که همه محتاج اویند). ۳. کار خدا و تدبیرهای مختلف او برای امور، تعطیل‌بردار نیست. ۴. بقای ذات و صفات خدا و نیاز شما به او و تدبیرش از نعمت‌های انکارناپذیر است که باید قدر آنها را بدانید. *** قرآن کریم در آیات سی و یکم تا سی و ششم سوره‌ی الرحمن به راه عبور از مرزهای آسمان و موانع آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱- ۳۶. سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أن تَنفُذُوْا مِن أَقْطَارِ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوْا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِن نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۳۶ ای دو گرانمایگان (: انسان‌ها و جنیان)! به زودی به (حساب) شما می‌پردازیم؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* ای گروه جن و انسان! اگر می‌توانید از اطراف آسمان‌ها و زمین نفوذ کنید، پس نفوذ کنید، (ولی) جز با تسلّط نفوذ نمی‌کنید؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* شعله‌هایی از آتش و دود بر شما فرستاده می‌شود و یاری نمی‌شوید (و پیروز نمی‌شوید)؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ثَقلان» به معنای دو بار سنگین و در این جا مقصود انسان‌ها و جنیان هستند که خدا به آنها عقل و شعور و ارزش معنوی خاصی داده که گران‌سنگ شده‌اند. ۲. خدا نامحدود است و پرداختن به چیزی او را از چیز دیگر غافل نمی‌کند، پس چرا آیه‌ی فوق می‌فرماید: خدا برای حساب‌رسی جن و انسان فارغ از همه چیز می‌شود؟ پاسخ آن است که این تعبیر در مورد خدا نوعی تأکید بر رسیدگی به حساب است. ۳. در این آیات بیان شده که انسان‌ها و جنیان نمی‌توانند به اطراف آسمان و زمین نفوذ کنند، مگر با سلطه و نیرویی فوق العاده. مفسران این تعبیر را دو گونه تفسیر کرده‌اند: الف) منظور مسافرت‌های فضایی بشر است که جز با نیرویی فوق العاده ممکن نیست. ب) مقصود نفوذ فکری و علمی بشر به اطراف جهان است که با قدرت استدلال امکان‌پذیر است. ج) منظور روز رستاخیز است که انسان‌ها و جنیان نمی‌توانند از حساب و عذاب الهی به اطراف آسمان و زمین فرار کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۳۷ البته تفسیر سوم با سیاق آیات قبل و بعد که در مورد رستاخیز است موافق است و به وسیله‌ی برخی روایات تأیید می‌شود. «۱» اما مانعی ندارد که آیه‌ی فوق به هر سه تفسیر اشاره داشته باشد. «۲» ۴. «شُواظ» به معنای شعله‌های بی‌دود آتش یا زبانه‌های آتش، و «نُحاس» به معنای دود یا شعله‌های قرمز رنگ و دودآلود آتش یا به معنای مِس مذاب است. به هر حال این تعبیرات اشاره به مشکلات نفوذ به آسمان‌ها و اطراف زمین است که گاهی انسان با شهاب‌سنگ‌های آتشین و یا حرارت سوزان روبه‌رو می‌شود، همان طور که در رستاخیز نیز با فرشتگان و آتش روبه‌رو می‌شود. ۵. حساب‌رسی رستاخیز یکی از نعمت‌های الهی است؛ چون عدالت اجرا می‌شود و هر کس به کیفر یا پاداش خود می‌رسد، همان طور که امکان سفرهای فضایی و مشکلات آنها از نعمت‌های الهی است که موجب رشد علمی بشر می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به زودی به حساب شما رسیدگی خواهد کرد (پس آماده شوید). ۲. سفرهای فضایی نیاز به آمادگی و نیرویی فوق العاده و سلطه‌ی علمی و فنی دارد، چون با موانع جدّی روبه‌رو هستید (پس با آمادگی اقدام کنید). ۳. شما نمی‌توانید از تحت حکومت الهی فرار کنید و با موانع زیادی روبه‌رو می‌شوید. ۴.

حساب‌رسی رستاخیز و امکان سفرهای فضایی و موانع آن، از نعمت‌های انکارناپذیر الهی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۳۸ قرآن کریم در آیات سی و هفتم تا چهلم سوره‌ی الرحمن به وضعیت آسمان‌ها در رستاخیز و عدم پرسش از افراد در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷- ۴۰. فَإِذَا انشَقَّتِ السَّماءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَن ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ پس هنگامی که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* پس در آن روز هیچ انسان و جن از پیامد (گناه) او پرسش نمی‌شود؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این آیه و آیاتی دیگر استفاده می‌شود که در رستاخیز نظام کنونی جهان و ستارگان درهم می‌ریزد و حوادث هول انگیزی در جهان رخ می‌دهد و کرات آسمانی از هم می‌شکافد و به رنگ سرخ و مذاب درمی‌آید. ۲. «ورده» به معنای گل یا اسب سرخ است و «دِهان» به معنای روغن مذاب یا دُردی است که در روغن ته نشین می‌شود و رنگ‌های مختلف دارد که صحنه‌ی آسمان‌ها در آن روز به آنها تشبیه شده است. ۳. در این آیات بیان شده که در رستاخیز هیچ پرسشی از گناه انسان و جن نمی‌شود در حالی که در برخی دیگر از آیات قرآن آمده است که از اعمال همه‌ی مردم پرسش می‌شود. «۱» جمع این دو دسته آیات چگونه است؟ پاسخ آن است که رستاخیز یک روز بسیار طولانی است که ایستگاه‌ها و مواقف زیادی دارد که در بعضی از گذرگاه‌ها از انسان پرسش می‌شود و بعضی دیگر نمی‌شود؛ چون در رستاخیز افراد گناهکار از چهره‌ی تاریک و گرفته‌شان شناخته می‌شوند. آری؛ رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۳۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در روز هولناک رستاخیز نظام آسمان فرو می‌پاشد (پس خود را برای آن روز آماده کنید). ۲. در رستاخیز (همه چیز آشکار می‌شود و نیاز به) پرسش از شما نیست. ۳. یادآوری رستاخیز و مسائل آن را از الطاف و نعمت‌های انکارناپذیر الهی بدانید (که شما را بیدار می‌سازد). *** قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و پنجم سوره‌ی الرحمن حالات خلافکاران و دوزخ را در رستاخیز بیان می‌کند و می‌فرماید: ۴۱- ۴۵. يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* هـذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ* يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ خلافکاران به چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و زمام‌ها و گام‌های (آنان) گرفته می‌شود؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* این جهنّمی است که خلافکاران آن را دروغ می‌انگاشتند؛* در حالی که بین آن و بین آب سوزان جوشان می‌چرخند؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین بیان شد که در رستاخیز از انسان‌ها در مورد گناهشان پرسش نمی‌شود و اینک در این آیه به دلیل آن اشاره کرده است که در آن روز نیکوکاران از چهره‌های نورانی و خندان و بدکاران از چهره‌های تاریک و گرفته‌شان شناخته می‌شوند، پس نیازی به پرسش نیست. ۲. در این آیات بیان شده که خلافکاران را با موی جلوی سر و پاها می‌گیرند و به سوی دوزخ می‌برند. این تعبیرات یا به معنای حقیقی است، یا کنایه از تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۴۰ تسلّط کامل بر آنان و یا کنایه از خواری و ناتوانی خلافکاران در رستاخیز است. ۳. در روز رستاخیز به حاضران در آن صحنه، یا در دنیا به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یا به همه‌ی انسان‌ها و جنیان خطاب می‌شود که این دوزخی است که خلافکاران آن را دروغ می‌انگاشتند، ولی اکنون عذاب آن را کاملًا احساس می‌کنند. ۴. در این آیات عذاب‌های دوزخیان به صورتی وحشتناک به تصویر کشیده است؛ در یک طرف آنان شعله‌های فروزان دوزخ و در طرف دیگر آنان آبی سوزان «۱» در نهایت حرارت است و دوزخیان بین این دو در رفت و آمدند و این مجازاتی دردناک است. ۵. در این آیات یاد دوزخ و عذاب‌های آن و بیان حالات خلافکاران از نعمت‌های الهی شمرده شده است، چون این مطالب انسان را بیدار و از خلافکاری منع می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز نیازی به معرفی خلافکاران نیست چون از چهره‌شان شناخته می‌شوند. ۲. خلافکاران را با خواری به سوی دوزخ می‌برند (پس دست از خلافکاری بردارید). ۳. خلافکاران سرانجام دوزخی را که انکار می‌کردند می‌بینند. ۴. خلافکاران به عذاب‌های متنوعی گرفتار می‌شوند (پس باید مراقب باشند). ۵. یاد دوزخ و بیان حالات

دوزخیان از نعمت‌های (بیدار گر و) انکارناپذیر الهی است. ۶. از سرنوشت عذاب‌آلود خلافکاران عبرت بیاموزید. ***** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۴۱ قرآن کریم در آیات چهل و ششم تا پنجاه و سوم سوره‌ی الرحمن به اوصاف دو بهشت ترسایانِ از مقام خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶- ۵۳. وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* ذَوَاتَا أَفْنَانٍ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* فِيهِمَا مِن كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو بوستان (بهشتی) است؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* که (آن دو بوستان) دارای (انواع درختان میوه و) شاخساران است؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* در آن دو (بوستان) دو چشمه‌سار روان‌اند؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* در آن دو (بوستان)، از هر میوه‌ای دو جفت است؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال محبوب‌ترین و دوست داشتنی‌ترین موجود است، پس ترس از او به چه معناست؟ ترس از مقام خدا، به معنای ترس از مقام داوری و عدالت اوست که در حقیقت به ترس انسان از اعمال خویش بازمی‌گردد؛ همان طور که خلافکاران از قاضی دادگاه به خاطر مقام او هراس دارند. البته برخی مفسران ترس از مقام خدا را به معنای ترس از مواقف قیامت و حضور در پیشگاه او برای حساب و یا ترس از مقام علمی خدا و مراقبت دایمی او نسبت به همه‌ی انسان‌ها و نیز ترس از دوزخ دانسته‌اند، که همه‌ی این موارد می‌تواند به همان تفسیر اول بازگردد. ۲. در این آیات بیان شده که هر کس از مقام پروردگار هراس دارد، دارای دو بوستان بهشتی است، که برخی مفسران این دو بوستان را به معنای بهشت جسمانی و معنوی و نیز بهشتی که پاداش اعمال انسان است و بهشتی که تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۴۲ به او می‌بخشند و نیز بهشت اطاعت و بهشت ترک گناه معرفی کرده‌اند. البته ممکن است همه‌ی این معانی و حتی معانی دیگری مقصود آیه باشد؛ یعنی خدا بهشت‌های متعددی در اختیار خدا ترسان قرار می‌دهد. «۱» ۳. شاید پاداش خداترسان از آن جهت زیادتر است که ترس از مقام داوری و گواهی خدا مانع ارتکاب گناه می‌شود و انسان را به کمالات زیادتری می‌رساند و مستحق پاداش‌های بیش‌تری می‌کند. ۴. در این آیات به چند ویژگی بهشت‌های خدا ترسان اشاره شده است: الف) بهشت‌های آنان دارای انواع نعمت‌ها و میوه‌ها و درختانی با شاخه‌های پربرگ و با طراوت است و یا بر هر شاخه‌ای انواع میوه‌هاست. «۲» ب) بهشت‌های خدا ترسان دارای دو چشمه‌سار است. چشمه‌هایی همچون تسنیم و سلسبیل یا چشمه‌های شراب طهور و عسل مصفی و یا چشمه‌های مادی و معنوی است. ج) در آن جا از هر میوه‌ای دو جفت وجود دارد، همچون دو نوع تابستانی و زمستانی یا کوچک و بزرگ و به طور کلی متنوع است به طوری که شبیه آنها را ندیده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پاداش ترسایان از مقام خدا، دو چندان است. ۲. ترس از مقام (داوری و گواهی) خدا زمینه‌ساز ورود به بهشت است. ۳. ترس از پیامدهای هولناک اعمال خود، امری پسندیده و عاقلانه و دارای نتایج سودمندی است (م). ۴. بهشت دارای انواع میوه‌ها و چشمه‌ساران است که این‌ها نعمت‌های انکارناپذیر الهی است. ۵. از مقام (داوری خدا) بهراسید تا سزاوار بهشت شوید. ***** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۴۳ قرآن کریم در آیات پنجاه و چهارم تا پنجاه و نهم سوره‌ی الرحمن به اوصاف خدا ترسان و همسران آنها در بهشت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۴- ۵۹. مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ در حالی که بر بسترهایی تکیه زده‌اند که (آستر) داخل‌های آنها از حریر ضخیم است و میوه‌ی آن دو بوستان بهشتی نزدیک (و در دسترس) است؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* در آن (بهشت) ها همسرانی چشم فروهشته هستند که پیش از آنان هیچ انسان و جنّی با آنان تماس نگرفته است؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* چنان‌که گویی آنان یاقوت و مرجان‌اند.* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به فرش‌های گسترده‌ای اشاره شده که خدا ترسان در بهشت بر آنها تکیه می‌زنند و برای نشان دادن ارزش

آنها می‌فرماید: آستر این فرش‌ها از گران‌قیمت‌ترین پارچه‌ی دنیا، یعنی ابریشم تهیه شده است که بسیار لطیف و زیباست، ولی سخنی از جنس خود فرش و قسمت رویین آن نمی‌گوید، چرا که ارزش و لطافت و زیبایی آن فوق تصور ماست. ۲. در این آیات به دو ویژگی میوه‌های بهشت‌های خدا ترسان اشاره شده است: الف) میوه‌های آنها رسیده است؛ ب) میوه‌های آنها در دست‌رس افراد است و چیدن آنها زحمتی ندارد. ۳. در این آیات به چند ویژگی همسران بهشتی اشاره شده است: الف) آنان فقط به شوهران خود چشم دوخته‌اند و فقط به آنان عشق می‌ورزند، یعنی بسیار عفیف‌اند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۴۴ ب) آنان دوشیزه‌اند و قبلًا به دیگری شوهر نکرده‌اند؛ ج) آنان به سرخی و صفای یاقوت و زیبایی مرجان هستند. ۴. یاقوت، سنگی معدنی است که معمولًا سرخ است و مرجان حیوانی دریایی است که شبیه شاخه‌ی درخت و به رنگ سفید یا سرخ یا رنگ دیگر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هراس از مقام (داوری و گواهی) خدا زمینه‌ساز نعمت‌های متنوعی در بهشت است. ۲. بهشتیان بر بهترین فرش‌ها تکیه می‌کنند و از میوه‌های بهشتی به راحتی استفاده می‌کنند (تلاش کنید شما نیز از آنان باشید). ۳. اگر همسران بهشتی (دوشیزگان بسیار زیبا و عفیف) می‌خواهید، از مقام داوری خدا بهراسید (و با تقوا باشید). ۴. همسر شایسته آن است که دوشیزه‌ای عفیف چشم و زیبا باشد. *** قرآن کریم در آیات شصتم و شصت و یکم سوره‌ی الرحمن به قانون نیکی در برابر نیکی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۰ و ۶۱. هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟!* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به یک قانون کلی در مورد پاداش دادن نیکی با نیکی اشاره شده است؛ قانونی که در مورد مؤمنان و کافران و نیکوکاران و حتی فاسقان اجرا می‌شود؛ یعنی هر کس به شما نیکی کرد به او نیکی کنید. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۴۵ ۲. در حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است که حضرت فرمودند: «در قرآن آیه‌ای هست که شمول کامل دارد». شخصی از ایشان پرسید: کدام آیه است؟ حضرت فرمود: «هل جزاء الاحسان الّا الاحسان» (آیا پاداش نیکی جز نیکی است) که در مورد کافر و مؤمن و نیکوکار و بدکار جاری می‌شود و هرکس به او نیکی شود باید جبران کند و راه جبران این نیست که به اندازه‌ی او نیکی کند، بلکه باید بیش از آن باشد؛ چون اگر همانند او نیکی کند، نیکی او برتر است، چرا که او آغازگر بوده است. «۱» ۳. «احسان» چیزی برتر از عدالت است، عدالت آن است که انسان هر چه بر عهده‌ی اوست بدهد یا آنچه متعلق به اوست بگیرد، ولی احسان آن است که انسان بیش از وظیفه‌ی خود انجام دهد و کم‌تر از آنچه حق اوست بگیرد. «۲» ۴. مقصود از «احسان» در آیه‌ی فوق چیست؟ در احادیث اسلامی و سخنان مفسران آمده است که احسان در این آیه به معنای توحید، معرفت یا اسلام است. البته این موارد از مصادیق روشن احسان و نیکی است، ولی آیه‌ی فوق معنای گسترده‌ای دارد که هر گونه نیکی در کردار، گفتار و عقیده و نیز نیکی‌های مردم و نیکی‌های خدا را شامل می‌شود. نیکی‌های خدا باید به طور شایسته و تا حد توان و به صورت سپاس‌گزاری و خدمت به خلق، جبران شود. آن کس که اوفتاد و خدایش گرفت دست گو بر تو باد تا غم اوفتادگان خوری (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۴۶ ۵. قانون «نیکی به جای نیکی» در نهاد انسان قرار داده شده است، از این‌رو بدان دستور نمی‌دهد، بلکه به صورت استفهام تقریری از انسان می‌پرسد که آیا این‌گونه نیست؟ آری؛ این قانون یکی از نعمت‌های الهی است که در نهاد انسان قرار داده شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نیکی دیگران را با نیکی جبران کنید. ۲. به جای نیکی، بدی نکنید. ۳. قانون «نیکی به جای نیکی» یکی از نعمت‌های انکارناپذیر الهی است. *** قرآن کریم در آیات شصت و دوم تا شصت و نهم سوره‌ی الرحمن به ویژگی‌های دو بوستان دیگر بهشتیان می‌پردازد و می‌فرماید: ۶۲- ۶۹. وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* مُدْهَامَّتَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ* فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ و پایین‌تر از آن دو (بوستان) دو بوستان (بهشتی دیگر) است؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* دو (بوستان) سبز سیاه‌فام‌اند؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟!* در آن دو (بوستان) دو چشمه‌سار فواره زن است؛* پس کدام‌یک از نعمت‌های

پروردگارتـان را دروغ می‌انگاریـد؟!* در آن دو (بوسـتان) میوه و درخـت خرمـا و انـار اسـت.* پس کـدام‌یک از نعمت‌هـای پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین از دو بهشت خدا ترسان و اینک در این آیات از دو بهشت دیگر یاد شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۴۷ از لحن آیات و احادیث اهل بیت علیهم السلام «۱» استفاده می‌شود که دو بهشت اخیر، در مرتبه‌ای پـایین‌تر از دو بهشت خـداترسان است که برای مؤمنـان عادی و درجه‌ی پایین در نظر گرفته شـده است؛ یعنی دو بهشـت نخسـت برای مقرّبـان درگـاه الهی و دو بهشـت دیگر برای اصـحاب یمین است. «۲» ۲. این دو بوسـتان بهشـتی چند ویژگی اساسـی دارنـد که عبارت‌اند از: الف) سرسبز و خرّم هسـتند؛ ب) دارای دو چشـمه‌سار در حال فوران هسـتند؛ ج) در آن دو بهشت میوه‌هـای متنوعی هم‌چون خرما و انار است. البته این دو بهشت ویژگی‌های دیگری نیز دارنـد که در آیات بعـد بـدانها اشاره می‌شود. ۳. در این آیـات به دو میوه‌ی خرمـا و انـار اشاره شـده که از نظر غـذایی اهمیت زیادی دارد، ولی در مورد خرما از درخت خرمـا و در مورد انـار از میوه‌ی انـار نـام برده شـده است؛ چون درخت خرما علاوه بر میوه خواص دیگری نیز برای بشـر دارد. ۴. در احادیث اسلامی سفارش شده که «به کودکان انار بدهید». «۳» و نیز روایت شده که «نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله میوه‌ای در زمین محبوب‌تر از انـار نبوده است». «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهشت دارای بوسـتان‌های متعـدد و متنوعی است (همان طور که برای افراد مختلف درجات متفاوتی دارد). تفسیر قرآن مهر جلد بیسـتم، ص: ۱۴۸ ۲. خدا برای بشـر آینده‌ای روشن، درخشان و پرنعمت در نظر گرفته است (م). ۳. خرما و انار دو میوه‌ی بهشتی‌اند. ۴. سرسبزی و چشمه‌سار داشتن از ویژگی‌های بوستان‌های بهشتی است. ۵. بهشت و نعمت‌های آن را بشناسـید (و تلاش کنیـد صـفات بهشتیان را کسب کنیـد که از آنان شوید). *** قرآن کریم در آیات هفتـادم تـا هفتـاد و هفتم سوره‌ی الرحمن به ویژگی‌های حوریان بهشتی اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۷۰- ۷۷. فِیهِنَّ خَیْرَاتٌ حِسَانٌ* فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ* حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِی الْخِیَامِ* فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ* لَمْ یَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ* فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ* مُتَّکِئِینَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِیٍّ حِسَانٍ* فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ در آن (بهشت) هـا زنانی نیکو (و) زیبایند؛* پس کـدام‌یک از نعمت‌هـای پروردگارتـان را دروغ می‌انگاریـد؟!* حوریانی که در خیمه‌های (بهشتی) پوشیـده‌اند؛* پس کـدام‌یک از نعمت‌هـای پروردگارتـان را دروغ می‌انگاریـد؟!* پیش از آنـان هیـچ انسـان و جنّی بـا آن (حـوری) هـا تمـاس نگرفتـه است.* پس کـدام‌یک از نعمت‌هـای پروردگارتـان را دروغ می‌انگاریـد؟!* در حـالی که (بهشتیـان) بر بالش‌های سبز و (فرش‌های) کم‌یابِ زیبا تکیه زده‌انـد؛* پس کـدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگاریـد؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات به ویژگی‌های حوریـان بهشتی اشـاره شـده است: الف) آنـان زنانی عفیف و زیبا هسـتند؛ هم جمال معنوی دارنـد و هم جمال ظاهری. ب) آنها در منزلگاه‌ها و خیمه‌های خود جای دارند و از چشم دیگران پوشیـده‌اند، یعنی فقط مخصوص همسرانشان هستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۴۹ ج) حوریان بهشتی دوشیزگانی هستند که قبلًا به ازدواج هیـچ انسان یا جنّی درنیامده‌اند. هر چند ویژگی‌های فوق مخصوص حوریان بهشتی‌انـد، اما می‌تواننـد اشاره به صـفات عالی همسـران دنیوی نیز باشـند و الگویی برای آنان به شـمار آینـد. ۲. «حُور» در اصـل به معنـای سیاهی چشم در کنـار سـفیدی شـفاف آن است و گاه به زنان سـفید چهره نیز گفته می‌شود. ۳. «خِیام» و خیمه در اصل به معنای خانه‌ای است که از سـنگ و مانند آن ساخته نشده است؛ بنابر این به خانه‌های چوبی و خیمه‌های اصطلاحی نیز گفته می‌شود که زنان بهشتی در آنها دور از چشم دیگران هستند و اختصاص به شوهرانشان دارنـد. ۴. از آیات قرآن و احادیث استفاده می‌شود که زنان و مردان مؤمنی که در دنیا همسـر یک‌دیگر بودند، اگر هر دو بهشتی باشـند، در آن جا به یک‌دیگر ملحق می‌شونـد و در بهـترین حالاـت زنـدگی می‌کننـد و حـتی مقـام این زنـان از حوریـان بهشـتی بالاـتر است. «۱» ۵. «رَفرَف» به معنـای برگ‌هـای گسترده‌ی درختان است، سپس به پارچه‌های زیبا و رنگارنگی که شبیه منظره‌ی باغ است گفته شـده است که پارچه‌های بهشتی و تخت‌های آن این گونه‌انـد. ۶. «عَبقَری» به معنـای هر موجود بی‌نظیر یا کم نظیر است و برخی معتقدنـد که در نزد عرب‌ها، عَبقَر نام شهر پریان بوده است، یا شهری که بهترین پارچه‌های ابریشمی را در آن جا می‌بافتند. «۲» این تعبیرات اشاره به آن است که

نعمت‌های بهشتی ممتاز و کم نظیرند، ولی این تعبیرات تنها شبحی از آن نعمت‌های عالی را به تصویر می‌کشند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۵۰ ۷. رنگ پارچه‌ها و تخت‌های بهشت سبز رنگ‌اند. آری رنگ سبز آرامش‌بخش و طرب‌انگیز است. استفاده از رنگ سبز در پارچه‌ها و لوازم درون منزل انسان را به یاد طبیعت می‌اندازد و محیط خانه را شاد می‌گرداند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دوشیزگان عفیف و زیبا که مخصوص شوهران خود هستند، همسران شایسته‌ی مؤمنان‌اند. ۲. رنگ سبز برای محیط خانه مناسب است. ۳. نعمت‌های بهشت ممتاز و کم‌نظیر است (اگر آنها را می‌خواهید صفات بهشتیان را کسب کنید). ۴. نعمت‌های الهی در بهشت، انکارناپذیر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پایانی سوره‌ی الرحمن به خجستگی نام پروردگار و صفات او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۸. تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِی الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ خجسته و پایدار است نام پروردگارت که شکوهمند و ارجمند است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «تبارک» در اصل به معنای سینه‌ی شتر است و از آن جا که در هنگام استراحت شتر، سینه‌اش به زمین می‌چسبد و ثابت می‌ماند، به هر نعمت بادوام و پایدار مبارک گفته می‌شود و از آن جا که سرمایه‌های با دوام پرفایده‌اند به آن نیز مبارک و خجسته می‌گویند. از این رو به نام خدا که سرچشمه‌ی خیرات است پربرکت گفته شده است. ۲. مقصود از «اسم پروردگار» همان صفات اوست، که هر یک منشأ خیری است. رحمانیت او منشأ برکات جهان، حکمت او منشأ قوانین هستی تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۵۱ و علم و عدل او منشأ برپایی رستاخیز و پاداش و کیفر است. ۳. «جلال» اشاره به صفات سلبیه، همچون جسم نداشتن خدا و «اکرام» اشاره به صفات ثبوتیه، همچون علم و حکمت خداست. ۴. در حدیثی آمده است که شخصی در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کرد و «یا ذی الجلال و الاکرام» گفت. حضرت فرمود: «اکنون دعایت مستجاب شد پس هر چه می‌خواهی دعا کن و بخواه». «۱» ۵. در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: ما جلال و کرامت خدا هستیم، که بندگان را به اطاعت ما گرامی داشته است. البته روشن است که مقصود این‌گونه احادیث آن است که اهل بیت علیهم السلام مظهر صفات و نام‌های خدا هستند؛ چون فقط به سوی او دعوت می‌کنند و صفات خدا را به مردم می‌شناسانند و می‌نمایانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نام خدا خجسته و پربرکت است. ۲. خدا صاحب جلال و کرامت است. ۳. نام خدا را با عظمت یاد کنید. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۵۳

بخش پنجم:سوره ی واقعه

اشاره

دلایل رستاخیز و تصویر صحنه‌های آن تقسیم مردم به مقربان و اصحاب دست راست و چپ نشانه‌های خدا در صحنه‌ی طبیعت و کیهان تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۵۵

اول: سیمای سوره‌ی واقعه

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی واقعه در مکه برپیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۹۶ آیه، ۳۷۸ کلمه و ۱۷۰۳ حرف است. این سوره چهل و پنجمین سوره‌ی قرآن در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «طه» و قبل از سوره‌ی «شعراء») و پنجاه و ششمین سوره در چینش کنونی

قرآن است. تنها نام این سوره «واقِعه» (حادثه و پیشامد) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. واقعه یکی از نام‌های قیامت نیز هست.

فضیلت

در مورد فضیلت قرائت این سوره از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: هرکس سوره‌ی واقعه را در هرشب جمعه بخواند، خدا او را دوست می‌دارد و نزد مردم محبوب می‌کند. و از دوستان علی علیه السلام خواهد بود. «۱» تذکر: روشن است که خواندن سوره‌ی واقعه وقتی انسان را محبوب خدا می‌کند که همراه با تدبّر و عمل به مضامین آن باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۵۶

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ذکر رستاخیز و حوادث آن و شرح حال نیکوکاران و بدکاران.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که در این سوره به چشم می‌خورند عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان دلایل معاد با اشاره به قدرت خدا (در آیات ۴۹، ۵۰ و ۵۶- ۷۳)؛ ۲. تصویر صحنه‌ی قیامت و حوادث سخت آن (در آیات ۱- ۶)؛ ۳. بیان مقامات مقربان و اصحاب یمین و پاداش‌های بهشتی آنان (در آیات ۱۵- ۴۰ و ۸۸- ۹۱)؛ ۴. بیان عذاب‌های سخت رستاخیز برای گناهکاران و منکران معاد (در آیات ۵۱- ۵۵ و ۹۲- ۹۴). ب) مطالب فرعی: ۱. بیان اهمیت قرآن (در آیات ۷۷- ۸۱)؛ ۲. اشاره‌ای به قدرت خدا در خلقت انسان از نطفه، تجلّی حیات در گیاهان، نزول باران و روشنی آتش (در آیات ۵۷- ۷۳)؛ ۳. ترسیمی از حالت احتضار و جان دادن انسان (در آیات ۸۳- ۸۴)؛ ۴. تقسیم مردم به سه دسته: اصحاب یمین، اصحاب شمال و مقرّبان (در آیات ۴۳- ۴۷)؛ ۵. قسم به جایگاه ستارگان (در آیه‌ی ۷۵)؛ ۶. دستور به تسبیح پروردگار (در آیات ۷۴ و ۹۶). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۵۷

دوم: محتوای سوره‌ی واقعه

اشاره

قرآن کریم در آیات اول تا ششم سوره‌ی واقعه به رستاخیز و حوادث هولناک آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۶. إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ* لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ* خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ* إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا* وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا* فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنبَثًّا هنگامی که حادثه (: رستاخیز) واقع شود؛* در وقوعش دروغی نیست؛* فرو آورنده و برافرازنده است؛* هنگامی که زمین کاملًا می‌لرزد!* و کوه‌ها کاملًا خرد می‌شوند!* و غباری پراکنده می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «واقِعه» به معنای حادثه، اشاره به رستاخیز است و از آن جا که حادثه‌ی رستاخیز حتماً واقع می‌شود از آن به «واقعه» تعبیر شده است و برخی از مفسران «واقعه» را یکی از نام‌های رستاخیز می‌دانند. «۱» ۲. «کاذِبه» یا به معنای مصدری است که در این صورت آیه می‌فرماید رستاخیز آن‌قدر آشکار است که جای تکذیب کردن ندارد و یا به معنای اسم فاعل است که در این صورت یعنی در آن روز تکذیب‌گری برای رستاخیز وجود نخواهد داشت. ۳. در روز رستاخیز جایگاه افراد دگرگون می‌شود و عدّه‌ای از ستمکاران و کافران گردن‌کش که در مقامات بالای دنیوی قرار دارند، به پایین سقوط تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۵۸ می‌کنند و گروهی از مؤمنان مستضعف که در دنیا محروم بودند به اوج قله‌ی افتخار و

مقامات بلند معنوی می‌رسند. از امام سجاد علیه السلام روایت شده که رستاخیز دشمنان خدا را در آتش می‌افکند و دوستان خدا را به سوی بهشت بالاـ می‌برد. «۱» ۴. در هنگام برپایی رستاخیز کوه‌ها به شدّت می‌لرزند و درهم کوبیده می‌شوند و هم‌چون غباری پراکنده می‌گردند. آری؛ انفجارهای رستاخیز آن‌قدر سنگین و عظیم است که کوه‌ها را متلاشی می‌سازد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وقوع رستاخیز حتمی است (خود را برای آن روز آماده کنید). ۲. در رستاخیز منزلت افراد تغییر می‌کند (و هر کس جایگاه واقعی خود را می‌یابد). ۳. حوادث رستاخیز آن‌قدر هولناك و عظیم است که کوه‌ها را فرو می‌پاشد. ***

سه گروه در رستاخیز

قرآن کریم در آیات هفتم تا چهاردهم سوره‌ی واقعه به تقسیم مردم به سه گروه سعادتمندان، بدبختان و پیشاهنگان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷- ۱۴. وَكُنتُمْ أَزْوَاجاً ثَلَاثَةً* فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ* وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ* وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ* فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ* ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ* وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۵۹ و (شما) گروه‌های سه گانه می‌شوید.* پس یاران خجسته (دست راست)، کدامند یاران خجسته (دست راست)!* و یاران شوم (دست چپ)، کدامند یاران شوم (دست چپ)!* و پیشگامان پیشگامان!* آنان نزدیکان (درگاه الهی) اند؛* در بوستان‌های پرنعمت (بهشت) اند؛* جمعی از (ملت‌های) پیشین،* و اندکی از (ملت‌های) پسین؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «اصحاب یَمین» یا به معنای کسانی است که نامه‌ی اعمالشان در رستاخیز به دست راست آنان داده می‌شود، یعنی آنان نجات می‌یابند و یا کسانی که خوش‌بخت و سعادتمندند. «۱» ۲. «اصحابُ المَشئَمه» گروهی هستند که شوم و بدبخت شده‌اند و نامه‌ی اعمالشان به دست چپ آنان داده می‌شود که این مطلب به سرنوشت عذاب‌آلود آنان اشاره دارد. «۲» ۳. «سابقون» و «مُقَرَبُون» کسانی هستند که در ایمان و کارهای نیک و صفات و اخلاق انسانی پیشاهنگ و پیش‌گام و الگوی دیگران بوده‌اند و به همین دلیل به درگاه الهی نزدیك شده‌اند. ۴. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد سابقون و پیشگامان پرسش کرد و حضرت فرمود: آنها علی علیه السلام و پیروان او هستند که پیشگام به سوی بهشت‌اند و به خاطر گرامی‌داشت خدا نسبت به آنان، مقرّبان خدا هستند.» و در برخی روایات آمده است که سابقون چهار نفرند: هابیل، مؤمن آل فرعون، حبیب نجار و علی علیه السلام که هر کدام در امت خود پیش‌گام بوده‌اند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۰ و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده است که به گروهی از پیروان خود فرمودند: شما سابقون و پیشاهنگان هستید که در دنیا پیش‌گام به سوی ولایت و در آخرت پیش‌آهنگ به سوی بهشت هستند. «۱» و یا در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده که ما پیش‌گامان پیش‌گام هستیم و ما آخرون هستیم. «۲» البته این‌گونه احادیث مصداق‌های روشن و کامل پیشاهنگان در ایمان را برمی‌شمارند ولی مفهوم آیه را منحصر در این موارد نمی‌کنند. ۵. در این آیات به سه ویژگی پیشاهنگان در دین اشاره شده است: الف) آنان از نظر معنوی به خدا نزدیك‌اند؛ ب) در بهشت‌های پرنعمت جای دارند؛ ج) در امت‌های پیشین بیش‌تر از امت‌های بعد بودند. ۶. در این جا پرسشی مطرح می‌شود که با وجود کثرت مسلمانان، چرا تعداد اندکی از پیش‌گامان و سابقون از ملت اسلام هستند و اکثریت از ملت‌های پیشین‌اند؟ پاسخ آن است که پیش‌گامان و سابقون مسلمان، یعنی اصحاب نخستین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم‌چون علی علیه السلام و خدیجه، با توجه به کثرت پیامبران پیشین، کم‌تر از این‌گونه افراد در ملت‌های قبل بوده‌اند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۱ ۱. مردم در رستاخیز بر اساس کردار و سرنوشت تقسیم می‌شوند (شما بنگرید که از کدام گروه هستید). ۲. پیشاهنگی در دین از ارزش‌هاست (شما تلاش کنید از آنها باشید). ۳. اگر می‌خواهید به خدا نزدیك شوید و وارد بهشت گردید در دین پیش‌گام باشید. ۴. پیشاهنگان در ایمان، در امت‌های پیشین، بیش‌تر بوده‌اند. ۵. پیشگامی در ایمان علی رغم سیر صعودی جمعیت، سیری نزولی داشته است. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا بیست و ششم سوره‌ی واقعه به

حالات و نعمت‌های پیشاهنگان (و سابقون) در بهشت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵ - ۲۶. عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ* مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ* يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ* بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِن مَعِينٍ* لَايُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ* وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ* وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ* وَحُورٌ عِينٌ* كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ* جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* لَايَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْواً وَلَا تَأْثِيماً* إِلَّا قِيلًا سَلَاماً سَلَاماً بر تخت‌های پیوسته (و گوهرنشان) هستند؛* در حالی که بر آنها تکیه زده، رویاروی هم‌دیگرند.* نوجوانانی ماندگار بر (گرد) آنان می‌چرخند؛* با قدح‌ها و کوزه‌ها و جامی از (شراب) لبریز؛* در حالی که از (نوشیدن) آنها سردرد نمی‌گیرند و مست نمی‌شوند.* و میوه‌ای از آنچه برمی‌گزینند؛* و گوشت پرنده از آنچه میل دارند؛* و حوریان فراخ‌چشم (و سپیدچشم)؛* هم‌چون داستان مروارید پنهان؛* به پاداش آنچه انجام می‌دادند.* در آن (بهشت) هیچ بیهوده و نسبت دادن گناه نمی‌شنوند.* مگر گفتار: سلام! سلام! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به نعمت‌های عالی بهشتی اشاره شده است. البته برای معرفی این نعمت‌ها به ناچار از تعبیرات معمولی و دنیوی استفاده شده تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۲ است که به طور کامل آن حقایق عالی را نمی‌تواند نشان دهد بلکه شبحی از آنها را به تصویر می‌کشد؛ زیرا الفاظ معمولی برای بیان مطالب مادی محدود وضع شده‌اند و به طور کامل گویای حقایق معنوی وبرتر نیستند. ۲. در بهشت تخت‌هایی در مجالس انس به طور منظم و پیوسته قرار می‌دهند و یا این که این تخت‌ها دارای بافت مخصوصی هستند؛ «۱» بهشتیان بر این تخت‌ها روبه‌روی هم تکیه می‌زنند و مجالس سرور و شادی برقرار می‌کنند. ۳. نوجوانانی با طراوتی جاودانه گرداگرد بهشتیان می‌چرخند و شراب طهور را با ظرف‌ها و جام‌های مختلف به آنان عرضه می‌کنند. «۲» ۴. نوجوانان خدمت‌گزار بهشتیان چه کسانی هستند؟ در احادیث اسلامی از امام علی علیه السلام روایت شده که این نوجوانان فرزندان مردم دنیا هستند که پیش از بلوغ از دنیا رفته‌اند و کار نیک و بدی نداشته‌اند و از این رو وارد بهشت می‌شوند و در خدمت پیش‌گامان و سابقون قرار می‌گیرند که البته خود از این کار لذت می‌برند. برخی مفسران نیز گفته‌اند که اینان اطفال مشرکان هستند، یا خدمتکارانی که خدا برای این کار خلق کرده است. «۳» البته مانعی ندارد که آیه به هر سه مطلب اشاره داشته باشد و همه‌ی این‌ها از مصادیق نوجوانان خدمت‌گزار بهشتیان باشند. ۵. شراب بهشتی هم‌چون شراب دنیوی زیان‌آور و مست کننده نیست، شرابی پاک و لذت‌بخش و وصف‌ناپذیر است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۳ ۶. در این آیات، میوه‌ها قبل از گوشت پرندگان ذکر شده‌اند، شاید این به خاطر آن باشد که خوردن میوه قبل از غذا بهتر است و از انواع گوشت، گوشت پرندگان ذکر شده است و شاید که اشاره باشد به این که گوشت پرندگان نیز که از نوع گوشت سفید است از انواع دیگر بهتر است. ۷. «حُور العین» به معنای زنان درشت چشمی است که سفیدی و سیاهی چشم آنان کاملًا شفاف است؛ زنانی که هم‌چون مروارید در صدف‌اند؛ یعنی کاملًا شفاف و زیبا که دستی به آنان نرسیده است و از چشم دیگران پنهان بودند. البته برخی از مفسران «حور» را از حیرت دانسته‌اند؛ یعنی زنانی که چشم انسان از دیدن آنان به حیرت می‌افتد. «۱» آری؛ همسران بهشتیِ پیشگامان و سابقون این‌گونه‌اند. ۸. یکی دیگر از نعمت‌های بهشتی آن است که در آن جا سخنان بیهوده و گناه‌آلود وجود ندارد و محیط لطف و صفا و ادب است. بیش‌تر ناراحتی‌های انسان در دنیا از همین سخنان بیهوده و گناه آلود است که در بهشت وجود ندارد. ۹. مقصود از سلام در بهشت، همان سلام خدا و فرشتگان به بهشتیان یا سلام خود بهشتیان به هم‌دیگر است. «۲» البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق اشاره به همه‌ی این‌ها باشد؛ محیط بهشت محیط سلام، سلامتی و صفاست و همه چیز به صلح و صفا ختم می‌شود. ما نیز می‌توانیم با دوری از سخنان بیهوده و گناه‌آلود و با سلام و صفا، محیطی بهشتی برای زندگی خود فراهم سازیم. ۱۰. همه‌ی نعمت‌هایی که به پیشاهنگان و سابقون می‌دهند، به خاطر تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۴ اعمال نیکی است که همواره انجام می‌دادند؛ این اعمال انسان است که بهشت یا جهنّم را می‌سازد. ۱۱. برخی نعمت‌های بهشتی، نوشیدنی و خوردنی، برخی از نوع انس با دوستان بهشتی، بعضی از سنخ همسران و حوریان بهشتی و برخی دیگر ناشی از محیط آرام و پاک بهشت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهشتی پرنعمت و لذت بخش در انتظار پیشاهنگان (در ایمان) است. ۲. بهشت را به بها می‌دهند (نه به بهانه). ۳. کردار نیک شما

زمینه‌ساز بهره‌مندی از نعمت‌های بهشتی است (پس کردار شما بهشت‌ساز باشد). ۴. در بهشت، آلودگی صوتی وجود ندارد (و محیطی آرام و با صفا حاکم است). *** قرآن کریم در آیات بیست و هفتم تا چهلم سوره‌ی واقعه به نعمت‌های سعادتمندان (و اصحاب یمین) در بهشت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷ – ۴۰. وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ* فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ* وَطَلْحٍ مَنضُودٍ* وَظِلٍّ مَمْدُودٍ* وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ* وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ* لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ* وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ* إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً* فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً* عُرُباً أَتْرَاباً* لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ* ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ* وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ و یاران دست راست، کدامانند یاران دست راست!* (آنان) در [جوار درخت سِدْر بی‌خار،* و درخت بزرگ (سبز موز با برگ‌ها و میوه‌های) لایه لایه،* و سایه‌گسترده،* و آبی ریزان،* و میوه‌ی فراوان،* که نه گسسته شده و نه منع می‌شود؛* و همسرانی بلندمرتبه‌اند.* در حقیقت، ما آنان را با پیدایشی (نو) پدید آوردیم،* و آنان را دوشیزگانی قرار دادیم،* که شوهردوستانی همسال‌اند.* (این‌ها) برای یاران دست راست است.* جمعی از (ملت‌های) پیشینیان‌اند،* و جمعی از (ملت‌های) پسین. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «اصحاب المَیمنهٔ» یا «اصحاب الیمین» به معنای کسانی است که نامه‌ی اعمالشان به دست راست آنان داده می‌شود و یا افراد سعادتمند و خوش‌بخت. ۲. یکی از نعمت‌های بهشت سایه‌های بهشتی، به ویژه سایه‌ی درخت سِدر است. درخت سِدر، درختی دارای خار، تناور و بلند قامت و با عمری دراز است ولی در این آیات اشاره شده که درخت سِدر بهشت بی‌خار است. آری؛ بهشتیان سعادتمند زیر سایه هستند و حرارت و نور زیاد آنان را آزار نمی‌دهد. ۳. «طَلْح مَنضُود» به معنای درختی سبز و خوش‌رنگ و خوش‌بو با برگ‌ها یا میوه‌های متراکم ولایه لایه است. برخی از مفسران گفته‌اند که در این جا مقصود درخت موز است. ۴. در بهشتِ اصحاب یمین آبشارهایی چشم‌نواز و میوه‌های فراوان و دایمی وجود دارد. میوه‌هایی که مخصوص یک فصل نیستند تا پس از مدتی قطع شوند و کسی جلوی آنها را نمی‌گیرد تا منع شوند. ۵. در این آیات به زنان و همسران اصحاب یمین در بهشت اشاره شده است «۱» که خدا آنان را بازآفرینی کرده و دوشیزه قرار داده است. آن همسران افرادی خوش‌سخن، شوهردوست و همگون با همسرانشان هستند؛ «۲» یعنی هم‌چون شوهرانشان زیبا و نیک و یا هم‌سن آنها هستند، که این مشابهت موجب درک متقابل و لذت بیش‌تر است. این صفات برای زنان بهشتی گفته شده اما می‌تواند الگویی برای زنان دنیوی نیز باشد؛ یعنی زن خوب آن است که خوش‌سخن، شوهردوست و مشابه شوهر خود باشد. ۶. این همسران بهشتی یا همان همسران مؤمنان در دنیا هستند که بازآفرینی شده و در نهایت طراوات و جوانی و جمال و کمال در بهشت به تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۶ شوهرانشان ملحق می‌شوند و یا حوریان بهشتی‌اند که آفرینش نو دارند، به طوری که هرگز پیر نمی‌شوند و یا هر دو دسته هستند. ۷. در آیات پیشین بیان شده بود که بیش‌تر سابقون و پیشاهنگان در ایمان، از امت‌های پیشین هستند ولی در این جا بیان شده که گروه زیادی از اصحاب یمین و سعادتمندان، از امت‌های پیشین و بسیاری از آنان نیز از امت‌های دیگر (هم‌چون مسلمانان) هستند. «۱» ۸. از مجموع آیاتی که نعمت‌های سابقون و نعمت‌های اصحاب یمین را معرفی می‌کنند، استفاده می‌شود که بهشتِ پیشاهنگان در ایمان (سابقون) درجه‌ای بالاتر و دارای نعمت‌های بهتری است. از جمله این که در بهشت سابقون خدمت‌گزار و تخت و مجلس انس و حور عین است و یا این که در آن جا از هر نوع میوه و گوشت پرنده‌ای بخواهند حاضر می‌شود اما در بهشت اصحاب یمین سایه و میوه‌ی فراوان و همسران بازآفریده شده هستند. این تفاوت پاداش‌ها نشان‌دهنده‌ی تفاوت مراتب ایمانی و کرداری این دو گروه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نعمت‌های زیادی دربهشت در انتظار اصحاب یمین و سعادتمندان است. ۲. سایه، آب، میوه و همسران نیکو از نعمت‌های بهشتی است (بکوشید صفات اصحاب یمین را کسب کنید تا بدانها برسید). ۳. همسرانِ مطلوب، همسرانی خوش سخن، شوهردوست و همگون با شوهر هستند. ۴. سعادتمندان زیادی در امت‌های پیشین وامت اسلام هستند (بکوشید از آنان باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۷ قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و ششم سوره‌ی واقعه به مجازات‌های یاران شوم (دست چپ) و عوامل عذاب آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱– ۴۶. وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ* فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ* وَظِلٍّ مِن يَحْمُومٍ* لَابَارِدٍ

وَلَا کَرِیمٍ* إِنَّهُمْ کَانُوا قَبْلَ ذلِکَ مُتْرَفِینَ* وَکَانُوا یُصِرُّونَ عَلَی الْحِنْثِ الْعَظِیمِ و یاران دست چپ، کدام‌انـد یاران دست چپ!* (آنان) در باد سوزان و آب سوزان،* و سایه‌ای از دود گرم و سیاه،* که نه سرد است و نه ارجمند؛* [چرا] که آنان پیش از آن (در دنیا) سردمداران ثروتمند بودند.* و بر گناه بزرگ (سوگندشکنی) پافشاری می‌کردند نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن روش مقابله و مقایسه است؛ یعنی سرنوشت بدکاران و نیکوکاران را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مخاطب قرآن به خوبی بتواند آگاهانه راه خود را برگزیند؛ برای مثال، در آیات فوق، ابتدا سرنوشت سابقون واصحاب یمین و نعمت‌های بهشتی آنان و سپس سرنوشت عذاب‌آلود اصحاب شمال بیان شده است تا دو وضعیت متفاوت در برابر مخاطب قرار دهد. ۲. «اصحاب شِمال» به معنای «همراهان دست چپ» است؛ یعنی کسانی که در رستاخیز نامه‌ی اعمالشان به دست چپ آنان داده می‌شود که نشانه‌ی سرنوشت عذاب‌آلود آنان است. در آیه‌ی نهم سوره‌ی واقعه نیز با عنوان «اصحاب المشئمة» یعنی یاران شوم و همراهان بدبختی از آنان یاد شده است. ۳. در این آیات سه نوع از عذاب‌های دوزخیان بیان شده است: الف) آنان گرفتار بادهای کشنده‌ای هستند که در سوراخ‌های ریز بدن داخل می‌شود و انسان را هلاک می‌کند، این بادها را سَمُوم می‌نامند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۸ ب) دوزخیان گرفتار آب سوزان می‌شوند که گاه بر سر آنها ریخته می‌شود «۱» و گاه از آن می‌خورند. «۲» ج) دوزخیان در سایه‌ای از دود سوزان هستند. «۳» ۴. در این آیات به دو عامل عذاب اصحاب شمال اشاره شده است: الف) آنان زندگی اشرافی داشتند و خوش‌گذران بودند؛ یعنی ناز و نعمت آنان را غافل و مغرور ساخته و به سرکشی کشانده بود. امروزه نیز سردمداران فساد و خون‌ریزی، ثروتمندان غافل و سرکش‌اند. ب) اصحاب شمال بر گناهان بزرگ اصرار داشتند؛ آنان به شرک و دروغ و پیمان‌شکنی و سوگندشکنی می‌پرداختند «۴» و از این رو گرفتار عذاب می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب‌های دردناکی در انتظار افراد کج‌رو است. ۲. اشرافی‌گری غفلت‌زا و طغیان‌آفرین و از عوامل عذاب در رستاخیز است. ۳. اصرار بر گناهان بزرگ از عوامل عذاب در رستاخیز است. ۴. اگر می‌خواهید از عذاب نجات یابید اشرافی‌گری و اصرار بر گناه نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۶۹ قرآن کریم در آیات چهل و هفتم تا پنجاهم سوره‌ی واقعه به بهانه‌جویی و اشکال‌تراشی اصحاب شمال در دنیا در مورد معاد، پاسخی اجمالی می‌دهد و می‌فرماید: ۴۷- ۵۰. وَکَانُوا یَقُولُونَ ءَإِذَا مِتْنَا وَکُنَّا تُرَاباً وَعِظَاماً ءَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ* أَوَ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ* قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ* لَمَجْمُوعُونَ إِلَی مِیقَاتِ یَوْمٍ مَعْلُومٍ و همواره می‌گفتند: «آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدیم، آیا حتماً ما برانگیخته خواهیم شد؟!* و آیا نیاکان نخستین ما (نیز برانگیخته می‌شوند)؟!»* بگو: «قطعاً، پیشینیان و پسینیان،* در میعادگاه روز معین جمع‌آوری می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از عوامل عذاب اصحاب شمال، بهانه‌جویی و اشکال‌تراشی و شبهه‌پراکنی آنان در مورد رستاخیز است. آری؛ آنان در این مورد اصرار می‌کردند، هر چند دلیلی برای انکار معاد نداشتند. «۱» ۲. اصحاب شمال می‌گفتند: هنگامی که ما و پدرانمان مردیم و تبدیل به خاک و استخوان پوسیده شدیم و فاصله‌ی ما از حیات زیاد شد، چگونه دو باره ذرات وجود ما جمع می‌شود و زنده می‌شویم؟! این چیز بسیار بعیدی است. آنان توجه نداشتند که نمونه‌های حیات مجدد خاک در اطراف آنان هر ساله تکرار می‌شود و با توجه به علم و قدرت بی کران الهی این حیات مجدد چیز بعیدی نخواهد بود. ۳. قرآن کریم در این آیات به طور سربسته و اجمالی به اشکال اصحاب شمال در مورد معاد پاسخ داده است، که قطعاً روز رستاخیز برای همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۰ انسان‌های نخستین و ملت‌های بعدی وجود خواهد داشت و آن روز معیّن شده است (ولی جز خدا کسی از زمان آن اطلاعی ندارد). البته در آیات بعدیِ همین سوره دلایل متعدّدی برای اثبات معاد بیان خواهد شد. ۴. «میقات» به معنای زمانی است که برای کار یا وعده‌ای مشخص شده است و مقصود از میقات در این جا همان وقت مقرر قیامت است و از تعبیرات این آیه استفاده می‌شود که رستاخیز همه‌ی انسان‌ها در یک روز واقع می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهانه‌جویی و شبهه‌پراکنی در مورد معاد از عوامل عذاب است. ۲. منکران معاد دلیل منطقی ندارند و فقط استبعاد می‌کنند. ۳. در مورد معاد استبعاد نکنید که روز آن هم مشخص است. ۴. رستاخیز همه‌ی مردم در یک زمان است. *** قرآن کریم در

آیات پنجاه و یکم تا پنجاه و ششم سوره‌ی واقعه به عذاب‌های دیگر یاران شوم (دست چپ) اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱- ۵۶. ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُون* لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِن زَقُّومٍ* فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ* فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ* هذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ سپس شما ای گمراهان تکذیب گر!* قطعاً، از درخت نفرت‌انگیز زقّوم می‌خورید،* و شکم‌ها را از آن پر می‌کنید،* و بر (روی) آن از آب سوزان می‌نوشید،* و همچون نوشیدن شتران عطش زده می‌نوشید.* این (نخستین) پذیرایی آنان در روز جزاست!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «کژروی» و «تکذیب گری» اصحاب شمال موجب شد که گرفتار عذاب شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۱ ۲. «زقّوم» به معنای گیاهی تلخ و بدبو و بدطعم است که چنانچه شیره‌اش به بدن انسان برسد ورم ایجاد می‌کند و گاهی به هر نوع غذای تنفرآمیز دوزخیان گفته می‌شود. «۱» ۳. دوزخیان وقتی گرسنه می‌شوند از زقّوم می‌خورند و در این هنگام احساس تشنگی می‌کنند و همچون شتران عطش زده «۲» از آب سوزان دوزخ می‌نوشند. ۴. «نُزُل» به معنای نخستین وسیله‌ی پذیرایی از مهمان است، مثل شربت؛ البته دردوزخ پذیرایی و شربت نیست و این تعبیر کنایه و طعنه‌ای به اصحاب شمال است که این عذاب‌ها نخستین پذیرایی شماست، پس عذاب‌های بزرگ‌تری نیز در انتظار شماست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کژروی و تکذیب گری از عوامل عذاب دوزخ است. ۲. دوزخیان خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های عذاب‌آور دارند. ۳. عذاب‌های دوزخیان مرحله به مرحله اجرا می‌شود و همه‌ی این‌ها در مرحله‌ی اول است. ۴. اگر می‌خواهید از عذاب الهی نجات یابید، کژروی و تکذیب گری نکنید. ***

معاد

قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم تا شصت و دوم سوره‌ی واقعه به چهار دلیل و شاهد معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷- ۶۲. نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ* أَفَرَأَيْتُم ما تُمْنُونَ* ءَأَنتُم تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ* نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ* عَلَى أَن نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِأَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ* وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۲ ما شما را آفریدیم؛ پس چرا (بازآفرینی رستاخیز را) تصدیق نمی‌کنید؟!* و آیا آنچه را از منی می‌ریزید، ملاحظه کرده‌اید؟!* آیا شما آن را آفریدید یا ما آفریننده‌ایم؟!* ما در میان شما مرگ را مقدّر ساختیم؛ و ما پیشی گرفته شده (و مغلوب) نیستیم،* بر این‌که همانند شما را جای گزین (شما) گردانیم و شما را در آنچه نمی‌دانید پدید آوریم.* و به یقین، پدیده‌ی نخستین (: دنیا) را دانستید، پس چرا متذکّرِ (رستاخیز) نمی‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات چند دلیل یا شاهد برای اثبات معاد بیان شده است که مشابه آنها در آیات دیگر قرآن نیز وجود دارد. این دلایل و شواهد پاسخی به منکران معاد و اصحاب شمال است که سخن آنان در آیات قبل حکایت شد که می‌گفتند: ما که مردیم و خاک و استخوان شدیم چگونه زنده می‌شویم؟! دلیل اول: اگر انسان به یاد آورد که خود مخلوق خداست، تأیید خواهد کرد که خدا آفریدگار است و او می‌تواند انسان را بازآفرینی کند. «۱» دلیل دوم: اگر انسان به مراحل خلقت شگفت‌انگیز خود در رحم مادر بیندیشد متوجه می‌شود که خالق این انسان زیبا و کامل که او را از نطفه‌ای بی‌ارزش در طی مراحلی عجیب آفریده است می‌تواند او را دوباره بیافریند. «۲» دلیل سوم: خدا مرگ را قرار داد تا نسل‌های انسان‌ها جانشین یکدیگر شوند تا روز رستاخیز که همگی دو باره زنده شوند؛ قانون مرگ به خوبی نشان می‌دهد که دنیا محل گذر و پل است و اگر مقصد نهایی بود دوام داشت. ۲. آگاهی انسان از جهان آخرت ناچیز است و در آن جا انسان با اشکال نوینی بازآفرینی می‌شود؛ حقایق رستاخیز در قالب الفاظ ما نمی‌گنجد و تنها شبحی را از آن مرحله می‌توانیم تصور کنیم. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۳ ۳. در مورد آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی واقعه چند تفسیر شده است: الف) این آیه هدف آیه‌ی قبل را بیان می‌کند که هدف از آفرینشِ مرگ آن است که نسل‌های انسان تا رستاخیز جانشین هم‌دیگر شوند. ب) این آیه دنباله‌ی آیه‌ی قبل و مربوط به دنیاست که می‌فرماید: «کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد و ما مغلوب و عاجز نیستیم از این که شما را از بین ببریم و همانند شما را

جانشین شما سازیم.» ج) این آیه دنباله‌ی آیه‌ی قبل، اما مربوط به آخرت است؛ یعنی «ما مغلوب و عاجز نیستیم از این که در رستاخیز همانند شما را بیاوریم». «۱» البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد، ولی معنای اول مناسب‌تر است. ۴. آیه‌ی شصت و دوم واقعه نیز دو تفسیر دارد: الف) انسان از سرای دنیا با این عظمت اطلاع یافته است و می‌داند که شخص حکیم این جهان با عظمت را برای چند روزی موقت نمی‌آفریند، بلکه هدفی بزرگ در پیش دارد که همان معاد جاویدان است. ب) انسان از دنیا و تحوّلات آن اطلاع یافته و مظاهر معاد را در زمین و گیاهان هر روز مشاهده می‌کند؛ پس چگونه متوجه امکان معاد نمی‌شود! «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آفرینش و چگونگی رشد نطفه‌ی انسان مطالعه کنید تا معادشناس شوید. ۲. در مورد مرگ مطالعه کنید (که عوامل آنها تنها به دست خداست) و درس معاد بگیرید. ۳. توجه به مراحل حیات (و جهان‌شناسی) موجب بیداری (و معادشناسی) می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۴ قرآن کریم در آیات شصت و سوم تا هفتادم سوره‌ی واقعه به نشانه‌های قدرت خدا در تدبیر آب و زراعت و لزوم سپاس‌گزاری انسان برای آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳- ۷۰. أَفَرَأَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ* ءَأَنتُمْ تَزرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ* لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَاماً فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ* إِنَّا لَمُغْرَمُونَ* بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ* أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ* ءَأَنتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ* لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجاً فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ و آیا آنچه را کِشت می‌کنید ملاحظه کرده‌اید؟!* آیا شما آن را زراعت می‌کنید یا ما زراعت کننده‌ایم؟!* اگر (بر فرض) می‌خواستیم، حتماً آن (گیاهان) را درهم شکسته می‌گردانیدیم و پیوسته تعجّب می‌کردید،* (در حالی که می‌گفتید:) قطعاً، ما زیانکاریم!* بلکه ما محروم شده‌ایم!* و آیا به آبی که می‌نوشید نظر کرده‌اید؟!* آیا شما آن را از ابرها فروفرستاده‌اید یا ما فروفرستنده‌ایم؟!* اگر (بر فرض) می‌خواستیم، آن (آب) را تلخ قرار می‌دادیم، پس چرا سپاس‌گزاری نمی‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو نعمت اساسی زندگی انسان، یعنی گیاه و آب اشاره شده که تدبیر آنها به دست خداست؛ از طرفی تدبیر این امور نشانه‌ای از قدرت خدا بر کارها، از جمله برای زنده کردن انسان‌ها در رستاخیز است و از طرف دیگر این آب و گیاه از نعمت‌های الهی است که سپاس‌گزاری در مورد آنها لازم است. ۲. در این آیات در مورد کشاورزی انسان تعبیر «کشت کردن» (بذرافشانی برای رشد آن)، ولی در مورد خدا تعبیر زراعت (رویاندن) به کار رفته است. آری؛ کار انسان بذرافشانی و زمینه‌سازی رشد دانه و گیاه است، اما اصل رشد گیاه با آن همه پیچیدگی درونی‌اش به دست خداست. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۵ ۳. خدا همان طور که توانایی رویاندن گیاه را دارد، توانایی نابودی آن را هم دارد، پس مغرور نشوید و نعمت‌های او را انکار و آیات و معاد او را تکذیب نکنید و بدانید که همه‌ی نعمت‌ها و قدرت‌ها به دست اوست، پس او می‌تواند در رستاخیز دوباره شما را زنده کند. ۴. اگر کشتزار انسان به وسیله‌ی بلایی نابود شود، اول تعجب و یا خنده‌ی تلخی می‌کند «۱» و سپس می‌گوید: من زیان کردم و محروم شدم و سرمایه زکفم رفت و چیزی به دستم نیامد. ۵. چرخه‌ی آب در طبیعت یکی از نشانه‌های قدرت خداست؛ او آفریدگار آفتاب است که بر اثر تابش آن به دریا ابری پدید می‌آید و اوست که باد و ابر را آفرید تا باران ببارد و به طبیعت مرده حیات تازه ببخشد و همو قدرت دارد که انسان مرده را دو باره زنده کند. ۶. در این آیات بیان شده که همان خدایی که آب باران را نازل کرد، اگر می‌خواست می‌توانست آن را شور و تلخ سازد «۲» پس همه‌ی قدرت‌ها و نعمت‌ها از اوست و باید سپاس او را به جا آورید و راه کفر و ناسپاسی و انکار معاد را در پیش نگیرید. ۷. در حدیثی روایت شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همواره در هنگام نوشیدن آب می‌گفت: «ستایش و حمد مخصوص خدایی است که به رحمتش ما را از آب شیرین و گوارا سیراب کرد و آن را به خاطر گناهانمان شور و تلخ قرار نداد». «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در کشاورزی خداشناس شوید. ۲. از تدبیر زراعت و نابودی آن به قدرت خدا (در مورد رستاخیز) پی ببرید. ۳. در برابر قهر الهی جز تعجب و اعتراف کاری از انسان ساخته نیست. ۴. با مطالعه در آب‌شناسی و بارش ابرها، خداشناس شوید. ۵. در برابر نعمت باران و آب گوارا سپاس‌گزار باشید. ۶. از تدبیر خدا در مورد آب (حیات بخش) به قدرت او (در مورد رستاخیز) پی ببرید. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و یکم تا هفتاد و چهارم

سوره‌ی واقعه به نشانه‌های قدرت خدا در آتش‌زایی درختان و فواید آنها و لزوم تسبیح گویی در برابر او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۱– ۷۴. أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ* أَأَنْتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ* نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعاً لِلْمُقْوِينَ* فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ و آیا به آتشی که می‌افروزید نظر کرده‌اید؟!* آیا شما درختش را پدید آورده‌اید، یا ما پدید آورنده‌ایم؟!* ما آن را (مایه‌ی) یادآوری و بهره‌ی زندگی برای مسافران بیابان‌گرد قرار داده‌ایم.* پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح بگوی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به قدرت خدا در آفرینش درختان اشاره شده است؛ درختانی که مایه‌ی آتش‌زایی و گرماآفرینی برای بشر است. «۱» آری؛ درختان هم آتش‌زنه و هم آتش‌گیره (هیزم) قرار می‌گیرند و آتشی را که در دل دارند آشکار می‌کنند و رستاخیز انرژی برپا می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۷ آری؛ کسی که چنین قدرتی دارد، همو می‌تواند رستاخیز انسان‌ها را هم برپا کند. ۲. در مورد ایجاد آتش از درخت دو تفسیر شده است: الف) منظور به هم زدن چوب برخی درختان (همچون مَرْخ وعَفار) است که جرقه می‌زنند و مانند کبریت آتش می‌افروزند. ب) منظور آزادسازی انرژی درختان درهنگام سوختن است؛ یعنی در هنگام کربن‌گیری مقداری از انرژی نور خورشید در درختان سبز ذخیره می‌شود و هنگام سوختن آنها رستاخیز انرژی برپا می‌شود و آن انرژی‌ها آزاد می‌شوند. «۱» البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۳. درختان آتش‌زا یادآورنده‌ای از سوی خدایند؛ از یک‌طرف یادآور رستاخیز موجودات‌اند و از طرف دیگر یادآور قدرت خدا و از دیگرسو یادآور آتش دوزخ که می‌تواند انسان را بیدار کند و به یاد خدا ومعاد بیندازد. ۴. آتش وسیله‌ای برای مسافران در بیابان‌هاست و آنها را از سرما و خطرها حفظ می‌کند و نیز وسیله‌ای برای نیرومندان جهان است که به وسیله‌ی نیرو و حرارت آن، جهان صنعت به حرکت در می‌آید. «۲» ۵. این آیات نام پروردگار را عظیم خوانده است که سزاوار تسبیح گویی است؛ خدایی که این همه نعمت را آفریده است، پروردگاری بزرگ است که از هرگونه عیب و نقص منزّه است. ۶. هر چند دستور تسبیح گویی به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شده است، اما مقصود همه‌ی مسلمانان هستند؛ از این رو روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه‌ی فوق فرمودند آن را در رکوع نماز خود قرار دهید «۳» (و در رکوع بگویید: سبحان ربّی العظیم و بحمده). تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در مورد درختان آتش‌زا خداشناس شوید. ۲. درختان آتش‌زا، مایه‌ی بیداری (و توجه انسان به قدرت خدا و معاد) اند. ۳. آتش فواید معنوی و مادی دارد. ۴. در برابر نعمت‌های خدای بزرگ تسبیح گو باشید. ***

ویژگی های قرآن

خدای متعال درآیات هفتاد و پنجم تا هشتاد و دوم سوره‌ی واقعه با سوگندی بزرگ به عظمت قرآن و ویژگی‌های آن و موضع‌گیری منفی مخالفان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۵– ۸۲. فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ* وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ* إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ* لَايَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ* تَنزِيلٌ مِن رَبِّ الْعَالَمِينَ* أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنتُم مُدْهِنُونَ* وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ و به جایگاه ستارگان، سوگند یاد می‌کنم!* و مسلماً، آن سوگند بزرگی است، اگر (بر فرض) بدانید!* قطعاً، آن (قرآن) خواندنی ارجمندی است،* در کتاب پنهان (علم الهی)،* که جز پاکان با آن تماس نمی‌گیرند* (و) فروفرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیان است.* و آیا شما این سخن (: قرآن) را سست می‌شمرید،* و شما (سپاسِ) روزی‌تان را تکذیبِ (قرآن) قرار می‌دهید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «مَواقِعِ نُجوم» جایگاه ستارگان و مسیر آنها یا محل طلوع و غروب آنها و یا سقوط ستارگان در آستانه‌ی رستاخیز و یا غروب آنهاست، که خدا سوگند به آن را بزرگ شمرده است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۷۹ البته در برخی احادیث نیز به نزول قسمت‌های مختلف قرآن در فواصل زمانی متفاوت تفسیر شده است. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی معانی فوق مقصود آیه باشد هر چند معنای اول مناسب تراست و خدا به این امور مهم سوگند یاد می‌کند تا توجه انسان را به آنها جلب کند و برمطلب تأکید نماید. ۲. جایگاه و مسیر ستارگان مطلب مهمی است که اکثر مردم صدر اسلام از

اهمیت آن آگاهی نداشتند ولی امروز برای ما روشن است که ستارگان آسمان جایگاه مشخصی دارند که براساس نیروهایی هم‌چون جاذبه و دافعه، بسیاردقیق مشخص شده است. و در این مسیرها میلیون‌ها ستاره و سیاره طوری حرکت می‌کنند که به هم‌دیگر برخورد نمی‌کنند. ۳. در این آیات به چند ویژگی و صفت قرآن اشاره شده است: الف) قرآن کتابی ارجمند و باکرامت است، یعنی از نظر ظاهری و جمله‌بندی زیبا و رسا و از نظر محتوا جالب وعالی است. ب) نسخه‌ی اصلی قرآن در کتاب علم الهی پنهان است. ج) قرآن کتاب مقدسی است که آن را جز پاکان لمس نمی‌کنند. د) قرآن از طرف پروردگار جهانیان است؛ یعنی مظهر ربوبیت خدا برای کل جهانیان. ۴. مقصود از این که می‌فرماید: قرآن را جز پاکان لمس نمی‌کنند چیست؟ برای این جمله چند تفسیر شده است: الف) قرآن کتاب مقدسی است که بدون طهارت و وضو نمی‌توان نوشته‌های آیات آن را لمس کرد. ب) قرآن کتابی است که جز فرشتگان پاک الهی باآن تماس ندارند و از دست‌رس شیاطین به دور است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۸۰ ج) مفاهیم و حقایق عالی قرآن را جز پاکان درک نمی‌کنند. فهم مراتب پایین و سطحی قرآن برای همه‌ی انسان‌هاست، اما هرچه انسان برپاکی روح خود بیفزاید، مفاهیم و حقایق بالاتری از قرآن را درک می‌کند، چراکه آلودگی به گناه، تعصب و جهل‌مانع فهم حقایق می‌شود. روی جانان طلبی، آیینه را قابل ساز ورنه هرگز گل و نسرین ندمد زآهن و روی (حافظ) البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق به هرسه معنا اشاره داشته باشد و هم لمس ظاهری و هم لمس معنوی و باطنی را بفرماید. هر چند که ظاهر آیه با توجه به آیه‌ی قبل آن، با معنای دوم و سوم سازگارتر است. ۵. در حدیثی از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند: قرآن را بدون وضو و در حال جنابت لمس مکن و بر خط آن دست مگذار و آن را به خود آویزان منما؛ چراکه خدا فرمود: جز پاکان آن را لمس نمی‌کنند. «۱» ۶. در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که قرآن در نزد خدا در صفحات پاکی است که جز پاکان یعنی مقرّبان (درگاه الهی) آن را لمس نمی‌کنند. آری؛ خدای متعال در آیه‌ی تطهیر، پاکان را معرفی کرده است «۲» که همان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام هستند و آنان‌اند که حقایق عالی قرآن را درک می‌کنند و هر کس در پاکی راه آنان را بپوید، می‌تواند به این حقایق و بطون دست یابد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۸۱ ۷. مخالفان اسلام به جای سپاس‌گزاری در برابر نعمت قرآن آن را تکذیب می‌کنند، یا این که بهره‌ی خود از قرآن را تکذیب آن قرار می‌دهند و یا این که تکذیب قرآن را وسیله‌ی معاش خود قرار می‌دهند، یعنی بدین وسیله مردم را می‌فریبند و از راه حق قرآن دور می‌سازند و به پیروی خود می‌کشانند و از آنان بهره کشی می‌کنند. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی در آیه جمع باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به جایگاه و مسیر ستارگان توجه کنید که مطلب سودمندی است. ۲. خدا بر حقانیت قرآن گواهی می‌دهد. ۳. قرآن کتابی ارجمند و نزد پروردگار پهنان بوده که برای ما آشکار شده است. ۴. تماس با مراتب عالی باطن قرآن با پاکی روح مرتبط است. ۵. در مورد سخن الهی (قرآن) سستی روا مدارید و آن را دروغ نشمرید. *** قرآن کریم در آیات هشتاد و سوم تا هشتاد و هفتم سوره‌ی واقعه به درماندگی انسان در هنگام مرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۳- ۸۷. فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ* وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ* وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَكِن لَا تُبْصِرُونَ* فَلَوْلَا إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ* تَرْجِعُونَهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ پس چرا هنگامی که (جان) به گلوگاه رسد، (آن را باز نمی‌گردانید؟!)* در حالی که شما در آن هنگام می‌نگرید؛* و ما به او از شما نزدیک‌تریم و لیکن نمی‌بینید.* و اگر (در رستاخیز) جزا داده نمی‌شوید،* چرا آن (جان) را باز نمی‌گردانید اگر راست می‌گویید! تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۸۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به موقع مرگ انسان اشاره شده است که حسّاس‌ترین لحظه‌ی زندگی انسان است؛ چون ناتوانی انسان آشکار می‌شود و اطرافیانش فقط نگاه می‌کنند و نمی‌توانند مرگ را از او بازگردانند و کاری از دستشان ساخته نیست. همین ناتوانی انسان دلیل آن است که مرگ و زندگی در دست دیگری است، اوست که زنده می‌کند و سپس می‌میراند و سپس در رستاخیز دوباره زنده می‌کند. ۲. در این آیات به نزدیکی خدا و فرشتگان به فرد در حال جان دادن اشاره شده است. البته منظور از نزدیکی در این جا، نزدیکی مکانی نیست، بلکه نزدیکی معنوی است؛ خدا و فرشتگان از همه کس به او نزدیک‌ترند و حتی حالات

درونی او را می‌داننـد و در لحظه‌ی مشـخص جان او را می گیرند. ۳. مقصود از رسـیدن جـان به گلو گاه، لحظه‌ی مرگ است؛ چون غالباً در هنگام مرگ نخست دست و پا، سپس گلوگاه و سر از کار می‌افتد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در لحظه‌ی مرگ ناتوانی همگان در برابر حق آشکار می‌شود (پس تـا می‌توانیـد کاری نیک بکنیـد). ۲. از نـاتوانی دیگران به هنگـام مرگ، درس عبرت بگیریـد و بدانید که شـما نیز چنین هستید. ۳. به نـاتوانی خود در برابر مرگ بنگریـد و (بدانیـد که مرگ و حیـات در دست اوست و) معـاد را انکار نکنید. ۴. خدا به افراد ازهمه کس نزدیک‌تر است (پس ادب حضور او را نگاه دارید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۸۳ قرآن کریم در آیـات هشـتاد و هشـتم تـا نود و شـشم سوره‌ی واقعه به سـرنوشت نیکوی پیشاهنگـان مقرّب الهی و سـعادتمندان دست راست و سـرنوشت عـذاب‌آلود گمراهان تکـذیب‌گر اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۸۸- ۹۶. فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ* فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ* وَأَمَّا إِن كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ* فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ* وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ* فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ* وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ* إِنَّ هـذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ* فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ و امّا اگر از نزدیک شـدگان (به خـدا) باشـد،* پس (برای او) آرامش و [گیاهی خوش‌بو و بوستان پرنعمت (بهشت) است.* و امّا اگر از یاران راست باشد،* پس (به او گفته می‌شود:) سلام بر تو از طرف یـاران راست!* و امّا اگر از تکـذیب کننـدگان گمراه باشـد،* پس نخستین پـذیرایی (او) از آب سوزان،* و به دوزخ در آمـدن (و سوختن) است؛* قطعاً، فقط این (مطالب) حقّ یقینی‌است؛* پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح بگوی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات هم‌چون آیـات نخست سوره‌ی واقعه، مردم به سه گروه تقسیم شده‌انـد: الف) پیشـگامان و مقربّان درگاه الهی که در درجه‌ی عالی بهشت قرار دارند. ب) سعادتمندانی که نامه‌ی اعمال آنان به دست راستشان داده می‌شود که رمز نجات و سعـادت آنان است و آنها نیز به بهشت می‌رونـد. ج) تکـذیب‌گران گمراه یا اصحاب شِمال که نامه‌ی اعمالشان به دست چپ آنان داده می‌شود که رمز آن است که آنان راهی دوزخ می‌شوند. ۲. «رَوح» به معنای راحتی و آرامش و «رِیحان» به معنای گیاه خوش‌بو اسـت و در ایـن جـا مقصـود هرچیزی اسـت کـه مـایه‌ی راحـتی، حیـات و نعمت‌هـای خـوب و خـوش اسـت کـه پس از مرگ برای پیشاهنگـان و مقربان درگاه الهی آماده است. تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـتم، ص: ۱۸۴ آری؛ آنـان در رحمـت و شـرافت و بهشت و آمرزش الهی‌اند. ۳. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام روایت شـده که روح و ریحان در قبر (و برزخ)، و بهشت پرنعمت در سرای آخرت اسـت. «۱» از این‌گونه احـادیث اسـتفاده کرده‌انـد که آیـات فوق به برزخ نیز اشـاره دارد. ۴. مقصود از سـلامی که به سعادتمندان دست راست گفته می‌شود، همان سـلام فرشتگان است که در هنگام گرفتن جان، سلام دوستان و اصحاب دست راست را به آنان می‌رسانند، یا سـلامی از ناحیه‌ی فرشـتگان به آنان است؛ یعنی سلام برتو که از یاران دست راست هستی. «۲» آری؛ سلام نشـانه‌ای از سـلامت و آرامش و درود اسـت. ۵. در برخی احـادیث از امـام بـاقر علیـه السـلام روایت شـده که اصـحاب یمین، یعنی سعادتمندان دست راست، شیعیان و دوستان ما هستند. ۶. در این آیات از تکـذیب‌گرانی یاد شده که خدا یا معاد یا نبوت یا قرآن را تکـذیب می‌کردند و خود منحرف و گمراه بودند؛ این‌گونه افراد، پس از مرگ، نخست با آب‌جوشان پذیرایی می‌شوند سپس وارد دوزخ می‌شوند. ۷. در این آیـات اشـاره شـده که مطـالب سوره‌ی واقعه یـا این مطالبی که در مورد این سه گروه گفته شـد «۳» حق یقینی است؛ حق الیقین که عـالی‌ترین مرتبه‌ی یقین است و از هرگـونه شـک و شـبهه خـالی است. «۴» آری؛ قرآن حق است چون مطابق واقع است و یقینی است چون بدون شک بدان باور داریم. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۸۵ ۸. در این آیات به عظمت نام پروردگار اشاره شده که شایسته‌ی تسبیح‌گویی است؛ یعنی خدا از هرگونه عیب و نقص منزّه است و اگر با گروه‌های سه گانه‌ی فوق به سه صورت برخورد کرد ستم نکرده است. ۹. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله ذیل آیه‌ی فوق روایت شده که بعـد از نزول این آیه فرمودند: آن را در سـجده‌ی خود قراردهید (یعنی در رکوع «سـبحان ربّی العظیم» بگویید) و هنگامی که «سبح اسم ربّک الاعلی» نازل شد فرمودند: آن را در سـجده قرار دهید (یعنی «سبحان رّبی الاعلی بگویید). «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردم پس از مرگ به گروه‌هـای سه گـانه تقسـیم می‌شونـد و با همه یکسان رفتار نمی‌شود (پس بنگریـد شـما از کـدام گروه هستیـد). ۲.

راحتی و خوشی و بهشت پرنعمت در انتظار پیشاهنگان مقرب درگاه الهی است (بکوشید از آنها باشید). ۳. سلام وسلامت در انتظار سعادتمندان است (پس تلاش کنید از آنان باشید). ۴. گمراهی و تکذیب گری زمینه‌ساز عذاب است. ۵. مطالب قرآن حقّ یقینی است (پس مطالب آن را جدّی بگیرید). ۶. تسبیح‌گوی نام خدا باشید (و از الطاف الهی به صورت صحیح استفاده کنید). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۸۷

بخش ششم: سوره‌ی حدید

اشاره

معرفی خدا و صفات او تشویق به نیکوکاری تشویق به جهاد عدالت اجتماعی هدف پیامبران ظلمت‌زدایی هدف نزول قرآن تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۸۹

اول: سیمای سوره‌ی حدید

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی حدید در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۲۹ آیه، ۵۴۴ واژه و ۲۴۷۶ حرف است. این سوره نود و سومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «زلزال» و قبل از سوره‌ی «محمد صلی الله علیه و آله» و پنجاه و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «حدید» (آهن) است و از آیه‌ی ۲۵ این سوره گرفته شده که در قرآن از آهن و منافع آن یاد می‌شود.

فضیلت

در مورد فضیلت قرائت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی حدید را بخواند، در ردیف کسانی که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند، نوشته خواهد شد. «۱» تذکر: از آن جا که در این سوره مباحثی درباره‌ی توحید و صفات خدا آمده است هر کس این سوره را بخواند و به محتوای آن ایمان آورد و عمل نماید در ردیف مؤمنان خواهد بود.

اهداف

اساسی‌ترین اهداف این سوره عبارت‌اند از: ۱. یاد آوری خدا و صفات او؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۰ ۲. تشویق به نیکوکاری با وعده‌های اخروی؛ ۳. فراخوان عمومی به ایمان.

مطالب

مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان بیست صفت از صفات خدا (در آیات ۱- ۶)؛ ۲. دعوت به ایمان و خروج از شرک (در آیات ۷، ۸ و ۲۸)؛ ۳. بیان سخنان و حالات منافقان و مؤمنان در قیامت (در آیات ۱۲- ۱۵). ب) اخلاق: ۱.

تشویق به انفاق در راه خدا (در آیات ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۸)؛ ۲. تشویق به جهاد در راه خدا (در آیات ۱۰ و ۲۵)؛ ۳. بیان بی‌ارزش بودن و بازیچه بودن دنیا (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۴. تشویق مؤمنان به خشوع قلب (در آیه‌ی ۱۶)؛ ۵. سفارش در مورد این که بر آنچه از دست داده‌اید ناراحت نشوید و به آنچه به دست آورده‌اید زیاد خوشحال نشوید (در آیه‌ی ۲۳)؛ ۶. سرزنش بخل (در آیه‌ی ۲۴). ج) داستان: ۱. گزارشی از سرنوشت نوح و ابراهیم علیهما السلام (در آیه‌ی ۲۶)؛ ۲. گزارشی از سرنوشت عیسی علیه السلام و پیروان او (در آیه‌ی ۲۷). د) مطالب فرعی: ۱. بیان عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف مهمّ پیامبران (در آیه‌ی ۲۵)؛ ۲. سرزنش گوشه‌گیری و انزوای اجتماعی (در آیه‌ی ۲۷)؛ ۳. بیان عظمت قرآن و هدف نزول آن (در آیه‌ی ۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۱

دوم: محتوای سوره‌ی حدید

قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی حدید با یادآوری تسبیح موجودات به یازده صفت خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۱- ۳. سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَهُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ* لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* هُوَ الأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند؛ و او شکست‌ناپذیر فرزانه است.* فرمان‌روایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و او بر هر چیز تواناست.* او نخستین و بازپسین و آشکار و پنهان است؛ و او به هر چیز داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در حدیثی از امام سجاد علیه السلام روایت شده که خدا می‌دانست که در آخرالزمان، مردمی می‌آیند که ژرف اندیشی می‌کنند، از این رو سوره‌ی توحید و آیات آغاز سوره‌ی حدید را (تا آخر آیه‌ی ۶) فروفرستاد ... «۱» ۲. آیات اول سوره‌ی حدید نشانه‌ی اعجازآمیزی بر حقانیّت نبوّت است: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: در آیات شریفه‌ی اول سوره‌ی مبارکه‌ی حدید دقایقی است از تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۲ توحید، و معارف جلیله ایست از اسرار الهیّت و تجرید، که در هیچ یک از مسفورات الهیه و صحف اهل معرفت و اصحاب قلوب نظیر ندارد و اگر برای صدق نبوت و کمال شریعت حضرت نبی ختمی جز آن آیات نبود، برای اهل نظر و معرفت هم آنها کفایت می‌کرد. «۱» ۳. «تسبیح» در اصل به معنای حرکت سریع در آب و هواست و به حرکت سریع در مسیر عبادت پروردگار نیز تسبیح گویند «۲» و در این جا مقصود نفی هرگونه عیب و نقص از خدا و گواهی به پاکی اوست. ۴. مقصود از تسبیح همه‌ی موجودات آسمان‌ها و زمین چیست؟ در مورد تسبیح‌گویی آسمان‌ها وزمین و همه‌ی موجودات جهان، دانشمندان و مفسران چند دیدگاه دارند: الف) مقصود از تسبیح موجودات، همان تسبیح با قصد باشد، یعنی همه‌ی موجودات جهان دارای شعور هستند و حمد و تسبیح الهی را زمزمه می‌کنند هرچند که این زمزمه متناسب با عالم آنهاست و ما آنها را نمی‌شنویم. «۳» گر تو را از غیب چشمی بازشد باتو ذرات جهان هم‌راز شد نطق آب و نطق خاک و نطق گل هست محسوس حواس اهل دل جمله ذرات عالم در نهان با تو می‌گویند روزان و شبان ما سمیعیم و بصیریم و هشیم با شما نامحرمان ما خامشیم (مولوی) تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۳ ب) مقصود از تسبیح موجودات، زبان حال آنهاست؛ یعنی آنها به صورت حقیقی (نه مجازی) حمد و تسبیح خدا می‌گویند، اما با زبان حال نه با الفاظ. یعنی تسبیح جز به معنای پاک شمردن خدا از عیوب نیست و ساختمان منظم این جهان به ما می‌گوید که آفریننده‌ی آن از هرگونه نقصی مبراست؛ «۱» و حمد جز ستایش و بیان صفات کمال خدا نیست و نظام جهان با زبان حال از صفات کمال و علم و قدرت او سخن می‌گوید. ج) این که مقصود از تسبیح موجودات، ترکیبی از زبان حال «و قال» و تکوین و تشریع است؛ یعنی برخی موجودات هم‌چون انسان‌ها با زبان و الفاظ، و همه‌ی ذرات هستی با زبان حال از عظمت و قدرت خدا سخن می‌گویند؛ یعنی هر موجودی با زبان مخصوص خود گواهی به پاکی و ستایش خدا می‌دهد. «۲» توحیدگوی او نه بنی آدمند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد (سعدی) البته به نظر می‌رسد که دیدگاه سوم، جامع دیدگاه اول و دوم است و مانعی ندارد که مقصود آیه همین

معنا باشد. ۵. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: لباس انسان نیز تسبیح خدا می گوید (و خدا را بر پاکی می‌ستاید) و هنگامی که کثیف و آلوده شود، تسبیح آن قطع می‌شود. «۳» کمال ذره ذره ذکر و تسبیح که عارف بشنود یک یک به تصریح (عطار) تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۴ از امام صادق علیه السلام روایت شده که در مورد آیه‌ی فوق فرمودند: حتی دیواری که شکافته می‌شود و صدایی از آن به گوش می‌رسد، همان تسبیح اوست. «۱» البته ظاهراً مقصود از این احادیث بیان تسبیح تکوینی و به زبان حال است که پاکی لباس نشانه‌ی پاکی خدا، و صدای دیوار نیز جلوه ای از قدرت و حکمت خدا در نظام آفرینش است. دوش مرغی به صبح می‌نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح گوی و من خاموش (سعدی) ۶. «ملک» شامل قدرت و سرپرستی یعنی حکومت و مالکیت می‌شود «۲» و مالکیت خدا و حکومت او بر جهان، مالکیت و حکومت اعتباری و قراردادی نیست بلکه حقیقی و تکوینی است؛ یعنی خدا بر همه چیز احاطه دارد و همه چیز را خلق کرده است پس حقیقتاً مالک و حاکم بر همه چیز است و همه تحت فرمان او هستند؛ همان طور که ما بر تصورات ذهنی خود حاکم هستیم. ۷. «حکیم» در اصل به معنای منع چیزی برای اصلاح آن، و حکمت به معنای رسیدن به حق با علم و عقل است و مقصود از حکیم بودن خدا آن است که موجودات را می‌شناسد و آنها را استوار می‌آفریند؛ «۳» به عبارت دیگر، کار او هدفمند است. ۸. واژه‌های «عزیز» و «قدیر» هر دو به معنای قدرت است، اما «عزّت» بیش‌تر به شکست‌ناپذیری و درهم شکستن مخالفان، و «قدیر» به ایجاد اسباب و وسایل اعمال قدرت نظر دارد. البته برخی نیز واژه‌ی «عزّ» را به معنای «نادر» و بر این اساس «عزّت» را به معنای نادر الوجود و بی‌نظیر دانسته‌اند. (م) تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۵ ۹. مسأله‌ی مرگ و حیات انسان یکی از اسرارآمیزترین مسائل هستی است و با این که این دو مسأله به انسان بسیار نزدیک‌اند، حقیقت و اسرار آن بر ما پوشیده است و زنده کردن ومیراندن موجودات به دست خداست، که شامل انواع حیات موجودات و انسان در دنیا و برزخ و رستاخیز می‌شود. ۱۰. واژه‌های «اول» و «آخر» اشاره به ازلی و ابدی بودن خداست؛ زیرا او وجودی نامحدود و واجب الوجود است که هستی‌اش از درون ذات اوست و پایان و آغاز زمانی ندارد؛ او قبل از همه بوده و بعد از فنای جهان نیز خواهد بود. ۱۱. «ظاهر» به معنای آشکار و «باطن» به معنای پوشیده و پنهان است. خدا به وسیله‌ی نشانه‌ها و آثارش در همه جا آشکار است و رخ می‌نماید و در همان حال ذاتش از همه مخفی است. «۱» حجاب‌روی تو هم روی تُست درهمه حال نهان زچشم جهانی زبس که پیدایی ۱۲. خدا ظاهر و باطن دارد و جهان جلوه‌ی خداست، پس آن هم ظاهر و باطن دارد؛ همان طور که انسان ظاهر و باطن (: روح و نفس) دارد نعمت‌های الهی «۲» و دنیا ظاهر و باطن دارند «۳» و قرآن ظاهر و باطن دارد؛ پس از منظر جهان‌بینی قرآنی، کل هستی ظاهر و باطن دارد. آری؛ صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی. ۱۳. صفات انسان‌ها معمولًا هماهنگ و هم‌خوان است؛ یعنی اگر انسان اول یک گروه باشد آخر آن نیست و اگر ظاهر باشد پنهان نیست؛ چرا که تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۶ انسان محدود و مادی است و نمی‌تواند این صفات متضاد را با هم جمع کند. اما صفات خدا شامل صفات متضاد است، چرا که او ذاتی نامحدود دارد که دارای تجلیّات متعدد است. او زمان ندارد پس می‌تواند اول و آخر باشد و مکان ندارد پس می‌تواند ظاهر و باطن باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در جهان زمزمه‌ای برپاست و همه‌ی موجودات (به زبان حال و قال) مشغول تسبیح خدایند (پس شما نیز از تسبیح و یاد او غافل نشوید). ۲. کارهای خدا حکیمانه و شکست‌ناپذیر (و بی‌مانند) است. ۳. زندگی، مرگ، حاکمیت و مالکیت شما به دست خدایی است که بر هر چیزی تواناست. ۴. مالکیت و حکومت حقیقی جهان به دست اوست (پس به مالکیت و حکومت‌های اعتباری خود مغرور نشوید). ۵. آغاز و انتها و آشکار و پنهان جهان (و همه چیز آن) خداست. ۶. علم خدا بر همه چیز احاطه دارد (پس اعمال و گفتار و افکار شما را می‌داند). ۷. تسبیح گوی کسی باشید که این صفات عالی را دارد. *** قرآن کریم در آیات چهارم تا ششم سوره‌ی حدید به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان و زمین و صفات او اشاره می کند و می‌فرماید: ۴- ۶. هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى العَرْشِ یَعْلَمُ مَا یَلِجُ فِی الأَرْضِ وَمَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا یَعْرُجُ فِیهَا وَهُوَ مَعَکُمْ أَیْنَ

مَا کُنتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ* لَهُ مُلْکُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَإِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الا مُورُ* یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَیُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَهُوَ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۷ او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (و دوره) آفرید؛ سپس بر تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) تسلّط یافت؛ آنچه در زمین داخل می‌شود و آنچه از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان فرو می‌آید و آنچه در آسمان بالاـ می‌رود را می‌داند؛ و هر جا باشید، او با شماست؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست.* فرمان‌روایِی آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ اوست؛ و [همه‌ی کارها فقط به سوی خدا بازگردانده می‌شوند.* شب را در روز وارد می‌کند و روز را در شب وارد می‌کند؛ و او به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در هفت آیه‌ی قرآن آمده است «۱» که «جهان را در شش روز و دوره آفرید.» «یَوم» در لغت به معنای روز معمولی یعنی از طلوع آفتاب تا غروب آن و گاهی نیز به معنای «مدتی از زمان» می‌آید «۲» و در قرآن بارها به معنای دوره یا مدتی طولانی از زمان آمده است؛ همان طور که در تعبیر «یوم القیامهٔ» روز قیامت می‌گوییم. در برخی احادیث نیز اشاره شده که مقصود از «یوم» در آیه‌ی فوق مدتی از زمان است. «۳» پس مقصود از «یَوم» در این‌گونه آیات، همان دوره‌های خلق آسمان‌ها و زمین است، بلکه از تعبیر برخی آیات که کلمه‌ی «بَینهما» را اضافه دارد استفاده می‌شود که مقصود آفرینش کل جهان در شش دوره است. ۲. در علم زمین‌شناسی و کیهان‌شناسی نیز در مورد دوره‌های خلقت زمین و جهان حدس‌هایی بیان می‌کنند اما آنچه مسلم است مجموعه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۸ آسمان و زمین، بلکه کل هستی، در چند دوره آفریده شده که در آیات ۸- ۱۱ سوره‌ی فصلت به محتوای این دوره‌ها اشاره‌ای اجمالی شده است. «۱» ۳. واژه‌ی «عَرْش» در اصل به معنای چیزی است که دارای سقف باشد و گاهی به خود سقف «۲»، تخت‌های بلند «۳» هم‌چون تخت پادشاهان و داربست‌های درختان «۴» نیز عرش گفته می‌شود. هنگامی که این واژه در مورد خدا به کار می‌رود، به معنای مجموعه‌ی جهان هستی است که در حقیقت هم‌چون تخت حکومت پروردگار است و تعبیر: «ثُم استَوی عَلیالعرَش» کنایه از تسلط زمام‌دار بر امور کشور خویش است. در فارسی نیز تعبیر «بر تخت نشستن» کنایه از در دست گرفتن قدرت و حاکمیت است. پس آیه‌ی فوق هیچ ربطی به «تجسّم خدا» ندارد، بلکه کنایه از احاطه‌ی کامل و تسلط و تدبیر او بر جهان هستی است. در برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. «۵» ۴. مقصود از «چیزهایی که در زمین فرو می‌روند»، آب باران، دانه‌های گیاهان، ریشه‌ی درختان، گنج‌ها، مردگان، حیوانات و حشراتی است که زیر زمین فرو می‌روند. و منظور از «چیزهایی که از زمین بیرون می‌آیند»، همان معادن، آتش‌فشان‌ها، گازها و چشمه‌سارانی است که از زمین خارج می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۱۹۹ و مقصود از «آنچه از آسمان فرود می‌آید»، دانه‌های باران، اشعه‌ی حیات‌بخش خورشید، اشعه‌های کیهانی و فرشتگان تا امواج وحی الهی است. و منظور از «آنچه به سوی آسمان بالاـ می‌رود»، اقسام پرندگان، بخار آب، فرشتگان و اعمال انسان‌هاست که به سوی آسمان مادی و معنوی بالا می‌روند. ۵. در این آیات بیان شده که خدا همه جا با انسان است؛ البته خدا مکان ندارد، ولی همه جا محضر خداست و ما در حضور او هستیم، چون او به ما احاطه علمی، وجودی و نیرویی دارد. و در شکم مادر، دوران کودکی و بزرگسالی و در همه‌ی حالات زندگی و در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها با ما و ناظر برماست، همان طور که ما به تصورات ذهنی خود علم حضوری داریم. دوست نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم ۷. احساس این که خدا با ماست، یکی از باشکوه‌ترین و شورانگیزترین و مسئولیت‌آورترین احساس‌هاست. کسی که این احساس را دارد، شکوه و عظمت و اعتماد به نفس و شهامت پیدا می‌کند و احساس مسئولیت می‌کند؛ چرا که خدای متعال در همه حال ناظر کارها و افکار انسان است. چه کنم با که توان گفت که دوست در کنار من و من مهجورم (سعدی) ۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: از برترین درجات ایمان انسان، آن است که بداند هر کجا باشد خدای متعال با اوست. «۱» و در حدیث دیگری آمده است که موسی به خدا عرض کرد: «ای پروردگار! کجا تو را بیابم؟» خدا فرمود: «هر گاه قصد من کنی به وصال من رسیده‌ای.» «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۰ میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست توخود حجاب خودی حافظ از میان برخیز آری؛ همراه

بودن خدا با انسان، امر ظریف و دقیقی است که هر کسی به مقدار اندیشه و ایمانش آن را درک می کند. ۹. در این آیات بار دیگر از حاکمیت و مالکیت حقیقی خدا بر جهان سخن گفته شده است. تکرار این مطلب به خاطر اهمیت آن و نیز زمینه‌ی بیان بازگشت همه‌ی امور به خداست، در حالی که در آیه‌ی دوم همین سوره از صفات دیگر خدا سخن گفته شد. ۱۰. بازگشت همه‌ی امور به سوی خداست؛ یعنی همه‌ی موجودات رهروان کوی عشق او هستند و با کوله‌باری از امید، از سرمنزل عدم به راه افتاده و به اقلیم وجود آمده‌اند و به سوی مطلوب حقیقی می‌روند و معاد یکی از مصادیق این بازگشت است و گرنه انسان‌ها و موجودات پیوسته در حال حرکت به سوی خدا هستند. «۱» ۱۱. یکی از نشانه‌های خدا آن است که شب و روز را در هم می‌آمیزد. در این مورد دو تفسیر ارائه شده است: الف) در طول فصول چهارگانه مدت شب و روز کم و زیاد می‌شود و در هم‌دیگر وارد می‌شوند. ب) طلوع و غروب به صورت تدریجی است و به طور ناگهانی اتفاق نمی‌افتد تا موجب مشکلات و آزار چشم انسان شود. البته مانعی ندارد که هر دو تفسیر مقصود آیه باشد. ۱۲. مقصود از «ذات الصدور» چیست؟ «ذات» به معنای «صاحب» و «صدور» به معنای سینه هاست و در این جا مقصود درون جان و ذهن و روح انسان است؛ یعنی خدا از همه‌ی افکار و نیّت‌ها و عقاید درون آن آگاه است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۱ ۱۳. در برخی احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که به برخی از یاران خویش سفارش کردند: هرگاه خواستی دعا کنی، شش آیه‌ی اول سوره‌ی حدید و چهار آیه‌ی آخر سوره‌ی حشر را قرائت کن و خدا را به نام‌هایی که در این آیات است سوگند بده تا حاجت تو برآورده شود. «۱» روشن است که سوگند دادن خدا به نام‌هایش یکی از مقدمات دعاست و استجابت دعا شرایط و موانع دیگری نیز دارد که با رعایت آنها و قرائت این آیات دعا مستجاب می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد مراحل آفرینش جهان و خروج و ورود موجودات در آسمان و زمین مطالعه کنید تا خداشناس شوید. ۲. شما در محضر خدا هستید (پس رعایت ادب حضور او را بنمایید). ۳. بازگشت شما به سوی خدایی است که مالک و حاکم مطلق جهان است. ۴. با مطالعه در مورد تغییرات شبانه‌روز، خداشناس شوید. ۵. شما تحت نظر خدا هستید (پس مراقب اعمال خود باشید). *** قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی حدید مردم را به ایمان و بخشش فرا می‌خواند و افراد بی‌ایمان را سرزنش کرده، می‌فرماید: ۷ و ۸. آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ* وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۲ به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و از آنچه شما را جانشین در آن قرار داده (در راه خدا) هزینه کنید؛ پس کسانی که از شما ایمان آورند و (در راه خدا) هزینه کنند، برایشان پاداش بزرگی است.* و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی‌آورید در حالی که فرستاده‌ی (او) شما را می‌خواند تا به پروردگارتان ایمان آورید و به یقین، (به وسیله‌ی فطرت و خرد) از شما پیمان محکم گرفته است؛ اگر (آمادگی) ایمان دارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات مردم را به سوی ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کرده است؛ ایمانی که هم بر سخنان و دلایل و معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله استوار است و هم بر فطرت توحیدی و دلایل عقلی. ۲. این آیات کسانی را که ایمان نمی‌آورند سرزنش می‌کند؛ زیرا آنان در حقیقت به معجزات الهی، فطرت و عقل خویش پشت کرده‌اند و در خور سرزنش هستند. ۳. مقصود از جمله‌ی «اگر شما مؤمن هستید» آن است که اگر شما آمادگی ایمان آوردن و پذیرش دلایل ایمان را دارید، پس چرا با این همه دلایل ایمان نمی‌آورید. ۴. «میثاق» به معنای پیمان محکم است و در این جا یا اشاره به فطرت توحیدی انسان‌هاست که نوعی پیمان با خداست، یا به دلایل عقلی که با مشاهده‌ی نظام آفرینش ظاهر می‌شود و نوعی میثاق عقلی با خداست و یا اشاره به عالم ذر است. «۱» البته هر سه معنا قابل جمع است و مانعی ندارد که مقصود آیه همه‌ی این‌ها باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۳ ۵. مقصود از جانشین بودن انسان‌ها، همان جانشینی خدا در زمین و اموال و ثروت‌ها و یا جانشینی اقوام گذشته است. به هر حال اموال و نعمت‌های الهی به صورت امانت در دست انسان است و او جانشین است، نه مالک حقیقی چرا که مالک حقیقی خداست. ۶. اگر انسان بداند که مالک حقیقی اموال و نعمت‌ها و علوم و ... نیست «۱»

و این نعمت‌ها امانتی است که چند روزی به دست او سپرده شده و او وکیل، نماینده و جانشین دیگری است و مالک اصلی دستور بخشش داده است، به راحتی آن اموال را در راه خدا می‌بخشد و مصرف می‌کند و بُخل نمی‌ورزد. ره نیک‌مردان آزاده‌گیر چو ایستاده‌ای دست افتاده‌گیر آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان و انفاق زمینه‌ساز پاداش بزرگ خدا (در دنیا و آخرت) است. ۲. شما مالک نعمت‌ها نیستند بلکه سرپرست موقت آنها هستید پس (بخل نکنید و) آنها را در راه خدا ببخشید. ۳. صاحب اصلی نعمت‌ها- که شما نماینده‌ی او هستید- خواستار بخشش آنها به دیگران است (پس وظیفه‌ی نمایندگی را انجام دهید و بخل نورزید). ۴. شما مالک دنیا نیستید بلکه نوبت شماست (که امانت داری کنید). ۵. هر چند شما مالک نعمت‌های الهی نیستند اما اگر بخشش کنید، پاداش بزرگی به شما می‌دهند. ۶. حجّت از درون و برون بر شما تمام شده و هیچ عذری برای ایمان نیاوردن ندارید. ۷. اگر اهل پذیرش ایمان هستید زمینه‌ها و دلایل آماده است. ** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۴ قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی حدید به نزول قرآن و هدف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹. هُوَ الَّذِی یُنَزِّلُ عَلَی عَبْدِهِ آیَاتٍ بَیِّنَاتٍ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِکُمْ لَرَؤُوفٌ رَحِیمٌ او کسی است که آیات روشنگری بر بنده‌اش فرو می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد؛ و قطعاً، خدا [نسبت به شما مهربانی مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «آیات بیّنات» به معنای نشانه‌های روشن است که یا اشاره به آیات قرآن است و یا به معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله که هدف آنها خارج کردن انسان از تاریکی و رساندن او به نور است. البته مانعی ندارد که این تعبیر شامل هر دو معنا باشد؛ چون قرآن نیز یکی از مصادیق معجزات روشن پیامبر صلی الله علیه و آله است که آیاتش روشنگر راه مردم است. ۲. تعبیر «رؤف رحیم» اشاره‌ی لطیفی به این حقیقت است که نزول قرآن و هدایت انسان از تاریکی‌ها به سوی نور و دعوت او به سوی ایمان و انفاق، همه از مظاهر لطف و رحمت الهی است. ۳. واژه‌ی «رؤف» اشاره به محبت خاص خدا نسبت به بندگان مطیع، و «رحیم» اشاره به رحمت خدا بر بندگان گناهکار است. «۱» ۴. نور مظهر خدا و کمال انسان، و تاریکی مظهر سقوط انسان و دوری او از خداست. در این‌جا واژه‌ی «ظلمات» جمع و واژه‌ی «نور» مفرد است؛ چرا که نور الهی و راه خدا یکی است اما راه‌های انحرافی و مظاهر ظلمت متعددند تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۵ یعنی شرک با همه‌ی تنوّعش و جهل و ظلم و ... از مظاهر تاریکی‌اند که انسان را از کمال باز می‌دارند. «۱» ۵. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با آن همه عظمت که قرآن بر او نازل شده و معجزاتی که دارد، باز هم بنده‌ی خداست؛ و همین بندگی او رمز موفقیت اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف نزول قرآن (و معجزات الهی) نوارنی کردن ماست. ۲. نزول قرآن جلوه‌ای از رأفت و رحمت الهی است. ۳. از تاریکی‌های (شرک و جهل) به سوی نور (ایمان و علم) حرکت کنید. ۴. به لطف خدا نسبت به خودتان مطمئن باشید. ۵. بندگی خدا زمینه‌ساز ارتباط با اوست. ** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۶ اهداف نزول قرآن الف) اهداف مقدماتی: ۱. قرآن نازل شد تا هشدارگر جهانیان باشد (فرقان، ۱)؛ ۲. قرآن نازل شد تا بیان کننده‌ی همه چیز باشد (نحل، ۸۹)؛ ۳. قرآن نازل شد تا شما خردورزی کنید (یوسف، ۲)؛ ۴. قرآن برای تفکر کردن شما نازل شد (نحل، ۴۴)؛ ۵. قرآن بشارت‌گر و هشداردهنده است (فصلت، ۴)؛ ۶. قرآن یادآور است (ص، ۱)؛ ۷. قرآن هدایت و رحمت است (نحل، ۸۹). ب) اهداف واسطه‌ای: ۱. قرآن برای برپایی عدالت است (حدید، ۲۵)؛ ۲. قرآن برای داوری بین مردم است (بقره، ۲۱۳)؛ ۳. قرآن شفاست (یونس، ۵۷، فصلت، ۴۴ و اسراء، ۸۲). ج) هدف نهایی: قرآن نازل شد تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور ببرد (ابراهیم، ۱ و حدید، ۹) نقش قرآن چون که بر عالم نشست نقش‌های پاپ و کاهن را شکست فاش گویم آنچه در دل مضمر است این کتابی نیست چیز دیگر است چون که در جان رفت جان دیگر شود جان چو دیگر شد جهان دیگر شود (اقبال) تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۷ قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی حدید به مقایسه‌ی پیش‌گامان جهاد و انفاق با پیروان آنان بعد از پیروزی می‌پردازد و انفاق را نوعی وام به خدا خوانده، می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. وَمَا لَکُمْ أ لَّاتُنْفِقُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِیرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالأرْضِ لا یَسْتَوِی مِنْکُمْ مَنْ أ نْفَقَ مِنْ قَبْلِ الفَتْحِ وَقَاتَلَ اوْلَئِکَ أعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِینَ أ نْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَکُلّاً وَعَدَ اللَّهُ الحُسْنَی وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ* مَنْ ذَا

الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ کَرِیمٌ و شما را چه شده که در راه خدا هزینه نمی‌کنید، و حال آن‌که میراث آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ خداست؟! کسانی از شما که قبل از پیروزی (در راه خدا) هزینه کردند و پیکار نمودند (با دیگران) مساوی نیستند؛ آنان رتبه‌ای والاتر دارند از کسانی که بعد از (پیروزی در راه خدا) هزینه کردند و پیکار نمودند. و خدا همگان را وعده‌ی [پاداش نیک داده است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.* کیست کسی که به خدا «قرض الحسنه‌ای» وام دهد، تا آن را برایش بیفزاید، و پاداش ارجمندی برای او باشد؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «میراث» به معنای مالی است که معمولًا بدون قرارداد و زحمت به انسان می‌رسد و آنچه از مردگان به بازماندگان می‌رسد، یکی از مصادیق میراث است. آری؛ آسمان‌ها و زمین همه از آن خداست و در نهایت همه‌ی مردم می‌میرند و اموال خود را باقی می‌گذارند که همه به سوی خدا بازمی‌گردد، پس خدا وارث همه‌ی جهان می‌شود. ۲. اشاره به میراث بودن جهان، برای تشویق انفاق‌گران و سرزنش کسانی است که بخل می‌ورزند و انفاق نمی‌کنند؛ یعنی به مردم گوشزد می‌کند که اگر اموال و نعمت‌های خود را ببخشید، خدا پاداش آنها را می‌دهد و اگر بخل بورزید و انفاق نکنید باز هم همه را برای خدا به ارث می‌گذارید، تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۸ ولی پاداش دریافت نمی‌کنید. ۳. مقصود از «فتح» در این آیه، یا فتح مکه در سال هشتم هجری، یا صلح حدیبیه در سال ششم هجری است که در قرآن فتح روشن خوانده شد «۱» و یا منظور هرگونه پیروزی مسلمانان است و مقصود مقایسه‌ی مبارزان و انفاقگران قبل و بعد از هر پیروزی است. «۲» ۴. در این آیه انفاق و مبارزه‌ی قبل و بعد از پیروزی با هم مقایسه شده و کسانی که قبل از پیروزی مسلمانان اقدام به مبارزه و انفاق کردند برتر از گروه مقابل معرفی شده‌اند؛ زیرا آنان در شرایط سخت اسلام و مسلمانان را یاری و با جان و مال مبارزه کردند. آری؛ انقلابیِ قبل از انقلاب با انقلابی بعد از انقلاب با هم برابر نیستند. ۵. وعده‌ی نیکی که برای عموم انفاقگران و مبارزان راه خدا داده شده است، شامل پاداش نیک دنیا و آخرت و ثواب الهی می‌شود. ۶. در این آیه انفاق و بخشش در راه خدا نوعی وام دادن به خدا معرفی شده است. راستی عجیب است که خدا تمام نعمت‌ها را به انسان می‌بخشد، سپس به انسان سفارش می‌کند که همان نعمت‌ها را به مردم ببخشد و این را به عنوان وام به خدا محاسبه کند و خدا نیز چند برابر آن، پاداش ارجمندی به او باز پس می‌دهد. آری؛ این همه نشانه‌ی لطف خدا و برای آزمایش بشر است. به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد تو را در این سخن انکار کار ما نرسد اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند کسی به حسن و ملاحت به یار ما نرسد تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۰۹ ۷. از امام کاظم علیه السلام روایت شده که این آیه (وام دادن به خدا) در مورد هدیه و کمک به امام فرود آمده است. «۱» البته این‌گونه احادیث مصداق کامل آیه را بیان می‌کنند و به معنای انحصار معنای آیه در این مورد نیستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر چه انفاق نکنید (از ثواب آن محروم می‌شوید و) به خدا بازمی‌گردد. ۲. انقلابیون بعد از انقلاب و قبل از انقلاب با هم مساوی نیستند. ۳. بخشش و مبارزه‌ی قبل از پیروزی ارزش بیش‌تری دارد. ۴. بخشش به مردم، وام دادن به خداست که بسیار پرسود و ارجمند است. ۵. یک کار ممکن است در دو زمان دو ارزش متفاوت داشته باشد. ۶. انفاق وقتی ارزش دارد که رنگ الهی داشته باشد. ۷. تفاوتِ ارزشِ کار افراد را نادیده نگیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱۰ بخشش و انفاق در قرآن ۱. از چیزهای پاک و پاکیزه انفاق کنید (بقره، ۲۶۷). ۲. از چیزهایی که دوست دارید و بدانها نیاز دارید انفاق کنید (آل عمران، ۹۲ و حشر، ۹). ۳. به کسانی که سخت نیازمندند انفاق کنید (بقره، ۲۷۳). ۴. بخشش‌های خود را با منّت و اذیت باطل نکنید (بقره، ۲۶۴). ۵. در راه خشنودی خدا بخشش کنید (بقره، ۲۶۵). ۶. اگر انفاق به صورت مخفی باشد بهتر است (بقره، ۲۷۱). ۷. به یاد داشته باشید که شما مالک حقیقی این اموال نیستید بلکه جانشین و نماینده‌ی خدا در سرپرستی اموال هستید (حدید، ۷). ۸. به یاد داشته باشید که خدا فقط کارها و انفاق‌های افراد باتقوا را می‌پذیرد (مائده، ۲۷). رعایت این شرایط باعث می‌شود که انفاق و وام به خدا نیکو شود؛ البته برخی از این شرایط، واجب، ولی برخی شرایطِ کمال انفاق است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱۱ قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی حدید به نور مؤمنان در رستاخیز و فرجام نیکوی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. یَوْمَ تَرَی الْمُؤْمِنِینَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ روزی که مردان باایمان و زنان باایمان را می‌بینی، در حالی که نورشان پیش رویشان و در سمت راستشان شتابان می‌رود (و فرشتگان به آنان می‌گویند:) امروز مژده باد بر شما به بوستان‌های (بهشتی) که نهرها زیر [درختان] ش روان است! در حالی که در آن‌جا ماندگارند؛ تنها آن کام‌یابی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از نور مؤمنان در رستاخیز چیست؟ این نور همان نور ایمان و هدایت است؛ یعنی در رستاخیز که محلّ تجسّم اعمال و عقاید است، ایمان به صورت روشنایی و نور، و کفر و نفاق به صورت تاریکی و ظلمت ظاهر می‌شود. ۲. در این آیه از نور طرف راست و نور جلو یاد شده است. نور طرف راست یا اشاره به «اصحاب الیمین» است یا اشاره به نامه‌ی اعمال مؤمنان که در دست راست آنان است و نورانی است. «۱» ۳. نور مؤمنان درجات متفاوت و شدّت و ضعف دارد؛ زیرا ایمان و اعمال آنان در دنیا متفاوت بوده و نور هر کس به قدر ایمان اوست. ۴. از واژه‌ی «یسعی که به معنای حرکت و تلاش سریع است استفاده می‌شود که نور مؤمنان و به دنبال آن خودشان به سرعت به سوی بهشت روان می‌شوند تا به کانون سعادت جاویدان برسند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در صحنه‌ی رستاخیز، نور ایمان روشنگر راه شماست (پس از هم اکنون به فکر تقویت نور ایمان باشید). ۲. فرجام مؤمنان نور، بهشت و رستگاری است. ۳. در قیامت انسان نیازمند نور است (که حاصل ایمان و اعمال صالح اوست). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱۳ نظام نور در قرآن نور منشأ حرکت، رشد و حیات است اما ظلمت با سکون و مرگ و فنا همراه می‌گردد: ۱. خدا نور است (نور، ۳۵). ۲. قرآن نور است (مائده، ۱۵؛ اعراف، ۱۵۷ و نساء، ۱۷۴). ۳. پیشوایان دین نور هستند (احزاب، ۴۵- ۴۶). «۱» ۴. کلام اهل‌بیت علیهم السلام نور است. «۲» ۵. مؤمنان در رستاخیز با نور در حرکتند (حدید، ۱۲). ۶. صدیقان و شهدا نور دارند (حدید، ۱۹). ۷. عبادات (مثل نماز و وضوء ..) نور است. «۳» ۸. هدف قرآن خارج ساختن انسان از تاریکی‌ها و نورانی کردن زندگی اوست (ابراهیم، ۱ و حدید، ۹). پرسش: چه کنیم که نورانی شویم؟ پاسخ: به منابع نور یعنی خدا، ایمان، قرآن، اهل‌بیت علیهم السلام و عبادات نزدیک شویم و از تاریکی‌ها (جهل، ظلم، شرک، نفاق و ...) دور گردیم. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱۴ قرآن کریم در آیات سیزدهم تا پانزدهم سوره‌ی حدید به درماندگی و التماس منافقان در رستاخیز و عوامل انحراف آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳- ۱۵. يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُوراً فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ* يُنَادُونَهُمْ أَ لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الأَمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ* فَالْيَوْمَ لا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (همان) روزی که مردان منافق و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «به ما بنگرید (و مهلت دهید) تا از نور شما پرتوی برگیریم.» (به آنان) گفته می‌شود: «به پشت سرتان بازگردید و نوری درخواست کنید.» پس دیواری بین آنان زده می‌شود که برای آن دری است که درونش، رحمت در آن است و برونش از جانب آن عذاب است!* (منافقان) آن (مؤمن) ها را ندا می‌دهند: «آیا با شما نبوده‌ایم؟!» گویند: «آری، ولیکن شما خودتان را در فتنه افکندید و انتظار (شکست اسلام را) کشیدید و شک کردید و (خیال‌ها و) آرزوها شما را فریب داد تا این‌که فرمان خدا فرا رسید و (شیطان) حیله‌گر شما را نسبت به (آمرزش) خدا فریب داد.* و امروز از شما و از کسانی که کفر ورزیدند هیچ تاوانی گرفته نمی‌شود، مقصدتان آتش است، که آن (سزاوار) سرپرستی شماست و بد فرجامی است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به بی نوری و تاریکی راه منافقان و درماندگی و التماس آنان اشاره شده است که چگونه از مؤمنان درخواست نور می‌کنند، ولی جواب منفی می‌شنوند و نا امیدانه راهی دوزخ می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱۵ ۲. مقصود از نگاه کردن مؤمنان به منافقان، یا همان معنای ظاهری آن است، یعنی از مؤمنان می‌خواهند که به منافقان نگاه کنند تا از نور چهره‌ی آنان بهره گیرند، یا منظور توجه و لطف کردن بر آنهاست که نوری به آنان بدهند و یا انتظار و مهلت دادن است تا منافقان به مؤمنان برسند و از پرتو نور آنان استفاده کنند. ۳. بهشت هم‌چون شهری است که

دیواری بلند اطراف آن کشیده شده و دری دارد. داخل این شهر بوستان‌ها و نعمت‌های بهشتی و رحمت خداست برای مؤمنان، و بیرون آن بیابانی سوزان و آتشین برای منافقان؛ همان طور که در دنیا دیوار عقاید و اعتقادات مؤمنان را از منافقان جدا کرده بود. ۴. دری که بین مؤمنان و منافقان است، برای آن است که منافقان، حالات خوش بهشتیان را ببینند و حسرت بخورند یا این که برخی افراد که گناهان کم‌تری دارند پس از اصلاح و مجازات از آن بگذرند و به بهشت بروند. ۵. در این آیات به عوامل انحراف و بی‌نور شدن منافقان و جدایی آنان از راه مؤمنان اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) این که آنان خود را گرفتار فتنه و گمراهی و شرک کردند. تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم از که می‌نالی و فریاد چرا می‌داری؟ (حافظ) ب) آنان پیوسته منتظر شکست اسلام و مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و در انجام کارهای مثبت کوتاهی می‌کردند. ج) آنان در عقاید صحیح و نبوت و معاد تردید داشتند. د) منافقان تا هنگام مرگ به آرزوهای طولانی گرفتار بودند و از این رو فریب خیالات خود را خوردند. چون غرض آمد هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به سوی دیده شد (مولوی) تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱۶ ه) منافقان فریب شیطان را خوردند، که به آنان وعده‌ی توبه و بخشش خدا را می‌داد تا به سرکشی و گناه ادامه دهند. ۶. در رستاخیز سرنوشت منافقان و کافران همگون است و هر دو گروه گرفتار آتش می‌شوند و از آنان فدیه و تاوان پذیرفته نمی‌شود و از مجازات نجات نمی‌یابند؛ زیرا در رستاخیز تمام اسباب از کار می‌افتد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان بی‌نورند (نفاق در دنیا، نوری به دنبال نخواهد داشت). ۲. هر کس نور می‌خواهد، باید در دنیا به دنبال آن باشد که رستاخیز دیر است. ۳. منافقان و مؤمنان در رستاخیز همسایه‌ی یک‌دیگرند، اما جایگاه مؤمنان رحمت و جایگاه منافقان آتش است. ۴. منافقان و مؤمنان در رستاخیز از حالات هم‌دیگر باخبرند و با هم‌دیگر سخن می‌گویند. ۵. خود گمراهی، شک‌گرایی، آرزوهای طولانی و انتظار شکست اسلام و فریب شیطان را خوردن، از عوامل بی‌نوری و انحراف و عذاب است. ۶. رستاخیز روز پارتی‌بازی و تاوان دادن و نجات از آتش نیست. ۷. فرجام منافقان و کافران همگون است و جایگاه هر دو گروه دوزخ است (پس مراقب باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی حدید مؤمنان را به خشوع قلب فرا می‌خواند و نسبت به سخت‌دلی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۶. أ لَمْ یَأنِ لِلَّذِینَ آمَنُوا أنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الحَقِّ وَلا یَکُونُوا کَالَّذِینَ اوتُوا الکِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَیْهِمُ الأمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَکَثِیرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱۷ آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان برای یاد خدا و آنچه از حق فرو فرستاده، فروتن شود و مانند کسانی نباشند که از پیش به آنان کتاب داده شد و فاصله [ی زمانی بر آنان طولانی گشت، پس دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنان نافرمان‌اند؟! شأن نزول: حکایت شده که منافقان مدینه بارها نزد سلمان فارسی آمدند و از او خواستند که از تورات برای آنان سخن بگوید ولی سلمان برای آنان قرآن می‌خواند و آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و منافقان را سرزنش کرد و از سخت‌دلی برحذر داشت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قلب» به معنای بعد دوم وجود انسان، یعنی همان روح اوست و از آن جهت بدان قلب می‌گویند که زود منقلب می‌شود و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. «۲» ۲. «خُشوع» به معنای فروتنی و ادب جسمی و روحی است که در برابر حقیقت مهم یا شخص بزرگی به انسان دست می‌دهد. آری؛ یاد خدا و آیات قرآن اگر به درستی درک شود، مایه‌ی فروتنی و خشوع می‌شود. دلا بسوز که سوز تو کارها بکند نیاز نیم شبی دفع صد بلا کند عتاب یار پری چهره عاشقانه بکش که یک کرشمه تلافی صد بلا بکند (حافظ) ۳. در این آیه مؤمنانی که در برابر یاد خدا و با شنیدن آیات الهی خاشع نمی‌شوند مورد سرزنش قرار گرفته‌اند که چرا هم‌چون امت‌های پیشین سخت‌دل و غافل شده‌اند. کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی ره ز که پرسی چه کنی چون باشی (حافظ) ۴. مقصود از طولانی شدن مدت، آن است که بین یهودیان و مسیحیان با پیامبرانشان فاصله‌ی زیادی شده است، یا منظور عمر طولانی این مردم است که همراه با آرزوهای دراز غفلت زاست و یا زمان طولانی است که عذاب در آن نازل نشده است؛ البته جمع بین این معانی مانعی ندارد. «۱» ۵. در این آیه بیان شده که فاصله افتادن بین مردم و رهبران الهی یا هر چیزی که مایه‌ی بیداری و تذکر است موجب غفلت و سختی دل می‌شود، غفلتی که نتیجه‌ی

آن نافرمانی و گناه است. ۶. در برخی احادیث از عیسی علیه السلام روایت شده که بدون ذکر خدا، زیاد سخن نگویید که موجب قساوت قلب می‌شود و دل سخت از خدا دور است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر ذکر خدا و آیات قرآن فروتن باشید (تا نرم‌دل شوید و قساوت قلب پیدا نکنید). ۲. فاصله گرفتن از رهبران الهی موجب سخت‌دلی و قساوت قلب می‌شود. ۳. دوری از رهبران الهی در بسیاری از موارد موجب سخت دلی و نافرمانی و فسق می‌شود. ۴. کتاب آسمانی به تنهایی کافی نیست، داشتن فایده ندارد. بلکه توجه و خشوع در برابر آن است که دل انسان را بیدار می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۱۹ عوامل نرمی و سختی دل الف) عوامل نرمی دل و خشوع قلب: ۱. تفکر؛ ۲. قرآن؛ ۳. یاد مرگ؛ ۴. یاد خدا در خلوت؛ ۵. غذادادن به بینوایان؛ ۶. دست کشیدن بر سر یتیم؛ ۷. شرکت در مجالس دانشمندان؛ ۸. استغفار. ب) عوامل قساوت قلب و سختی دل: ۱. دوری از رهبران الهی (حدید، ۱۶)؛ ۲. نقض پیمان (مائده، ۱۳)؛ ۳. گناهان فراوان؛ ۴. آرزوهای طولانی؛ ۵. پرحرفی؛ ۶. ترک عبادات؛ ۷. ترک ذکر خدا؛ ۸. بدرفتاری با خویشاوندان؛ ۹. نگاه کردن به افراد بخیل؛ و .... یادآوری: مطالب فوق مضامین آیات و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲۰ قرآن کریم در آیات هفدهم و هجدهم سوره‌ی حدید با یادآوری نشانه‌ی خدا مردم را به خردورزی و بخشش تشویق می‌کند و می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ* إِنَّ المُصَّدِّقِينَ وَالمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ بدانید که خدا زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند؛ به یقین، نشانه‌های (خود) را برای شما بیان کردیم، باشد که شما خردورزی کنید.* به راستی که مردانِ صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده، در حالی که «قرض الحسنه‌ای» به خدا وام دهند، برایشان افزوده می‌شود و برای آنان پاداش ارجمندی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از زنده شدن زمین، همان سرسبز شدن زمین پس از بارش باران است. زمین مرده در بهار حیات مجدد می‌یابد و خرّم می‌گردد و اگر انسان در این پدیده تفکر کند نشانه‌های علم، حکمت و قدرت خدا را می‌بینند. ۲. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام آمده است که مقصود از این آیه، (زنده شدن زمین به وسیله‌ی) عدل بعد از ستمکاری است. «۱» و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام روایت شده که مقصود آن است که زمین به وسیله‌ی کفر مردم می‌میرد و قائم (آل محمد «عج») آن زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد. «۲» و در حدیث دیگری از امام کاظم علیه السلام روایت شده که خدا دل‌های مرده را به وسیله‌ی نور حکمت زنده می‌کند، همان طور تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲۱ که زمین مرده را به وسیله‌ی باران‌های پربرکت زنده می‌سازد. «۱» البته این احادیث به باطن آیه اشاره دارند؛ یعنی حیات و مرگ را به معنای اعم از حیات و مرگ طبیعی و حیات و مرگ معنوی و علمی و عقیدتی گسترش داده، مصادیق کامل آن را بیان کرده‌اند که حیات ایمانی در عصر امام «عج» و حیات معنوی به وسیله‌ی عدالت و حیات علمی به وسیله‌ی حکمت را شامل می‌شود. ای برادر تو همین اندیشه‌ای ما بقی خود استخوان و ریشه‌ای ۳. مقصود از دادن قرض الحسنه به خدا، همان انفاق و بخشش به مردم است که خدا آن را چندین برابر می‌کند و پاداش ارزشمندی بدان می‌دهد که ذیل آیه‌ی یازدهم همین سوره در مورد آن توضیح دادیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات زمین‌شناسی، خداشناس شوید. ۲. نشانه‌های خدا واضح است شما خردورزی کنید. ۳. بخشش‌های صادقانه (به مردم) نوعی وام به خداست. ۴. خدا بخشش‌های صادقانه‌ی شما را چند برابر می‌کند و ارج می‌نهد. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی حدید سرنوشت و فرجام مؤمنان و کافران را در برابر هم به تصویر کشیده، می‌فرماید: ۱۹. وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ اوْلَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا اوْلَئِكَ أَصْحَابُ الجَحِيمِ و کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آوردند، فقط آنان راست‌گویان و گواهان نزد پروردگارشان هستند، پاداش آنان و نورشان فقط برای آنان است؛ و کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنان اهل دوزخ‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲۲ ۱. «صدیق» به معنای کسی است که سر تا پا راستی و درستی است و کردار او گفتارش را تأیید می‌کند و نمونه‌ی کامل صداقت است. ۲. در قرآن کریم از برخی از پیامبران بزرگ هم‌چون ادریس علیه السلام و برخی زنان بزرگ هم‌چون مریم

علیه السلام با عنوان «صدیق» یاد شده است که زندگی آنان همراه با راستی و درستی است. نه هر آن کو لقبش بوذر و سلمان باشد راست کردار چو سلمان و چو بوذر باشد (پروین) ۳. «شهید» در اصل به معنای حضور همراه با مشاهده است، چه با چشم ظاهری و چه با چشم دل؛ از این رو این واژه به گواهان و شهیدان راه خدا گفته می‌شود. البته مانعی ندارد که در آیه‌ی فوق هر دو معنا در نظر باشد؛ یعنی گواهان بر اعمال مردم و شهیدان میدان مبارزه با دشمن، که هر دو مقام والایی است، ولی با توجه به تعبیر «نزد پروردگارشان» همان معنای گواهی مناسب‌تر است. ۴. «شهید» گاهی به شهیدان میدان جنگ گفته می‌شود که در راه خدا کشته می‌شوند و گاهی به مؤمنانی گفته می‌شود که پاداش شهید دارند؛ هم‌چون کسانی که امامت امام‌عصر «عج» را می‌شناسند و منتظر آن هستند که در احادیث آمده است که هم‌چون شهیدانِ با پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. «۱» ۵. مؤمنانی که در این آیه از آنان یاد شده است، افرادی هستند که از مرتبه‌ی بالای ایمانی برخوردارند، به طوری که صدیق و شهید به شمار می‌آیند و نور دارند. ۶. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله است. در این آیه سرنوشت و فرجام دو گروه مؤمنان صدیق و کافران دوزخی در برابر هم به تصویر کشیده شده است تا مردم بتوانند با مطالعه‌ی آن راه صحیح را انتخاب کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، شما را به درجه‌ی صدیقین و شهدا می‌رساند. ۲. مؤمنان صدیق و شهید دارای نور و پاداش هستند (شما نیز این‌گونه باشید). ۳. کفر و تکذیب آیات الهی، فرجامی عذاب‌آلود دارد (پس مراقب باشید شما این‌گونه نباشید). ۴. صداقت ایمان افراد را با ایمان به پیامبران و اطاعت از آنها آزمایش کنید. ۵. اگر نور و پاداش می‌خواهید ایمان آورید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی حدید با مثالی جالب، دنیا را بازیچه‌ای فریبنده معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. اعْلَمُوا أَ نَّمَا الحَیَاةُ الدُّ نْیا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِینَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَتَکَاثُرٌ فِی الأمْوَالِ وَالأوْلادِ کَمَثَلِ غَیْثٍ أعْجَبَ الکُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ یَهِیجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرّاً ثُمَّ یَکُونُ حُطَاماً وَفِی الآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِیدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الحَیَاةُ الدُّ نْیا إلَّامَتَاعُ الغُرُورِ بدانید که زندگی دنیا بازی و سرگرمی و زیور و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است؛ همانند مثال بارانی که گیاهانش کشاورزان را به شگفت آورد، سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می‌بینی، سپس درهم شکسته می‌شود؛ و در آخرت عذابی شدید و آمرزشی از جانب خدا و خشنودی (او) است و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه پنج ویژگی برای زندگی دنیا بیان شده است و ممکن است اشاره به مراحل زندگی انسان در دنیا و نوعی تحلیل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و تربیتی از انسان باشد؛ یعنی: اول، مرحله‌ی کودکی است که دوران بازی و غفلت است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲۴ دوم، مرحله‌ی نوجوانی است که دوران سرگرمی و دوری از مسائل جدّی زندگی است. سوم، مرحله‌ی جوانی است که دوران شور و عشق و تجمل‌گرایی است. چهارم، مرحله‌ی میان‌سالی است که دوران کسب مقام و فخرفروشی است. پنجم، مرحله‌ی بعدی است که دوران افزایش اموال و فرزندان است که انسان به فکر زراندوزی و جمع نفرات است. البته ممکن است هرکدام از این مراحل حدود هشت سال از عمر انسان را در برگیرد ولی گاهی برخی افراد تا آخر عمر در مرحله‌ی بازی یا سرگرمی می‌مانند و در حقیقت کودکانی هستند که در سن کهولت به سر می‌برند. ۲. این آیه زندگی دنیا را کالای فریبنده معرفی کرده است؛ یعنی دنیا وسیله و ابزاری برای فریب انسان است که خود را به بازی وسرگرمی‌های آن مشغول و از اهداف اصلی و کمال باز می‌دارد. و نیز دنیا گاهی وسیله‌ی فریب دیگران می‌شود و آنها را گرفتار غفلت می‌کند. بر مهر چرخ و شیوه‌ی او اعتماد نیست ای وای بر کسی که شد ایمن ز مکر وی ۳. انسان در برخورد با دنیا می‌تواند دو گونه عمل کند: الف) آن را وسیله‌ی سرگرمی و فخر فروشی و هدف اصلی خود را جمع ثروت قرار دهد که این گونه دنیا مذموم است؛ چراکه موجب غفلت و انحراف انسان می‌شود و این دنیا سرچشمه‌ی همه‌ی خطاها و گناهان است. ب) دنیا را وسیله‌ی رسیدن به کمالات و نردبانی برای اهداف عالی خویش قرار دهد، که این دنیا ممدوح است، چون مزرعه‌ی آخرت و تجارتگاه مردان خداست و خدا جان و مال این افراد را به بهای بهشت می‌خرد. «۱» آری؛ دنیا می‌تواند سرمایه ای برای آمرزش و خشنودی خدا یا مایه‌ی عذاب شدید در آخرت باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم،

ص: ۲۲۵ ۴. مطالب این آیه بهره بردن از بازی و سرگرمی‌های سالم و اموال حلال و فرزند را نفی نمی‌کند بلکه مقصود آن است که این امور را اهداف اصلی ونهایی قرار ندهید. ۵. در این آیه با مثالی جالب حقیقت دنیا بیان شده است، دنیا هم‌چون بارانی است که زمین را سرسبز می‌کند و گیاهان گوناگون با رنگ‌های زیبا از آن می‌روید و کشاورزان را به شگفت می‌آورد «۱» اما عمر گل و عمر دنیا کوتاه است و بعد از مدتی زرد و پژمرده می‌شوند و درهم می‌شکنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیا (برای دنیا) پست و فریبکار است (فریب آن را نخورید واز اهداف اصلی خویش باز نمایید). ۲. دنیا جای بازی، سرگرمی، تجمّل گرایی، فخرفروشی و افزون‌طلبی است (پس مراقب باشید شما را از حقایق هستی باز ندارد). ۳. عمر دنیا هم‌چون گل‌های بهاری کوتاه است (پس بدان دل نبندید). ۴. نتیجه‌ی دنیا عذاب شدید یا آمرزش و خشنودی خداست، (پس ببینید که در این مزرعه چه چیزی کشت می‌کنید). ۵. در دنیا به فکر آخرت نیز باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی حدید مردم را به مسابقه به سوی بهشت و آمرزش الهی فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۲۱. سَابِقُوا إِلَی مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا کَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ اعِدَّتْ لِلَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الفَضْلِ العَظِیمِ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲۶ پیشی گیرید به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنه‌ی آن هم‌چون پهنه‌ی آسمان و زمین است که برای کسانی که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورده‌اند، آماده شده است؛ این بخشش خداست؛ آن را به هر که بخواهد (و شایسته بداند)، می‌دهد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه مردم را به سوی یک مسابقه‌ی معنوی فرا می‌خواند؛ مسابقه‌ای که آغاز آن دنیا و پایان آن آمرزش و بهشت است و هرکس در دنیا تلاش بیش‌تری بنماید، زودتر به هدف می‌رسد و به مراتب عالی‌تری از بهشت نایل می‌شود. «۱» ۲. مسابقه و پیشی گرفتن به سوی آمرزش و بهشت با توبه، جبران گذشته واطاعت پروردگار و دوری از گناه است که از مصادیق آن پیشی گرفتن در صف اول نماز جماعت و نماز اول وقت یا صف اول جهاد و مانند آن است که در روایات بدانها اشاره شده است. «۲» ۳. در این آیه آمرزش پروردگار را قبل از بهشت آورده است، شاید بدان خاطر که آمرزش مقدمه‌ی ورود به بهشت است؛ یعنی اول باید انسان از گناهان پاک شود تا لایق بهشت گردد. ۴. مقصود از «عَرض» آسمان و زمین و عرض بهشت، همان پهنه و وسعت است، نه عرض در برابر طول. و شاید این تعبیر اشاره به آن باشد که بهشت تنگ نیست که شما به سوی آن مسابقه می‌دهید بلکه مسابقه دهید تا به کمال و مغفرت بیش‌تری برسید. ۵. بهشت و آمرزش الهی از بخشش‌های خداست؛ چراکه اعمال انسان در برابر این همه نعمت بسیار کوچک است. پس اگر لطف و بخشش خدا نبود، انسان با این اعمال ناچیز ره به جایی نمی‌برد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲۷ دولت آن است که بی‌خون دل آید به کنار ور نه با سعی وعمل باغ جنان این همه نیست (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مسائل معنوی مسابقه دهید و از هم‌دیگر سبقت بگیرید. ۲. سبقت به سوی بهشت و خوبی‌ها ارزشمند است. ۲. بهشتی که برای شما آماده شده بسیارگسترده است، ولی شرطآن ایمان به خدا و رسولان او و تلاش شتابان شماست. ۳. اول از خدا آمرزش بخواهید (تا پاک شوید) سپس بهشت بخواهید. ۴. خدا براساس لطف وبخشش خود به شما پاداش می‌دهد (نه براساس اعمال ناچیز شما). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم تا بیست و چهارم سوره‌ی حدید به فلسفه‌ی بلاها و عدم دل‌بستگی به دنیا و صفات خیال‌پردازان و افراد بخیل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲- ۲۴. مَا أَصَابَ مِنْ مُصِیبَةٍ فِی الأَرْضِ وَلا فِی أَنْفُسِکُمْ إِلَّافِی کِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أنْ نَبْرَأهَا إنَّ ذَلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ* لِکَیْلا تَأْسَوْا عَلَی مَا فَاتَکُمْ وَلا تَفْرَحُوا بِمَا آ تَاکُمْ وَاللَّهُ لا یُحِبُّ کُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ* الَّذِینَ یَبْخَلُونَ وَیَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالبُخْلِ وَمَنْ یَتَوَلَّ فَإنَّ اللَّهَ هُوَ الغَنِیُّ الحَمِیدُ هیچ مصیبتی در زمین و در (وجود) خودتان (به شما) نمی‌رسد، جز این‌که قبل از آن‌که آن را بیافرینیم، درکتابی (ثبت) است؛ در حقیقت، آن (کار) بر خدا آسان است. * به‌خاطر آن‌که برآنچه از دستتان رفته تأسف مخورید و به آنچه به شما داده است شادمان نَباشید؛ و خدا هیچ متکبّر خیال‌پرداز فخرفروشی را دوست ندارد؛* (همان) کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل فرمان می‌دهند؛ و هر کس روی برتابد، پس (به خدا زیان نمی‌رساند؛ چرا) که تنها خدا توانگر [و] ستوده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲۸ نکته‌ها و

اشاره‌ها: ۱. این آیه در صدد آن است که دل‌بستگی انسان را از دنیا برکند و انسانی تربیت کند که درپی انجام وظیفه باشد، نه نتیجه‌ی منفی کارها او را ناامید سازد و نه نتیجه‌ی مثبت کارها او را سرمست و غافل. انسان باید هم‌چون صندوق‌دار بانک باشد که از رفتن و آمدن پول‌ها، ناراحت و سرمست‌شود، بلکه درپی انجام وظیفه است وخود را امانت‌دار و واسطه می‌داند. ۲. اگر انسان با این دید به جهان بنگرد که همه‌ی وقایع، مشکلات و مصایب انسان در کتابی ثبت شده و مشخص است، نه از رفتن اموال و فرزندان بسیار ناراحت می‌شود و نه از آمدن آنان بسیار شادامان، بلکه همه را مقدّرات الهی می‌داند که اگر نعمتی بود باید سپاس آن را به جای آورد و اگر مصیبتی بود باید صبر کند و به یاد خدا باشد. در طریق عشق‌بازی امن و آسایش بلاست ریش باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی ۳. مشکلات و مصیبت‌هایی که به انسان می‌رسد، چند گونه است: الف) مشکلاتی که در اثر اعمال و گناهان انسان‌ها و یا ستم آنها به هم‌دیگر واقع می‌شود که قابل پیش‌بینی و پیش‌گیری و مجازات است. «۱» ب) مشکلاتی که از مقدّرات الهی و برای آزمایش انسان هاست و حتماً واقع خواهد شد و قابل جلوگیری نیست. «۲» آیه‌ی فوق به مشکلات و مصیبت‌های نوع دوم اشاره می‌کند. ۴. آیا وقوع حتمی حوادث و تعیین مقدّرات انسان در علم الهی ولوح محفوظ تلاش انسان را نفی نمی‌کند؟ و آیا انسان نباید تسلیم محض حوادث باشد؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۲۹ پاسخ آن است که قرآن این حوادث را به عنوان آزمایش حتمی انسان‌ها معرفی می‌کند که وظیفه‌ی انسان مقاومت و صبر در برابر آنها و یاد خداست. یعنی انسان مؤمن تمام تلاش خود را برای شناخت طبیعت و مشکلات زندگی و حلّ آنها به کار می‌برد ولی خود را مأمور به انجام وظیفه می‌داند و اگر موفق به حلّ مشکلی نشد ناامید و سرخورده نمی‌شود و صبر و استقامت پیشه می‌کند و اگر موفق به حلّ مشکل شد سرمست شادی و غافل نمی‌شود بلکه آن را نعمتی الهی می‌داند و شکر آن را به جای می‌آورد. ۵. در این آیات به یکی از فلسفه‌های حوادث و مصیبت‌های دنیا اشاره شده است؛ «۱» یعنی خدای مهربان این حوادث را پیش روی شما نهاده است تا متوجه شوید که دنیا پایدار و جاودانه نیست و نباید بدان دل بست و از یاد خدا غافل شد، بلکه پل و محل عبور است. این حوادث زنگ بیدارباش انسان‌ها و اشاره به عمر کوتاه دنیاست و انسان را از خواب غفلت بیدار می‌کند تا دنیا را هدف اصلی و نهایی خود نپندارد و اسیر آن نشود. ۶. در این آیات از آنچه از دست انسان می‌رود با عنوان «از شما فوت شده» و از آنچه به دست می‌آورد با عنوان «آنچه خدا به شما داده» یاد شده است، این تعبیرات اشاره به آن است که وجود این چیزها از خداست ولی فنا در ذات چیزهای دنیا قرار گرفته است. ۷. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: تمام زهد در میان دو جمله‌ی قرآن است که خدا می‌فرماید: «این برای آن است که به خاطر آنچه از دست دادید تأسف نخورید و به آنچه خدا به شما داده است شادمان (و سرمست و دل‌بسته) نشوید.» و هرکس برگذشته تأسف نخورد و به آنچه در دست دارد شادمان (و سرمست) نشود، هر دو طرف زهد رابه دست آورده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳۰ ۸. «مُختال» در اصل از ماده‌ی خیال و به معنای کسی است که براساس تخیّلات و پندارها خود را بزرگ می‌بیند؛ یعنی انسان‌های متکبّر و مغرور در اثر خیالات گرفتار خود بزرگ بینی شده‌اند، چون از شخصیت واقعی خود تصویر درستی ندارند و گرفتار نوعی از خود بیگانگی هستند. ۹. «فخور» به معنای کسی است که نسبت به دیگران فخرفروشی می‌کند و این فخرفروشی در اعمال و کردار او ظاهر می‌شود. ۱۰. کسانی گرفتار تکبّر، خیال‌پردازی و فخرفروشی می‌شوند که سرمست ناز و نعمت و دل‌بسته‌ی به دنیا و غافل شوند؛ از این رو بسیار بخیل می‌شوند، چون فکر می‌کنند که بخشش و انفاق از اموال آنان می‌کاهد. ۱۱. افراد متکبّر بخیل دیگران را نیز به بُخل دعوت می‌کنند؛ زیرا اولّا اگر دیگران بخشش کنند اینان رسوا می‌شوند و ثانیاً، آنان بخل را دوست دارند. ۱۲. در این آیات اشاره شده که سود انفاق و بخشش به خود انسان می‌رسد، زیرا خدا توانگر است و نیازی به بخشش مردم ندارد. زیان بُخل نیز به خود انسان می‌رسد؛ چون انسان بخیل از ثواب‌ها و بخشش‌های چند برابر خدا محروم می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به آسانی سرنوشت همه چیز را قبل از خلقت آنها مشخص ساخته است (پس به فکر انجام وظیفه باشید و غصه‌ی نتیجه را نخورید). ۲. از اقبال دنیا سرمست نشوید و از رفتنش مأیوس

نشوید (که همه‌ی مقدّرات شما از قبل تعیین شده است). ۳. فخرفروشی و تکبّر مورد پسند خدا نیست. ۴. تکبر و فخرفروشی زمینه‌ساز بخل‌ورزی است. ۵. بُخل‌ورزان به خود ضرر می‌زنند، نه به خدای بی‌نیاز. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳۱ ۶. نه بخل بورزید و نه دیگران را به بخل تشویق کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی حدید به برخی از اهداف اساسی پیامبران، یعنی عدالت و آزمایش مردم و پشتوانه‌ی اجرای عدالت در جامعه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَ نْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَ نْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ به یقین فرستادگانمان را با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) فرستادیم، و همراه آنان کتاب (الهی) و ترازو را فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند؛ و آهن را فرو فرستادیم که در آن نیرویی شدید و سودهایی برای مردم است؛ و تا خدا معلوم دارد که چه کسی او و فرستاده‌اش را در نهان یاری می‌کند؛ به راستی خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه دو هدف اساسی برای فرستادن پیامبران بیان شده است که عبارت‌اند از: الف) برپایی عدالت و قسط در جامعه؛ ب) آزمایش مردم که معلوم شود چه کسی راست می‌گوید و خدا و رسولش را یاری می‌کند. ۲. در آیات دیگر قرآن و احادیث اسلامی اهداف دیگری نیز برای فرستادن پیامبران بیان شده است؛ از جمله: الف) تلاوت آیات الهی (یعنی خواندن وپیروی کردن آیات)؛ ب) تزکیه و پاک کردن و رشد دادن مردم؛ ج) آموزش کتاب و حکمت به مردم؛ «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳۲ د) آزاد کردن مردم از غل و زنجیرهای اسارت‌آمیز اجتماعی؛ «۱» ه) کامل کردن مکارم اخلاق؛ «۲» و) مژده و هشدار دادن به مردم در مورد بهشت و دوزخ و خطرهای راه انسان. «۳» البته روشن است که برخی از این اهداف مقدمه‌ی برخی دیگرند و هدف اصلی پیامبران، هدایت انسان به سوی خدا و کمال و تربیت انسان است و عدالت اجتماعی نیز زمینه‌ساز شکوفایی کمالات انسان‌هاست. ۳. معنای عدالت در این جا اعم است از عدالت فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ولی عدالتی مطلوب است که از درون مردم بجوشد؛ یعنی وظیفه‌ی پیامبران آن است که مردم را طوری هدایت و راه‌نمایی کنند که خودشان به عدالت قیام کنند. ۴. «بیّنات» به معنای دلایل روشن است و شامل دلایل عقلی و معجزاتی می‌شود که پیامبران الهی برای مردم می‌آورند. «۴» ۵. واژه‌ی «کتاب» اشاره به همه‌ی کتاب‌های آسمانی است و از آن رو مفرد آمده است که حقیقت و روح همه‌ی آنها یکی است هر چند در طی زمان کامل‌تر می‌شود. ۶. «میزان» به معنای وسیله‌ی وزن کردن و سنجش است، که مصداق حسّی آن ترازو است و مصداق معنوی آن چیزی است که معیار سنجش اعمال و افکار انسان هاست، همچون قوانین الهی یا آیین او و یا انسان‌های کامل (امامان) که میزان سنجش ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها و اعمال و افکار انسان‌ها هستند. ۷. «حدید» به معنای آهن است که در ساختن سلاح‌های جنگی و صنایع و ساختمان‌ها به کار می‌رود و فلزی است که دارای قوّت وشدّت است و تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳۳ آن‌قدر در زندگی بشر اهمیت دارد که با کشف آهن یکی از دوره‌های مهم تاریخ بشر شروع شد و چهره‌ی زندگی او را دگرگون کرد. «۱» ۸. مقصود از نزول آهن، همان آمدن آهن از مقام بالا به مقام‌های پایین‌تر است؛ زیرا خزاین هر چیز نزد خداست و او آهن را برای استفاده‌ی بشر آفرید. «۲» ۹. پیامبران برای پیاده کردن عدالت در جامعه از دو چیز بهره می‌برند: اوّل) دلایل روشن و کتاب آسمانی و میزان؛ دوم) آهن (یعنی قدرت اسلحه). آری؛ پیامبران با یک دست کتاب و با دست دیگر اسلحه برمی‌دارند. آنان نخست مردم را با منطق و دلیل و برنامه‌ی کتاب آسمانی و روشن کردن معیار حق و باطل هدایت می‌کنند و در برابر سرکشان که در راه خدا مانع‌تراشی می‌کنند متوسّل به زور می‌شوند. «۳» ۱۰. مقصود از علم خدا در این آیه، آزمایش مردم و تحقّق عینی علم اوست؛ یعنی خدا پیامبران را با دلایل و کتاب و میزان فرستاد تا معلوم دارد که چه کسانی راست می‌گویند وخدا و پیامبرش را یاری می‌دهند و از این آزمایش سربلند بیرون می‌آیند. ۱۱. خدا نه نیازی به یاری مردم دارد و نه حاضر و غایب دارد؛ پس مقصود آیه آن است که چنانچه انسان، در حالی که خدا را نمی‌بیند، تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳۴ برنامه‌های او و پیامبرش را یاری کند، به نفع خود کار کرده است و زندگی عادلانه‌ای برای خویش مهیّا می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف پیامبران اجرای عدالت و

آزمایش شماست (پس ببینید که چه پاسخی به آنها می‌دهید). ۲. رهبران الهی عدالت را با منطق در میان مردم گسترش دهند و در صورت نیاز از اسلحه نیز استفاده کنند. ۳. مردم خود قیام به عدالت کنند. ۴. رهبران الهی، دلایل و برنامه‌ی زندگی و معیار به دست مردم دهند تا عدالت اجتماعی برقرار شود. ۵. آهن یکی از نعمت‌های الهی است که در اسلحه‌سازی و موارد دیگر مفید است (پس آن را به خوبی بشناسید و از منافع آن بهره ببرید). ۶. حمایت از خدا و پیامبر، در نهان (همچون آشکار) مهم است. ۷. خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است (و نیازی به حمایت شما ندارد؛ پس حمایت از برنامه‌های الهی و پیامبر صلی الله علیه و آله به سود خود شماست). *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم و بیست و هفتم سوره‌ی حدید به پیامبران بزرگ الهی و واکنش‌های متفاوت مردم در برابر آنها و ویژگی‌های مسیحیان و مسأله‌ی رهبانیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶ و ۲۷. وَلَقَدْ أرْسَلْنَا نُوحاً وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ* ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آ ثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ا بْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الإنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ ا تَّبَعُوهُ رَأفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ا بْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَاعَلَيْهِمْ إلَّا ا بْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآ تَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳۵ و به یقین، نوح و ابراهیم را فرستادیم و در نسل آن دو نبوّت و کتاب [الهی قرار دادیم؛ پس برخی از آنان ره یافته‌اند و بسیاری از آنان نافرمانانند.* سپس فرستادگانمان را به دنبال آنان فرستادیم و عیسی، پسر مریم، را (در پی آنان) فرستادیم و به او انجیل دادیم و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند دلسوزی و رحمت قرار دادیم؛ و ترسایی (و گوشه‌نشینی) را پدیدش آوردند که آن را بر آنان مقرر نکرده بودیم، جز برای طلب خشنودی خدا؛ و [لی آن را رعایت نکردند آن‌گونه که حقِّ رعایتش بود؛ پس کسانی از آنان که ایمان آوردند پاداششان را دادیم؛ و بسیاری از آنان نافرمان‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به برخی از پیامبران بزرگ الهی، همچون نوح، ابراهیم و عیسی علیهم السلام اشاره شده است که دارای شریعت و اولوالعزم بودند و در طول اعصار معمولًا از نسل آنان نیز پیامبران پی‌درپی و با آهنگی یک نواخت آمدند «۱» و تعالیم همدیگر را تکمیل و مردم را هدایت کردند. ۲. «انجیل» به معنای مژده یا آموزش جدید، نام کتاب حضرت عیسی علیه السلام است که دوازده مرتبه در قرآن آمده و همه جا به صورت مفرد است. انجیل حضرت عیسی علیه السلام از ۳۸ سال بعد از عروج ایشان تا حدود یک قرن بعد گردآوری شد. چند نفر از پیروان عیسی علیه السلام اقدام به نگارش سخنان و تاریخ مسیح کردند که با افکار آنان آمیخته شد و تنها بخشی از مطالب وحی را شامل می‌شود. چهار انجیل به نام‌های لُوقا، مِرقس، مَتی و یُوحنا مشهورند و عباراتی متفاوت دارند. اما تعداد انجیل‌ها بیش‌تر از این است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳۶ ۳. این آیات پیروان واقعی حضرت مسیح علیه السلام را دارای رأفت و رحمت معرفی می‌کند؛ زیرا که آیین مسیحیت و رفتار عیسی علیه السلام به زهد نسبت به دنیا و محبت به دیگران اهمیت زیادی می‌دادند و از این رو مسیحیان واقعی همچون نجاشی نیز چنین هستند. «۱» ولی با این حال این آیه یادآور می‌شود که بسیاری از پیروان عیسی علیه السلام افرادی فاسق و نافرمان‌اند که دین عیسی علیه السلام را تحریف کردند و به دستورات او توجه نمی‌کنند و به دیگران ستم می‌کنند. در عصر حاضر سردمداران استکبار جهانی، همچون آمریکا نمونه‌ای از گروه دوم هستند که جهان را به آتش ستم می‌سوزانند. ۴. «رأفت» به معنای محبت برای دفع ضرر «۲» و «رحمت» به معنای محبت برای جلب منفعت است؛ البته برخی نیز برآن‌اند که این دو واژه به یک معنا هستند. ۵. «رهبانیت» در اصل به معنای ترس و در این جا مقصود ترس از خداست؛ یعنی ترسی که آمیخته با پرهیز وشدّت عبادت است. «۳» رهبانیت موجود در مسیحیت از حدود قرن سوم میلادی آغاز شد، آن گاه که امپراطور روم (دیسیوس) مبارزه‌ی شدیدی با پیروان مسیح کرد و آنان بعد از شکست از امپراطور به کوه‌ها و بیابان‌ها پناه بردند و در غارها به عبادت مشغول شدند، کم کم کار رهبانیت و ترک دنیا در مسیحیت رایج شد و در قرن دهم میلادی به اوج خود رسید. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳۷ ۶. از این آیه استفاده می‌شود که در آغاز مسیحیت نوعی رهبانیت مطلوب در میان مسیحیان وجود داشت هر چند از طرف خدا و عیسی علیه السلام دستور الزامی در این مورد صادر نشده بود. کم کم پیروان مسیحیت از حد و مرز رهبانیت مطلوب بیرون

رفتند و به انحراف و تحریف گرایش یافتند «۱» به طوری که در قرن‌های بعد برخی صومعه‌ها و دیرها که محل اجتماع مردان و زنان راهب و تارک دنیا بودند، تبدیل به محل فساد و یا محل اجتماع شکم‌پرستان و خوش گذرانان و شراب‌خواران شدند. و حتی برخی پاپ‌ها با این پدیـده‌ی انحرافی و تحریف شـده برخورد کردند. «۲» ۷. اگر در دین روش و سنّت نیکویی رایـج شود که اصول کلّی آن در دین باشد، مانعی ندارد؛ البته نباید آن سنت خاص را به خدا نسبت داد بلکه مصداقی از دستورات کلی به شمار می‌آید؛ مثل مراسم عزاداری هفتم و چهلم و سالگرد و مراسم شـهیدان کربلا و برخی اعیاد ملی، که نوعی تعظیم شـعایر است. ۸. اسلام رهبانیت را نمی‌پـذیرد. حکایت شـده که پیامبر صـلی الله علیه و آله عثمان بن مظعون را از گوشه‌نشـینی برای عبادت منع کرد و فرمود: «خـدا برمـا رهبانیت مقررنکرده است و رهبانیت امت من جهاد در راه خـداست.» «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۳۸ ۹. رهبانیت با روح اجتمـاع گرایی انسـان مخـالف است و به انحرافـات اخلاـقی و سـستی و عُجب و ترک ازدواج کشـیده می‌شود. ۱۰. عرفان ناب چیست؟ امـام خمینی رحمه الله در این بـاره می‌فرماینـد: خیـال کردنـد یـک دسـته‌ی زیـادی که معنای عرفان عبارت از این است که انسان یک محلی پیـدا بشود و یک ذکری بگویـد و یک سری حرکت بدهـد و یک رقصـی بکنـد و این‌ها، این معنای عرفان است. مرتبه‌ی اعلاـی عرفـان را علی علیه السـلام داشـته است و هیـچ یک از این چیزها نبوده است در کار ... خیال می‌شود کسـی که اهل سلوک است، اهل سـلوک بایـد به مردم دیگر کار نداشـته باشد، این سـلوک در انبیا زیادتر از دیگران بوده است، در اولیا زیادتر از دیگران بوده است، لکن نرفتنـد در خانه‌شان بنشینند و بگوینـد ما اهل سـلوکیم. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. خـدا پیامبران را پی درپی برای مردم فرسـتاده است ولی عدّه ای خود کوتاهی می‌کنند و از آنها اسـتفاده نمی‌کنند. ۲. برخی مسیحیان افرادی فاسق و نافرمانند (که به خود و دیگران سـتم می‌کنند). ۳. رهبانیت اختراع گروهی از مسـیحیان است (پس شما از آنان پیروی نکنید). ۴. رهبانیت در آغاز روش معتـدل و خوبی بود ولی آن را تحریف کردند و به انحراف کشاندند (پس شـما به این کج راهه نروید). ۵. از سرنوشت پیروان پیامبران الهی، به ویژه مسـیحیان، عبرت بگیرید تفسـیر قرآن مهر جلد بیسـتم، ص: ۲۳۹ و به کژراهه نرویـد و نافرمانی نکنید. *** قرآن کریم در آیـات بیست و هشـتم و بیست و نهم سوره‌ی حدیـد به‌پاداش‌های ارجمنـد مؤمنان پارسا و سـرنوشت اهل کتاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸ و ۲۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ* لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الكِتَابِ أَلَّايَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الفَضْلِ العَظِيمِ) ای کسـانی که ایمـان آورده‌ایـد! خودتان را از [عـذاب خـدا نگه داریـد و به فرسـتاده‌اش ایمان آوریـد تا دو بهره از رحمتش به شـما بدهد؛ و برای شـما نوری قرار دهد که با آن راه روید و شـما را بیامرزد؛ و خدا بسـیار آمرزنده و مهرورز است.* تا اهـل کتـاب بداننـد که قادر بر (به دست آوردن) هیـچ چیز از بخشـش خـدا نیسـتند، واین‌که بخشـش به دست خـداست، به هرکس بخواهد (وشایسـته بداند) آن را می‌دهد؛ وخدا دارای بخشـش بزرگ است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پس از جریان بازگشت جعفر بـن ابی طـالب از حبشه و ایمـان آوردن گروهی از مسـیحیان حبشه، برخی افراد اهـل کتـاب گفتنـد: هرکس به قرآن و کتـاب آسـمانی مـا ایمان آورد دو پاداش دارد، اما اگر کسـی فقط به کتاب آسـمانی ما ایمان آورد مثل مسـلمانان که به قرآن ایمان دارند یک پاداش دارد. از این رو آیات فوق فرود آمـد وبیان کرد که مؤمنان پارسا دو پاداش دارنـد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد آیه‌ی بیست و هشـتم دو احتمـال داده‌انـد: الف) مقصود آیه مؤمنـان به اسـلام هسـتند که به آنهـا گفته می‌شود: ای کسانی که تفسـیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۰ به خـدا ایمان آورده‌ایـد! ایمان خود را عمیق‌تر کنید و به پیامبر صـلی الله علیه و آله نیز ایمان آوریـد و تقوا و پارسـایی پیشه سازیـد تـا پاداش‌هـای ویژه دریـافت کنیـد. ب) مقصود آیه مؤمنـان اهـل کتاب‌انـد، که به آنها گفته می‌شود: ای کسانی که به خدا و پیامبران و کتاب‌های آسـمانی پیشـین ایمان آورده‌اید! به پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله نیز ایمان آوریـد و تقوا پیشه سازیـد تـا پاداش‌های ویژه دریافت کنیـد. البته مانعی نـدارد که مقصود آیه هر دو گروه، یعنی مؤمنان مسـلمان و مؤمنان اهل کتاب باشـند، ولی تفسیر اول با شأن نزول آیه سازگارتر است و تفسیر دوم با ظاهر این آیه و آیه‌ی بعد. ۲. در این آیه

سه پاداش ویژه برای ایمان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پارسایی بیان شده است: الف) دو بهره از رحمت الهی، بهره‌ای در دنیا و بهره‌ای در آخرت؛ «۱» ب) آمرزش گناهان؛ ج) نوری که مؤمنان به وسیله‌ی آن حرکت می‌کنند؛ نور ایمان که راه انسان را در رستاخیز، «۲» و یا نور قرآن که راه مؤمنان را در دنیا روشن می‌سازد. «۳» آری؛ ایمان و تقوا حجاب‌ها را از قلب و ذهن مؤمن برمی‌دارد تا حقایق را بی‌پرده ببیند و درک کند. ۳. در برخی احادیث روایت شده که مقصود از «نور» در آیه‌ی فوق امام معصوم یا امیر المؤمنین علیه السلام است که مردم از ایشان پیروی می‌کنند. «۴» البتّه این‌گونه احادیث یکی از مصادیق نور را بیان می‌کند، ولی معنای آیه را منحصر در آن نمی‌سازد؛ یعنی امام هم‌چون نوری راه را روشن می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۱ ۴. در قرآن و احادیث به طور مکرر به رابطه‌ی تقوا و روشن‌بینی اشاره شده‌است؛ از جمله می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوا پیشه سازید، خدا برای شما فرقان (وسیله‌ی شناخت حق از باطل) قرار می‌دهد. «۱» و در جای دیگر به رابطه‌ی تقوا با دانش اشاره می‌کند. «۲» و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که اگر شیطان‌ها گرداگرد دل انسان‌ها را احاطه نمی‌کردند، حتماً آنها ملکوت (و باطن جهان و) آسمان‌ها را می‌دیدند. «۳» ۵. در مورد تفسیر آیه‌ی بیست و نهم دو احتمال وجود دارد: الف) منظور آن است که کافران اهل کتاب بدانند که قادر بر به دست آوردن بخشش و فضل خدا نیستند، و این که می‌گویند مؤمنان به قرآن یک پاداش دارند صحیح نیست، «۴» بلکه همه‌ی مؤمنان پارسا دو پاداش دارند. ب) مقصود آن است که کافران اهل کتاب بدانند که اگر به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورند و با تقوا شوند، فضل و بخشش الهی شامل آنها نیز می‌شود. «۵» البته تفسیر اول با شأن نزول آیه سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان به پیامبر و تقوا، رحمت‌زا، روشنی‌بخش و آمرزشگر است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۲ ۲. مؤمنان پارسا در نور حرکت می‌کنند و راه خود را به روشنی می‌بینند (شما هم راه آنان را بپویید). ۳. پیامبرباوری و پارسایی، رحمت الهی را دو چندان می‌کند. ۴. بخشش و فضل الهی به دست خداست (و به دل‌خواه کافران تقسیم نمی‌شود). ۵. مؤمنانی پارسا باشید تا نورانی و مشمول رحمت و آمرزش الهی شوید.» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۳ بخش هفتم: سوره‌ی مجادله یادآوری ایمان و شرایط آن اصلاح فرهنگ زمانه و مبارزه با خرافات آداب مجالست و منع نجوا کردن حزب اللَّه و حزب شیطان تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۵

بخش هفتم: سوره‌ی مجادله

اشاره

یادآوری ایمان و شرایط آن اصلاح فرهنگ زمانه و مبارزه با خرافات آداب مجالست و منع نجوا کردن حزب اللَّه و حزب شیطان

تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۵

اول: سیمای سوره‌ی مجادله

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی «مجادله» در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمد و دارای ۲۲ آیه، ۴۷۳ واژه و ۱۷۹۲ حرف است. این سوره صد و پنجمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «منافقون» و قبل از «حجرات») و پنجاه و هشتمین سوره در چینش کنونی قرآن

است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «مُجادله»، «ظِهار» و «قد سَمِع». نام‌های «مجادله» (گفت‌وگو) و «قد سمع» (حتماً شنید) از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است که با «قد سمع» آغاز شده و به گفت‌وگوی زنی با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و نام «ظِهار» (نوعی طلاق جاهلی) نیز از آیه‌ی دوم این سوره گرفته شده است.

ویژگی

آیه‌ی ۱۲ این سوره درباره‌ی صدقه دادن به هنگام سخن گفتن خصوصی با پیامبر صلی الله علیه و آله است و تنها کسی که به این آیه عمل کرد، علی علیه السلام بود.

اهداف

اهداف اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوردی ایمان و شرایط آن؛ ۲. تأدیب مسلمانان به آداب اسلامی؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۶ ۳. مبارزه با خرافات و اصلاح فرهنگ زمانه (فرهنگ جاهلی عرب)؛ ۴. تعیین مرز مؤمنان و منافقان؛ ۵. یادآوری قیامت.

مطالب

مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. طرح مسأله‌ی ایمان به خدا و روز قیامت که با دوستی دشمنان خدا سازگار نیست (در آیه‌ی ۲۲)؛ ۲. یادآوری عذاب‌های جهنم و نعمت‌های بهشت (در آیات ۱۷، ۱۸ و ۲۲). ب) اخلاق: ۱. منع نجوا (سخن در گوشی) (در آیات ۷- ۱۰)؛ ۲. دستوراتی درباره‌ی آداب مجالست (در آیه‌ی ۱۱). ج) احکام: ظهار یک عمل زشت جاهلی و نوعی طلاق بود که اسلام حکم آن را تعدیل کرد و در مسیر صحیح قرار داد (در آیات ۲- ۴). د) مطالب فرعی: ۱. مطالب کوبنده‌ای در مورد منافقان (در آیات ۸ و ۱۴- ۱۹)؛ ۲. هشدار به مسلمانان در مورد داخل شدن به حزب شیطان و منافقان (در آیه‌ی ۱۹)؛ ۳. مطالبی درباره‌ی حزب اللَّه و دوستی و دشمنی برای خدا (در آیه‌ی ۲۲)؛ ۴. لزوم صدقه دادن هنگام نجوا با پیامبر صلی الله علیه و آله که فقط علی علیه السلام به این حکم عمل کرد وسپس با آیه‌ی بعد نسخ شد (در آیات ۱۱- ۱۲)؛ ۵. وعده‌ی پیروزی نهایی خدا و پیامبرانش که یک سنت الهی است (در آیه‌ی ۲۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۷

دوم: محتوای سوره‌ی مجادله

قرآن کریم در آیات اول و دوم سوره‌ی مجادله به گفت‌وگوی شکوه‌آمیز زنی با پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ظِهار و به حکم آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱ و ۲. قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِی تُجَادِلُکَ فِی زَوْجِهَا وَتَشْتَکِی إِلَی اللَّهِ وَاللَّهُ یَسْمَعُ تَحَاوُرَکُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ بَصِیرٌ* الَّذِینَ یُظَاهِرُونَ مِنکُم مِن نِسَائِهِم مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِی وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَیَقُولُونَ مُنکَراً مِنَ الْقَوْلِ وَزُوراً وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ خدا سخن آن (زنی) را که درباره‌ی همسرش با تو مجادله می‌کرد و به خدا شکوه می‌کرد، شنید؛ و خدا گفتمان شما را می‌شنود؛ [چرا] که خدا شنوای بیناست.* کسانی از شما که زنانشان را ظهار می‌کنند (و مادر خود می‌خوانند)، آنان مادرانشان نیستند؛ مادرانشان جز کسانی که آنان را زاییده‌اند نیستند و قطعاً، آنان سخن ناپسند و باطل می‌گویند؛ و مسلماً، خدا بخشاینده [و] بسیار آمرزنده است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که زنی به نام خُوله مورد خشم شوهرش اوس بن صامت قرارگرفت و اوس با او ظِهار کرد؛ یعنی به او گفت: «تو نسبت به من هم‌چون مادر من هستی». براساس فرهنگ جاهلیت عرب، گفتن این کلمات نوعی طلاق بازگشت‌ناپذیر بود. خُوله نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را گزارش داد، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که

حکم جدیدی در اسلام برای ظهار نیامده است. او مقداری با پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد شوهرش بحث و مجادله کرد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۸ سپس به درگاه الهی شکوه کرد که کودکانی خردسال دارم، به حال من رحم فرما و وحی را بر زبان پیامبر جاری کن (و گره از کار ما بگشا). پس از این ماجرا آیات فوق بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و به سنت غلط و جاهلی ظهار پایان داد و برای آن کفاره مشخص ساخت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مجادله در اصل به معنای تابیدن طناب است و از آن جا که در هنگام گفت‌وگو هر کدام از طرفین می‌خواهد دیگری را درهم بپیچد و او را قانع سازد، به آن مجادله می‌گویند. از این آیات استفاده می‌شود که آن زن در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله اصرار داشت که مسأله‌ی ظهار را حل کند و به زندگی عادی خویش بازگردد. ۲. «ظِهار» نوعی طلاق در عصر جاهلیت عرب بود؛ بدین صورت که هرگاه کسی از همسرش ناراحت بود، او را به طور عادی طلاق نمی‌داد، بلکه به او می‌گفت: تو نسبت به من همچون مادرم هستی. «۲» به این ترتیب زن برهمسرش حرام می‌شد ولی آزاد نمی‌گشت تا دوباره ازدواج کند و چنین زنانی در بلا تکلیفی و فشار و مشکلات قرار می‌گرفتند. ولی اسلام با این سنت غلط جاهلی مبارزه کرد و آن را گناهی بزرگ شمرد «۳» که نه تنها طلاق به شمار نمی‌آید، بلکه انجام ظهار موجب کفّاره و جریمه می‌شود. ۳. اسلام و قرآن در برابر فرهنگ زمانه‌ی خویش سه برخورد داشته‌اند: الف) عناصر مثبت فرهنگی را که ریشه‌ی الهی دارد، همچون حج ابراهیمی، پذیرفت و تقویت کرد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۴۹ ب) عناصر منفی و خرافی فرهنگ جاهلیت عرب، همچون شرک را ردّ و با آنها مبارزه کرد. ج) عناصر مثبت فرهنگی را که منحرف شده بودند اصلاح کرد؛ همان طور که قانون ارث و طلاق را اصلاح کرد و انواع خرافی آن را کنار گذاشت. ۴. «ظِهار» عملی ناپسند، مُنکر و زشت و باطل و بی‌اساس و از نظر اسلام عملی حرام و منکر است که انجام دهنده‌ی آن باید توبه کند و جریمه و کفاره بپردازد «۱» که کفاره‌ی آن در آیات بعد خواهد آمد. ۵. «عَفو» به معنای بخشایش و درگذشتن از گناه است، اما «غفور» در اصل به معنای بخشیدن همراه با پنهان کردن گناه دیگران و یا پوشاندن شخص از عذاب است. آری؛ اگر کسی گناهی مانند ظهار انجام دهد و توبه کند خدا عفو کننده و غفور است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا سخنان و شکوه‌های مردم را می‌شنود و به آنها پاسخ می‌هد. ۲. در هنگام بروز مشکل خانوادگی زنان نیز درپی چاره‌اندیشی باشند. ۳. در هنگام بروز مشکل شرعی در خانواده به رهبران الهی مراجعه کنید و حلّ مشکل را از آنان بخواهید. ۴. ظهار کاری ناپسند، باطل و گناهی بزرگ است که لازم است از آن توبه شود. ۵. ظِهار تأثیری در زندگی زناشویی شما ندارد و همسر شما را مادر شما نمی‌گرداند، بلکه کاری خرافی است. ۶. اسلام و قرآن سنت‌های خرافی و غلط فرهنگ زمانه را نمی‌پذیرد و با آنها برخورد می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۵۰ قرآن کریم در آیات سوم و چهارم سوره‌ی مجادله به جریمه و کفاره‌ی ظهار و بدل‌های آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳ و ۴. وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا ذلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ* فَمَن لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا فَمَن لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِيناً ذلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِوَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ و کسانی که زنانشان را ظِهار می‌کنند (و مادر خود می‌خوانند)، سپس از آنچه گفته‌اند بازمی‌گردند، پس پیش از آن‌که با هم‌دیگر تماس گیرند، آزاد کردن بنده‌ای (بر آنان واجب است). آن (چیزی است که شما) بدان پند داده می‌شوید؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.* و هر کس (بنده‌ای) نیافت، پس پیش از آن‌که با یک‌دیگر تماس گیرند، روزه‌ی دو ماه پیاپی (بر او واجب است)؛ و هرکس نتواند، پس غذا دادن شصت بینوا (بر او واجب است). این به خاطر آن است که به خدا و فرستاده‌اش ایمان بیاورید؛ و این‌ها مرزهای خداست؛ و برای کافران عذاب دردناکی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به منظور مبارزه با روش خرافی ظِهار، جریمه و کفاره‌ای برای آن مشخص شده است، ولی به افراد ناتوان و فقیر کفاره‌ی کم‌تری تعلّق می‌گیرد. ۲. در این آیات سه کفاره برای ظهار آمده است: الف) آزاد کردن یک برده؛ ب) دوماه روزه، برای کسی که نمی‌تواند برده آزاد کند؛ ج) غذا دادن به شصت بینوا، برای کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد. بنابراین، این سه کفاره در طول هم‌اند و اگر کسی نتوانست یکی را به جا آورد نوبت به

دوم و بعـد سوم می‌رسد و اگر قادر برانجام هیچ کدام نباشد، توبه و استغفار کند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۵۱ و اگر قبـل از پرداخت کفـاره و جریمه بـا همسـرش تماس جنسـی بگیرد، دو کفاره بر عهـده‌ی اوست. «۱» ۳. در احـادیث اهل بیت علیهم السـلام آمـده است که مقصود از دوماه پی‌درپی، آن است که خود دو ماه دنبال هم باشـد، نه این که تمام روزهای ماه دوم به دنبال هم بیاید «۲». بنابراین، اگر کسـی تمام ماه اول و یک روز از ماه دوم را روزه گرفت سپس فاصله بین روزه‌ها افتاد اشکال ندارد. ۴. مقصود از کسـی که برده نیابـد تـا آزاد کنـد، یـا کسـی است که ثروت فراوان برای خریـد برده و آزاد سـازی آن نـدارد و یا زمانی هم‌چون عصـرماست که برده‌ای وجود ندارد تا کسی آن را بخرد و آزاد کند. ۵. یکی از راه‌هایی که اسلام برای مبارزه با برده‌داری انتخـاب کرد آن بـود که کفـاره و جریمه‌ی برخی گناهـان، مثـل ظِهـار و روزه‌خواری را آزاد کردن بردگـان قرارداد، تـا به تـدریج ریشه‌ی این سـنت نـاروا از جامعه‌ی بشـری کنـده شود که همین گونه نیز شـد. ۶. اسـلام در موارد متعـددی از زنـان حمایت کرده و جلوی سـتمکاری برآنـان را گرفته است. از جملـه‌ی آن موارد، همین مبارزه با ظهار و تعیین جریمه برای آن است تا هر مردی جرئت نکند با کوچک‌ترین ناراحتی و رنجشی همسر خویش را ظهار کند و در بلاتکلیفی و مشکلات قرار دهد. ۷. مقصود از غذا دادن به شصت بینوا، همـان یک وعـده غـذای سـیر است و در احادیث اسـلامی مقـدار آن را یک «مُـد» غـذا، یعنی حـدود ۷۵۰ گرم تعیین کرده‌اند. «۳» ۸. در این آیات سه تعبیر جالب برای کفاره و جریمه‌ی ظهار شـده است: تفسـیر قرآن مهر جلد بیسـتم، ص: ۲۵۲ الف) این جریمه‌ها نوعی پنـد و عبرت در برابر گناه ظهار است تا بیـدار شوید و بتوانید خود را در برابر گناه کنترل کنید. ب) این کفاره و جریمه برای آن است که با جبران گناهان پایه‌های ایمان شما محکم شود و با عمل به این‌ها به دستورات الهی پای‌بند شوید. ج) این کفاره‌ها و جریمه‌ها حدود و مرزهای الهی است، که نباید حریمشان شکسته شود. ۹. «حدّ» به معنای چیزی است که مانع بین دو چیز دیگر شود؛ از این رو به مرزهـای کشورهـا و قوانین نیز حـدّ گفته می‌شود چون مـانعی است که عبور از آنها جایز نیست. ۱۰. «کفر» گاهی به معنای کفر عقیـدتی است، یعنی کسـی که مثلًا اصول دین را منکر شود و گاهی به معنای کفر عملی است، یعنی کسـی که قوانین الهی را نپـذیرد و گناه نماید که در این آیات به همین معنای اخیر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هرکس گناه (ظهار را) مرتکب شـد بایـد (متناسب با آن) جریمه دهد. ۲. جریمه‌ی گنـاه ظهـار، آزادی برده و یـا روزه‌ی دو مـاه پی درپی و یا غـذا دادن به شصـت بینواست. ۳. جریمه‌های گناهان طوری تنظیم شود که نفع اجتماعی و اقتصادی برای افراد مستضعف و یا سودی برای خود فرد داشته باشد. ۴. جریمه‌ی گناه (ظهار) قبل از شروع زندگی عادی باشد. ۵. جریمه‌های الهی جنبه‌ی پندآموزی و ایمان‌افزایی دارد. ۶. قوانین الهی، مرزهای الهی است (پس مواظب باشیم و بدانها احترام بگذاریم). ۷. قانون‌شکنی در اسلام عذابی دردناک دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـتم، ص: ۲۵۳ قرآن کریم درآیـات پنجم و شـشم سوره‌ی مجـادله به کیفر مخـالفت بـا خـدا و پیـامبرش در دنیا و آخرت و احاطه‌ی علمی او بر همه چیز اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۵ و ۶. أَنَّ الَّذِینَ یُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ کُبِتُوا کَمَا کُبِتَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنزَلْنَا آیَاتٍ بَیِّنَاتٍ وَلِلْکَافِرِینَ عَذَابٌ مُهِینٌ* یَوْمَ یَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِیعاً فَیُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیءٍ شَهِیـدٌ در حقیقت، کسانی که با خدا و فرستاده‌اش به‌شدّت مخالفت می‌کنند، خوار شده‌اند؛ همان‌گونه که کسانی که پیش از آنان بودنـد خوار شدنـد؛ و به یقین، ما نشانه‌های روشن فروفرسـتادیم و برای کافران عذابی خوار کننده است؛* در روزی که خدا همه‌ی آنان را برمی‌انگیزد و به آنان از آنچه انجام داده‌انـد خبر می‌دهـد؛ که خدا آن (اعمال) را به شـمار آورده و [لی آنان آن را فراموش کرده‌اند؛ و خدا بر هر چیزی گواه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مبارزه با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله دو کیفر دارد: الف) خواری در دنیا (هم‌چون شـکست دشـمنان در جنگ بـدر، خیبر و ...)؛ ب) عذاب خوارکننده در آخرت. آری؛ کسانی که مانع حدود الهی می‌شدنـد و دسـتورات پیامبر صـلی الله علیه و آله را رعایت نمی‌کردنـد و آنها را سـبک و خوار می‌شـمردند و در برابر رهبران الهی مبارزه‌ی مسلحانه و غیرمسلحانه می‌کردند، «۱» به تناسب گناهشان گرفتار عـذاب خوار کننده در دنیا و آخرت می‌گردند و از لطف الهی منع می‌شوند. «۲» هر که به گفتار نصـیحت‌کنان گوش ندارد بخورد گوش‌مال (سـعدی) تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۵۴

۲. عذاب مخالفان پس از فرود آمدن آیات روشن الهی و تمام شدن حجّت برآنان بود ولی خودشان در مخالفت لجاجت کردند. ۳. در این آیات به علم بی‌کران الهی و احاطه و گواهی او بر اعمال انسان‌ها اشاره شده است. آری؛ خدا در همه جا حاضر و ناظر و گواه است و علم او به صورت حضوری است و از این‌رو گواه همه‌ی اعمال است و حتی اعمالی را که انسان‌ها فراموش می‌کنند، او ثبت کرده و در قیامت به حساب می‌آورد و آشکار می‌سازد؛ چراکه در ذات او فراموشی راه ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبارزه با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، موجب خواری در دنیا و آخرت است. ۲. عذاب الهی پس از اتمام حجت صورت می‌گیرد. ۳. به عذاب خوار کننده‌ی اقوام پیشین بنگرید (و عبرت بیاموزید). ۴. رستاخیز روز آگاه شدن از کارهای خود است. ۵. اگر شما کارهایتان را فراموش کنید، خدا فراموش نمی‌کند. ۶. خدا بر همه چیز احاطه‌ی علمی دارد و گواه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی مجادله به علم بی کران الهی و حضور او در همه‌ی جلسات بشری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّماوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِن نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِن ذلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيءٍ عَلِيمٌ آیا اطلاع نیافته‌ای که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند؟ هیچ رازگویی سه (نفری) نیست، مگر آن‌که او چهارمین آنان است، و هیچ رازگویی پنج (نفری) نیست، مگر آن‌که او ششمین آنان است؛ و نه کم‌تر از آن و نه بیش‌تر (از آن است)، مگر آن‌که او همراه آنان است، هرکجا که باشند؛ سپس در روز رستاخیز به آنان از آنچه انجام داده‌اند، خبر می‌دهد؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۵۵ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که سه نفر با هم‌دیگر سخن می‌گفتند. یکی از آنان گفت: آیا خدا آنچه را ما می‌گوییم می‌داند؟ دومی گفت: مقداری می‌داند و مقداری نمی‌داند! سومی گفت: اگر مقداری را می‌داند پس همه را می‌داند. سپس آیه‌ی فوق فرود آمد و اعلام کرد که خدا در همه‌ی جلسات حضور دارد و از همه چیز آگاه است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه روی سخن با پیامبر صلی الله علیه و آله است ولی در حقیقت همه‌ی مردم مخاطب این آیه هستند، هر چند آگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از علم بی‌کران الهی و حضور او در همه جا، عمیق‌تر است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌تواند این حقیقت را شهود کند و ببیند. ۲. «نَجوی به معنای مکان بلندی است که به خاطر ارتفاعش از اطراف جدا شده است و از آن جا که هرگاه انسان بخواهد کسی از سخنانش آگاه نشود، به نقطه‌ی جدایی می‌رود، و در گوشی و پنهانی سخن می‌گوید، به این نوع سخن نجوا گفته می‌شود. در مورد اقسام نیک و بد نجوا ذیل آیات بعد مطالبی بیان خواهیم کرد. ۳. در این آیات به حضور خدا در همه‌ی جلسات نجوا اشاره شده است؛ البته مقصود آیه از این که می‌گوید هر سه نفری که باشند، خدا چهارمین آنهاست، آن نیست که خدا جسم ومکان دارد، بلکه منظور بیان حضور خدا و احاطه‌ی علمی اوست. ۴. همان طور که خدا در همه جا حضور دارد، فرشتگان و مأموران الهی نیز تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۵۶ حضور دارند؛ از این رو از امام علی علیه السلام در تفسیر آیه‌ی فوق روایت شده که مقصود آن تسلّطی است که خدا با قدرت به افراد امین خود بخشیده و برتمام مخلوقاتش تسلّط دارند و کار آنان کار خداست، از این رو به خدا نسبت داده شده است. «۱» ۵. در این آیه به سخنان مخفی سه نفر و پنج نفر اشاره شده اما به خاطر رعایت فصاحت و بلاغت کلام، یعنی برای جلوگیری از تکرار کلمه‌ی «چهار» که در آیه آمده بود، به تعداد چهار نفر نجوا کننده اشاره نشده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا در همه جا حضور دارد و از همه‌ی اسرار شما باخبر است. ۲. در هر مجلسی خدا را حاضر ببینید. ۳. خدا در رستاخیز گزارشگر اعمال شماست. ۴. خدا بر همه‌ی هستی احاطه‌ی علمی دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی مجادله به ممنوعیت رازگویی آزار دهنده و زخم‌زبان‌های مخالفان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و فرجام عذاب‌آلودشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸. أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۵۷ آیا نظر نکرده‌ای به کسانی که از رازگویی منع شده بودند، سپس به آنچه از آن منع

شده بودند باز می‌گردند و برای گناه و تعدّی و نافرمانیِ فرستاده (ی خدا) با یک‌دیگر رازگویی می‌کنند، و هنگامی که نزد تو می‌آیند، به چیزی که خدا تو را به آن، «زنده باد» نگفته است به تو «زنده باد» می‌گویند؛ و در (دل‌های) خودشان می‌گویند: «چرا خدا ما را به خاطر آنچه می‌گوییم عذاب نمی‌کند؟!» جهنّم برای آنان کافی است، درحالی که وارد آن می‌شوند (و می‌سوزند)؛ و چه بد فرجامی است! شأن نزول: حکایت شده که گروهی از یهودیان و منافقان در میان خودشان سخنان درگوشی می‌گفتند و به مؤمنان اشاره می‌کردند و مؤمنان نگران می‌شدند که مبادا خبر بدی از بستگانشان که به جهاد رفته بودند رسیده باشد و ناراحت می‌شدند. از این رو به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند و پیامبر سخن درگوشی گفتن در برابر مؤمنان را ممنوع ساخت، اما یهودیان و منافقان بازهم تکرار می‌کردند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و آنها را تهدید کرد. «۱» و در شأن نزول دیگری حکایت شده که گروهی از یهودیان خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و به جای سلام علیك، می‌گفتند «السام علیك»، یعنی مرگ و ملامت و خستگی بر تو، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله فقط در جواب می‌فرمود: «علیك» (یعنی بر شما باد.) و آیه‌ی فوق فرود آمد و به زخم زبان‌ها اشاره کرد. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به نوعی از نجوا و رازگویی اشاره شده که گناه‌آلود است و موجب آزار دیگران می‌شود. این نوع سخن گفتن درگوشی ممنوع و حرام است؛ زیرا موجب بدگمانی و نگرانی و آزار دیگران و گناه می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۵۸ ۲. «اثم» به معنای گناهانی است که جنبه‌ی فردی دارند ولی «عُدوان» اشاره به گناهانی است که موجب تجاوز به حقوق دیگران می‌شوند و مقصود از معصیت در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله، نافرمانی در برابر دستورات حکومتی ایشان است. ۳. این آیه نوعی اخبار غیبی از کارهای مخالفان اسلام، هم‌چون یهودیان و منافقان است که در جلسات خصوصی سخنانی در رابطه با اعمال خلاف خود و دیگران و رهبر حکومت اسلامی می‌زنند. ۴. «تحیّت» به معنای زنده باد گفتن است که یکی از مصادیق آن سلام کردن به دیگران است و خدا در قرآن به پیامبرانش سلام می‌کند «۱»، ولی مخالفان اسلام «السام علیك» می‌گفتند، یعنی مرگ و ملامت و خستگی بر تو باد. و یا از تعبیرات زمان جاهلیت استفاده می‌کردند که ممنوع شده بود. «۲» و با این زخم زبان‌ها پیامبر صلی الله علیه و آله را آزار می‌دادند، و مستحق عذاب می‌شدند. ۵. مخالفان اسلام خود آگاه بودند که این زخم زبان‌ها موجب عذاب الهی است و در دل می‌پرسیدند: پس چرا خدا ما را عذاب نمی‌کند؟! اما توجه نداشتند که عذاب الهی وقت معین دارد و در نهایت فرجام آنان دوزخ خواهد بود که راه گریزی از آن ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رازگویی در راستای گناه و تجاوز و نافرمانی رهبر مسلمانان جایز نیست. ۲. زنده باد (و تحیّتی) به پیامبر صلی الله علیه و آله بگویید که خدا گفته باشد. ۳. مخالفان رهبر اسلام منتظر عذاب الهی باشند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۵۹ قرآن کریم در آیات نهم و دهم سوره‌ی مجادله به موارد مثبت و منفی رازگویی و تأثیرات روانی آن بر افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹ و ۱۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيهِ تُحْشَرُونَ* إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که رازگویی می‌کنید، پس برای گناه و تعدّی و نافرمانیِ فرستاده‌ی (خدا) با یک‌دیگر رازگویی نکنید، و برای نیکی و خودنگه‌داری رازگویی کنید؛ و خودتان را از [عذاب خدایی حفظ کنید که فقط به سوی او گردآوری می‌شوید.* رازگویی فقط از شیطان است؛ تا کسانی را که ایمان آورده‌اند اندوهگین سازد، در حالی که جز به رخصت خدا، هیچ چیز زیان‌رسان به آنان نیست؛ و مؤمنان، پس باید تنها برخدا توکّل کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رازگویی و سخنان درگوشی چند حکم دارد: الف) اگر رازگویی موجب آزار دیگران و آبروریزی افراد یا در مسیر گناه و تجاوز به حقوق دیگران و نافرمانی رهبر مسلمانان باشد، حرام است. ب) اگر رازگویی در مسائل سرّی مسلمانان باشد که افشای آنها برای جامعه‌ی اسلامی خطرناك است و نگفتن آن به مسئولان نیز موجب خطر می‌شود، رازگویی در این مسائل واجب است. ج) اگر رازگویی در کارهای نیک و در مسیر تقوا باشد مستحب است. د) اگر رازگویی بدون مصالح ومفاسد فوق باشد، ناپسند و مکروه است؛ زیرا

برخلاف آداب مجلس و موجب بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی به دیگران می‌شود و آنان را اندوهگین می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۰ ۲. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هرگاه سه نفر (در مجلسی) هستید، دو نفر از شما جدای از شخص سوم رازگویی نکنند، چراکه این کار نفر سوم را اندوهگین می‌سازد. «۱» ۳. رازگویی و سخنان درگوشی در مجالس تأثیر منفی روانی بر دیگر مؤمنان دارد، چون نوعی بی‌اعتنایی و ابراز بی‌اعتمادی به آنهاست، هر چند هدف رازگویان این نباشد. انسان باید به تأثیرات و کارکردها و عوارض روان‌شناختی اعمال خود توجه داشته باشد. ۴. شیطان یا انسان‌های شیطان‌صفت مردم را به رازگویی تحریک و دعوت می‌کنند، «۲» تا موجب ناراحتی مؤمنان شوند؛ همان طور که یهودیان و منافقان صدر اسلام این گونه عمل می‌کردند. ۵. از برخی احادیث استفاده می‌شود که یکی از مصادیق آیه‌ی فوق خواب‌های بد است که موجب آزار مؤمنان می‌شود و آن خواب‌ها به تحریک شیطان است و باید از آنها به خدا پناه برد. «۳» ۶. خدا علهٔ العلل است، از این رو هیچ عاملی بدون رخصت الهی اثر نمی‌کند؛ وجود همه‌ی علت‌ها و تأثیرات آنها مخلوق خدا و به دست اوست؛ پس شیطان‌صفتان تأثیر مستقل در کارها ندارند و بدون رخصت او نمی‌توانند به کسی آسیب برسانند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. محتوای رازگویی‌های شما بد نباشد. ۲. رازگویی در رستای نیکی وتقوا مانعی ندارد. ۳. رازگویی اقسام حرام وجایز دارد. ۴. سخن درگوشی گفتن ریشه‌ای شیطانی دارد. ۵. رازگویی تأثیر منفی روانی بر دیگر مؤمنان دارد و آنان را اندوهگین می‌سازد. ۶. بدون رخصت الهی هیچ زیانی به کسی نمی‌رسد. ۷. بر خدا توکل کنید (تا از زیان و ناراحتی رازگویی‌های شیطانی در امان باشید). ۸. یکی از آداب مجالس، پرهیز از سخنان درگوشی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی مجادله به آداب مجلس و به دو معیار برتری انسان‌ها، یعنی ایمان و علم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به شما گفته می‌شود: «در مجلس‌ها جابگشایید.»، پس جابگشایید؛ که خدا برای شما جا می‌گشاید؛ و هنگامی که گفته می‌شود: «برخیزید.»، پس برخیزید؛ که خدا کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه‌هایی بالا می‌برد؛ و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. شأن نزول: حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مجلسی به همراه گروهی نشسته بودند که جمعی از مجاهدان بدر وارد شدند، ولی کسی به آنان جا نداد، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مجاهدان بدر احترام زیادی می‌گذاشت، چون از پیش‌گامان تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۲ در ایمان و جهاد بودند؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که برخی افراد از مجلس برخیزند تا مجاهدان بدر بنشینند. برخی از این افراد ناراحت شدند و منافقان از این مطلب سوء استفاده‌ی تبلیغاتی کردند، و آیه‌ی فوق فرود آمد و آداب مجلس را توضیح داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به آداب معاشرت با دیگران در مجالس اشاره شده است، بیان این مطالب جزئی در قرآن نشان می‌دهد که قرآن کریم با آن که قانون اساسی مسلمانان است، به برخی جزئیات مسائل زندگی و اجتماع پرداخته است، تا مسلمانان گمان نکنند که پای‌بندی به اصول کلی کافی است و از مسائل جزئی اخلاقی غافل شوند. ۲. در این آیه به دو ادب شرکت در مجالس اشاره شده است: الف) هرگاه در مجلسی نشسته‌اید برای تازه واردان جا باز کنید تا بنشینند و سرگردان و شرمنده نشوند، که البته این عمل موجب تحکیم پیوند دوستی افراد می‌شود. ب) هرگاه در مجلس جای کافی نبود و به کسی گفته شد که مجلس را ترک کند تا دیگران بنشینند، برخیزد و ناراحت نشود؛ «۲» چون نشستن طولانی در مجالس، به ویژه در حضور رهبر جامعه، مانع استفاده‌ی دیگران می‌شود؛ جایی بنشین که بر نخیزانَندت ۳. پاداش کسانی که در مجلس به دیگران جا می‌دهند و دستورهای الهی را در مورد آداب مجلس رعایت می‌کنند گشایشی است که خدا در فکر، روح، زندگی و رزق آنان در دنیا و در جای آنان دربهشت ایجاد می‌کند. ۴. معیارهای برتری افراد، علم و ایمان است؛ خدا دانشمندان و مؤمنان تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۳ را با درجاتی بالا برده و بر دیگران برتری بخشیده و لازم است احترام آنان در مجالس حفظ شود و برای آنان جا

باز کنند. البته عمل به دستورهای الهی و رعایت آداب معاشرت مجالس نیز نشانه‌ای از ایمان و آگاهی افراد است که موجب افزایش درجات آنان می‌شود. ۵. در قرآن کریم، پنج چیز معیار برتری انسان‌ها شمرده شده است: ایمان، علم، تقوا، بصیرت و جهاد. «۱» بنابراین، لازم است که این افراد در جامعه‌ی اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته باشند؛ همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مجاهدان بدر که پیش گام در ایمان و جهاد بودند، احترام ویژه‌ای قایل بود. ۶. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که دانشمندان از شهیدان یک درجه بالاترند. «۲» و از امام علی علیه السلام روایت شده که اگر کسی در حال طلب علم از دنیا برود، بین او و پیامبران یک درجه فاصله است. «۳» و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که سه گروه در روز رستاخیز شفاعت می‌کنند: پیامبران، دانشمندان و شهیدان. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان و علم از معیارهای برتری افراد در جامعه‌ی اسلامی است. ۲. آداب معاشرت اسلامی را در مجالس رعایت کنید. ۲. در مجالس به دیگران احترام بگذارید و برای آنان جا باز کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۴ قرآن کریم در آیات دوازدهم و سیزدهم سوره‌ی مجادله به فواید صدقه دادن هنگام رازگویی با پیامبر صلی الله علیه و آله و مردود شدن ثروتمندان در این آزمایش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا نَاجَیْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیْ نَجْوَاکُمْ صَدَقَةً ذلِکَ خَیْرٌ لَکُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ* ءَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیْ نَجْوَاکُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَیْکُمْ فَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّکَاةَ وَأَطِیعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِیرٌبِمَا تَعْمَلُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با فرستاده (خدا) رازگویی می‌کنید پس پیش (از آن) بخشش صادقانه‌ای تقدیم دارید؛ این برای شما بهتر و پاک کننده‌تر است؛ و اگر نیافتید پس مسلماً خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.* آیا بیمناک شدید که پیش از رازگوییتان بخشش‌های صادقانه تقدیم دارید؟! پس در این هنگام که انجام نداده‌اید، و خدا توبه شما را پذیرفت، پس نماز را برپا دارید و [مالیات زکات را بپردازید و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید؛ وخدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. شأن نزول: حکایت شده که برخی از ثروتمندان درگوشی با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت می‌کردند و بدین وسیله فخر فروشی می‌کردند و این کار موجب تضییع وقت پیامبر صلی الله علیه و آله و ناراحتی مستضعفان اصحاب می‌شد. آیه‌ی فوق فرود آمد و دستور داد هرکس می‌خواهد با پیامبر صلی الله علیه و آله درگوشی صحبت کند، باید به فقیران صدقه بدهد، ولی آنان صدقه ندادند و از رازگویی دست برداشتند و تنها کسی که با صدقه دادن مکرر خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و به آیه‌ی فوق عمل کرد علی علیه السلام بود. سپس آیه‌ی دوم فرود آمد و با ملامت ثروتمندان، اجازه‌ی رازگویی بدون صدقه را صادر کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. صدقه دادن برای رازگویی با پیامبر صلی الله علیه و آله یک حکم موقت برای آزمایش مردم بود و پس از مدتی نسخ گردید، یعنی حکم بعدی آمد و اعلام کرد که زمان وجوب صدقه دادن تمام شده است. ۲. از آن جا که ثروتمندان برای فخر فروشی با پیامبر صلی الله علیه و آله رازگویی می‌کردند و این کار موجب تضییع وقت پیامبر صلی الله علیه و آله و آزار مؤمنان مستضعف می‌شد، دستور صدقه دادن پیش از ملاقات با پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شد؛ یعنی هرکس می‌خواهد با رهبر اسلام ملاقات خصوصی کند باید حقّ ویزیت بپردازد؛ البته این پول صدقه‌ای برای بینوایان بود. این حکم موجب می‌شد که مراجعات به پیامبر صلی الله علیه و آله کاهش یابد، ثروتمندان به ثواب برسند و دل‌های آنان پاک شود و نیز مالی به بینوایان برسد. آری؛ صدقه دادن موجب به ثواب رسیدن افراد صدقه دهنده بود. همان طوری که موجب بهره‌مندی بینوایان می‌شد و قلوب ثروتمندان را از آلودگی به محبت دنیا پاک می‌کرد و محیط فکری و اجتماعی مسلمانان را پاکیزه می‌گرداند. ۳. در احادیث متعددی از شیعه و اهل سنت روایت شده که تنها کسی که به آیه‌ی فوق عمل کرد امام علی علیه السلام بود که یک دینارداشت و آن را با ده درهم عوض کرد و هرگاه می‌خواست به ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله برود یک درهم صدقه می‌داد: این مطلب را یکی از امتیازات بزرگ امام علی علیه السلام در کنار ازدواج با فاطمه علیها السلام وجریان خیبر برشمرده‌اند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۶ ۴. حکم صدقه دادن قبل از ملاقات خصوصی با پیامبر صلی الله علیه و آله

حدود ده روز ادامه داشت «۱» اما کسی غیر از علی علیه السلام به این حکم عمل نکرد و روشن شد که رازگویی‌های ثروتمندان با پیامبر صلی الله علیه و آله ضروری نبوده است؛ و خدای متعال ثروتمندان را ملامت کرد که چرا ترسیدند اموالشان را در راه ملاقات با پیامبر صلی الله علیه و آله صرف کنند و با اعلام بازگشت خدا و توبه‌پذیری او، وجوب این حکم برداشته شد. «۲» ۵. تعبیر توبه و بازگشت خدا به سوی مردم، ممکن است به چند نکته اشاره داشته باشد: الف) برخی از مردم به خاطر ریاکاری در رازگویی با پیامبر صلی الله علیه و آله ویا آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان مرتکب گناه شده بودند و خدا توبه‌ی آنان را پذیرفت. ب) خدا با لطف خود به سوی مردم بازگشت و حکم وجوب صدقه را برداشت تا مردم راحت‌تر بتوانند با پیامبر صلی الله علیه و آله رحمت گفت‌وگو کنند. ۶. در پایان این آیات به جا آوردن نماز و دادن زکات، و اطاعت از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم گوش‌زد شده است؛ یعنی این که هر چند حکم وجوب صدقه از شما برداشته شد، بدانید که احکام واجب اسلام همچنان پابرجاست و وظایف خود را فراموش نکنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۷ ۱. برای دیدن یار از مال خود بگذرید. ۲. مصرف اموال در راه دیدار با رهبر مسلمانان، موجب خیر و پاکی است. ۳. جز در موارد ضروری، ملاقات خصوصی از رهبر اسلام نخواهید (و مزاحم او نشوید). ۴. شرایط سختی بر بینوایان برای دیدار رهبر اسلام قرار ندهید. ۵. محک تجربه که به میان آید، بسیاری از فخر فروشان روسیاه می‌شوند. ۶. فخر فروشان از بذل مال در راه رهبر اسلام می‌ترسند. ۷. خدا حکم وجوب صدقه قبل از ملاقات با پیامبر صلی الله علیه و آله را برداشت. ۸. برنامه‌های عبادی و اقتصادی و اطاعت واجب را به دست فراموشی نسپارید که خدا شما را تحت نظر دارد. ۹. بسیاری از مردم ملاقات با رهبر اسلام را بدون هزینه‌ی مالی دوست دارند. ۱۰. اگر ملاقات خصوصی با رهبر اسلام را دوست دارید، (همچون علی علیه السلام) دل از مال دنیا برکنید. «۱» قرآن کریم در آیات چهاردهم تا شانزدهم سوره‌ی مجادله به ویژگی‌های منافقان و سوگندهای دروغ آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴- ۱۶. أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم مَا هُم مِنكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ* أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَاباً شَدِيداً إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ آیا نظر نکرده‌ای به کسانی که با گروهی که خدا بر آنان خشم کرده دوستی کردند؟! آنان از شما نیستند و (شما) از آنان نیستید؛ و به دروغ سوگند یاد می‌کنند، در حالی که آنان می‌دانند (که دروغ می‌گویند).* خدا عذابی شدید برای آنان آماده ساخته‌است، [چرا] که بد است آنچه آنان انجام می‌دادند!* سوگندهایشان را سپری قرار دادند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند؛ پس برای آنان عذابی خوارکننده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از اوصاف و ویژگی‌های منافقان عبارت‌اند از: الف) ارتباطات مخفی با دشمنان اسلام دارند؛ ب) سوگندهای دروغ یاد می‌کنند و از این سوگندها به عنوان سپراستفاده می‌کنند؛ ج) مردم را از راه خدا باز می‌دارند؛ د) افرادی بدکردارند. ۲. مقصود از قومی که مورد خشم خدا قرارگرفتند، همان یهودیان هستند که منافقان مدینه به طور پنهانی با آنان ارتباط داشتند «۱» و در حقیقت از آنان خط می‌گرفتند که چگونه عمل کنند و به مسلمانان ضربه بزنند. ۳. در این آیات قرآن ماهیت منافقان را افشاکرد که نه مسلمان‌اند و نه یهودی، بلکه افرادی دوچهره هستند که هر روز به شکلی در می‌آیند. البته منافقان به خاطر آن که با یهود ارتباط دارند از دشمنان اسلام به شمار می‌آیند «۲» ولی در واقع یهودی هم نیستند. ۴. منافقان برای مسلمانان سوگند دروغ می‌خورند که هدفی جز اصلاح ندارند ولی در همان حال به فساد و توطئه می‌پردازند و سوگند آنها فقط سپر حفاظتی آنان است. آری؛ سوگندهای دروغ یکی از نشانه‌های منافقان است. ۵. در این آیات از عذاب منافقان با دوصفت شدید و خوارکننده یاد شده است، که ظاهراً هر دو صفتِ عذاب آخرت است. «۳» از آن جا که منافقان می‌خواستند با رفتار و سوگند خود آبرویی به دست آورند، و بدین وسیله تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۶۹ قلب مؤمنان راستین را شدیداً به درد می‌آوردند، گرفتار عذاب شدید و خوارکننده شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان را از سوگندهای دروغشان بشناسید. ۲. منافقان از مقدسات به عنوان سپرمحافظتی استفاده می‌کنند. ۳. منافقان با دشمنان اسلام ارتباط دارند. ۴. منافقان به اسلام و دشمنان اسلام وفادار نمی‌مانند (بنابراین کسی به

آنان دل نبندد). ۵. فرجام بدکرداری و نفاق، عذاب است. *** قرآن کریم درآیات هفدهم و هیجدهم سوره‌ی مجادله به فرجام عذاب‌آلود منافقان در رستاخیز و سوگندهای دروغ آنان در آن جا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. لَن تُغْنِیَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِنَ اللَّهِ شَیْئاً أُولئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ* یَوْمَ یَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِیعاً فَیَحْلِفُونَ لَهُ کَمَا یَحْلِفُونَ لَکُمْ وَیَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَی شَیءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْکَاذِبُونَ هرگز اموالشان و فرزندانشان هیچ چیزی از [مجازات خدا را از آنان دفع نخواهد کرد؛ آنان اهل آتش‌اند، درحالی که آنان در آن‌جا ماندگارند.* (یادکن) روزی را که خدا همه‌ی آنان را برمی‌انگیزد و برای او سوگند یاد می‌کنند، همان گونه که برای شما سوگند یاد می‌کنند؛ و می‌پندارند که آنان بر چیزی (سودمند دست یافته) اند؛ آگاه باشید که آنان فقط دروغ‌گویند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از ویژگی‌های منافقان عبارت‌اند از: تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۷۰ الف) سرمایه‌های مادی منافقان (اموال و فرزندانشان) برای آنان سودی ندارد و عذاب الهی را از آنها دفع نمی‌کند. ب) منافقان جاودانه درآتش می‌مانند. ج) منافقان حتی در رستاخیز نیز دست از دروغ‌گویی خود برنمی‌دارند. ۲. رستاخیز روزی است که همه‌ی وسایل قطع می‌شود و خویشاوندان و فرزندان و اموال انسان به حال او سودی ندارند، پس منافقان بر اموال و فرزندان خود تکیه نکنند. ۳. رستاخیز ایستگاه‌ها و مواقف متعددی دارد که در برخی از آنها به کسی اجازه‌ی سخن گفتن نمی‌دهند، چون در آن روز همه چیز آشکار است؛ و در برخی مواقف اعضا و جوارح انسان سخن می‌گویند و در برخی دیگر انسان‌ها سخن می‌گویند و از خود دفاع می‌کنند. «۱» هنگامی که به منافقان اجازه‌ی سخن گفتن داده می‌شود، آنها سوگندهای دروغ یاد می‌کنند و می‌پندارند که این‌ها برایشان سودی دارد. ۴. منافقان که در دنیا عادت داشتند سوگند دروغ یاد کنند، در رستاخیز نیز همین روش را ادامه می‌دهند و می‌پندارند که این سوگندها می‌تواند عذاب را از آنان دفع کند، در حالی که این خیالی بیش نیست و خدا از همه‌ی اسرار درون و برون آنان آگاه است. ۵. روحیات غلط انسان تا رستاخیز همراه او می‌ماند و در آن جا نیز ظاهر می‌گردد و گاهی انسان آن‌قدر بی‌شرم می‌شود که در رستاخیز نیز سوگند دروغ یاد می‌کند و می‌کوشد که خدا را نیز فریب دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز سرمایه‌های مادی دنیوی که در جهت عقیده‌ی توحیدی قرارنگرفته سودی نخواهد داشت. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۷۱ ۲. فرجام منافقان عذاب‌آلود است. ۳. منافقان حتی در رستاخیز نیز روش خود را تغییر نمی‌دهند. ۴. سوگند دروغ و خیال‌بافی از ویژگی‌های منافقان است. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی مجادله منافقان را حزب شیطان می‌خواند و به عوامل انحراف و فرجام زیانبار آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹. اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِمُ الشَّیْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِکْرَ اللَّهِ أُولئِکَ حِزْبُ الشَّیْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّیْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ شیطان بر آنان مسلّط شد و یاد خدا را از یاد آنان برد؛ آنان حزب شیطان‌اند. آگاه باشید که حزب شیطان فقط زیانکارند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «شیطان» به معنای هر موجود شریر (از جن و انسان) است و گاهی به ابلیس مشهور گفته می‌شود که ظاهراً در این جا به معنای دوم است. ۲. شیطان نخست بر منافقان تسلّط می‌یابد «۱» و یاد خدا را از ذهن و دل آنان می‌برد و از این‌رو منافقان کاملًا در اختیار قرار می‌گیرند و از او پیروی می‌کنند. ۳. یکی از عوامل انحراف انسان و پیدایش نفاق در او، فراموشی یاد خداست؛ کسی که از خدا غافل است و از عذاب او نمی‌هراسد، تقوا ندارد و مرز و قانون نمی‌شناسد و درنتیجه برای رسیدن به مقام و ثروت و خواسته‌های نفسانی دست به هر کاری می‌زند و کاملًا پیرو شیطان می‌گردد. ۴. پیروی از شیطان زیان‌آور است؛ چراکه سرمایه‌های مادی و معنوی انسان را نابود می‌کند و عذاب الهی را به ارمغان می‌آورد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۷۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان از حزب شیطان و زیانکار هستند. ۲. شیطان در ذهن انسان نیز می‌تواند تأثیر گذارد و موجب فراموشی یاد خدا می‌شود (پس مراقب باشید). *** قرآن کریم در آیات بیستم و بیست و یکم سوره‌ی مجادله به بیان سرنوشت پیروزمند پیامبران الهی و سرنوشت ذلت بار مخالفان آنان می‌پردازد و می‌فرماید: ۲۰ و ۲۱. إِنَّ الَّذِینَ یُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولئِکَ فِی الْأَذَلِّینَ* کَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِی إِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ در حقیقت، کسانی که با خدا و فرستاده‌اش به شدّت مخالفت می‌کنند، آنان در (زُمره‌ی) خوارترین (افراد) هستند.* خدا مقرّر داشته که قطعاً، من و فرستادگانم پیروز می‌شویم؛ [چرا] که خدا

نيرومندى شكست‌ناپذير است. شأن نزول: حكايت كرده‌اند كه گروهى از مسلمانان بعد از فتح روستاهاى حجاز گفتند: به‌زودى خدا روم و ايران را نيز براى ما فتح مى‌كند، و لى منافقان گفتند: تصور مى‌كنيد روم و ايران همانند روستاهاى حجازند؟ آيه‌ى فوق فرود آمد و وعده‌ى پيروزى پيامبر صلى الله عليه و آله را داد. «۱» نكته‌ها و اشاره‌ها: ۱. يكى از روش‌هاى تربيتى قرآن، روش مقابله و مقايسه است كه در اين آيات نيز از همين روش استفاده شده است؛ يعنى سرنوشت دو گروه موافقان و مخالفان راه خدا را در برابر هم بيان كرده است تا مخاطبان بتوانند تفسير قرآن مهر جلد بيستم، ص: ۲۷۳ با مطالعه‌ى آنها راه صحيح را انتخاب كنند. ۲. قدرت خدا شكست‌ناپذير است و مخالفان او خوارترين و ذليل‌ترين موجودات هستند؛ چراكه همان اندازه كه خدا تواناست، مخالفان او ناتوان و ذليل‌اند. ۳. تأكيدهاى متعددى كه در آيه‌ى ۲۱ در مورد پيروزى خدا و پيامبرانش به كار رفته است «۱» نشان مى‌دهد كه اين قانون نوشته شده و ثابت الهى است. ۴. خدا و پيامبرانش در دنيا و آخرت پيروزند، برخلاف مخالفان كه همواره خوار و ذليل‌اند؛ ذلت مخالفان پيامبر صلى الله عليه و آله در جنگ بدر و حنين و فتح مكه ظاهر شد و در اقوام پيشين نيز قوم عاد و ثمود و مانند آنها با عذاب‌هاى الهى نابود شدند و در آخرت نيز همگى با ذلّت وارد دوزخ مى‌شوند. از همه مهم‌تر پيروزى منطقى و عقيدتى پيامبران الهى است كه مكتب آنان همواره بر مخالفان و اهل باطل پيروز است. آموزه‌ها و پيام‌ها: ۱. سرنوشت ذلت بارى در انتظار مخالفان راه خدا و پيامبران عليهم السلام است. ۲. پيروزى خدا و پيامبران حتمى است (در آن ترديد نكنيد). ۳. اگر پيروزى مى‌خواهيد در راه او و پيامبرانش گام نهيد. *** قرآن كريم در آيه‌ى بيست و دوم سوره‌ى مجادله به صفات حزب اللَّه و فرجام رستگار آنان اشاره مى‌كند و مى‌فرمايد: ۲۲. لَا تَجِدُ قَوْماً يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِروحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِىَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ تفسير قرآن مهر جلد بيستم، ص: ۲۷۴ هيچ قومى را كه ايمان به خدا و روز بازپسين بياورند، نمى‌يابى كه با كسانى كه با خدا و فرستاده‌اش به شدت مخالفت ورزند، دوستى كنند، و گرچه پدرانشان يا پسرانشان يا برادرانشان يا خاندانشان باشند. اينان‌اند كه خدا ايمان را در دل‌هايشان نوشته و با روحى از (جانب) خود آنان را تأييد كرد و آنان را در بوستان‌هاى (بهشتى) وارد مى‌كند كه نهرها از زير [درختان] ش روان است، درحالى كه در آن‌جا ماندگارند. خدا از آنان خشنود است و آنان (نيز) از او خشنودند؛ آنان حزب خدا هستند؛ آگاه باشيد در واقع فقط حزب خدا رستگارند! شأن نزول: داستان نزول اين آيه را چند گونه حكايت كرده‌اند: اول آن كه شخصى به نام «حاطب» نامه‌اى به اهل مكه نوشت و به آنان هشدار داد كه ممكن است پيامبر صلى الله عليه و آله براى فتح مكه حركت كند و وقتى نامه‌اش افشا شد، عذر آورد كه اقوام من درچنگ اهل مكه هستند و هدفم در امان ماندن آنان بود. «۱» و دوم آن كه فرزند «عبداللَّه بن ابىّ» منافق مشهور، هنگامى كه ديد پدرش به پيامبر صلى الله عليه و آله توهين كرد ناراحت شد و از پيامبر صلى الله عليه و آله اجازه‌ى قتل پدرش را خواست، ولى ايشان اجازه ندادند و فرمودند: با او مدارا كن. «۲» البته مانعى ندارد كه آيه‌ى فوق مقارن يا به مناسبت حوادث متعددى نازل شده باشد. نكته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در يك دل دو محبت متضاد نمى‌گنجد؛ يعنى اگر كسى ايمان به خدا و معاد دارد و دوست‌دار راه خداست، نمى‌تواند دوستار دشمنان خدا و رسول او نيز باشد و اگر كسى چنين ادعايى كند، يا منافق و يا ضعيف الايمان است. ۲. محبت پدر و فرزند و خويشاوند از عواطف انسانى است كه اگر در راستاى محبت الهى باشد، نيكو است و موجب نزديكى انسان به خدا مى‌شود ولى اگر در تفسير قرآن مهر جلد بيستم، ص: ۲۷۵ برابر محبت الهى قرار گيرد، ارزش خود را از دست مى‌دهد. ۳. از امام صادق عليه السلام روايت شده كه هيچ كس ايمانش به خدا خالص نمى‌شود مگر آن كه خدا در نظرش محبوب‌تر از جانش و پدر و مادرش و فرزندش و خانواده‌اش و مالش و همه‌ى مردم باشد. «۱» ۴. در اين آيه براى حزب اللَّه كه محبت الهى را بر محبت دشمنان خدا ترجيح مى‌دهند، چند پاداش بيان شده است: الف) ايمان در صفحه‌ى دل آنان نقش مى‌بندد و ثابت مى‌گردد؛ ب) امدادهاى الهى از طريق روح الهى در آنان دميده مى‌شود؛ ج) در بهشت جاويدان و پرنعمت وارد مى‌شوند؛ د)

خدا از آنان راضی است و آنان نیز از خدا راضی‌اند؛ ه) مدال و لقب حزب اللَّه به آنان داده می‌شود؛ و) فرجامی پیروزمند و رستگار خواهند داشت. ۵. مقصود از روح الهی که مؤمنان به وسیله‌ی آن تأیید می‌شوند چیست؟ مفسران در این مورد چند احتمال داده‌اند: از جمله آن که مقصود تقویت پایه‌های ایمان یا دلایل عقلی یا قرآن یا فرشته‌ی بزرگ الهی به نام روح است که با ایجاد نوعی حیات معنوی جدید به مؤمنان امداد می‌رساند. «۲» البته مانعی ندارد که همه‌ی این موارد مقصود و مصداق آیه‌ی فوق باشند. ۶. از امام صادق علیه السلام در مورد آیه‌ی فوق روایت شده که فرمودند: هیچ مومنی نیست مگر آن که برای قلب و دل او دو گوش (باطنی) است؛ گوشی که وسوسه‌گر خنّاس در آن می‌دمد و گوشی که فرشته‌ای در آن می‌دمد و مؤمن به وسیله‌ی این فرشته تأیید می‌شود و این سخن خداست که فرمود: آنان را با روح او تأیید می‌کند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۷۶ ۷. یکی از بزرگ‌ترین پاداش‌های الهی رضایت خدا از انسان و احساس خشنودی انسان از خداست. این خشنودی دو طرفه به خاطر آن است که خدا با لطف خود هرچه بنده‌اش می‌خواهد به او می‌دهد بلکه از فضل خود زیادتر می‌دهد، چون از کردار و عقاید و اخلاق او راضی است. ۸. قرآن کریم بارها از حزب خدا نام برده و آنان را افرادی پیروز و رستگار معرفی کرده است. از مجموع آیات قرآن بر می‌آید که حزب اللَّه کسانی هستند که دوست‌دار خدا و رسول و مؤمنان و اهل ولایت‌اند، و از دشمنان خدا و رسول صلی الله علیه و آله بیزارند. «۱» ۹. «فلاح» به معنای رستگاری و پیروزی بردشمن است که انسان را به هدف می‌رساند. در حدیثی از سلمان فارسی روایت شده که به امام علی علیه السلام گفت: هرگاه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدم، بر شانه‌ام می‌زد و اشاره به تو می‌کرد و می‌فرمود: ای سلمان! این (مرد) و حزبش رستگارند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان به مبدأ ومعاد با محبت دشمنان خدا و پیامبر جمع نمی‌شود. ۲. یا خدا را انتخاب کنید، یا دشمنان خدا را. ۳. پدران و فرزندان و خویشانتان را تا وقتی دوست بدارید که دشمن خدا و پیامبر نباشند. ۴. ترک دوستی با دشمنان دین، پاداش‌های معنوی و اخروی زیادی دارد. ۵. حزب اللَّه را از ترک دوستی با دشمنان خدا و رسول اللَّه بشناسید. ۶. ایمان ثابت، تأییدات الهی و فرجامی بهشتی و رستگاری از الطاف الهی نسبت به حزب اللَّه است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۷۷

بخش هشتم: سوره‌ی حشر

اشاره

معرفی خدا از طریق نام‌ها و صفات نیکو بیان احکام و مقررات جنگ در اسلام خطر یهود و منافقان و پیوند آنها بر ضد اسلام فراموشی خدا و پیامدهای آن تسبیح عمومی موجودات تأثیر قرآن در پاکسازی روح و جان آدمی تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۷۹

اول: سیمای سوره‌ی حشر

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی «حشر» در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمد و دارای ۲۴ آیه، ۴۴۵ کلمه و ۱۹۱۲ حرف است. این سوره صدمین سوره‌ی قرآن در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «بیّنه» و قبل از سوره‌ی «نصر») و پنجاه و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن

است. نام‌های این سوره عبارت‌انداز: «حَشْر» و «بنی نَضیر». این نام‌ها از آیه‌ی دوم این سوره برگرفته شده که در آن از «حشْر» یعنی گردآمدن مسلمانان برای تبعید یهودیان «بنی نضیر» سخن گفته شده است.

اهداف

هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. تذکر صفات و اسمای نیکوی خدا؛ ۲. یادآوری معاد؛ ۳. بیان احکام و مقررات جنگ؛ ۴. بیان پیوندهای پنهان منافقان و یهودیان.

مطالب

مطالبی که در سوره‌ی حشر به چشم می‌خورند عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان تسبیح و تنزیه عمومی موجودات برای خدا (در آیات ۱ و ۲۴)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۰ ۲. بیان برخی اوصاف جمال و جلال و اسمای حُسنای خدا (در آیات ۲۲- ۲۴)؛ ۳. یادآوری معاد (در آیات ۱۷- ۱۸). ب) اخلاق: ۱. اندرزها و نصیحت‌های کلی نسبت به عموم مسلمانان (در آیات ۷- ۹)؛ ۲. تشویق به محبت مهاجرین و کمک به آنان (در آیه‌ی ۹). ج) احکام: بیان احکام غنایم جنگی (در آیات ۶- ۷). د) داستان: ماجرای درگیری مسلمانان با یهودیان پیمان شکن بنی نضیر در مدینه که نقش ستون پنجم دشمن را بازی می‌کردند (در آیات ۲- ۱۰). ه) مطالب فرعی: ۱. مطالبی درباره‌ی منافقان مدینه که با یهودیان همکاری داشتند (در آیات ۱۱- ۱۷)؛ ۲. توصیف قرآن و تأثیرآن در پاک‌سازی روح و جان (در آیه‌ی ۲۱)؛ ۳. تذکر حیله‌های شیطان برای فریب انسان (در آیه‌ی ۱۶)؛ ۴. فراموشی خدا سبب خودفراموشی می‌شود (در آیه‌ی ۱۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۱

دوم: محتوای سوره‌ی حشر

اشاره

قرآن کریم در اولین آیه‌ی سوره‌ی حشر به تسبیح گویی موجودات جهان و برخی صفات خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می‌گوید؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از تسبیح همه‌ی موجودات آسمان‌ها و زمین چیست؟ در مورد تسبیح گویی آسمان‌ها و زمین و همه‌ی موجودات جهان مطالبی ذیل آیه‌ی اول سوره‌ی حدید بیان کردیم. هر گیاهی که از زمین روید وحده لاشریک له گوید آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در جهان زمزمه‌ای برپاست و همه‌ی موجودات (به زبان حال و قال) مشغول تسبیح خدایند (پس شما نیز از تسبیح و یاد او غافل نشوید). ۲. کارهای خدا حکیمانه و شکست‌ناپذیر است (پس ساختار جهان را این‌گونه ببینید). *** قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی حشر به شکست عبرت‌آموز یهودیان بنی نضیر و عوامل روانی و الهی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲. هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَبِ مِن دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُم مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۲ او کسی است که کسانی از اهل کتاب را که کفر ورزیدند، در نخستین گرد آمدن (و حرکت دسته‌جمعی به سوی جنگ) از خانه‌هایشان بیرون راند؛ یقین نداشتید که بیرون می‌روند و آنان (نیز) یقین داشتند که دژهایشان مانع آنان از (عذاب) خدا می‌شود، و [لی خدا از جایی که نمی‌پنداشتند به سراغشان آمد و در دل‌هایشان وحشت افکند؛ خانه‌هایشان را به دستانشان و دستان مومنان ویران می‌کردند؛ پس ای صاحبان بینش، عبرت بیاموزید. شأن نزول: حکایت کرده‌اند

که حدود شش ماه پس از جنگ احد «۱» یهود بنی نضیر که در مدینه عهد شکنی کردند، با مشرکان مکه علیه مسلمانان هم داستان شدند و حتی نقشه‌ی ترور پیامبر صلی الله علیه و آله را کشیدند؛ از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور جنگ با آنان را صادر کرد و به طرف قلعه‌های آنان حرکت و آنها را محاصره نمودند. پس از چند روز محاصره، با هم مذاکره کردند و مقرر شد که یهودیان بنی نضیر مدینه را ترک کنند و گروهی به سوی شام و گروهی به سوی خیبر رفتند. البته آنان در هنگام ترک مدینه خانه‌های خود را به دست خویش خراب کردند، تا سالم به دست مسلمانان نیفتد. «۲» و آیه‌ی فوق به این ماجرا اشاره دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حشر» در اصل به معنای حرکت دادن جمعیت و خارج ساختن آنها از قرارگاه به سوی میدان جنگ و مانند آن است. در این جا مقصود حرکت مسلمانان از تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۳ مدینه به سوی قلعه‌های یهود بنی نضیر و یا اجتماع یهودیان است و از آن جا که این اولین اجتماع درنوع خود بود، به نام اولین گرد آمدن خوانده شد. ۲. یهودیان دژهای محکمی داشتند که دارای امکانات مادی فراوان بود و کسی گمان نمی‌کرد آنان شکست بخورند و از آن جا اخراج شوند، ولی اراده و قدرت الهی همه‌ی آنها را درهم شکست. ۳. یکی از امدادهای الهی به مؤمنان در جنگ‌ها آن است که وحشت را به دل دشمنان آنان می‌اندازد؛ ترس و وحشت ازلشکرهای نامرئی و درونی است که خدا به جان دشمنانش می‌اندازد. ۴. یهودیان بنی نضیر در اثر ترس که بر آنان غلبه کرد، پیشنهاد مذاکره و ترک مدینه را پذیرفتند و هرچه می‌توانستند از اموال خود برداشتند و به سوی شام و خیبر فرارکردند و قلعه‌ها و باغ‌های خود را برای مسلمانان به جای گذاشتند. ۵. یهودیان از ترس آن که مبادا خانه‌ها یا اشیای گران قیمت آنها به دست مسلمانان بیفتد آنها را خراب می‌کردند؛ همان طورکه مسلمانان از بیرون اقدام به تخریب دژها می‌کردند تا به آنها دست یابند. و ممکن است تعبیر خواب کردن خانه‌ها کنایه از ویرانی زندگی آنان به دست خود و مسلمانان باشد. «۱» ۶. «عبرت» در اصل به معنای عبور است و کسانی که دارای بصیرت و چشم باریک بین هستند از ظاهر حوادث عبور می‌کنند و به مطالب پشت پرده دست می‌یابند، یعنی به طور منطقی و قطعی از موضوعی به موضوع دیگر یا از ظاهر چیزی به هدف پنهان آن پی می‌برند و عبرت می‌گیرند. آری؛ صاحبان بصیرت از شکست قوم قدرتمند یهود در مدینه عبرت می‌آموزند که هرکس در برابر خدا و پیامبرش مخالفت کند سرنوشت مشابهی دارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۴ ۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده که بیش‌ترین عبادت ابوذر، تفکر و عبرت گرفتن بود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از شکست یهودیان در برابر مسلمانان عبرت بیاموزید و پند بگیرید (و دیگر با اسلام مخالفت نکنید). ۲. دژهای محکم نیز مانع اجرای اراده‌ی الهی نمی‌شود. ۳. وحشت‌آفرینی یکی از راه‌های پیروزی بر دشمن است. ۴. اگر خدا بخواهد، کاری می‌کند که دشمنان اسلام به دست خود خانه‌های خود را خراب کنند. *** قرآن کریم در آیات سوم تا پنجم سوره‌ی حشر به عوامل مجازات یهودیان بنی‌نضیر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳- ۵. وَلَوْلَا أَن كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ* ذلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ* مَا قَطَعْتُم مِن لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ و اگر نبود که خدا ترک خانه‌ها را بر آنان مقرر کرده بود، حتماً، آنان را در دنیا عذاب می‌کرد؛ و برای آنان در آخرت عذاب آتش است!* این به خاطر آن است که آنان با خدا و فرستاده‌اش مخالفت ورزیدند؛ و هر کس با خدا مخالفت کند، پس حتماً خدا سخت‌کیفر است!* آنچه از درخت خرمای ممتاز که قطع کردید یا آنها را ایستاده بر ریشه‌هایش واگذاشتید، پس به رخصت خدا بود؛ و برای این بود که نافرمانان را رسوا کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چند عامل عذاب و مجازات یهودیان بنی نضیر اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) مخالفت و دشمنی با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله؛ یهودیان بنی نضیر نسبت به مسلمانان پیمان‌شکنی کردند و با مشرکان برضد اسلام همگام شدند و نیز نقشه‌ی ترور پیامبر صلی الله علیه و آله را کشیدند. ب) یهودیان بنی نضیر افرادی فاسق و نا فرمان بودند. ۲. در این آیه به ترک وطن و تبعید و اخراج و آوارگی یهودیان بنی نضیر از مدینه اشاره شده است که یکی از مجازات‌های آنان بود؛ البته این دشمنان خدا استحقاق زیادتری برای مجازات داشتند ولی خدا اراده نکرده بود که

بیش از این آنان را مجازات کند و مجازات اصلی آنان را به رستاخیز واگذاشت. ۳. یکی از سنت‌ها وقانون‌های الهی این است که هرکس از خدا جدا شود و به دشمنی با او برخیزد «۱» گرفتار عذاب خدا می‌شود و روشن است که دشمنی با پیامبر خدا، دشمنی با خداست. ۴. خدای متعال دارای صفات متفاوت است؛ او در مورد کسانی که با خدا دشمنی ورزند، مجازات شدیدی دارد و در مورد کسانی که به طرف او آیند بخشنده و مهربان است. ۵. مفسران حکایت کرده‌اند که در هنگام محاصره‌ی دژهای یهودیان بنی نضیر، برخی از مسلمانان اقدام به قطع درختان خرما در اطراف آن قلعه‌ها کردند. شاید این کار برای ایجاد فضای گسترده برای افزودن قدرت مانور رزمندگان در جنگ و یا برای تحریک یهودیان بود تا از قلعه‌ها بیرون تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۶ بیایند، چون یهودیان وارد دژهای محکم خود شده بودند که تسلّط بر آنها مشکل بود، ولی با این حال، چون اموال و درختان خرمای خود را بسیار دوست داشتند، ممکن بود به خاطر حفاظت آنها از قلعه‌ها بیرون بیایند. ۶. یکی از قوانین جنگ در اسلام این است که به هنگام حمله به دشمن نباید درختان را قطع کرد و زراعت‌ها را آتش زد و حیوانات را کشت، ولی این کار در جنگ با بنی‌نضیر اتفاق افتاد؛ چرا که قطع درختان خرمای یهودیان برای آماده‌سازی فضای نبرد و یا بیرون کشیدن دشمن از قلعه و تسریع در پیروزی مؤثر و ضروری بود. ۷. یهودیان بنی نضیر از بالای قلعه‌ها به قطع درختان اعتراض کردند و گفتند: ای محمد! تو که این کارها را منع می‌کردی، پس این چه برنامه‌ای است که مسلمانان اجرا می‌کنند؟! در این آیات پاسخ آنان بیان شده که قطع درختان و منع از آن هر دو به خواست الهی بوده نه براساس هوای نفس کسی. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان به خاطر اعمالشان، مستحق مجازات سختی در دنیا و آخرت‌اند. ۲. دشمنی با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله وفسق و نافرمانی از عوامل مجازات است. ۳. مجازات اقتصادی دشمن کنترل شده و طبق دستورهای الهی باشد. ۴. تبعید و خواری یهودیان (به خاطر اعمال آنان و) خواست خدا بوده است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۷ قرآن کریم در آیات ششم و هفتم سوره‌ی حشر به قانون غنایم بدون جنگ و موارد مصرف آنها و راه جلوگیری از انباشت ثروت در جامعه و لزوم پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶ و ۷. وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ* مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِمِنكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ و آنچه از (غنایم) آن (یهودی) ها که خدا به فرستاده‌اش باز گردانده است، پس برای (به دست آوردن) آن هیچ اسب و شتری نتاختید؛ و لیکن خدا فرستادگانش را برهر کس بخواهد مسلّط می‌سازد؛ و خدا بر هر چیز تواناست.* آنچه از (غنایم) اهل آبادی‌ها که خدا به فرستاده‌اش بازگردانده است، پس فقط برای خدا و برای فرستاده [اش و برای نزدیکان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌مانده است، تا (ثروت‌ها) در میان توانگران شما [دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [ی خدا] برای شما آورده، پس، آن را بگیرید (و اجرا کنید)، و آنچه شما را از آن منع کرد، پس خودداری کنید؛ و خودتان را از [عذاب خدا حفظ کنید که خدا سخت‌کیفر است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پس از شکست یهودیان بنی نضیر و اخراج آنان از مدینه، اموال و باغ‌های آنان باقی ماند؛ از این رو جمعی از سران قبایل مسلمانان خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و از او خواستند که طبق روش جاهلیت عرب، برگزیده‌ها و یک چهارم غنایم برای پیامبر باشد و بقیه را در اختیار آنان قرار دهد تا میان خود تقسیم کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۸ ولی آیه‌ی فوق فرود آمد و بیان کرد که این غنایم چون بدون جنگ به دست آمده است در اختیار رهبر مسلمانان است تا در موارد خاص مصرف کند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از غنایم یهودیان بنی نضیر یاد شده که بدون جنگ به دست مسلمانان افتاد چرا که قلعه‌های بنی نضیر در کنار مدینه و با یک لشکر کشی بدون نبرد فتح شد و این نشانه‌ای از امداد الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان بود. البته قرآن در این واقعه حکم کلی این غنایم را بیان کرده است. ۲. در این آیات از غنایمی که به دست پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان افتاد با عنوان «افاءَ» (رجوع کرد و بازگشت) یاد شده است. شاید این تعبیر اشاره به آن باشد که خدا این

غنایم را در اصل آفرینش جهان برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان قرار داد و دیگران در پرتو اینان از این اموال استفاده می‌کنند. ۳. غنایمی که به دست مسلمانان می‌افتد دو صورت دارد: الف) غنایمی که با جنگ به دست می‌آید که یک پنجم آن در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد تا در مواردی خاص مصرف کند و بقیه بین رزمندگان اسلام تقسیم می‌شود. «۲» ب) غنایمی که بدون جنگ به دست می‌آید که همه‌ی آن اموال در اختیار پیامبر قرار می‌گیرد تا در مواردی مشخص مصرف کند؛ زیرا این اموال بدون زحمت و جنگ و با تدبیر رهبر مسلمانان به دست آمده است. ۴. در این آیات بیان شده که غنایم بدون جنگ به چند قسمت تقسیم می‌شود: الف) بخش اول برای خداست. ب) بخش دوم برای پیامبر صلی الله علیه و آله است که در مصارف شخصی یا مقامی خویش مصرف می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۸۹ ج) بخش سوم برای خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله است، یعنی سادات که از گرفتن زکات منع شده‌اند. «۱» د) بخش چهارم برای کودکان یتیم و بی‌سرپرست است. ه) بخش پنجم برای بینوایان است. و) و بخش ششم برای مسافرانی است که در راه مانده‌اند و پول آنان به اتمام رسیده است. البته در مورد این که یتیمان و بینوایان ودر راه ماندگان باید از سادات باشند یا عموم مردم را شامل می‌شود، بین علمای اسلام اختلاف است. هر چند قرائنی عمومیت را تأیید می‌کند. «۲» ۵. با آن که خدا نیازی به اموال و غنایم مردم ندارد، سهمی برای خود در نظر گرفته است. این کار نوعی تشریف است تا گروه‌های دیگر سهم خود را در کنار سهم خدا ببینند و احساس حقارت نکنند؛ علاوه بر آن که سهم خدا در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد تا با صلاح دید او مصرف شود. ۶. آیه‌ی ششم سوره‌ی حشر، غنایم بدون جنگ را در اختیار پیامبر قرارداده و آیه‌ی هفتم موارد مصرف آن را مشخص ساخته است؛ بنابراین موارد شش‌گانه، موارد اولویت‌دار مصرف را مشخص می‌کند. ۷. در این آیات یک اصل کلی اقتصاد اسلامی بیان شده است و آن این که برنامه‌ریزی اقتصادی باید طوری باشد که ثروت جامعه بین ثروتمندان دست به دست نگردد و موجب انباشت ثروت در دست اقلیت و محرومیت اکثریت جامعه نشود. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹۰ این کار می‌تواند با احترام مالکیت خصوصی، از طریق مقررات تحصیل ثروت و مالیات‌ها اجرا گردد، همان طور که می‌تواند از طریق توزیع عادلانه‌ی ثروت‌های عمومی و انفال «۱» صورت گیرد. ۸. در این آیه به یک اصل اساسی در نظام اسلامی نیز اشاره شده است که همان اصل پیروی از رهبر و مدیر جامعه‌ی اسلامی است؛ یعنی هنگامی که پیامبر امر یا نهی کرد، همه باید اطاعت کنند و سخن او را در زمینه‌ی اقتصادی، عبادی و اجتماعی بپذیرند؛ چراکه او معصوم و نماینده و سخن‌گوی خداست و این دلیلی بر حجّیت سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هست. ۹. وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات ایشان به عهده‌ی امامان معصوم علیهم السلام و بعد از آنان به عهده‌ی مجتهد دارای شرایط و رهبر جامعه‌ی اسلامی است؛ بنابراین، غنایم در اختیار او قرار می‌گیرد تا با صلاح دید او مصرف شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروزی رهبران الهی با اراده‌ی الهی است (و او طبق مصلحت عمل می‌کند). ۲. غنایم بدون جنگ، در اختیار رهبر مسلمانان است. ۳. غنایم بدون جنگ را بین رهبر مسلمانان و سادات و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان تقسیم کنید. ۴. برنامه‌ریزی اقتصادی جامعه طوری باشد که ثروت در یک قطب جامعه انباشته نشود. ۵. سخن پیامبر (و رهبر اسلام) برای شما لازم الاجراست. ۶. بی‌تقوایی و نافرمانی از رهبر اسلام عذاب شدیدی دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹۱ قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی حشر به مهاجران و صفات آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸. لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَاناً وَيَنصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (این غنایم) برای نیازمندان مهاجری است که از خانه‌هایشان و اموالشان بیرون رانده شده‌اند، در حالی که بخششی و خشنودی‌ای از خدا می‌جویند و خدا و فرستاده‌اش را یاری می‌کنند؛ تنها آنان راست‌گویان‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به مهاجران فقیری اشاره شده که مصداق بینوایان و در راه ماندگان هستند و از این رو مستحق دریافت غنایم بدون جنگ‌اند که موارد مصرف آن در آیه‌ی قبل بیان شد. این مهاجران در مکه افراد فقیری نبودند، اما به هنگام مهاجرت به مدینه اموال خود را در مکه برجای گذاشتند و در مدینه فقیر به شمار می‌آمدند. ۲. در این آیه سه ویژگی

برای مهاجران بیان شده است: الف) آنان اخلاص داشتند و به دنبال ثواب و بخشش الهی در بهشت و خشنودی او بودند، «۱» نه به دنبال جمع‌آوری ثروت و مقام. ب) مهاجران اهل جهاد در راه خدا و یاری‌گر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و این روش مستمر آنان بود. «۲» ج) مهاجران اهل صدق و راستی بودند؛ یعنی ادعاهای خود در مورد ایمان، محبت به پیامبر و طرف‌داری از حق را اثبات کردند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بخشی از غنایم بدون جنگ را به مهاجران بدهید که در مبارزات اسلامی صدمه دیده و آزرده شده‌اند. ۲. مهاجران واقعی، مجاهدان راستین‌اند و هدف مادی ندارند. ۳. چشم شما به دست مردم نباشد، بلکه به فضل و خشنودی خدا بیندیشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی حشر به ویژگی‌های انصار و رابطه‌ی رستگاری با بُخل‌زدایی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹. وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوْا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و (نیز) کسانی (از انصار) که پیش از آن (مهاجر) ان در سرای (اسلام) و ایمان (: مدینه) جای گرفته بودند، هرکس به سوی آنان هجرت کرد، دوست می‌دارند و در سینه‌هایشان نسبت به آنچه به آن (مهاجر) ان داده شده، نیازی نمی‌یابند و (مهاجران) را بر خودشان برمی‌گزینند (و ترجیح می‌دهند) و گرچه آنان نیازمند باشند؛ و هرکس از (بی‌گذشتی و) آزمندی خودش نگاه داشته شود، پس تنها آنان رستگارند. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از پیروزی بر یهودیان بنی نضیر به انصار فرمود: اگر مایل هستید، اموال وخانه‌هایتان را با مهاجران تقسیم کنید و در غنایم بنی نضیر شریک شوید و اگر می‌خواهید اموال و خانه‌هایتان از آن شما باشد و از این غنایم بهره‌ای نبرید؟! انصار گفتند: ما اموال و خانه هایمان را با مهاجران تقسیم می‌کنیم و چشم‌داشتی به غنایم هم نداریم و مهاجران را برخود مقدم می‌شماریم. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹۳ آیه‌ی فوق فرود آمد و این روحیه‌ی ایثارگرانه‌ی انصار را ستود. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین موارد مصرف غنایم غیر جنگی بیان شد و این آیه افراد فقیر و ایثارگران انصار را از مستحقان دریافت آن غنایم برمی‌شمارد. و در روایات تاریخی نیز آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بخشی از غنایم بنی نضیر را به چند نفر از انصار دادند. «۲» ۲. در این آیه از مدینه با عنوان سرای (اسلام و) ایمان یاد شده است؛ پایگاه اصلی اسلام در آن زمان مدینه بود، که انصار در آن ساکن بودند. همین انصار قبل از هجرت دو بار به مکه آمدند و با پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان بستند و یکی از مسلمانان به نام «مَصعب بن عُمیر» را برای تبلیغ به مدینه بردند و افکار عمومی شهر را برای ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و مهاجران آماده کردند. ۳. در این آیات چند صفت و ویژگی برای انصار برشمرده شده است: الف) آنان دوست‌دار مهاجران هستند؛ ب) انصار نسبت به غنایمی که به مهاجران فقیر داده می‌شود احساس نیاز نمی‌کنند و حسد نمی‌ورزند و با بلندنظری به این مسأله می‌نگرند؛ ج) افرادی ایثارگرند و در تنگ‌دستی هم مهاجران را برخود مقدم می‌دارند و از اموال خود به آنان می‌بخشند؛ ترک کام خود بگیرند تا برآید کام دوست. ۴. روشن است که صفاتی که در این آیات برای مهاجران و انصار بر تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹۴ شمرده شده است برای یاران راستین و استوار پیامبر صلی الله علیه و آله است، و کسانی که بعداً از راه پیامبر صلی الله علیه و آله جدا شدند و راه نفاق یا جنگ با جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را در پیش گرفتند، از مصادیق این آیات به شمار نمی‌آیند. ۵. هرکس اهل بخشش باشد و بُخل نورزد، رستگار می‌شود ولی انسان بخیل از ثواب و بهشت و رستگاری دور می‌شود. آز بگذار و پادشاهی کن گردن بی‌طمع بلند بود (سعدی) ۶. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند: شَحیح از بخیل شدیدتر است؛ چون بخیل کسی است که در مورد آنچه دارد بخل می‌ورزد، اما شحیح نسبت به آنچه در دست مردم است و آنچه خود دارد بخل می‌ورزد، تا آن جا که هرچه در دست مردم می‌بیند آرزو می‌کند که از راه حلال یا حرام از آنِ او باشد و به آنچه خدا روزی‌اش کرده قانع نمی‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انصار هم ممکن است سهمی از غنایم غیر جنگی داشته باشند. ۲. مهاجران و آوارگانِ مبارزات اسلامی را دوست داشته باشید. ۳. نسبت به مهاجران ایثارگرانه برخورد کنید و آنها را برخود مقدم بشمرید. ۴. بُخل زدایی از خویش از عوامل رستگاری

است. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی حشر به تابعین و ویژگی‌ها و دعاهای آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹۵ و (نیز) کسانی (از تابعین) که بعد از آنان آمدند، می‌گویند: « [ای پروردگار ما! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل‌های ما، برای کسانی که ایمان آوردند کینه‌ای قرار مده؛ [ای پروردگار ما! مسلماً، تو مهربانِ مهرورزی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق به «تابعین» یا پیروان اشاره دارد، یعنی کسانی که بعد از انصار و مهاجران صدر اسلام آمدند. این تعبیر همه‌ی مسلمانان را تا روز رستاخیز شامل می‌شود. ۲. در آیات پیشین به برخی موارد مصرف غنایم غیر جنگی و استحقاق مهاجران و انصار نسبت به آنها و در این آیه به استحقاق تابعین نسبت به این غنایم اشاره شده است. «۱» ۳. در این آیه به سه ویژگی تابعین اشاره شده است: الف) به فکر اصلاح خویش و طلب آمرزش از خدا هستند؛ ب) به پیش‌گامان ایمان احترام می‌گذارند و از آنان به عنوان برادران بزرگ‌تر یاد کرده، در مورد آنان دعا می‌کنند. ج) می‌کوشند که درون خود را پاک سازند و کینه و حسد و دشمنی را از دل بزدایند «۲» و در این راه از خدا یاری می‌طلبند. ۴. باید روح محبت و صفا و برادری بر جامعه‌ی اسلامی حاکم باشد و به پیش‌گامان جهاد و مهاجرت احترام گذاشته شود و هرگونه کینه و حسد از دل‌ها شسته شود. نام نیک رفتگان ضایع مکن تا بماند نام نیکت پایدار (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به پیش‌گامان اسلام و پیش‌کسوتان هر کار نیک، احترام بگذارید. ۲. نسبت به پیش‌گامان اسلام کینه و حسد نداشته باشید. ۳. برادران ایمانی خود را در دعاهایتان شریک سازید. *** قرآن کریم در آیات یازدهم و دوازدهم سوره‌ی حشر به منافقان و دوروغ‌گویی آنان و رابطه‌ی آنها با دشمنان اسلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱ و ۱۲. أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَداً أَبَداً وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ* لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ آیا به سوی کسانی که دورویی نمودند نظر نکرده‌ای، که به برادرانشان، (همان) کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیدند، می‌گفتند: «اگر بیرون رانده شدید، قطعاً، با شما خارج می‌شویم و هرگز درباره‌ی شما از هیچ کس اطاعت نمی‌کنیم؛ و اگر با شما پیکار شود، قطعاً، شما را یاری می‌کنیم.» و خدا گواهی می‌دهد که آنان حتماً دروغ‌گویان‌اند.* اگر (کافران) بیرون رانده شوند، با آنان بیرون نمی‌روند و اگر با آنان پیکار شود، آنان را یاری نمی‌کنند و اگر یاری‌شان کنند، حتماً، با عقب‌گرد (از آنان) روی برمی‌تابند؛ سپس یاری نخواهند شد. شأن نزول: حکایت شده که درهنگام درگیری مسلمانان با یهودیان بنی نضیر، یکی از سران منافقان به نام «عبداللّه بن ابی» مخفیانه برای یهودیان پیام داد که تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹۷ محکم بایستید که ما با شما هستیم؛ و آنان را به مخالفت با پیامبر صلی الله علیه و آله تشویق کرد. در آیات فوق به این ماجرا اشاره کرده است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گروهی از مردم در ظاهر مسلمان هستند ولی در باطن ایمان ندارند و بادشمنان اسلام رابطه برقرار می‌کنند و قول همکاری به آنان می‌دهند و به مسلمانان خیانت می‌کنند. جریان نفاق از صدر اسلام در اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشت و بعد از وفات ایشان نیز ادامه یافت و در عصر حاضر نیز منافقانی در بین مسلمانان وجود دارند که لازم است شناخته شوند و از خیانت آنان جلوگیری شود. ۲. در این آیات به سه وعده‌ی منافقان به دشمنان اسلام اشاره شده است: الف) خود را همراه دشمنان اسلام در خروج از شهر معرفی می‌کنند. ب) اعلام می‌کنند که ما از دستورات رهبر اسلام اطاعت نمی‌کنیم. ج) در هنگام جنگ از دشمنان اسلام حمایت می‌کنند و به نفع آنان وارد جنگ می‌شوند. ۳. خدای متعال در این آیات نوعی افشاگری علیه منافقان کرده و بیان نموده که منافقان به وعده‌های خود عمل نخواهند کرد و دروغ‌گو هستند؛ پس نباید کسی به وعده‌های آنان دل‌خوش دارد. ۴. منافقان از میدان جنگ می‌گریزند و دوستان خود را تنها می‌گذارند. ۵. کافران اهل کتاب، یعنی یهودیان بنی نضیر برادران منافقان بودند. منافقان همواره برادران کافران هستند و در پنهان با آنان همکاری می‌کنند، البته برادرانی بی‌وفا و دروغ‌گو. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹۸ ۶. آیات فوق در مورد منافقان صدر اسلام و یهودیان بنی‌نضیر است، اما

مخصوص آنان نیست بلکه اصول کلی را در مورد حرکت نفاق بیان می‌کند و هشدارهای کوبنده‌ای می‌دهد که لرزه براندام هر منافقی می‌اندازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هر زمانی، منافقانی وجود دارند که ره به روی باطل می‌برند (پس مواظب باشید) (م). ۲. در حالات منافقان مطالعه کنید و ارتباط آنان با دشمنان و دروغ‌گویی آنان را کشف کنید. ۳. منافقان برادران کفّار و دارای روابط پنهان با آنان هستند. ۴. منافقان وعده‌های دروغ به دوستان خود می‌دهند. ۵. منافقان به وعده‌های خود عمل نمی‌کنند و از میدان مبارزه فرار می‌کنند و دوستان خود را تنها می‌گذارند. *** قرآن کریم در آیات سیزدهم و چهاردهم سوره‌ی حشر به عوامل شکست یهود، هم‌چون ترس و تفرقه و ریشه‌های جاهلانه‌ی آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳ و ۱۴. لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِم مِنَ اللَّهِ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا یَفْقَهُونَ* لَا یُقَاتِلُونَکُمْ جَمِیعاً إِلَّا فِی قُرىً مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِن وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُم بَیْنَهُمْ شَدِیدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِیعاً وقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا یَعْقِلُونَ مسلماً، شما در دل‌های آنان ترس‌انگیزتر از خدا هستید؛ این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که به طور عمیق نمی‌فهمند.* (یهودیان) همگی با شما پیکار نمی‌کنند، مگر در آبادی‌های دژدار یا از پشت دیوارها. سختی (جنگ) آنان میان (خود) شان شدید است، آنان را جمع (متحد) می‌پنداری، در حالی که دل‌هایشان جداست؛ این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که خردورزی نمی‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۲۹۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه عوامل شکست یهودیان بنی نضیر در برابر مسلمانان را بیان کرده است، اما به یک قانون کلی درمورد شکست گروه‌ها اشاره دارد، که شامل همه‌ی یهودیان و دشمنان اسلام در طول تاریخ می‌شود. ۲. چند عامل موجب شکست انسان و جوامع می‌شود: الف) ترس از مردم در دل انسان بیش از هراس از خدا باشد که در این صورت توکّل برخدا را از دست می‌دهد و در میدان مبارزه از انسان‌های همانند خود می‌ترسد و می‌گریزد. ب) تفرقه بین یک جمعیت از عوامل شکست آنهاست بر خلاف هم‌دلی و اتحاد که عامل پیروزی است. ۳. عدم تفکر و درک عمیق زمینه‌ساز ترس از غیر خدا و تفرقه است؛ اگر کسی حقایق هستی را به طور عمیق درک کند متوجه می‌شود که همه‌ی قدرت‌ها از آنِ خداست، پس با توکل بر او ترس از غیر خدا معنا ندارد، و نیز اگر انسان درست بیندیشد فواید وحدت را درک می‌کند و به طرف تفرقه و اختلاف با برادران خود نمی‌رود و شکست نمی‌خورد. ۴. یهود از رویارویی با مسلمانان و جنگ مستقیم با آنان هراس دارند و به دژها پناه می‌برند. این روش جنگی یهود در عصر ما هم ادامه دارد؛ صهیونیست‌ها در دژ اسرائیل پناه گرفته، علیه مسلمانان سنگ‌اندازی می‌کنند و هرگاه مستقیم با مسلمانان روبه‌رو شدند طعم شکست را چشیدند. ۵. در این آیه به اختلافات درونی یهود اشاره شده است؛ یعنی یهودیان با تبلیغات شدید، خود را ملتی واحد و متحد جلوه می‌دهند، در حالی که احزاب و افکار مختلف و متفرقی هستند یهودیان عصر ما نیز چنین‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر کسی درکی عمیق داشته باشد، بیش از آن که از مردم بترسد از خدا می‌هراسد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰۰ ۲. عدم درک عمیق حقایق زمینه‌ساز ترس از غیر خدا (و شکست در مبارزه) است. ۳. خردورزی زمینه‌ساز وحدت است. ۴. تفرقه‌های درونی ملت‌ها عامل محصور شدن (و شکست) آنهاست. ۵. دشمنان اسلام از شما می‌ترسند و با شما جنگ مستقیم نمی‌کنند. ۶. دشمنان اسلام گرفتار کم‌خردی و تفرقه‌ی درونی‌اند (از این رو شکست خواهند خورد). ۷. اگر می‌خواهید بر دشمن پیروز شوید با تفکر، ترس را از خود دور کنید (که ترس و پیروزی با هم جمع نمی‌شوند). ۸. خردورزی افراد را تقویت کنید تا هم‌دل شوید و وحدت پیدا کنید. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا هفدهم سوره‌ی حشر با بیان دو مثال، فریبکاری و فرجام عذاب‌آلود دشمنان اسلام را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۵- ۱۷. کَمَثَلِ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِیباً ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ* کَمَثَلِ الشَّیْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَانِ اکْفُرْ فَلَمَّا کَفَرَ قَالَ إِنِّی بَرِیءٌ مِنکَ إِنِّی أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِینَ* فَکَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِی النَّارِ خَالِدَیْنِ فِیهَا وَذلِکَ جَزَاؤُا الظَّالِمِینَ (مثال آنان) همانند مثال کسانی است که اندک زمانی پیش از آنان بودند؛ سنگینی (کیفرِ) کارشان را چشیدند و برای آنان عذاب دردناکی است!* و (نیز) همانند مثال شیطان است آن‌گاه که به انسان گفت: «کافر شو.» و هنگامی که کفر ورزید، (شیطان) گفت: «در واقع، من نسبت به تو تعهدی ندارم؛ که من از خدا، پروردگار جهانیان می‌ترسم.»* پس فرجام آن دو این شد

که هردو در آتش‌اند، در حالی که در آن‌جا ماندگارند؛ و این کیفر ستمکاران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که از مثال‌های جالب و تشبیه‌های گویا استفاده می‌کند تا مطلب را برای مخاطب روشن سازد. این تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰۱ آیات نیز با استفاده از این روش سرنوشت یهودیان بنی نضیر را روشن و به عوامل انحراف و کیفر آنان اشاره کرده تا عبرتی برای دیگران باشد. ۲. مقصود از مثال اول در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی حشر چه کسانی هستند؟ مفسران در این مورد دو دیدگاه دارند: الف) گروهی برآن‌اند که مقصود یهودیان بنی قینقاع هستند که ثروتمندان مغرور مدینه بودند و مسلمانان را تهدید می‌کردند و سرانجام بعد از جنگ بدر از مدینه تبعید شدند. ب) گروهی از مفسران نیز برآن‌اند که منظور مشرکان مکه هستند که در جنگ بدر شکست خوردند و نتیجه‌ی اعمالشان را دیدند. البته با توجه به این که هردو جریان قبل از ما جرای بنی نضیر اتفاق افتاده است، ممکن است قرآن با اشاره به هر دو گروه، حال یهودیان بنی نضیر را به آنان تشبیه کرده باشد. ۳. شیطان عامل انحراف و کفر انسان است؛ شیطانی که انسان‌ها را با وعده‌های دروغ می‌فریبد و سپس در هنگام نیاز آنان را تنها می‌گذارد و فرجامی عذاب‌آلود برای خود و آنان رقم می‌زند. البته عذاب و کیفر کافران نتیجه‌ی کار خودشان است و شیطان کسی را مجبور به کاری نمی‌کند، بلکه فقط او را وسوسه می‌کند ولی تصمیم‌گیری وپیروی کار انسان‌هاست که عذاب الهی در پی دارد. ۴. در این آیات وضعیت یهودیان بنی نضیر و منافقان مدینه به شیطان و پیروان او تشبیه شده است. همان طور که شیطان با وعده‌های دروغین مردم را به راه کفر می‌کشاند سپس آنان را تنها می‌گذارد. «۱» منافقان مدینه نیز به یهودیان بنی نضیر وعده‌ی یاری دادند ولی آنان را تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰۲ یاری نکردند؛ منافقان شیطان‌صفت همانند شیطان عمل می‌کنند و سرانجام هر دو گروه آتش است. ۵. مقصود از انسانی که فریب شیطان را می‌خورد، همه‌ی انسان‌هایی هستند که براساس وعده‌های دروغین شیطان کفر می‌ورزند و تنها می‌شوند که بعضی از مصادیق آنها ابوجهل در جنگ بدر «۱» یا عابد بنی‌اسرائیل و یهودیان بنی‌نضیر هستند. ۶. نتیجه‌ی همکاری کفر و نفاق و شیطان و پیروان او شکست در دنیا و عذاب در آخرت است؛ اینان که به خود و دیگران ستم کردند فرجامی جز آتش ندارند. ۷. در این آیات بیان شده که حتی شیطان هم می‌گوید: «من از خدا می‌ترسم.» این سخن شیطان یا فریبکاری جدید اوست که برای فریب ازیاری دوستان خود می‌گوید و یا این که واقعاً از خدا می‌ترسد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرنوشت مشترک دشمنان اسلام شکست و عذاب است. ۲. شکست و آوارگی نتیجه‌ی اعمال خود افراد است. ۳. شیطان با وعده‌های دروغین شما را می‌فریبد و در هنگام نیاز شما را تنها می‌گذارد (پس مواظب وسوسه‌های شیطان باشید). ۴. حتی شیطان هم از خدا می‌ترسد، ولی برای شما پنهان‌کاری می‌کند. ۵. پیروی از شیطان انسان را به کفر می‌کشاند. ۶. فرجام ستمکاری ماندگاری در آتش است. ۷. با مثال‌های جالب سرنوشت و آینده‌ی افراد را در برابر آنها به تصویر بکشید (تا عبرت بگیرند). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰۳ قرآن کریم در آیات هجدهم تا بیستم سوره‌ی حشر خود فراموشی را نتیجه‌ی خدا فراموشی معرفی می‌کند و با فراخواندن به تقوا به مقایسه‌ی اهل بهشت و دوزخ می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۸- ۲۰. يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ* وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُوْلَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ* لَا يَسْتَوِي اصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان را از [عذاب خدا حفظ کنید و هرشخصی باید بنگرد که برای فردای (رستاخیز) چه چیزی پیش فرستاده است؛ و خودتان را از [عذاب خدا حفظ کنید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.* و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، پس (خدا) خودشان را از یادشان برد؛ فقط آنان نافرمانبردارند.* اهل آتش و اهل بهشت مساوی نیستند، فقط اهل بهشت کامیاب‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات انسان را به یاد خدا و معاد فرا می‌خواند. یاد خدا و معاد موجب می‌شود که انسان در مورد کارهای خود بیندیشد و هدف هستی را در نظر بگیرد و اعمالش را پاک و خالص سازد و با تقوا شود. ۲. آیه‌ی هجدهم دو بار انسان را به تقوا فراخوانده است که ممکن است برای تأکید باشد؛ زیرا انگیزه‌ی پرهیز از گناهان آینده و توبه از گناهان گذشته و توجه به کیفیت و خلوص در عمل و انجام

کارهـای نیک، تقواست. «۱» ۳. در این آیـات از رسـتاخیز با عنوان «فردا» یاد شـده است؛ زیرا مرحله‌ی بعـد از تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰۴ دنیاست که به سرعت فرا می‌رسد و انسان باید در اندیشه‌ی آخرت باشد و به عبادت و کار نیک و انفاق بپردازد تا در آن روز به حال او سودمنـد شود. بـدین پنـج روزه اقامت مناز به انـدیشه تدبیر رفتن بساز از آن کس که خیری بماند روان دمادم رسد رحمتش بر روان (سعدی) ۴. مفسران جمله‌ی «فراموش کردن خدا موجب خودفراموشی می‌شود.» را چند گونه تفسیر کرده‌اند: الف) اگر انسان خـدا را فراموش کنـد، غرق در مادیات و شـهوات می‌شود و اسـتعدادهای روحی و هـدف آفرینش خود را فراموش می‌کند و از وجود خود برای رسیدن به سعادت و کمال استفاده نمی‌کند «۱» و از این رو در حـدّ حیوانات سقوط می‌کند. زنده‌ی دل‌مرده ندانی که کیست؟ آن که ندارد به خدای اشتغال (سعدی) ب) فراموشی خدا همراه با فراموشی صفات اوست؛ یعنی علم بی کران و هستی مستقل و بی‌انتهـا و نیازمنـدی موجودات به او فراموش می‌شود و در نتیجه انسان خود را مستقل و بی‌نیاز می‌شـمرد و واقعیت و هویت انسانی خود را فراموش می‌کند. «۲» ج) فراموشـی خدا موجب بیگانگی انسان از خدا و کمال مطلق و مستلزم نوعی ازخودبیگانگی است؛ چراکه انسان من واقعی واستعدادهای ذاتی خود برای کمال را فراموش می‌کند و به دنبال من کاذب می‌رود و خـود را در حیوانـات می‌بینـد و در خور و خواب و شـهوت غرق می‌شود؛ یعنی تصویر غلطی از خود پیـدا می‌کنـد و از خود بیگـانه می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰۵ ۵. خدافراموشـی موجب فراموش کردن دستورات او نیز می‌شود؛ از این رو این افراد به‌دستورات الهی توجه نمی‌کنند و نافرمان و فاسق می‌شوند. ۶. قرآن در هنگام سخن گفتن ادب گفتاری را کاملًا رعایت می‌کند از این رو نمی‌فرماید که: شـما خدا را فراموش نکنید، بلکه می‌فرماید: «هم‌چون افرادی نباشـید که خدا را فراموش کردند.» یعنی تا حد امکان باکنایه و مثال سـخن می‌گوید. ۷. قرآن در این آیـات سرنوشت اهل دوزخ و اهل بهشت را مقایسه کرده است؛ دوزخیان در آتش‌انـد ولی بهشتیـان در بهشت برین رسـتگارند. البته این دو سـرنوشت و فرجـام یکسـان نیست و هرکس دوست دارد که بهشـتی باشـد؛ پس بایـد تلاش کننـد که خدا را فراموش نکنند و فریب شـیطان را نخورند. ۸. از پیامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده که مقصود از اهل بهشت، پیروان ولایت امام علی علیه السـلام و مقصود از اهل دوزخ مخالفان او هسـتند که پیمان ولایت را شکستند و با او پیکار کردند. «۱» البته روشن است که این‌گونه احـادیث مصـداق روشن اهل بهشت و دوزخ را بیان می‌کنـد و موجب انحصار معنای آیه نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به یاد مبدأ و معاد باشید. ۲. شما تحت نظر خدا هستید پس خودنگه‌دار باشید. ۳. پرونده‌ی معـاد خـود را ورق بزنیـد و ببینیـد چـه کـار نیکی در آن ثبـت کرده‌ایـد. ۴. خدافراموشـی، مـوجب ازخودبیگـانگی می‌شـود. ۵. خودفراموشی موجب نافرمانی و فسق می‌شود. ۶. بهشتیان رستگار را هم‌ردیف دوزخیان نشمارید (چون از آنان برترند). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰۶ قرآن کریم در آیه‌ی بیستم و یکم سوره‌ی حشر به عظمت قرآن و تأثیر آن و اندیشه‌آفرینی مثال‌های آن اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۲۱. لَوْ أَنزَلْنَا هـذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ اگر (بر فرض) این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم، حتمـاً، آن را فروتن [و] از هراس خـدا متلاشـی می‌دیـدی؛ و این مثال‌هایی است که آنها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان تفکّر کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد آیه‌ی فوق دو تفسیر شده است: الف) مقصود آیه تشبیه و تمثیل است؛ یعنی اگر کوه‌های اسـتوار عقل و احساس داشـتند و آیات قرآن برآنها فرود می‌آمد، به لرزه درمی‌آمدند و متلاشـی می‌شدند، اما گروهی از انسان‌ها آن‌قدر سـنگ‌دل هستند که آیات قرآن را می‌شنوند و هیچ تغییری در آنهـا رخ نمی‌دهـد. ب) ظـاهر آیه مقصود است؛ یعنی تمـام موجودات جهان، از جمله کوه‌ها نوعی درک و شـعور دارنـد و اگر این آیات بر آنان فرود می‌آمـد تحت تأثیر قرار گرفته، از هراس خدا از هم متلاشـی می‌شدند. «۱» ۲. قرآن کریم کلام الهی است که از منبع وجـودی قدرتمنـد به سوی مخلوقـات ضـعیف فرود می‌آیـد و هم‌چون نیروی برق فشـار قوی است که دسـتگاه‌های ضـعیف را فرومی‌پاشد و می‌سوزاند؛ از این رو نیاز به واسطه‌ای برای گرفتن وحی است که این کار را پیامبر صلی الله علیه و آله انجام می‌دهد. ۳. در این آیه به دو تـأثیر قرآن اشاره شـده است: الف) طرف مقابل را فروتن می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـتم، ص: ۳۰۷ ب)

نفوذ می‌کند و هراس خدا را منتقل می‌کند و طرف مقابل را شیدا و بی‌قرار می‌سازد. ۴. در طول تاریخ اسلام، موارد زیادی از تأثیر فوق العاده‌ی آیات قرآن بر افراد نمایان شده است. گاهی شنیدن یک آیه‌ی قرآن سرنوشت یک نفر را تغییر داده است و بسیاری از افراد را به سوی اسلام جذب کرده و یا مسیر انسان‌های گناهکار را تغییر داده است. فقط افراد لجوج و معاند از نور قرآن بهره نمی‌برند و تأثیری در آنها ایجاد نمی‌شود. ۵. مثال‌های قرآن زمینه‌ساز تفکر بشر است؛ خدا این آیات و مثال‌ها را آورده تا ما بخوانیم و بیندیشیم و حقایق و اهداف آنها را درک کنیم. آری؛ یکی از روش‌های رشد فکر بشر و تربیت و پرورش او همین مثال‌هاست که جایگاه ویژه‌ای نیز در تعلیم و تربیت نوین دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدرت تأثیرگذاری قرآن بسیار زیاد است. ۲. افرادی که تحت تأثیر آیات قرآن قرار نمی‌گیرند دل و فکرشان از سنگ سخت‌تر است. ۳. آیات قرآن (در افرادی که در آن تأمل می‌کنند) موجب فروتنی و هراس از خدا می‌شود. ۴. در مثال‌های قرآن بیندیشید (و حقایق و اهداف آنها را درک کنید). *** قرآن کریم درآیات بیست و دوم تا بیست و چهارم سوره‌ی حشر به بیست نام خدا اشاره می‌کند و با معرفی صفات خدا می‌فرماید: ۲۲-۲۴. هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَانُ الرَّحِیمُ* هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ* هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰۸ او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست، دانای نهان و آشکار است، او گسترده‌مهرِ [و] مهرورز است.* او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست، فرمان‌روا، کاملًا پاک (از هر عیب و نقص،) سلامت بخش، ایمنی‌بخش، نگهبان، شکست‌ناپذیر، جبران کننده، بزرگ منش. منزّه است خدا از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند.* او خدایی است آفریننده، آفریدگار، چهره‌پرداز، نام‌های نیکو فقط از آنِ اوست؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای او تسبیح می‌گویند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به بیست نام و صفت خدا اشاره شده که دو صفت «توحید» و «عزیز» تکرار شده‌اند؛ بنابراین هجده نام وصفت بدون تکرار آمده است که عبارت‌انداز: توحید، علم به نهان و آشکار، رحمان، رحیم، مَلک، قدوس، سلام، مُومن، مُهیمن، عزیز، جبّار، متکبّر، خالق، بارئ، مُصوِّر، حکیم و کسی که دارای نام‌های نیکوست «۱» و همه‌ی موجودات تسبیح گوی او هستند. ۲. «سلام» به معنای سلامت از هرگونه عیب و نقص است و گاهی به معنای سلامت بخشیدن به دیگران آمده است. در این جا به هر دو معنا می‌توانند باشد؛ یعنی خدا از هر عیب و نقصی سلامت است و به دیگران ستم روا نمی‌دارد و همه از دست او سلامت هستند. «۲» ۳. «جبّار» در اصل به معنای اصلاح کردن چیزی با غلبه و قدرت است. این واژه اگر در مورد خدا به کار رود مدح او و به معنای جبران و اصلاح هر فساد است اما اگر در مورد بندگان به کار رود مذمت و به معنای کسی است که می‌خواهد تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۰۹ کمبود خود را با ادعای مقامی که شایسته‌ی آن نیست جبران کند. «۱» ۴. «متکبّر» به دو معنا به کار می‌رود: یکی در مورد خدا که به معنای کسی است که دارای بزرگی و کارهای نیک و صفات پسندیده است. و دوم در مورد غیر خدا که به معنای فردی کوچک و کم‌مقدار است که ادعای بزرگی کند و صفاتی را که ندارد به خود نسبت دهد؛ از این رو این صفت در مورد انسان‌ها مذموم است. ۵. «بارئ» گاهی به معنای ایجاد کننده‌ی چیزی کامل و موزون و گاهی به معنای ایجاد کننده‌ی چیزی بدون سابقه و نمونه‌ی قبلی است؛ یعنی خدا آفریدگاری است که مخلوقاتش را کامل و بدون سابقه و مدل قبلی آفریده است. «۲» ۶. در این آیات با نظام خاصی، به سه دسته از نام‌ها و صفات خدا اشاره شده است: در آیه‌ی اول به عمومی‌ترین اوصاف ذات، هم‌چون علم و اوصاف فعل هم‌چون رحمت اشاره شده است. و در آیه‌ی دوم به شئون حاکمیت الهی و در آیه‌ی سوم به مسأله‌ی آفرینش و مسائل مربوط به آن هم‌چون صورتگری اشاره شده است. ۷. در احادیث اسلامی به آیات آخر سوره‌ی حشر اهمیت زیادی داده شده است و در برخی روایات آمده است که اسم اعظم خدا در آیات آخر سوره‌ی حشر است و آنها را شفای همه‌ی دردها غیر از مرگ معرفی کرده‌اند و نیز قرائت این آیات را موجب آمرزش گناهان «۳» برشمرده‌اند. البته روشن است که این آثار وقتی براین آیات مترتب می‌شود که انسان آنها را بخواند و با

تـدبّر در آنهـا صـفات نیکوی الهی را در خود پیاده کنـد. تفسـیر قرآن مهر جلـد بیسـتم، ص: ۳۱۰ ۸. اذکاری که در ابتـدای سـیر و سلوک لازم است: امام خمینی رحمه الله در مورد آیات آخر سوره‌ی حشـر می‌نویسـند: پس از آن که دل را برای ذکر خـدا و قرآن شریف مهیّا نمود، آیـات توحیـد و اذکـار شـریفه‌ی توحیـد و تنزیه را بـا حضور قلب و حـال طهارت، تلقین قلب کنـد ... اگر آیات شریفه‌ی سوره‌ی حشر را از قول خدای تعالی (یا ایها الذین آمنوا اتقوا اللّه ...) که آیه‌ی ۱۸ است تا آخر سوره که مشتمل بر تذکر و محاسـبه‌ی نفس و محتوی بر مراتب توحیـد و اسـماء و صـفات است، در یک وقت فراغت نفس از واردات دنیایی، مثل آخر شب یا بین الطلوعین، با حضور قلب بخواند و در آنها تفکر کند، امید است- ان شاء اللّه- نتایج حسنه ببرد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نام‌ها و صفات نیکوی الهی را بشناسـید (و سعی کنید خود را هم‌رنگ او سازید). ۲. خدا را به یگانگی، علم بی کران و رحمت بشناسـید و به پاکی بستایید. ۳. خدا را به یکتایی، پاکی، سلامت‌بخشی، امنیت‌بخشی، محافظت، قدرتمندی، جبرانگری و بزرگ منشی بشناسید که هیـچ همتایی‌ندارد. ۴. خـدا آفریـدگاری بی‌مُـدل و صـورت‌گری قدرتمنـد و فرزانه است. ۵. هرنـام نیکـویی تصور کنیـد از آنِ خداست. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۱۱

بخش نهم: سوره‌ی ممتحنه

اشاره

یادآوری رستاخیز مقررات سیاست خارجی مقررات جنگ و صلح مقررات هجرت و بیعت تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۱۳

اول: سیمای سوره‌ی ممتحنه

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی «مُمتَحنه» در مدینه بر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۱۳ آیه، ۳۴۸ کلمه و ۱۵۱۰ حرف است. مُمتَحنه نـودمین سـوره‌ی قرآن در ترتیب نزول (بعـد از سوره‌ی «احزاب» و قبـل از سوره‌ی «نسـاء») و شصـتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «مُمتَحنه»، «امتحان» و «مَودَّت». نام‌گذاری این سوره به «ممتحنه» و «امتحان» به سبب آیه‌ی دهم آن است که درباره‌ی زنانی است که از مکه به مدینه پناهنده می‌شدند و پیامبر صـلی الله علیه و آله دسـتور داد تا آن زنان را امتحان کنند.

اهداف

مهم‌ترین هـدف‌های این سوره عبارت‌انـد از: ۱. تعیین محورها و مقررات سـیاست خارجی مسـلمانان در رابطه با دشـمنان اسـلام؛ ۲. یادآوری رستاخیز.

مطالب

مطالب مهم در این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. دوستی و دشمنی در راه خدا (در آیه‌ی ۱)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص:

۳۱۴ ۲. یـادآوری معاد (در آیات ۳ و ۱۳). ب) اخلاق: تـذکر برخی مسایـل تربیتی در کـل سوره. ج) احکام: ۱. مقررات هجرت، بیعت و ایمـان زنـان و ازدواج آنان (در آیات ۱۰- ۱۲)؛ ۲. برخی مقررات مبـارزه و صـلح (در آیات ۷- ۹). د) داسـتان: اشاره‌ای به داسـتان ابراهیـم و ایـن که او نمـونه و الگـوی نیکـویی برای مردم است (در آیـات ۴- ۵). ه) مطـالب فرعی: ۱. ممنوعیت دوسـتی با مشـرکان (در آیه‌ی ۱۲)؛ ۲. مسألـه‌ی زنـان مهـاجر از مکه به مـدینه و آزمایش ایمان آنان (در آیه‌ی ۷). ** * تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۱۵

دوم: محتوای سوره‌ی ممتحنه

قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی مُمتَحنه در مورد دوستی با دشـمنان خـدا هشـدار می‌دهـد و با یادآوری بی‌فایـده بودن این دوستی می‌فرماید: ۱. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَعَدُوَّکُمْ أَوْلِیَاءَ تُلْقُونَ إِلَیْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ کَفَرُوْا بِمَا جَاءَکُم مِنَ الْحَقِّ یُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِیَّاکُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّکُمْ إِن کُنتُم خَرَجْتُمْ جِهَاداً فِی سَبِیلِی وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِی تُسِرُّونَ إِلَیْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَیْتُمْ وَمَا أَعْلَنتُمْ وَمَن یَفْعَلْهُ مِنکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِیلِ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشـمن من و دشمن (خود) تان را دوست نگیرید؛ (شما طرح) دوستی با آنان می‌افکنیـد، در حالی که به آنچه از حق برای شـما آمـده کفر ورزیدنـد؛ فرسـتاده (ی خدا) و شـما را، به خاطر ایمانتان به خـدا که پروردگارتان است، بیرون می‌راننـد؛ اگر شـما برای جهاد در راه من و در طلب خشـنودی من بیرون آمده‌ایـد (با آنـان طرح دوستی نیفکنیـد.) به پنهـانی بـا آنـان دوستی می‌کنیـد در حـالی که من به آنچه پنهان می‌داریـد و آنچه آشـکار می‌کنید داناترم؛ و هرکس از شـما آن (کار) را انجام دهـد، پس به تحقیق، از راه درست گمراه شـده است. شأن نزول: حکایت کرده‌انـد که زنی از اهـل مکـهٔ به نـام ساره به مـدینه آمـد و از پیامبر لباس و مرکب خواست و یاران پیامبر صـلی الله علیه و آله به او عطا کردنـد، سپس مردی به نـام «حـاطِب» نـامه‌ای برای مشـرکان مکه نوشت و به آنـان هشـدار داد که پیامبر قصـد حمله به مکه را دارد و نامه را مخفیانه به آن زن داد تا به مشرکان برساند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۱۶ اما پیک وحی خبر این جاسوسی را به پیامبر صلی الله علیه و آله رساند و ایشان علی صلی الله علیه و آله را با چند نفر به تعقیب آن زن فرستاد و در راه او را یافتند سپس از آن شخص در مورد علت کارش پرسیدند. او گفت: خانواده‌ی من در مکه بـدون حامی‌انـد و خواسـتم با این خوش‌خـدمتی، خانواده‌ام محفوظ بمانند. اما از آن جا که حاطب از مجاهدان بدر بود، پیامبر صـلی الله علیه و آله او را بخشید و آیه‌ی فوق در این مورد فرود آمد و به مسـلمانان در مورد دوستی با دشـمنان هشدار داد. «۱» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. به چنـد علت نبایـد با دشـمنان دوستی کنید: الف) آنان دشـمن خدا هسـتند؛ ب) آنان دشمن شما هستند (و دشمن از دوستی‌ها سوء استفاده می‌کند و به شما ضربه می‌زند)؛ ج) آنان با حق مخالف‌اند و به عقاید حق شـما کفر می‌ورزند؛ د) در عمل با شـما مبارزه کرده و پیامبر صـلی الله علیه و آله و شـما را از مکه اخراج کرده‌اند؛ ه) شما با هدف جهاد و جلب خشنودی خدا از مکه به مدینه آمدید و ارتباط مخفی با دشمنان با این هدف سازگار نیست. ۲. مخفی کـاری در برابر خـدا سودی نـدارد و خـدا از آشـکار و پنهـان بـا خبر است و از کارهـای جاسوسان اطلاع دارد؛ پس از او بهراسـید و راه راست و صداقت را در پیش بگیرید. ۳. دوستی با دشـمنان خدا موجب انحراف و گمراهی می‌شود؛ چون انسان را از راه ایمان و اخلاص و تقوا بازمی‌دارد و به جامعه‌ی اسـلامی و خود انسان ضربه می‌زند و این بدترین انحراف و گمراهی برای مؤمن است. ۴. این آیه در مورد «حاطب» و ارتباطش با مشرکان مکه نازل شده است تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۱۷ ولی این قانون کلی را در مورد روابط خارجی مسلمانان بیان می‌کنـد که هیـچ مسلمانی نبایـد با دشـمنان خدا و اسـتکبار جهانی ارتباط و دوستی برقرار سازد؛ زیرا موجب گمراهی و ضربه زدن به جامعه می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سوابق دشمنان را به خاطر آورید و از دوستی با آنان بپرهیزیـد. ۲. ایمـان به خـدا و جلب رضـایت او و جهـاد در راه خـدا بـا دوستی دشـمنانش منافات دارد. ۳. بـا معیارهای الهی دوست انتخاب کنید (و در دوست گزینی دقت نمایید) (م). ۴. جاسوسی برای دشمن ممنوع است. ۵. علم بی کران الهی را به خاطر

آورید و از جاسوسی و دوستی با دشمنان بپرهیزید. ۶. جاسوسی و دوستی با دشمن موجب گمراهی می‌شود. *** قرآن کریم در آیات دوم و سوم سوره‌ی ممتحنه در مورد شدّت دشمنی دشمنان اسلام هشدار داده، با یادآوری رستاخیز می‌فرماید: ۲ و ۳. إِن يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ* لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ اگر شما را بیابند، دشمنان شما خواهند بود و دست‌هایشان و زبان‌هایشان را به بدی، به سوی شما می‌گشایند و کفر ورزیدن شما را آرزو دارند.* خویشاوندان شما و فرزندانتان در روز رستاخیز سودی برای شما نخواهند داشت؛ بین شما جدایی می‌اندازد و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دشمنی دشمنان اسلام ریشه‌دار و عمیق است، به طوری که اگر بر مسلمانان پیروز شوند به هیچ کسی رحم نمی‌کنند و با دست و زبان بدی می‌کنند؛ پس تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۱۸ دل‌سوزی و ارتباط مخفی با این دشمنان لجوج سزاوار نیست و سودی ندارد. ۲. خویشاوندان برخی از مسلمانان مدینه در مکه بودند و همین بهانه‌ای برای ارتباط مخفی برخی مسلمانان با مشرکان مکه می‌شد. در این آیه به این افراد هشدار داده شد که این خویشاوندان کافرکیش در آخرت از شما جدا می‌شوند و برای شما سودی نخواهند داشت. پس برای نجات آنان خود را به مشکل نیندازید و با کافران رابطه برقرار نکنید که خویشان کافر در دنیا و آخرت زحمت‌آفرین و بی‌سود هستند. ۳. در رستاخیز کافران به سوی دوزخ و مؤمنان به سوی بهشت می‌روند و از هم جدا می‌گردند و حتی خویشاوندان از هم جدا می‌شوند، بلکه از هم‌دیگر فرار می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دشمنان اسلام با مذاکره و ارتباط شما دست از دشمنی با شما برنخواهند داشت. ۲. دشمنان اسلام تا پای کفر شما ایستاده‌اند و اگر بر شما مسلط شوند بدتر می‌کنند. ۳. به خاطر خویشاوندان کافر تلاش نکنید که در رستاخیز سودی به حال شما ندارند. ۴. رستاخیز روز جدایی‌هاست. *** قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی ممتحنه ابراهیم علیه السلام و همراهان او را الگوی مسلمانان در بیزاری از دشمنان خدا معرفی می‌کند و با بیان برخی مناجات‌های ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: ۴ و ۵. قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَداً حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ* رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۱۹ به یقین، برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که همراه اویند (الگویی برای) پیروی نیکوست؛ هنگامی که به قومشان گفتند: «در واقع، ما نسبت به شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید تعهدی نداریم (آیین) شما را انکار می‌کنیم؛ و بین ما وبین شما دشمنی و کینه‌ی همیشگی آشکار شده است؛ تا این‌که به خدای یگانه ایمان آورید؛ جز سخن ابراهیم به پدر (مادرش یا عموی) ش (که گفت:) قطعاً، برای تو طلب آمرزش می‌کنم در حالی که مالک هیچ چیزی از طرف خدا برای تو نیستم. [ای پروردگار ما! فقط برتو توکّل کردیم و تنها به سوی تو بازگشتیم، و فرجام (همه) فقط به سوی توست.* [ای پروردگار ما! ما را (وسیله) آزمایش برای کسانی که کفر ورزیدند قرار مده و ما را بیامرز! [ای پروردگار ما! به‌راستی که تنها تو شکست‌ناپذیر [و] فرزانه‌ای. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که برای مسلمانان الگو و نمونه معرفی می‌کند؛ از جمله در سوره‌ی احزاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان الگو معرفی شده و اینک در این آیات ابراهیم علیه السلام و یاران او الگوی مسلمانان در بیزاری از دشمنان خدا معرفی شده‌اند. هر چند که همه‌ی پیامبران الگوی بشریت‌اند. ۲. ابراهیم علیه السلام از پیامبران بزرگ خداست که سراسر زندگی‌اش درس بندگی و تلاش در راه خدا و توحید است. او در برابر بت‌پرستان و مشرکان زمان خود ایستاد و از آنان بیزاری جست و فرمود: دشمنی ما با هم‌دیگر تمام نمی‌شود مگر آن که شما به خدای یگانه ایمان آورید. این ایستادگی و توحیدگرایی و بیزاری و تبری از دشمنان، الگوی همه‌ی مسلمانان در برخورد با دشمنان خداست. ۳. مقصود از کسانی که همراه ابراهیم علیه السلام بودند، یا یاران مؤمن اندکی بودند که در بابل و غیر آن به او ایمان آوردند و همراهان وفادار ایشان در هجرت تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲۰ به شام شدند و یا پیامبران هم‌عصر آن

حضرت که با او هم صدا شدند. آری؛ آنان الگوی یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستند. ۴. آزر پدرِ مادر یا عموی ابراهیم علیه السلام بود که فردی مشرک بود و احتمالًا ابراهیم علیه السلام در وجود او آمادگی برای ایمان آوردن دید، ولی او نگران بود که اگر ایمان آورد دوران بت‌پرستی‌اش چه خواهد شد. از این رو ابراهیم علیه السلام به او وعده داد که در پیشگاه خدا برای آزر استغفار کند، ولی چون آزر ایمان نیاورد ابراهیم علیه السلام هم برایش استغفار نکرد و از او دوری جست. «۱» ۵. در این آیه یک مورد از ارتباط محبت‌آمیز با دشمنان خدا استثنا شده است. چنانچه کسی مانند آزر تمایل به ایمان داشته باشد مصلحت آن است که با ارتباط وی را به ایمان تشویق کنیم. «۲» ۶. در مناجات ابراهیم علیه السلام با پروردگارش به چند مطلب اشاره شده است: الف) لزوم توکل بر خدا در مبارزه با دشمنان؛ ب) توبه و بازگشت به سوی خدا؛ ج) یاد معاد و فرجام نهایی همگان به سوی خدا؛ د) طلب آمرزش از خدای عزیز و حکیم، برای تمایلات احتمالی به سوی دشمنان خدا؛ ه) درخواست این که خدایا ما را گرفتار کافران نکن و مایه‌ی آزمایش و گمراهی آنان قرار نده. ۷. مقصود از «فتنه» شدن مؤمنان برای کافران، انجام کاری مانند ارتباط مخفیانه با دشمنان خداست که موجب تقویت کافران شود و یا تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲۱ این که مؤمنان شکست بخورند و در چنگ کافران گرفتار شوند و مایه‌ی آزمایش کافران گردند. ۸. اصل در روابط اجتماعی پیوند مکتبی است. اگر کسی دشمن مکتب ما بود باید با او قطع رابطه کنیم و اگر کسی ایمان آورد و پیوند مکتبی با ما داشت با او دوست باشیم. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که کسی که برای خدا دوست دارد و برای خدا دشمن دارد و برای خدا ببخشد، از کسانی است که ایمانش کامل شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در زندگی خویش الگوهای نیکو داشته باشید. ۲. ابراهیم و یاران او الگوی نیکویی برای مسلمانان در بیزاری از دشمنان خدا هستند. ۳. به دشمنان خدا پیام دهید که تا شما ایمان نیاورید ما با شما قطع رابطه می‌کنیم. ۴. آمرزش فقط به دست خداست. ۵. اگر در کسی تمایل به ایمان دیدید، می‌توانید با او رابطه برقرارکنید و او را تشویق کنید. ۶. با خدا مناجات کنید و بر او تکیه نمایید. ۷. آمرزش و دور شدن فتنه را از خدا بخواهید. ۸. ممکن است مؤمنان مایه‌ی آزمایش کافران شوند و براساس حکمت الهی به فتنه دچار شوند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲۲ قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی ممتحنه بار دیگر بر الگو بودن ابراهیم و همراهان او تأکید می‌کند و با بیان شرایط الگوپذیری از آنان می‌فرماید: ۶. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ به یقین، برای شما در (روش) آنان (الگویی برای) پیروی نیکوست، برای کسانی که به خدا و روز بازپسین امید دارند؛ و هر کس روی برتابد، پس (به خدا زیان نمی‌رساند؛ چرا) که تنها خدا توانگر [و] ستوده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام و یاران پراستقامت او الگوی توحیدگرایی و شرک‌ستیزی برای مسلمانان هستند و حتی دعاهای ابراهیم الگویی برای ماست. ۲. در این آیه به دو شرط الگوپذیران اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) امید به خدا و فضل او؛ ب) امید به آخرت و نجات در آن. آری؛ اگر کسی امید به مبدأ ومعاد داشته ودل به حق بسته باشد پیرو رهروان حق‌پرست هم‌چون ابراهیم می‌شود تا به فضل الهی و سعادت اخروی برسد، اما اگر کسی نقطه‌ی امید خود را از دست داده باشد و در اثر گناه و کج‌روی از خدا و رستاخیز نا امید و مأیوس شده باشد، گام به راه پیامبران الهی نمی‌گذارد و الگوپذیر نخواهد بود؛ زیرا امید به حق سرچشمه‌ی هرگونه حرکت است. ۳. در این آیه به بی‌نیازی و توانگری خدای ستوده اشاره شده است. او منبع وجود و سرچشمه‌ی هستی همه‌ی موجودات است پس نیازی به کسی و چیزی ندارد و اگر دستور می‌دهد که شما با دشمنان خدا رابطه نداشته باشید به خاطر خودتان است وگرنه ارتباط شما با دشمنان به او زیانی نمی‌رساند، بلکه موجب زیان خودتان می‌شود، چون اگر دشمنان بر شما مسلّط شوند به شما رحم نخواهند کرد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دنبال الگوهای نیکو (از پیامبران الهی) باشید. ۲. امید به مبدأ و معاد، شرط الگوپذیری از پیامبران است. ۳. هر کس از دستورهای الهی سرپیچی و با دشمنان او ارتباط برقرار کند، فقط به زیان خودش عمل کرده است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی ممتحنه با دل‌داری به مسلمانان در مورد آینده و روابط دوستانه با دشمنان می‌فرماید: ۷.

عَسَی اللَّهُ أَن یَجْعَلَ بَیْنَکُمْ وَبَیْنَ الَّذِینَ عَادَیْتُم مِنْهُم مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِیرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ امید است خدا بین شما و بین کسانی از آن (مشرک) ها که دشمنی دارید، دوستی قرار دهد؛ و خدا تواناست و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن جا که گروهی از خویشاوندان و خانواده‌های مسلمانان در مکه بودند، دستور قطع ارتباط با مکّیان برای آنان گران آمد. این آیه در صدد آن است که به مسلمانان امید دهد که در آینده‌ای نزدیک مشکل ارتباط شما حل می‌شود و دوباره رابطه‌ی دوستی بین مکه و مدینه برقرار می‌شود. ۲. در سال هشتم هجری این وعده‌ی قرآن تحقق یافت و مکه فتح شد و گروه زیادی از کافران مسلمان شدند و بقیه نیز تسلیم گشتند و ابرهای تیره‌ی دشمنی کنار رفت و رابطه‌ی دوستی و وصال برقرار شد. ۳. واژه‌ی «عَسی در موردی به کار می‌رود که امید به تحقّق چیزی باشد ولی شرایط تحقق آن هنوز حاصل نشده باشد. این واژه دلالت برجهل یا عجز گوینده ندارد، بلکه نوعی اعلام خبر مشروط و امیدبخش است، هم‌چون اعلام پیروزی مسلمانان و تبدیل شدن تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲۴ رابطه‌ی دشمنی آنان با مکیان به رابطه‌ی دوستانه و محبت‌آمیز که در شرایطی خاص تحقق یافت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به قدرت و لطف خدا اطمینان داشته و به آینده امیدوار باشید. ۲. خدا می‌تواند دشمنی‌ها را به دوستی تبدیل کند (پس ناامید نباشید). ۳. احتمال بدهید روزی رابطه‌ی شما با دشمنان محبت‌آمیز شود (پس به فکر آن روز باشید). *** قرآن کریم در آیات هشتم و نهم سوره‌ی ممتحنه به جواز ارتباط دوستانه با کافران غیر حربی و عدم جواز دوستی با کافران حربی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸ و ۹. لَایَنْهَاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِینَ لَمْ یُقَاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَلَمْ یُخْرِجُوکُم مِن دِیَارِکُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَیْهِمْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ* إِنَّمَا یَنْهَاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِینَ قَاتَلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَأَخْرَجُوکُم مِن دِیَارِکُمْ وَظَاهَرُوا عَلَی إِخْرَاجِکُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن یَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ خدا شما را نسبت به کسانی که درمورد دین با شما پیکار نکردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نراندند، منع نمی‌کند که به آنان نیکی کنید و نسبت به آنان دادگری نمایید؛ [چرا] خدا دادگران را دوست می‌دارد.* خدا شما را فقط از کسانی که در مورد دین با شما پیکار کردند و شما را ازخانه‌هایتان بیرون راندند و برای بیرون راندن شما هم‌دیگر را پشتیبانی کردند، منع می‌کند که با آنان دوستی کنید؛ و هرکس آنان را دوست داشته باشد، پس تنها آنان ستمکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات دشمنان اسلام و کافران به دو گروه تقسیم شده‌اند: تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲۵ الف) کافران حربی که با مسلمانان پیکار و آنان را از خانه‌هایشان اخراج کردند و یا افرادی که به این دشمنان کمک کردند و دشمنی خود را با اسلام و مسلمانان آشکار نموده‌اند. در این صورت مسلمانان وظیفه دارند که هرگونه رابطه‌ی دوستانه را با این کافران حربی قطع کنند. مصداق این گروه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله مشرکان مکه بودند و در عصر ما اسرائیل و یاوران آمریکا هستند که با مسلمانان فلسطینی می‌جنگند و آنان را از سرزمین‌شان اخراج می‌کنند و دولت آمریکا از آنان حمایت می‌کند. ب) کافران غیر حربی که با مسلمانان کاری نداشتند و اقدام به جنگ و تبعید و آزار مسلمانان نمی‌کردند و حتی گروهی از آنان پیمان صلح با مسلمانان بستند. مسلمانان می‌توانند رابطه‌ی دوستانه با کافران غیر حربی برقرار سازند و عادلانه با آنان رفتار کنند و حتی به آنان نیکی کنند (چراکه زمینه‌های جذب آنان به اسلام فراهم است). مصداق این گروه قبیله‌ی خُزاعه در صدر اسلام بود که پیمان ترک مخاصمه با مسلمانان داشتند. در عصر حاضر بسیاری از کشورهای کافر بی طرف هستند و با مسلمانان رابطه‌ی مسالمت آمیز دارند. ۲. این قانون کلی است که خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد حتی اگر عدالت نسبت به کافران باشد. ۳. دوستی با دشمنان و کافران حربی ظلم است؛ زیرا ارتباط دوستانه با دشمن ستم به خود و جامعه است و موجب سوء استفاده‌ی دشمنان و زیان یا شکست مسلمانان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ارتباط دوستانه‌ی مسلمانان با کافرانی که رفتار مسالمت‌آمیز با آنان تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲۶ دارند مانعی ندارد. ۲. نسبت به کافران غیر حربی رفتاری عادلانه داشته باشید و (اگر خواستید) به آنان نیکی کنید. ۳. خدا دادگران را دوست دارد اگرچه دادگری نسبت به کافران باشد. ۴. با کافران حربی رابطه‌ی دوستانه برقرار نکنید. ۵. با حامیان کافران حربی رابطه‌ی دوستانه نداشته باشید. ۶. ارتباط دوستانه با دشمنان اسلام، ستمکاری (به خود و جامعه) است. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی ممتحنه

قوانین مربوط به همسران کـافر و راه جبران خسارت آنان را بیان می کنـد و می‌فرمایـد: ۱۰. یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا جَاءَکُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِیمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَی الْکُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ یَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُم مَا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ أَن تَنکِحُوهُنَّ إِذَا آتَیْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِکُوا بِعِصَمِ الْکَوَافِرِ وَسْأَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلْیَسْأَلُوا مَا أَنفَقُوا ذلِکُمْ حُکْمُ اللَّهِ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ وَاللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ ای کسـانی که ایمان آورده‌ایـد! هنگامی که زنان با ایمان هجرت کنان نزد شـما آینـد، پس آنان را آزمایش کنید؛ خدا به ایمانشان داناتر است؛ و اگر آنان را مؤمن دانستید، پس آنان را به سوی کفّار برنگردانید؛ آن (زن) ها برای آن (کافران) حلال نیسـتند و آن (کافران) برای آن (زن) ها حلال نیستند و آنچه را (برای ازدواج با این زنان) مصرف کرده‌اند به آنان بدهیـد، و هیـچ گناهی بر شـما نیست که آنان را به ازدواج (خود) درآوریـد هنگامی که مهرشان را به آنان بدهید. و (عقد) حفظ کننـده‌ی زنان کافر را نگاه ندارید و آنچه را (برای ازدواج با آنان) مصـرف کرده‌اید در خواست کنید و (مردان کافر نیز) باید آنچه را (برای ازدواج با زنان مسلمان) مصـرف کرده‌انـد درخواست کننـد. این حکم خـداست که بین شـما داوری می کنـد؛ و خدا دانای فرزانه است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲۷ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که طبق صـلح نامه‌ی «حُدیَبیه» اگر کسـی از اهل مکه به مسـلمانان پناهنده می‌شد، باید او را بازمی گرداندند، ولی اگر کسی از مسلمانان به مکیان پناهنده می‌شد، لازم نبود او را بازگردانند. پس از انعقاد این صلح‌نامه زنی مسلمان از اهل مکه به نام «سبیعه» در همان سرزمین حُدیبیه به مسلمانان پیوست و همسر مشـرک او نزد پیـامبر صـلی الله علیه و آله آمـد و طبـق صـلح‌نامه درخواست بـازگشت همسـر خود راکرد. امـا آیه‌ی فوق فرود آمد ودسـتور داد زنان مهاجر را امتحان کنند و سوگند دهند و اگر ایمان آنان ثابت شد، آنان را به مکه نزد مشـرکان بازنگردانند. سپس آن زن را امتحان کردنـد و سوگنـد یاد کرد و نزد مسـلمانان ماند و مهریه‌ی او و خسارت شوهرش را دادند و پیامبر صـلی الله علیه و آله توضیـح داد که این بنـد از صـلح‌نامه مخصوص مردان پناهنده است. «۱» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در این آیه هفت قانون بیان شـده است. قـانون نخست در مورد زنـان مسـلمان مهـاجر است، امـا از آن جا که ممکن است زنان پناهنـده به مسـلمانان با انگیزه‌های غیر الهی، مثل کینه از شوهر یا علاقه به شـهر مدینه یا اهداف دنیوی دیگر مهاجرت کرده باشند، دستور می‌دهد که آنان را امتحان کنید و اگر واقعاً بـا انگیزه‌ی اسـلامی به سوی مسـلمانان آمده‌انـد، آن زنـان مهاجر را به سـرزمین کفر بازنگردانیـد و به عنوان عضوی از جامعه‌ی اسلامی بپذیرید. ۲. در این آیه در مورد روش امتحان زنان پناهنـده سـخنی گفته نشـده است، ولی مفسـران احتمال داده‌اند که امتحان آنان یا به وسـیله‌ی سوگنـد دادن آنها بوده که سوگند یاد کنند به خاطر ایمان خود مهاجرت کرده‌اند، نه اهداف دیگر و یا به وسـیله‌ی پیمانی بود که در آیه‌ی دوازدهم همین سوره‌ی تفسـیر قرآن مهر جلـد بیسـتم، ص: ۳۲۸ بیان شـده که طبق آن باید با پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان ببندند که راه شرک و گناه نپویند و تسلیم فرمان خدا باشند. «۱» روشن است که این امور نمی‌توانند ایمـان واقعی کسـی را کاملًا روشن سازنـد و احتمال دروغ گفتن وجود دارد، ولی از آن جا که عرب‌ها برای سوگنـد به خـدا احترام خاصی قایل بودند، معمولًا سوگند دروغ یاد نمی کردند. البته در هر عصری روش‌های خاصی برای امتحان وجود دارد و معیار اصلی اطمینان یافتن به وسیله‌ی قراین و شواهد از روش‌های مختلف امتحان است. ۳. پس از آن که زنان مسلمان از شوهران کافرشان جدا شدند، اگر در حالت عقد و قبل از عروسی باشد، بلا فاصله عقد فسخ می‌شود و اگر بعد از عروسی باشد، پس از گذشتن عدّه‌ی زن عقـد فسخ است و این زنان نیازی به طلاق ندارند. «۲» ۴. ایمـان و کفر در زنـدگی مشترک جمع نمی‌شود و زنان مؤمن برای مردان کافر حلال نیسـتند و مردان کافر نیز برای زنان مؤمن حلال نیسـتند و ازدواج آنان وحـدت‌آفرین نیست، پس بایـد از هم جـدا شوند. البته در صـدر اسـلام که هنـوز اسـلام ریشه‌دار نشـده بود، چنین حکمی اجرا نمی‌شـد، امـا پس از صـلح حـدیبیه و نزول آیه‌ی فوق، همسـران کافر ملزم شدنـد که در جامعه‌ی اسـلامی از هم‌دیگر جـدا شوند. ۵. از آن جـا که اصـل عـدالت و رعـایت حقوق افراد در جامعه‌ی اسـلامی ارزش والایی دارد، به زنان مسـلمان که از همسـران کافر خود جـدا می‌شونـد دسـتور می‌دهـد که مهریه‌ی آنان را برگرداننـد؛ چراکه جـدا شـدن از طرف زن بوده و باید خسارت مرد جبران شود. همان طور که اگر مردی مسـلمان از زن کافر خود

جدا شد، حق دارد که مهریه‌ی خود را پس بگیرد و این عدالت دوطرفه است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۲۹ ۶. هزینه‌ای که به مردان کافر پرداخت می‌شود، مسلماً شامل مهریه‌ی آنان می‌شود و برخی از مفسران احتمال داده‌اند که هزینه‌های دیگر را هم شامل شود. «۱» پرداخت کننده‌ی این مهریه نیز بیت المال مسلمانان است. «۲» البته این حکم در مورد همسران کافرانی است که مثل اهل مکه با مسلمانان پیمان صلح بسته‌اند. ۷. چنانچه زن کافر از مرد مسلمان جدا شود، باید عدّه نگه دارد و اگر فرزندی متولد شد مسلمان است. البته فقهای اسلام در مورد این که این حکم فقط شامل زنان مشرک می‌شود یا شامل کافران دیگر، هم‌چون مسیحیان و یهودیان نیز می‌شود اختلاف نظر دارند. ۸. در این آیه به دو صفت «علم» و «حکمت» الهی اشاره شده است. ذکر این دو صفت در پایان آیه اشاره به آن دارد که این احکام بر علم و حکمت پایه‌گذاری شده است، پس خطا ندارد و به مصلحت جامعه‌ی اسلامی است که به آنها عمل کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زنان مؤمن پناهنده را به دشمنان اسلام بازنگردانید و در قوانین مهاجرت، بین زنان و مردان تفاوت قایل شوید. ۲. هر ادعای ایمانی را نپذیرید، بلکه ایمان افراد را امتحان کنید (تا مطمئن شوید). ۳. همسر کافر، برای مرد و زن مسلمان، شایسته و حلال نیست و باید از او جدا شود. ۴. عدالت را در مورد دشمنان اسلام هم رعایت کنید و حقوق آنا را بپردازید، همان طور که حقّ خود را از آنان می‌گیرید. ۵. حقوق زنان در کشمکش با دشمنان پای‌مال نشود، اگر چه آن زنان کافر باشند. ۶. قوانین الهی براساس حکمت و علم است (پس آنها را اجرا کنید که به سود شماست). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳۰ قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی ممتحنه به قانون دیگری در مورد زنان کافر ولزوم جبران خسارت همسران مسلمانشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. وَإِن فَاتَكُمْ شَیءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَی الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِینَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُم مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ و اگر چیزی از (مهریه‌ی) همسران شما به سوی کفّار از دست شما رفت و (بر آنان پیروز شدید و غنیمت گرفتید و آنان را) مجازات کردید، پس کسانی را که همسرانشان (از دست) رفته‌اند، همانند آنچه (برای ازدواج با آنان) مصرف کرده‌اند (از غنایم) بدهید؛ و خودتان را از [عذاب خدایی که شما به او ایمان دارید حفظ کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل بیان شد که اگر مسلمانی همسر کافر داشت، آن زن کافر می‌تواند مهریه‌اش را باز پس دهد و از او جدا شود، همان طور که هر زن مسلمانی اگر خواست از مرد کافر جدا شود باید مهریه‌اش را باز پس دهد. مسلمانان به وظیفه‌ی خود عمل می‌کردند، ولی زنان کافر که از مردان مسلمان جدا می‌شدند معمولًا مهریه‌ی خود را باز پس نمی‌دادند. این آیه دستور داده که خسارت این مردان مسلمان را از غنایم جنگی جبران کنند. ۲. از روایات و تاریخ استفاده می‌شود که شش زن کافر از مردان مسلمان جدا شدند و به کفّار پیوستند و پیامبر صلی الله علیه و آله مهریه‌ی آنان را از غنایم جنگی جبران کرد و به شوهرانشان پرداخت تا توانایی ازدواج مجدد را پیدا کنند. ۳. مقصود از «مُعاقبه» در این آیه، پیروزی مسلمانان بر کفار یا مجازات آنان (و گرفتن غنایم از آنها) و یا نوبت مسلمان شدن و یا رسیدن به عاقبت و پایان کار است که در هر صورت به پیروزی مسلمانان و به دست آوردن غنایم اشاره دارد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳۱ ۴. از آن جا که در تقسیم غنایم و مسائل مالی، احتمال انحراف و بُخل هست و ممکن است افرادی که زنان کافر خود را از دست داده‌اند مهریه را زیادتر بگویند، یا برخی از مسلمانان در مورد اختصاص سهمی به آنان بخل ورزند، این آیه مردم را به ایمان و تقوا دعوت می‌کند و در مورد مخالفت فرمان الهی هشدار می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در کشمکش جامعه‌ی اسلامی با دشمنان، خسارت افراد مسلمان را جبران کنید. ۲. در هنگام رسیدن به غنایم، به یاد افراد خسارت دیده‌ی جامعه باشید و جبران زیان آنان را در اولویت قرار دهید. ۳. برای افرادی که همسرانشان را در جنگ از دست می‌دهند وسیله‌ی ازدواج مجدد را فراهم کنید. ۴. به ایمان به خدا توجه کنید و تقوا پیشه سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی ممتحنه به بیعت زنان با رهبر اسلام و شرایط آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۲. یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ یُبَایِعْنَكَ عَلَی أَن لَا یُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَیْئاً وَلَا یَسْرِقْنَ وَلَا یَزْنِینَ وَلَا یَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا یَأْتِینَ بِبُهْتَانٍ یَفْتَرِینَهُ بَیْنَ أَیْدِیهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا یَعْصِینَكَ فِی مَعْرُوفٍ فَبَایِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو می‌آیند درحالی که با تو بیعت کنند که هیچ چیز

را شریک خدا قرار ندهند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندانشان را نکشند و هیچ تهمتی را نیاورند که آن را بین دست‌هایشان و پاهایشان بربافته‌اند و در هیچ [دستور] پسندیده‌ای نافرمانی تو را نکنند، پس با آنان بیعت کن و برای آنان از خدا طلب آمرزش کن؛ که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳۲ شأن نزول: در روز فتح مکه پیامبر صلی الله علیه و آله برکوه صفا قرار گرفت و از مردان مکه بیعت گرفت. در این هنگام گروهی از زنان مکه که ایمان آورده بودند برای بیعت خدمت ایشان رسیدند. آیه‌ی فوق فرود آمد و شرایط بیعت آنان را بیان کرد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که از آنان بیعت بگیرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو بار از زنان بیعت گرفت: اول در سال ششم هجری پس از صلح حدیبیه و دوم هنگام فتح مکه که آیه‌ی فوق به جریان بیعت دوم در فتح مکه اشاره دارد. بیعت گرفتن از زنان نوعی شخصیت دادن به آنها در جامعه و گام بلندی برای احیای شخصیت زن در آن عصر و محیط به شمار می‌آمد؛ یعنی اسلام زنان را به عنوان نیمی از پیکر جامعه مسئول و طرف قرارداد رهبر جامعه می‌داند. ۲. روش بیعت گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله از زنان دوگونه حکایت شده است: اول آن که پیامبر صلی الله علیه و آله ظرف آبی قرارداد و دست خود را در یک طرف ظرف گذاشت و هر زنی که می‌خواست بیعت کند از طرف دیگر ظرف دست خود را داخل آب می‌کرد. دوم آن که پیامبر صلی الله علیه و آله از روی لباس با زنان بیعت کرد (تا دست ایشان با بدن نامحرم تماس مستقیم نداشته باشد) «۲». ۳. چرا در این آیه شش شرط برای بیعت با زنان بیان شده است، در حالی که بیعت مردان با دو شرط ایمان و جهاد انجام می‌گرفت؟ آنچه در مورد مردان (در آن محیط و شرایط) مهم بود همان ایمان و جهاد بود، ولی در مورد زنان که جهاد برعهده‌ی آنان نبود شرایط دیگری تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳۳ ذکر شده که مهم‌ترین آنها مسأله‌ی توحید است و سپس عوامل انحراف زنان آن عصر، هم‌چون زنا و فرزند کشی مطرح شد تا جامعه پاک گردد. ۴. مقصود از سرقت، تهمت و نافرمانی، مطلق این گناهان است و شامل انواع سرقت‌ها هم‌چون سرقت از همسر و دیگران و انواع تهمت‌ها هم‌چون انتساب بچه‌های سر راهی به شوهر و انواع نا فرمانی هم‌چون نوحه‌گری زنان برای مردگان با صدای بلند و گریبان چاک‌زدن و صورت خراشیدن می‌شود. پس اگر مصادیقی هم‌چون موارد فوق در کلمات مفسران آمده از باب نمونه‌های رایج در آن زمان است و معنای آیه منحصر در این موارد نمی‌شود. ۵. منظور از کشتن فرزندان، سقط جنین یا زنده به گور کردن آنها بود که در زمان جاهلیت رواج داشت، و در اسلام ممنوع شد. مبارزه با این عادت جاهلی و دفاع از حقوق کودکان یکی از خدمات اسلام به جامعه‌ی بشری بود، ولی متأسفانه در جاهلیتِ قرن بیست و یکم میلادی باردیگر این سنت جاهلی در غرب احیا شده و از سقط جنین دفاع می‌شود و حقوق کودکان بی‌گناه پای‌مال می‌گردد. ۶. در این آیه اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله را مقیّد به «معروف»، یعنی پسندیده و شایسته بودن دستور پیامبر صلی الله علیه و آله کرده است. البته پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم بود و دستور غیر شایسته‌ای از او صادر نمی‌شد پس نیازی به این قید نداشت، اما بیان این قید برای اطاعت از رهبران غیر معصوم لازم بود؛ یعنی زمام‌داران اسلامی باید از الگوی پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کنند و دستورات آنها مطابق حق و قوانین اسلامی باشد وگرنه لازم نیست که مردم از آن دستورات پیروی کنند، همان طور که امام علی علیه السلام به مردم مصر نوشت که از فرمان‌های مالک اشتر که مطابق حق است پیروی کنید. «۱» ۷. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که برای زنان مؤمن بیعت کننده دعا و استغفار کند و آمرزشگری و رحمت الهی را گوش‌زد می‌کند که تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳۴ نوعی وعده‌ی آمرزش و لطف است. آری؛ دعای پیامبر در مورد امتش مستجاب و مؤثر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی به زنان جامعه شخصیت بدهند و باآنان پیمان ببندند. ۲. مسئولیت‌های زنان را در قالب عهدنامه‌های اجتماعی به آنان گوش‌زد کنید. ۳. توحید سرلوحه‌ی برنامه‌ی اجتماعی زنان باشد. ۴. سرقت، زنا، تهمت، فرزندکشی و نافرمانی رهبر، از ساحت زنان مؤمن به دور است. ۵. از دستورات شایسته‌ی رهبران الهی سرپیچی نکنید. ۶. رهبران الهی برای زنان مؤمنِ مسئولیت‌شناس دعا کنند. ۷. دعای رهبر اسلام در مورد مردم پذیرفته می‌شود و استغفار او موجب آمرزش الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم

سوره‌ی ممتحنه با اشاره به صفات دشمنان خدا، به ممنوعیت دوستی با آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسوا مِنَ الْآخِرَةِ كَما يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با گروهی که خدا برآنان خشم گرفته، دوستی نَکنید؛ به یقین، آنان از آخرت ناامیدند، همان گونه که کفّار اهل قبرها ناامید شدند. شأن نزول: حکایت شده که برخی از فقیران مسلمان مدینه اخبار مسلمانان را به یهودیان می‌رساندند و در عوض از میوه‌های آنان می‌گرفتند. آیه‌ی فوق فرود آمد و این کار را ممنوع اعلام کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از قومی که مورد خشم خدا قرارگرفته اند چه کسانی هستند؟ برخی مفسران پاسخ داده‌اند که مقصود یهودیان‌اند؛ چون در برخی آیات قرآن خشم خدا برآنان یادآوری شده است. «۱» ولی از آن جا که در قرآن به خشم خدا در مورد منافقان هم اشاره شده است، «۲» می‌توان گفت که معنای آیه وسیع است و شامل یهود، منافقان و همه‌ی دشمنان خدا می‌شود. ۲. مسلمانان حق ندارند با این دشمنان خدا که مورد خشم او قرارگرفته‌اند، ارتباط دوستانه بر قرار سازند؛ چراکه آنان از این دوستی سوء استفاده کرده، اسرار مسلمانان را کشف می‌کنند و به آنان ضربه می‌زنند. ۳. این آیه ویژگی دشمنان خدا را که مورد خشم او قرار گرفته‌اند، ناامیدی از آخرت برمی‌شمارد. آری؛ آنان هم‌چون کافران در گور که از همه چیز مأیوس‌اند «۳» از نجات و رستگاری و ورود در بهشت ناامیدند و همین ناامیدی موجب می‌شود که به هر جنایتی دست بزنند و از این‌رو خطرناك و غیر قابل اعتمادند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با کسانی که مورد خشم الهی اند دوستی نکنید (که مورد خشم قرار می‌گیرید). ۲. با افرادی که از آخرت نا امیدند دوستی نکنید (که به شما ضربه می‌زنند). ۳. ایمان با دوست داشتن دشمنان خدا ناسازگار است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳۷ بخش دهم: سوره‌ی صفّ یادآوری ایمان و معاد دوستی جهاد و مجاهدان پیروزی نهایی اسلام بر ادیان دیگر بشارت مسیح علیه السلام در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳۹

بخش دهم: سوره‌ی صفّ

اشاره

یادآوری ایمان و معاد دوستی جهاد و مجاهدان پیروزی نهایی اسلام بر ادیان دیگر بشارت مسیح علیه السلام در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۳۹

اول: سیمای سوره‌ی صف

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی «صف» در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۱۴ آیه، ۲۲۱ کلمه و ۹۰۰ حرف است. این سوره صد و دهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «تغابن» و قبل از سوره‌ی «فتح») و شصت و یکمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «صَفّ»، «حوارّیین» و «عیسی». سبب نام‌گذاری این سوره به «صف»، آیه‌ی چهارم این سوره است که می‌گوید خدا رزمندگانی را که هم‌چون صفی محکم می‌جنگند، دوست دارد و از آن جا که در آیات ششم و چهاردهم این سوره از عیسی و یاران او سخن گفته شده، این سوره را «عیسی» و «حواریین» نامیده‌اند.

فضلیت

از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «هر کس سوره‌ی صف را به صورت مستمر در نمازهای واجب و مستحب قرائت کند، خدا او را در صف فرشتگان و پیامبران قرار می‌دهد. ان شاء الله». «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در آن تدبّر و تفکر کنند و به محتوای آن عمل نمایند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۴۰

ویژگی

در آیه‌ی ششم این سوره از قول عیسی علیه السلام بشارت آمدن پیامبری داده شده که نام او احمد است.

اهداف

اساسی‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. تشویق به ایمان و جهاد در راه خدا؛ ۲. نوید پیروزی مجاهدان و پیروزی نهایی اسلام بر ادیان دیگر.

مطالب

مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان تسبیح همه‌ی موجودات برای خدای عزیز و حکیم (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. یادآوری معاد و پاداش‌های مجاهدان در رستاخیز (در آیات ۱۰- ۱۲). ب) اخلاق: ۱. دعوت به هماهنگی بین گفتار و کردار و پرهیز از سخنان بدون عمل (در آیات ۲ و ۳)؛ ۲. دعوت به بخشش اموال در راه خدا (در آیه‌ی ۱۱). ج) داستان: ۱. گزارشی از بشارت مسیح علیه السلام به ظهور پیامبر اسلام (در آیه‌ی ۶)؛ ۲. اشاره‌ای به سرگذشت یاران و حواریون مسیح علیه السلام (در آیه‌ی ۱۴)؛ ۳. شرح پیمان‌شکنی بنی اسرائیل و سخنان موسی علیه السلام به آنان (در آیه‌ی ۵). د) مطالب فرعی: ۱. تضمین پیروزی اسلام بر همه‌ی ادیان دیگر (در آیات ۷- ۹)؛ ۲. بیان محبت خدا نسبت به مجاهدان در راهش (در آیه‌ی ۴)؛ ۳. بیان پاداش‌های دنیوی و اخروی مبارزان (در آیات ۱۰- ۱۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۴۱

دوم: محتوای سوره‌ی صف

قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی صف به تسبیح گویی همه‌ی موجودات و دو صفت خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از تسبیح همه‌ی موجودات، آسمان‌ها و زمین چیست؟ در مورد تسبیح گویی آسمان‌ها و زمین و همه‌ی موجودات جهان، ذیل آیه‌ی اول سوره‌ی حدید توضیح دادیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در جهان زمزمه‌ای برپاست و همه‌ی موجودات (به زبان حال و قال) مشغول تسبیح خدایند (پس شما نیز از تسبیح و یاد او غافل نشوید). ۲. کارهای خدا حکیمانه و شکست‌ناپذیر است. *** قرآن کریم در آیات دوم تا چهارم سوره‌ی صف به گویندگان بدون عمل هشدار داده، رزمندگان با عمل و استقامت را محبوب خدا معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۲- ۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ* كَبُرَ مَقْتاً عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ* إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفّاً كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۴۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا می‌گویید آنچه را که انجام نمی‌دهید؟!* نزد خدا (موجب) خشم بزرگ است این‌که بگویید آنچه را که انجام نمی‌دهید.* در حقیقت، خدا کسانی را دوست می‌دارد که در راهش صف کشیده، جهاد

می کننـد؛ چنان‌که گویی آنان ساختمان محکم (سُربی) هسـتند. شأن نزول: داسـتان‌های متعـددی در مورد نزول آیات فوق حکایت کرده‌اند، که مضـمون بیش‌تر آنها این است که گروهی از مؤمنان می گفتند: ما در جنگ‌های آینده‌ی اسلام پای‌مردی می کنیم و به دشـمن پشت نمی کنیم، ولی به گفته‌ی خود وفا نکردند و در جنگ احد فرار کردند و آیات فوق فرود آمد و آنان را سـرزنش کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخاطب این آیات مؤمنانی هستند که ایمانشان به سرحدّ کمال نرسیده و گفتار و کردارشان یکسان نیست. این آیـات در مورد افرادی خـاص و فراریـان جنـگ احـد نـازل شـده است، امـا شأن نزول موجب انحصار معنای آیه نمی‌شود، بلکه سرزنش ایـن آیـات شامـل همـه‌ی افرادی می‌شـود که سخنی می گوینـد ولی طبـق آن عمـل نمی کننـد که شامـل عهـدها، نـذرها و وعده‌های افراد می‌شود. ۲. در این آیـات عمـل نکردن به گفتار را موجب خشم شدیـد و بزرگ خـدا معرفی کرده است «۲» که در مجـازات و عـذاب او ظاهر می‌شود. ۳. عمـل نکردن به گفتـار عوامـل روان‌شـناختی دارد؛ گـاهی به خاطر آن تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۴۳ است که انسان از ابتدا تصـمیم برانجام کاری ندارد ولی می گوید که انجام می‌دهد؛ این نوعی نفاق است. و گاهی عمل نکردن به گفتار به خاطر ضـعف اراده است؛ یعنی از ابتـدا تصـمیم بر عمل دارد ولی بـدان عمل نمی کند. البته هر دو قسم فوق ناپسند و مستحق سـرزنش است و لازم است که چنین انسـانی خود را معالجه کنـد. ۴. از امـام صادق علیه السـلام روایت شـده که دانشـمند کسـی است که عملش گفتارش را تأیید کند و هرکس عملش مطابق گفتارش نباشد، دانشمند نیست. «۱» و نیز در حدیث دیگری از همان امام روایت شـده که وعـده‌ی مؤمن به برادرش نوعی نذر است، هر چند کفاره ندارد؛ و هرکس خلف وعده کند با خـدا مخـالفت کرده و خویش را در معرض خشم او قرار داده است، همـان طور که قرآن در آیه‌ی دوم و سوم سوره‌ی صف فرموده است. «۲» ۵. در آیه‌ی چهارم خـدا می‌فرمایـد که رزمنـدگان را دوست دارد اما رزمنـدگانی که: اولًا، اهل عمل باشـند و جهاد آنان فقط در گفتار خلاصه نشود؛ ثانیاً، در راه خـدا پیکار کنند، یعنی هر نوع جنگی با هرهدفی محبوب خدا نیست؛ ثالثاً، بدون تفرقه در صـف واحـدی مبارزه کننـد و هم‌چـون ساختمـان سربی محکم باشـند. «۳» تفسـیر قرآن مهر جلـد بیسـتم، ص: ۳۴۴ ۶. محبوبیت رزمنـدگان نزد خـدا به چه معنـاست؟ امـام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماینـد: « «إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ ...» محبوبیت نزد بارگاه احدی را کدام فیلسوف توانا یا عارف علمی بزرگ دانا می‌تواند درک کند تا از آن سخن بگوید و یا به سخن قلم درآورد؟ آیا این «حُب نـافله» است که در نتیجه‌ی تقرب به آن، بنـده‌ی خـاکی، پـا بر سـر ملک و ملکوت اعلا نهـد و حق جلّ و علا با جاذبه‌ی غیبی خـویش سـمع و بصـر و قلب او شـود ... یـا «قرب فریضه» است که د رآن شـخص و شخصـیت محو شود و صـعق رخ دهـد و خود و خودی از میـان برود و کثرت به تمـام معنـا رخت بربنـدد و نه چشـمی باشـد و نه گوشـی و نه بـاطنی و نه ظـاهر ... «۱» ۷. این آیات دشـمنان اسـلام را به سـیلابی ویرانگر تشبیه کرده که لازم است مجاهـدان هم‌چون ساختمـانی سـربی و سـدّی پولادین و محکم در برابرآنها بایسـتند، البته سدّی که هیچ شکافی در آن نباشد. ۸. آنچه موجب وحدت صف مجاهدان اسـلام می‌شود وحدت هدف و عقیده است. و این در سایه‌ی تربیت صـحیح اسلامی و احیای فرهنگ قرآن تحقق می‌یابد. آری؛ وحدت صفوف مجاهدان اسلام در جهان امروز بیش از هر زمان دیگر لازم است و باید مسـلمانان با رعایت این آموزه‌ی وحدت‌بخش قرآنی در برابر استکبار جهانی و دشـمنان اسـلام بایسـتند و دست استعمار و استثمار را از سرزمین‌های اسلامی کوتاه کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر اهل عمل نیستید سخن آن را هم نگوییـد. ۲. مؤمن باید سـخن و کردارش مطابق هم باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیسـتم، ص: ۳۴۵ ۳. سخن خالی از عمـل (گنـاه بزرگی است که) موجب خشم خـداست. ۴. رزمنـدگان هـدفی الهی داشـته باشـند تا محبوب خدا شوند. ۵. رزمندگان اسلام در برابر دشمن صفی متحد و پولادین داشته باشند تا محبوب خدا شوند. ۶. گویندگان بدون عمل خدا را به خشم می‌آورند و رزمندگان اهل عمل دوستی او را جلب می کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی صف به سـرگذشت موسـی علیه السلام و قوم دگرآزار و منحرف او و فرجام آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۵. وَإِذْ قَالَ مُوسَی لِقَوْمِهِ یَاقَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِی وَقَد تَعْلَمُونَ أَنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِینَ و (یادکن) هنگامی را که موسـی به قومش گفت: «ای قوم [من !

چرا آزارم می‌دهید، در حالی که به یقین می‌دانید که من فرستاده‌ی خدا به سوی شما هستم؟!» و هنگامی که (از حق) منحرف شدند، خدا دل‌هایشان را منحرف ساخت؛ و خدا گروه نافرمان را راه‌نمایی نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قوم بنی‌اسرائیل نمونه‌ای از جدایی گفتار و عمل به شمار می‌آیند. آنان که به دنبال پیامبری الهی بودند پس از آمدن موسی علیه السلام به زبان به او ایمان آوردند ولی در عمل بهانه‌جویی‌ها کردند و در هنگام جنگ به موسی علیه السلام می‌گفتند: تو با خدایت برو و بجنگ «۱» و گاهی با نسبت‌های ناروا موسی علیه السلام را آزار دادند ولی خدا موسی علیه السلام را مبرا ساخت. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۴۶ ۲. هدایت و گمراهی به دست خداست اما مقدمات و زمینه‌های آن به وسیله‌ی کردار و عقیده‌ی خود انسان آماده می‌شود؛ کسی که از حق منحرف می‌شود و راه فسق و نافرمانی در پیش می‌گیرد، زمینه‌ی گمراهی خویش را فراهم می‌کند و خدا توفیق هدایت را از او سلب و او را محروم می‌سازد. ۳. اگر کسی بعد از علم و ایمان به نبوّت یک پیامبر او را آزار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده که موجب سلب توفیق هدایت و باعث گمراهی او می‌شود و شایسته‌ی سرزنش است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آزار رهبران الهی، انحراف از حق و فسق موجب گمراهی می‌شود. ۲. هدایت با توفیق الهی حاصل می‌شود، ولی زمینه‌سازی آن به دست خود شماست. ۳. بنی اسرائیل قومی دگرآزارند که حتی آگاهانه پیامبران الهی را اذیت می‌کردند. *** قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی صف به سرگذشت عیسی علیه السلام و مژده‌ی آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و برخورد بنی اسرائیل با او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَابَنِى إِسْرَائِيلَ إِنِّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُم مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَىَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَمُبَشِّراً بِرَسُولٍ يَأْتِى مِن بَعْدِى اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هذَا سِحْرٌ مُبِينٌ و (یادکن) هنگامی را که عیسی، پسر مریم، گفت: «ای بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب)! در واقع من فرستاده‌ی خدا به سوی شمایم؛ در حالی که مؤید آنچه از تورات که پیش از من بوده و مژده‌آور فرستاده‌ای هستم که بعد از من می‌آید [و] نام او احمد است.» و [لی هنگامی که با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) به سراغشان آمد، گفتند: «این سحری آشکار است.» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۴۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم معمولًا عیسی علیه السلام را به نام مادرش یعنی «عیسی بن مریم» می‌خواند تا روشن شود که او انسان است و مادر دارد و هرگونه شبهه‌ای در مورد خدا بودن او از بین برود. ۲. در این آیه به پیامبر بودن عیسی علیه السلام اشاره شده و او را ادامه دهنده‌ی خط رسالت موسی علیه السلام و تأیید کننده‌ی تورات و بشارتگر پیامبر بعدی معرفی می‌کند. این مطالب روشن می‌سازد که عیسی علیه السلام حلقه‌ای از سلسله‌ی پیامبران است و پیامبران قبل و بعد خود را معرفی و تأیید کرده است. بنابراین کسانی که او را خدا یا پسر خدا می‌دانند به او تهمت زده‌اند. ۳. حضرت عیسی علیه السلام به آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بشارت داد و حتی نام او را برای بنی اسرائیل بیان کرد؛ از این رو گروهی از مسیحیان و یهودیان قبل از اسلام به سرزمین مدینه آمدند و منتظر ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شدند اما پس از آن که پیامبر اسلام با همان نام و نشانه‌ها و معجزات ظهور کرد، گروهی از آنان به خاطر تعصّب‌های بی‌جا و منافع شخصی در برابر او ایستادند و وی را ساحر خواندند. «۱» ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از کودکی دو نام «محمد» و «احمد» داشت؛ جدّش عبدالمطلب او را محمد خواند و مادرش آمنه او را احمد نامید و به هر دو نام مشهور بود و خوانده می‌شد و حتی در اشعار ابوطالب و حسّان بن ثابت نام احمد آمده است «۲» و هنگامی که نام احمد در آیه‌ی فوق اعلام شد، اهل کتاب مدینه آن را انکار نکردند. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۴۸ ۵. در انجیل یوحنّا در سه مورد بر کلمه‌ی «فارقلیط» تکیه شده «۱» که در متن یونانی «پیرکلتوس» و در متن سریانی «پارقلیطا» است، به معنای شخص مورد ستایش (معادل احمد)، ولی در ترجمه‌های جدید به «تسلّی دهنده» ترجمه شده است. «۲» یکی از این بشارت‌ها این است: من از پدر خواهم خواست و او «تسلّی دهنده» دیگر به شما خواهد داد که تا ابد با شما خواهد ماند.» «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عیسی علیه السلام فرزند مریم و پیامبر خدا بود (نه خدا یا پسر خدا). ۲. عیسی علیه السلام وعده‌ی آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را داده و او را با نام و نشان معرفی کرده بود. ۳. بنی اسرائیل آگاهانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را انکار کردند (پس امیدی به آنان نیست). ۴. همچون

بنی‌اسرائیل آگاهانه حق را انکار نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی صف به ستمکاران دروغ‌پرداز و ناسپاسی آنان در برابر نعمت اسلام و فرجامشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَهُوَ یُدْعَی إِلَی الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۴۹ و چه کسی ستمکارتر است از کسی که برخدا دروغ بسته، در حالی که او به سوی اسلام فراخوانده می‌شود؟! و خدا گروه ستمکار را راه‌نمایی نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بنی اسرائیل با این که بشارت آمدن پیامبر اسلام به آنان رسیده بود و حتی نام او را می‌دانستند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با معجزات و دلایل به سراغ آنان آمد و آنها را به اسلام دعوت کرد، لجوجانه او را انکار نمودند و با این کار به خود و دیگران ستم کردند. ۲. بنی اسرائیل به دروغ برخدا تهمت بستند. آنان می‌دانستند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از طرف خداست و آنچه می‌گوید وحی است و معجزات او واقعی است، ولی آنها را سحر خواندند، این نه تنها تهمت به پیامبر اسلام بلکه تکذیب مصدر وحی و معجزات بود؛ از این‌رو آیه آن را دروغ بستن و تهمت به خدا خواند. ۳. ستم بنی اسرائیل به خودشان آن بود که از رشد و کمال و سعادت و هدایت بازماندند و ستم آنان به جامعه آن بود که با تهمت زدن و انکار نبوّت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برخی مردم را به تردید انداختند و از نور هدایت دور کردند. از این رو این بنی اسرائیل ستمکارترین مردم شدند. ۴. هدایت به دست خداست، اما اگر کسی ستمکاری کند، زمینه‌ی استفاده از نور هدایت الهی را از بین می‌برد و هدایت نمی‌شود و در گمراهی باقی می‌ماند. ۵. استفاده نکردن از نعمت اسلام و تهمت زدن به خدا و پیامبر بزرگ‌ترین ستم است و موجب محرومیت انسان از نور هدایت می‌شود. ۶. در قرآن کریم پانزده بار تعبیر «ستمکارترین» به کار رفته است که شاید محور جامع همه‌ی آنها تکذیب آیات الهی و مانع شدن مردم از راه حق باشد، که ستمی بالاتر از این‌ها نیست. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دروغ پردازی و ناسپاسی، ستمکاری است. ۲. ستمکاری مانع هدایت است. ۳. به خدا دروغ نبندید و در برابر نعمت اسلام ناسپاسی نکنید. *** قرآن کریم در آیات هشتم و نهم سوره‌ی صف به تلاش بیهوده‌ی کافران برای خاموش ساختن نور خدا و پیروزی نهایی دین حق اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸ و ۹. یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ* هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ [کافران می‌خواهند تا نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش سازند؛ درحالی که خدا کامل کننده‌ی نور خویش است، و گرچه کافران ناخشنود باشند.* او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه‌ی دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون آیه‌ی هشتم سوره‌ی صف، در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی توبه و مضمون آیه‌ی نهم سوره‌ی صف، در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی توبه و آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی فتح تکرار شده است. برخی نکات ریز این آیات با هم تفاوت دارد، ولی پیام اصلی آیات همگون است و آن پیروزی نهایی اسلام بر جهان و شکست نهایی کافران و مشرکان است. تکرار این مطلب نشان دهنده‌ی اهمیت آن است. آری همه‌ی توطئه‌های کافران، هم‌چون تهمت‌های آنان بر پیامبر صلی الله علیه و آله، محاصره‌ی اقتصادی، تحمیل جنگ‌ها، نفاق، ایجاد اختلاف بین مسلمانان و تقسیم کشور اسلام به بیش از پنجاه کشور، نقشه‌های ایجاد انحراف در تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵۱ جوانان، تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی، استعمار سیاسی و نظامی و استثمار و تحمیل استبداد بر مسلمانان با شکست روبه‌رو خواهد شد و سرانجام دین حقّ اسلام بر جهان سایه خواهد افکند. ۲. تعبیر «دین حق» برای اسلام و تذکر این که سرانجام این دین بر همه‌ی ادیان پیروز می‌شود اشاره به آن است که دین حق یکی است و پس از ظهور اسلام ادیان دیگر باطل‌اند و پیروان آنها سرانجام شکست خواهند خورد؛ بنابراین یک راه مستقیم بیش‌تر وجود ندارد و همه‌ی ادیان در یک زمان حق نیستند. «۱» البته ادیان الهی هرکدام در مقطع زمانی خاص خود حق‌اند و واجب است که از آن ادیان پیروی کنند اما وقتی پیامبر بعدی با دین کامل‌تر می‌آید، دین قبلی نسخ می‌شود و پیروی از دین جدید واجب و تنها راه نجات خواهد بود و اسلام که کامل‌ترین دین حق نهایی است و بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد شد. ۳. در این آیه راه خدا و آیین اسلام و قرآن کریم به نور و روشنایی تشبیه شده که منشأ حیات، زیبایی، رشد، حرکت و آبادانی در زمین است؛ یعنی اسلام آیینی

حرکت‌آفرین است که جامعه‌ی انسانی را در مسیر تکاملی به پیش می‌برد و سرچشمه‌ی هر خیر و برکت است. ۴. در این آیه تلاش دشمنان اسلام به «فوت کردن با دهان» تشبیه شده است؛ یعنی آنان می‌خواهند نور آفتاب را با دهان خود خاموش کنند و این نهایت حقارت تلاش یک مخلوق ناتوان را در برابر اراده و قدرت بی‌پایان الهی نشان می‌دهد. چراغی را که ایزد برفروزد هر آن کس پُف کند ریشش بسوزد ۵. تعبیر «یُطفِئُوا» در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی توبه هم آمده است، اما در آیه‌ی فوق همراه با «لام» است. برخی لغویین برآن‌اند که این تعبیر در آن جا اشاره به خاموش کردن بدون مقدمه و در این جا اشاره به خاموش کردن همراه با مقدمات و اسباب است «۱» که در هر دو صورت این تلاش دشمنان اسلام با شکست روبه‌رو خواهد شد. ۶. تعبیر «یُریدُون» در این آیه، به صورت مضارع است و نشان می‌دهد که خواست و توطئه‌های دشمنان بر ضد اسلام ادامه خواهد داشت. «۲» ۷. مقصود از هدایت، همان دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از دین حق، اسلام است که اصول و فروعش حق و تاریخ و مدارکش نیز حق و روشن است. ۸. همراهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با هدایت و دین حق، دلیل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر است؛ زیرا چنانچه محتوای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش موافق حق و طرف‌دار آن باشد، طبعاً بر همه‌ی ادیان جهان پیروز می‌گردد. ۹. هر چه دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان‌تر شود، واقعیت‌ها بیش‌تر چهره می‌نمایند و موانع حق برطرف می‌شود و حق همه جا را فرا می‌گیرد و پیروز می‌شود، هر چند دشمنان مایل نباشند. آری؛ حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت‌های آفرینش بوده و در نهایت محکوم به شکست است. ۱۰. برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود از پیروزی اسلام در این آیه، پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان هویدا شده است و برخی دیگر از مفسران با استفاده از موارد استعمال ماده‌ی «اظهار» در قرآن، برآن‌اند که مقصود پیروزی عملی و عینی و ظاهری است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵۳ اما به نظر می‌رسد که مقصود آیه پیروزی همه جانبه‌ی اسلام بر ادیان دیگر در تمام جهان است و این واقعیت به تدریج در حال تحقّق است. ۱۱. در احادیث متعددی آمده است که وقتی محتوای این آیه تحقق می‌یابد که امام عصر عجل الله مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند. از امام صادق علیه السلام روایت شده که به خدا سوگند! هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند. «۱» البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و به تدریج در حال پیشرفت و تحقّق است، اما مقصود این احادیث آن است که تحقّق کامل آیه‌ی فوق و پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی عجل الله خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تلاش‌های دشمنان اسلام نافرجام است. ۲. فروغ اسلام هر روز پرنورتر می‌شود. ۳. مسیر تاریخ بشریت، به نفع اسلام و برخلاف اراده‌ی کافران، در حرکت است. ۴. دین حق یکی است و هر دینی غیر از اسلام باطل است. ۵. پیروزی نهایی و غلبه برجهان در انتظار مسلمانان است. ۶. کفر و شرک نورزید که نهایت آنها شکست است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵۴ قرآن کریم درآیات دهم تا سیزدهم سوره‌ی صف مؤمنان را به تجارتی پرسود با خدا از طریق ایمان و جهاد فرا می‌خواند و با بیان پاداش‌های دنیوی و اخروی آن می‌فرماید: ۱۰- ۱۳. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَی تِجَارَةٍ تُنجِیکُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِیمٍ* تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِکُمْ وَأَنفُسِکُمْ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ* یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَیُدْخِلْکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاکِنَ طَیِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ* وَأُخْرَی تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِیبٌ وَبَشِّرِالْمُؤْمِنِینَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به داد وستدی راه‌نمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟!* به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما بهتر است، اگر بدانید.* تا پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد و شما را در بوستان‌های (بهشتی) که نهرها از زیر [درختان] ش روان است و در خانه‌های پاکیزه در بوستان‌های (ویژه‌ی) ماندگار وارد کند؛ این کام‌یابی بزرگ است.* و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید (به شما بدهد، که آن) یاری از جانب خدا و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را مژده بده! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از

روش‌های تربیتی قرآن آن است که با مثال‌های زیبا و شوق آفرین افراد را به سوی سعادت جذب می‌کند: در این آیه تجارتی را مثال می‌زند که دارای چهار رکن است: الف) خریدار خداست؛ ب) فروشنده انسان‌های مؤمن هستند؛ ج) کالای این معامله، ایمان، اموال و جان‌های مؤمنان است؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵۵ د) بهای این معامله‌ی پرسود، بخشش گناهان و نجات از عذاب و ورود به بهشت در آخرت و امداد الهی و پیروزی در دنیاست. ۲. ایمان وجهاد برای مؤمنان واجب است اما خدا آنها را در یک معامله‌ی پرسود به انسان پیشنهاد می‌کند و این نهایت لطف خداست که در برابر عمل واجب که انجام آن وظیفه‌ی بنده است به او پاداش‌های زیاد می‌دهد. ۳. از آن جا که خدا نیاز به معامله و ایمان و اموال و جان‌های مردم ندارد، یادآور می‌شود که سود این تجارت به خود مؤمنان بازمی‌گردد و ایمان و جهاد برای آنان بهتر است، البته اگر آگاه باشند و سود و زیان واقعی را تشخیص دهند؛ و سود واقعی در پیروزی نهایی و نجات از آتش و ورود به بهشت است، نه در زندگی زودگذر دنیا. ۴. اگر مخاطب این آیات مؤمنان هستند، پس چرا دو باره از آنان می‌خواهد که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورند؟ اولًا، ایمان دارای درجات و مراتبی است و شاید این تعبیر آیه اشاره به آن است که ایمان سطحی برای معامله با خدا کافی نیست؛ تلاش کنید به درجات بالای ایمان دست یابید و ایمان خود را عمیق و خالص سازید. ثانیاً، در صدر آیه ایمان به طور مجمل اشاره شد و در این جا شرح آن آمد که ایمان به خدا و رسول است تا نشان دهد که ایمان به خدا از ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله جدا نیست. ۵. آیه‌ی یازده به نوع جهاد اشاره کرده است: الف) جهاد با اموال؛ ب) جهاد با جان. آری؛ جهاد هم به نیروهای رزمنده نیاز دارد هم به کمک‌های مردمی تا هزینه‌ها و وسایل جنگ تأمین شود و از آن جا که جهاد مالی مقدمه‌ی جهاد جانی است، قبل از آن بیان شد و هرچند که اهمیت جهاد با جان زیادتر است. برخی از مردم موفق می‌شوند که با جان و مال جهاد کنند و برخی فقط جهاد جانی می‌کنند و برخی که توانایی حضور در جبهه را ندارند تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵۶ جهاد مالی می‌کنند. ۶. در آغاز پاداش‌های اخروی مؤمنان مجاهد، بخشش گناهان و نجات از عذاب دردناک قرار داده شده است چرا که از طرفی بیش‌ترین ناراحتی فکری انسان به خاطر لغزش‌ها و گناهان است و از طرف دیگر تا انسان پاک نشود نمی‌تواند وارد بهشت شود. بنابراین نخستین هدیه به شهیدان راه خدا بخشایش گناهانشان است بلکه می‌توان استفاده کرد که مؤمنان مجاهد زنده نیز مورد عفو الهی قرار گرفته‌اند. ۷. بخشودن مؤمنان مجاهد در زمینه‌ی حقّ اللَّه (یعنی گناهانی که جنبه‌ی شخصی دارند) قطعی است، اما در مورد حقّ الناس (یعنی گناهانی که موجب پایمال شدن حق دیگران می‌شوند) رضایت مقابل لازم است. «۱» ۸. یکی از پاداش‌های اخروی مؤمنان مجاهد، بهشت و منازل پاک آن است؛ زیرا مسکن پاک یکی از شرایط اساسی آرامش و آسایش است؛ مسکنی که هیچ گونه آلودگی ندارد و انسان از آن لذت می‌برد. ۹. جهاد و جنگ وقتی ارزش دارد که در راه خدا و هدفمند باشد، وگرنه جنگ بدون انگیزه و هدف الهی، نوعی خون‌خواری است. ۱۰. پاداش‌های دنیوی مؤمنان مجاهد، امدادرسانی الهی و پیروزی نزدیک آنان بر دشمنان است. مقصود از این پیروزی، همان پیروزی مسلمانان در فتح مکه یا فتح ایران و روم یا پیروزی‌های نزدیک مسلمانان است. ولی بهتراست که گفته شود مخاطب این آیه همه‌ی مؤمنان در طول تاریخ هستند؛ بنابراین آیه معنای وسیعی دارد که شامل همه‌ی پیروزی‌های عصر پیامبر صلی الله علیه و آله وبعد از او و پیروزی‌های آینده‌ی مؤمنان مجاهد می‌شود، که فتح مکه یکی از مصادیق روشن آن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دنبال تجارت پرسود با خدا باشید تا به کامیابی بزرگ برسید. ۲. با سرمایه‌ی ایمان و جهاد، با خدا معامله کنید. ۳. تجارت با خدا سعادت دنیوی و اخروی به دنبال دارد. ۴. ایمان و جهاد باب ورود به بهشت است. ۵. ایمان و جهاد رمز استفاده از یاری الهی و پیروزی بر دشمنان است. ۶. ایمان به خدا از ایمان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جدا نیست. ۷. جهاد با جان از جهاد با مال جدا نیست. ۸. ایمان خود را ژرف کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی صف با الگو قرار دادن حواریون عیسی علیه السلام، مؤمنان را به یاری خدا می‌طلبد که پاداش آن پیروزی بر دشمن است و می‌فرماید: ۱۴. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ کَمَا قَالَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ لِلْحَوَارِیِّینَ مَنْ أَنصَارِی إِلَی اللَّهِ

قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ فَآمَنَت طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَت طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاوران خدا باشید، همان گونه که عیسی، پسر مریم، به حواریون گفت: «چه کسانی یاوران من با خدایند؟!» حواریون گفتند: «ما یاوران خداییم.» و گروهی از بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند؛ و کسانی را که ایمان آورده بودند بر (ضد) دشمنانشان (تقویت و) تأیید کردیم، پس پیروز شدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه مثالی از برخورد حواریون با عیسی علیه السلام بیان می‌کند که می‌تواند الگویی برای مسلمانان باشد؛ یعنی هنگامی که عیسی علیه السلام از تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵۸ اطرافیان و حواریون خود می‌خواهد که یاور خدا باشند و دین خدا و پیامبرش را یاری کنند، آنان با کمال اخلاص قبول می‌کنند و دین خدا را یاری می‌کنند و خدا نیز آنان را تقویت می‌کند و بردشمنانشان پیروز می‌گرداند؛ پس اگر شما مسلمانان نیز به یاری خدا (و دین او و پیامبرش) بشتابید، خدا شما را تقویت و بر دشمنانتان پیروز می‌گرداند. ۲. آیا خدای قدرتمند نیاز به یاری دارد که مؤمنان را به یاری خود می‌طلبد؟ مقصود از یاری خدا، یاری دین و پیامبر اوست و خدا ناتوان نیست و خود می‌تواند دین و پیامبرش را یاری کند، اما لطف و رحمت او شامل بندگان شده و این سعادت و افتخار را نصیب آنان ساخته است که با یاری خدا و دین او و پیامبرش، گامی در راه کمال بردارند و پاداش‌ها و امدادهای الهی را دریافت کنند و بردشمنانشان پیروز شوند. ۳. «حَوارِیُون» جمع «حَواری» و از ماده‌ی «حُور» به معنای شستن و سفید کردن است و گاهی به هر چیز سفید نیز گفته می‌شود. از آن جهت شاگردان و یاران مسیح علیه السلام را «حواریون» نامیده‌اند که قلبی پاک و روحی باصفا داشتند و در پاکیزه ساختن و روشن نمودن افکار دیگران و شست‌وشوی مردم از آلودگی و گناه کوشش فراوان داشتند. «۱» ۴. نکته‌ی جالب آن است که حواریون در پاسخ دعوت عیسی علیه السلام نگفتند: «ما یاور تواییم.»، بلکه گفتند: «ما یاوران خداییم.» و این نهایت توحید و اخلاص را می‌رساند و آنها را از هر گونه شرکی در مورد خدا بودن عیسی علیه السلام مبرا می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۵۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به یاری خدا (و دین حق و پیامبر صلی الله علیه و آله) بشتابید. ۲. فداکاری یاوران عیسی الگویی برای مؤمنان است. ۳. پیامبران الهی به خدا دعوت می‌کردند، نه به خود. ۴. دو دسته شدن مردم در برابر رهبران الهی پدیده‌ی جدیدی نیست. ۵. هرکس خدا را یاری کند خدا او را تقویت و تأیید و پیروز می‌کند. ۶. فرجام مؤمنان یاور خدا، پیروزی است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶۱

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبهٔالدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶۲ (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم

القرآن، جلال الـدین عبـدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسـی، نشـر مرتضـی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسـخه حاضـر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسـسه جواد، بیروت عکسـی برداری شـده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفیـد، محمـد بن محمـد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفیـد قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشـاد فی معرفهٔ حجج اللّه علی العباد، شیخ مفیـد، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیمـا اختلـف من الاخبـار، محمـد بن حسن شیخ طوسـی، دارالکتب الاسـلامیه، تهران، چـاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صـدوق ابوجعفر، محمـد بن علی بن حسـین بن موسـی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسـلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفیـد، محمـد بن محمـد بن نعمـان، کنگره جهانی هزاره مفیـد قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمـات القرآن الکریم، حسن مصـطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللّه المنیر، محمـد الکرمی، قم، مطبعـهٔ العلمیـهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلـدی. ۲۸. التفسیر والمفسّرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶۳ دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحیـد، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسـی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسـی). ۳۲. التوحیـد، محمـد بن علی ابن بـابویه، قم، جـامعه مدرسـین حـوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجـدول فی اعراب القرآن و صـرفه و بیـانه، محمـود صـافی، دار الرشـید دمشـق و موسـسه الامیـان بیروت، بی‌تـا. ۳۴. الجعفریات (الاشـعثیات)، محمد بن محمد بن اشـعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شـیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسـین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبـدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسـسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الـدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالـهٔ الذهبیهٔ (طب الرضا علیه السـلام)، امـام رضـا علیه السـلام، انتشـارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشـی، بـدر الـدین محمـد بن عبـداللّه، دار المعرفهٔ، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصـحیفهٔ السـجادیه، امام زین العابدین علیه السـلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصـراط المستقیم الی سـتحقی التقـدیم، علی بن یونس نباطی بیاضـی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشـرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نـذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمـد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقهٔ الاسـلام کلینی، محمـد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفـاری، دارالکتب الاسـلامیهٔ، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسـی. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶۴ ۴۵. المحـاسن، برقی، احمـد بن ابی عبـداللّه، دارالکتب الاسـلامیهٔ، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسـی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسنـد، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمـد راغب اصـفهانی، تهران، المکتبـهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشـگاه وآخرین پیـامبر، دکتر سـید رضـا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شـحاته، ترجمه سـید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقـدس، احمـد الواسـطی، مطبعـهٔ الصـدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعـهٔ لـدرر اخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات

الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔ اللّٰه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللّٰه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللّٰه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶۵ ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللّٰه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبهٔ الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللّٰه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّٰه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶۶ دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔاللّٰه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴

جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶۷ دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶۸ ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می‌باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۶۹ ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّه، دار الزهراء، بیروت،

۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرهٔالمعارف اسلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزههٔ النواظر المعروف (مجموعهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۷۰ آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبهٔ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسهٔ علوم القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۷۱ ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللّه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب

الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللَّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاـکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۷۲ ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللَّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت:، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۷۳ ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیهٔ اللَّه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷

ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیستم، ص: ۳۷۴ ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیة اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرة، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات

شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».